



جهت اطلاع مدیران عامل محترم بانک‌های دولتی، غیردولتی، شرکت دولتی پست بانک، موسسات اعتباری غیربانکی، بانک مشترک ایران - ونزوئلا و بانک بین‌المللی کیش ارسال می‌شود.

با سلام؛

احتراماً، همان‌گونه که استحضار دارند یکی از مباحث حایز اهمیت در حوزه نظارت بانکی در سطح داخلی و بین‌المللی به موضوع کفایت سرمایه بانک اختصاص دارد. سرمایه بانک به واسطه برخورداری از قدرت جذب زیان‌های غیرمنتظره، نقشی بسیار کلیدی در حفظ سلامت و ثبات نظام بانکی و مالی ایفا می‌کند. از این‌رو، ناظران بانکی باید اطمینان حاصل کنند که بانک‌های تحت نظارت آن‌ها همواره از سرمایه کافی برای جذب زیان‌ها و در عین حال، تداوم اعتباردهی به مشتریان - حتی در شرایط بحران - برخوردار باشند. لیکن، میزان و نحوه تعیین حداقل سرمایه مناسب و کافی برای بانک‌ها، همواره یکی از دغدغه‌های بسیار مهم ناظران بانکی به شمار می‌رود. افزون بر آن، وقوع بحران‌های مالی بین‌المللی به‌خوبی آشکار ساخت که به دلیل در هم تنیدگی و بهم پیوستگی نظام‌های بانکی و مالی کشورها، وقوع بحران در نظام بانکی یک کشور به‌صورت بالقوه می‌تواند به نظام بانکی سایر کشورها نیز سرایت کرده و در نهایت به بروز ریسک‌های سیستمی در سطح جهانی و به تبع آن، به بحران‌های مالی و حتی اقتصادی جهانی منجر گردد. لذا، اتخاذ رویکرد یکسان و اعمال استانداردها و مقررات مشترک توسط همه کشورها در خصوص شاخص‌های نظارت بانکی به‌ویژه در ارتباط با سرمایه بانک‌ها ضرورت دارد. بر همین اساس، کمیته نظارت بانکی بال در سال ۱۹۸۸ مبادرت به تدوین اولین استاندارد بین‌المللی در زمینه سرمایه مورد نیاز بانک‌ها، موسوم به «توافقنامه بال یک» نمود. توافقنامه بال یک با استقبال جهانی روبرو شد و در سطح وسیعی در حوزه نظارت بانکی کشورهای جهان به اجرا درآمد که از این حیث یک موفقیت بزرگ برای کمیته بال به شمار می‌رفت. لیکن، توافقنامه مذکور به لحاظ محدود بودن ضرایب ریسک، نادیده گرفتن ظرفیت مالی و کشش اعتباری متقاضیان تسهیلات، معطوف بودن به وثیقه ملکی و مغفول ماندن از سایر انواع وثایق و تضمینات به‌عنوان عوامل کاهنده و تعدیل‌کننده ریسک اعتباری، تمرکز صرف به ریسک اعتباری و منظور نشدن سایر ریسک‌های فراروی مؤسسات اعتباری همچون ریسک عملیاتی، دارای نقایص و کاستی‌هایی بود که موجب شد کمیته بال، سند دیگری را تحت عنوان «همگرایی بین‌المللی در زمینه استانداردها و اندازه‌گیری سرمایه بانک‌ها» موسوم به توافقنامه بال دو جایگزین آن نماید.

پیش نویس توافقنامه بال دو، نخستین بار در ژوئن سال ۱۹۹۹ میلادی تنظیم و پس از چند مرحله انتشار مقدماتی و اخذ نظرات اصلاحی و اجرای آزمایشی، سرانجام از ابتدای سال ۲۰۰۸ میلادی به مرحله اجرا درآمد. مستحضرنند که توافقنامه مزبور دارای سه بخش (رکن) اصلی شامل: حداقل سرمایه لازم بانکها برای پوشش ریسکهای مترتب، فرآیند بررسی نظارتی و انضباط بازاری باشد که البته این عوامل به صورت متقابل بر یکدیگر تاثیرگذار هستند.

کمیته نظارت بانکی بال در مقدمه سند موافقتنامه بال دو، هدف اصلی از بازبینی و اصلاح توافقنامه بال یک را تدوین چهارچوبی مناسب برای تقویت هر چه بیشتر ثبات و سلامت نظام بانکی بین المللی و نیز اعمال یک رویکرد هماهنگ توسط همه کشورها در خصوص کفایت سرمایه بانکها بیان نمود. همچنین، اعلام شد که سند مذکور موجب می شود روش های مدیریت ریسک در صنعت بانکداری تقویت گردد و در واقع این امر، یکی از مزیت های مهم سند مذکور به شمار می رفت. در جریان تدوین سند بال دو، کمیته نظارت بانکی بال به دنبال آن بود که به مجموعه ای از الزامات سرمایه ای بسیار حساس تر به ریسک دست یابد و در عین حال، ویژگی های خاص نظام های نظارتی و حسابداری هر یک از کشورهای عضو را نیز مورد توجه قرار دهد. همچنین، کمیته بال، عناصر کلیدی چهارچوب کفایت سرمایه سال ۱۹۸۸ نظیر الزام عمومی بانکها به حفظ کل سرمایه به میزان حداقل ۸ درصد دارایی های موزون به ریسک، ساختار اصلی سند اصلاحیه ریسک بازار سال ۱۹۹۶ در ارتباط با ترتیبات ریسک بازار و تعریف سرمایه واجد شرایط را در چهارچوب بازبینی شده مزبور، حفظ کرد. ضمن آن که در موافقتنامه بال دو، مجموعه ای از گزینه های اختیاری برای تعیین الزامات سرمایه ای در ارتباط با ریسک اعتباری و عملیاتی ارائه شد تا بانکها و ناظران بتوانند با توجه به فعالیتها و زیرساخت های بازار مالی خود، مناسب ترین رویکرد را برگزینند. افزون بر آن، بر اساس سند مذکور، در خصوص نحوه اعمال هر یک از گزینه های انتخابی، میزان محدودی از صلاحدید ملی نیز در نظر گرفته شد تا ناظران بانکی هر یک از کشورها، استانداردهای مورد نظر را با توجه به شرایط متفاوت بازارهای خود تعدیل نمایند. لذا، ویژگی های مزبور ایجاب می کرد ناظران ملی با جدیت تلاش کنند تا هماهنگی و انطباق با الزامات سند تضمین شود.

گرچه به لحاظ حقوقی اجرای توافقنامه ها و استانداردهای منتشره توسط کمیته نظارت بانکی بال برای کشورهای غیرعضو کمیته مذکور، الزامی نیست؛ لیکن، با توجه به محتوای فنی و مزیت های اجرای آنها برای مدیریت بهینه ریسک در نظام بانکی یک کشور و نیز مقبولیت جهانی استانداردهای مورد نظر تا جایی که تطبیق با آنها به معیاری مهم برای احراز سلامت و ثبات نظام بانکی یک کشور و به تبع آن، برقراری



مراودات بانکی بین‌المللی مبدل شده است، حرکت به سوی بومی‌سازی و اجرای استانداردهای نظارتی کمیته بال حتی برای کشورهای غیرعضو نیز از اهمیت خاصی برخوردار است. بر اساس همین رویکرد، توافقنامه سرمایه بال دو در نظام بانکی کشور از همان اوایل نسخه نهایی انتشار سند مذکور، از دغدغه‌های حوزه نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران بوده است. لیکن بنا به علل مختلف از جمله فقدان زیرساخت‌ها و شرایط و تمهیدات لازم این مهم تاکنون عملی نشده است. با این وجود حوزه نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با تشکیل کارگروهی در صدد برآمد در گام صفر، ترجمه و انتشار سند توافقنامه مذکور را در دستور کار قرار دهد تا متعاقباً و پس از درک نسبی از محتوای سند و بومی‌سازی آن، ضوابط و مقررات نظارتی حسب الزامات توافقنامه مذکور تدوین یا بازنگری شود و در گام بعدی، زمینه‌های لازم برای اجرای کامل توافقنامه فراهم گردد. گرچه از همان بدو امر قابل پیش‌بینی بود که سند بیش از ۳۳۰ صفحه‌ای بال دو (با احتساب ضمائم آن) بسیار پیچیده، تخصصی و مملو از اصطلاحات و مفاهیم و ابزارهای فاقد مشابه در نظام پولی و بانکی کشور است و به همین دلیل نیز ترجمه آن زمان بر خواهد بود، لیکن پس از ورود جدی به آن، مشخص شد که خیلی بیشتر از آن چه تصور می‌شده است، متن تخصصی و متکلف است. به طوری که گاه‌گاه برای درک یک جمله، بیش از چندین ساعت وقت صرف شد. نهایتاً با اهتمام و عزم اعضای کارگروه مربوط، بخش نخست ترجمه سند به انجام رسیده است. البته ترجمه انجام شده نیز با وجود همه تلاش‌ها و تدقیق‌ها، عاری از ضعف و نقص و ابهام نیست که امید است با دریافت نظرات و پیشنهادات اصلاحی کارشناسان و صاحب‌نظران نظام بانکی کشور و نیز سایر متخصصین این حوزه، ایرادات و ابهامات آن به نحوی مطلوب مرتفع گردد.

البته چنانچه مستحضرنند پس از بروز بحران مالی جهانی اخیر، توافقنامه بال دو خیلی دوام نیاورد و کمیته نظارت بانکی بال با آسیب‌شناسی و واکاوی جامع موضوع، «توافقنامه سرمایه بال سه» را در سال ۲۰۱۱ منتشر ساخت. لیکن، باید توجه داشت که انتشار «توافقنامه بال سه» هرگز به منزله کنار گذاشته شدن کامل و جایگزین توافقنامه بال دو نمی‌باشد. زیرا در سند بال سه بیشتر بر ارتقای کیفیت سرمایه در محاسبه نسبت کفایت سرمایه تمرکز شده و با رویکردی محتاطانه‌تر سهم مؤلفه آورده نقدی سهامداران را که از قابلیت بیشتری برای جذب زیان در شرایط بحران‌های مالی برخوردار است، در صورت کسر نسبت کفایت سرمایه تقویت نماید. به گونه‌ای که حداقل سهم آن را از ۲ درصد به ۴/۵ درصد افزایش داده است. به علاوه، با معرفی دو سپر حفاظتی سرمایه‌ای به نام‌های سپر احتیاطی (۲/۵ درصد) و سپر سرمایه‌ای ضد دوره‌ای (۲/۵ درصد)، عملاً نسبت کفایت سرمایه را از ۸ درصد به ۱۳ درصد ارتقاء بخشیده است. ضمن آن که تلاش



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

نموده شاخص‌هایی نیز برای پوشش ریسک نقدینگی معرفی نماید و نهایتاً آن که برای بانک‌های به لحاظ سیستمی با اهمیت نیز، الزامات سرمایه‌ای جداگانه‌ای وضع کرده است. این در حالی است که در توافقنامه بال دو، تمرکز بر مخارج کسر کفایت سرمایه بوده و در موزون نمودن دارایی‌ها به ریسک، اولاً تمامی ریسک‌ها از جمله ریسک عملیاتی را مورد نظر داشته و ثانیاً روش‌های دقیق و متفاوتی را برای محاسبه میزان سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک‌های فراروی بانک‌ها معرفی نموده است. ضمن آن که نباید از نظر دور داشت که بازه زمانی اجرای کامل بال سه تا سال ۲۰۱۹ مقرر شده است. لذا، باید اذعان داشت که «توافقنامه بال دو» با وجود انتشار سند بال سه همچنان از اهمیت زیادی برخوردار بوده و قابل استناد و اجرا است.

در خاتمه، خاطر نشان می‌سازد فایل الکترونیکی سند مزبور در پایگاه اطلاع‌رسانی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به نشانی <http://www.cbi.ir> - بخش نظارت بانکی - قابل دسترسی و بهره‌برداری بوده و انتشار آن نیز در قالب کتاب در دستور کار قرار دارد. امید است این اثر و بخش‌های تکمیلی آن بتواند نقشی موثر هر چند اندک، در توسعه و تعمیق ادبیات نظارت بانکی و در نهایت بومی‌سازی و پیاده‌سازی مفاد آن در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران ایفا نماید. انشاء.../۲۶۳۹۷۹۷

مدیریت کل مقررات، مجوزهای بانکی و مبارزه با پولشویی

اداره مطالعات و مقررات بانکی

عبدالمهدی ارجمندنژاد حمیدرضا غنی‌آبادی

۳۸۱۶

۳۲۱۵-۰۲

تهران - بلوار میرداماد - پلاک ۱۶۸، تلفن: ۲۹۹۵۱

کد پستی: ۳۳۱۱۱-۱۵۴۹۶، فاکس: ۶۶۷۲۵۶۷۴، سایت اینترنتی: www.cbi.ir



همگرایی بین‌المللی

در زمینه استانداردها و اندازه‌گیری سرمایه بانکها

(توافقنامه بال ۲)

چهار چوب بازمینی شده

(نسخه جامع: ژوئن ۲۰۰۶)

از انتشارات کمیته نظارت بانکی بال

بانک تسویه بین‌المللی

جلد یکم

گروه مترجمین (به ترتیب حروف الفبا):

دکتر حسین صدقی

مهدی کاظمیان

حمیدرضا محزونیه

فردوس زارع قاجاری

علی قیصری گودرزی

مریم کشتکار

معاونت نظارتی

بانک مرکزی جمهوری

اسلامی ایران

بلوار میرداماد، شماره ۱۹۸

تلفن: ۲۹۹۵۱ (+۹۸۲۱)

وب سایت: www.cbi.ir



بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

معاونت نظارتی

کتاب التعمیر



فهرست

۱۱	مقدمه
۲۰	ساختار سند حاضر
۲۱	بخش یکم: گستره اجرا
۲۱	۱. مقدمه
۲۲	۲. بانک ها، مؤسسات اوراق بهادار و سایر مؤسسات مالی تابعه
	۳. سرمایه‌گذاری‌های خرد با اهمیت در مؤسسات بانکی، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار و سایر
۲۳	مؤسسات مالی
۲۴	۴. مؤسسات بیمه
۲۶	۵. سرمایه‌گذاری‌های با اهمیت در مؤسسات تجاری
۲۶	۶. کسورات سرمایه‌گذاری مرتبط با این بخش
۲۹	بخش دوم: رکن اول - حداقل الزامات سرمایه‌ای
۲۹	۱. محاسبات حداقل سرمایه مورد نیاز
۲۹	الف. سرمایه نظارتی
۳۰	ب. دارایی‌های موزون به ریسک
۳۰	پ. ترتیبات دوره گذار
۳۲	۱. الف. اجزای سرمایه
۳۲	الف. سرمایه اصلی (حقوق صاحبان سهام پایه) یا سرمایه لایه ۱
۳۳	ب. سرمایه تکمیلی - لایه ۲
۳۳	۱. اندوخته‌های افشا نشده
۳۴	۲. اندوخته تجدید ارزیابی دارایی‌ها
۳۵	۳. ذخایر عمومی / اندوخته‌های عمومی زیان - وام
۳۶	۴. ابزارهای دوگانه بدهی - سرمایه
۳۶	۵. بدهی‌های تبعی مدت‌دار



- پ. ابزارهای تبعی کوتاه‌مدت برای پوشش ریسک بازار (سرمایه لایه ۳) ۳۷
- ت. کسور از سرمایه ۳۸
۲. ریسک اعتباری - رویکرد استاندارد ۴۰
- الف) انواع مطالبات ۴۲
۱. مطالبات از دولت ۴۲
۲. مطالبات از مؤسسات و نهادهای بخش عمومی غیردولتی (PSEs) ۴۳
۳. مطالبات از بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه (MDBs) ۴۴
۴. مطالبات از بانک‌ها ۴۵
۵. مطالبات از شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار ۴۷
۶. مطالبات از شرکت‌ها ۴۷
۷. مطالبات مشمول پرتفوی‌های خرد نظارتی ۴۸
۸. مطالبات دارای تضمین املاک مسکونی ۴۹
۹. مطالبات دارای تضمین اموال غیرمنقول تجاری ۵۰
۱۰. تسهیلات سررسید گذشته ۵۰
۱۱. طبقات از مطالبات دارای ریسک بیشتر ۵۱
۱۲. سایر دارایی‌ها ۵۲
۱۳. اقلام زیر خط ترازنامه ۵۲
- ب. ارزیابی مستقل اعتباری ۵۵
۱. فرآیند به رسمیت شناختن ۵۵
۲. معیارهای واجد شرایط بودن ۵۵
- پ. ملاحظات اجرایی ۵۷
- فرآیند تطبیق وزن ریسک ۵۷



۵۸	۲. تعدد ارزیابی‌ها
۵۸	۳. ارزیابی ناشر در مقابل ارزیابی ابزار منتشره
۵۹	۴. ارزیابی تسهیلات و تعهدات با واحد پول ملی و ارز
۶۰	۵. ارزیابی کوتاه مدت / بلند مدت
۶۱	۶. سطح کاربرد ارزیابی
۶۲	۷. رتبه‌های غیر درخواستی
۶۲	ت. رویکرد استاندارد - کاهش ریسک اعتباری
۶۲	۱. کلیات
۶۲	(۱) مقدمه
۶۳	(۲) ملاحظات کلی
۶۴	(۳) پشتوانه قانونی
۶۴	۲. بررسی اجمالی تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری
۶۴	(۱) معاملات دارای وثیقه
۶۵	- چهارچوب کلی و شرایط حداقلی
۶۷	- رویکرد ساده
۶۷	- رویکرد جامع
۷۰	(۲) خالص سازی اقلام بالای خط ترازنامه
۷۰	(۳) ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری
۷۰	(۴) عدم تطابق سررسید
۷۱	(۵) سایر موارد
۷۱	۳. وثایق
۷۱	(۱) وثایق مالی واجد شرایط
۷۳	(۲) رویکرد جامع
۷۳	محاسبه سرمایه مورد نیاز:



- ۷۵ بر آورد داخلی برای تعیین مقدار تعدیل احتیاطی ...
- ۷۶ معیارهای کمی
- ۷۷ معیارهای کیفی
- تعدیل دوره های متفاوت نگهداری در غیاب تجدید نظر روزانه در میزان ودیعه و ارزش گذاری روزانه مبتنی بر بازار ۷۸
- ترتیبات معاملات باز خریدی دارای پوشش با قرارداد اصلی خالص سازی ۸۱
- استفاده از مدل ها ۸۳
- (۳) رویکرد ساده ۸۵
- شرایط حداقلی ۸۵
- استثنائات برای حداقل وزن ریسک ۸۶
- (۴) معاملات اوراق مشتقه فرابورس دارای وثیقه ۸۶
۴. خالص سازی اقلام بالای خط ترازنامه ۸۷
۵. ضمانت نامه ها و اوراق مشتقه اعتباری ۸۸
- (الف) الزامات عملیاتی ۸۸
- الزامات عملیاتی مشترک در خصوص ضمانت نامه ها و اوراق مشتقه اعتباری ۸۸
- الزامات عملیاتی بیشتر برای ضمانت نامه ها ۸۹
- الزامات عملیاتی بیشتر برای اوراق مشتقه اعتباری ۸۹
- (۲) طیف ضامنین (ضامنین متقابل) و پوشش دهندگان واجد شرایط ۹۲
- (۳) اوزان ریسک ۹۳
- پوشش بخشی ۹۳
- پوشش طبقه ای ۹۳
- (۴) عدم تطابق ارزی ۹۴
- (۵) ضمانت نامه های دولتی و ضمانت نامه های متقابل ۹۴
۷. سایر اجزای مرتبط با ترتیبات تکنیک های کاهش ریسک اعتباری ۹۷
- (۱) ترتیبات مربوط به مجموعه ای از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری ۹۷



- ۹۷ (۲) اوراق مشتقه در معرض اولین نکول.....
- ۹۸ (۳) اوراق مشتقه اعتباری در معرض دومین نکول.....
- ۹۸..... ۳. ریسک اعتباری - رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی (IRB)
- ۹۸..... الف. مرور کلی.....
- ۹۹..... ب. نحوه عملکرد رویکرد IRB.....
- ۱۰۰..... (۱) تعریف تسهیلات و تعهدات شرکتی.....
- ۱۰۱..... - تأمین مالی پروژه.....
- ۱۰۲..... - تأمین مالی کالاهای سرمایه‌ای.....
- ۱۰۲..... - تأمین مالی کالاها.....
- ۱۰۳..... - املاک درآمدزا (IPRE).....
- ۱۰۳..... - املاک تجاری پرنوسان.....
- ۱۰۴..... (ii) تعریف تسهیلات و تعهدات دولتی.....
- ۱۰۴..... (iii) تعریف تسهیلات و تعهدات بانکی.....
- ۱۰۴..... (iv) تعریف تسهیلات و تعهدات خرد.....
- ۱۰۴..... ماهیت قرض‌گیرنده یا ارزش پایین تسهیلات انفرادی.....
- ۱۰۶..... - تعداد زیاد تسهیلات و تعهدات.....
- ۱۰۶..... (v) تعریف تسهیلات و تعهدات خرد‌گردان واجد شرایط.....
- ۱۰۷..... (vi) تعریف مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری.....
- ۱۰۹..... (vii) تعریف اسناد دریافتنی خریداری شده واجد شرایط.....
- ۱۰۹..... - اسناد دریافتنی خرد.....
- ۱۰۹..... - اسناد دریافتنی شرکتی.....
- ۱۱۵..... (ii) محاسبه موازی.....
- ۱۱۶..... (ii) تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی، بانکی و خرد.....



- ۱۱۷..... (iii) مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری
- ۱۱۷..... C. قواعدی برای تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی
- ۱۲۰..... دسته‌بندی نظارتی و وزن‌های ریسک ناشی از زیان غیرمنتظره برای سایر تسهیلات و تعهدات ویژه ۱۲۰
- ۱۲۱..... وزن‌های ریسک برای املاک تجاری پرنوسان
- ۱۲۱..... دسته‌بندی نظارتی و وزن‌های ریسک زیان غیرمنتظره برای املاک تجاری پرنوسان
- ۱۲۳..... (i) احتمال نکول (PD)
- ۱۲۴..... (ii) زیان با فرض نکول (LGD)
- ۱۲۴..... **LGD در رویکرد پایه**
- ۱۲۴..... - ترتیبات مربوط به مطالبات بدون پوشش و وثیقه احصاء نشده
- ۱۲۴..... - وثیقه در رویکرد پایه
- ۱۲۵..... - روش شناخت وثایق مالی واجد شرایط در رویکرد پایه
- ۱۲۶..... - الگویی از رویکرد جامع
- ۱۲۶..... - روش شناسایی وثایق واجد شرایط در رویکرد IRB
- ۱۲۷..... **حداقل LGD برای بخش تضمین شده تسهیلات و تعهدات دارای اولویت**
- ۱۲۸..... روشی برای ترتیبات مربوط به مجموعه وثایق
- ۱۲۸..... **LGD در رویکرد پیشرفته**
- ۱۲۹..... - ترتیباتی برای معاملات مشخص بازخریدی
- ۱۲۹..... - ترتیبات مربوط به تضامین و اوراق مشتقه اعتباری
- ۱۲۹..... - شناسایی در رویکرد پایه
- ۱۳۰..... - شناسایی در رویکرد پیشرفته
- ۱۳۱..... - الزامات عملیاتی برای شناسایی نکول مضاعف
- ۱۳۳..... (iii) منابع در معرض نکول (EAD)
- ۱۳۴..... - اندازه‌گیری تسهیلات و تعهدات برای موارد بالای خط ترازنامه
- ۱۳۴..... **EAD در رویکرد پایه**
- ۱۳۵..... **EAD در رویکرد پیشرفته**



- اندازه‌گیری منابع در معرض ریسک برای معاملات که بانک‌ها را در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می‌دهد ۱۳۵
- (iv) سررسید مؤثر (M) ۱۳۵
- ترتیباتی برای عدم تطبیق سررسیدها ۱۳۸
- D. قواعد مربوط به تسهیلات و تعهدات خرد ۱۳۸
۱. دارایی‌های موزون به ریسک برای تسهیلات و تعهدات خرد ۱۳۹
- (i) تسهیلات و تعهدات با پوشش وثیقه‌ای واحد مسکونی ۱۳۹
- (ii) تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط ۱۴۰
- (iii) سایر تسهیلات و تعهدات خرد ۱۴۰
۲. اجزاء ریسک ۱۴۱
- E. قواعدی برای سرمایه‌گذاری در سهام ۱۴۳
- روش ساده وزن ریسک ۱۴۴
- روش‌های مبتنی بر مدل‌های داخلی ۱۴۴
- F. قواعدی برای اسناد دریافتی خریداری شده ۱۴۹
۱. دارایی‌های موزون به ریسک برای ریسک نکول ۱۵۰
- ترتیبات مربوط به رویکرد IRB پایه ۱۵۱
- رویکرد IRB پیشرفته ۱۵۲
۲. دارایی‌های موزون به ریسک برای ریسک ترفیق ۱۵۳
۳. ترتیبات مربوط به تنزیل قیمت خرید برای اسناد دریافتی ۱۵۴
۴. شناسایی گاهندهای ریسک اعتباری ۱۵۴
- G. ترتیبات مربوط به زیان‌های مورد انتظار و شناسایی میزان ذخایر ۱۵۵
۱. محاسبه زیان مورد انتظار ۱۵۵
- (i) زیان مورد انتظار برای منابع در معرض ریسک به غیر از تسهیلات ویژه موضوع معیارهای دسته بندی نظارتی ۱۵۶



- (ii) زیان مورد انتظار برای منابع در معرض ریسک ناشی از تسهیلات ویژه موضوع معیارهای دسته بندی نظارتی ۱۵۶
۲. محاسبه ذخایر ۱۵۸
۳. ترتیبات مربوط به زیان مورد انتظار و ذخایر 159

استفاده از مطالب این سند با ذکر منبع بلامانع است.



مقدمه

۱. در این سند، ماحصل تلاش‌های سال‌های اخیر کمیته نظارت بانکی بال^۱ (که از این پس، در این متن، "کمیته" نامیده می‌شود) برای حفظ همگرایی بین‌المللی در زمینه مقررات نظارتی حاکم بر کفایت سرمایه بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی، ارایه شده است. در پی انتشار اولین دور پیشنهادات برای بازبینی چهارچوب کفایت سرمایه در ژوئن ۱۹۹۹، بررسی‌های گسترده‌ای در تمامی کشورهای عضو آغاز شد و پیشنهادات بسیاری نیز در اختیار مراجع نظارتی در سراسر جهان قرار گرفت. متعاقب آن، در ژانویه ۲۰۰۱ و آوریل ۲۰۰۳، کمیته، پیشنهادات تکمیلی را برای بررسی و اظهار نظر منتشر کرد و افزون بر آن، نسبت به انجام سه مورد مطالعه مبتنی بر ارزیابی اثر کمی در ارتباط با پیشنهادات خود مبادرت نمود. نتایج این تلاش‌ها منجر به اعمال اصلاحات متعدد و ارزشمندی در پیشنهادات اولیه شد. سند حاضر، در واقع بیانیه کمیته است که مورد موافقت تمامی اعضای آن قرار گرفته است. در این سند، جزئیات چهارچوب مورد توافق اعضای کمیته در زمینه اندازه‌گیری کفایت سرمایه و استانداردهای حداقلی قابل اعمال ارائه شده است که مراجع نظارتی ملی کشورهای عضو کمیته برای اجرای آن‌ها در کشورهای متبوع خود تلاش خواهند کرد. این چهارچوب و استانداردهای مندرج در آن، مورد تأیید روءسای بانک‌های مرکزی و روءسای مراجع نظارت بانکی کشورهای عضو گروه ۱۰، قرار گرفته است.

۲. کمیته انتظار دارد اعضاء با اتخاذ روش‌های مناسب در کشورهای متبوع خود در جهت اجرای مفاد چهارچوب مزبور حرکت کنند. در برخی موارد، روش‌های مزبور در بردارنده انجام ارزیابی‌های بیشتر درباره اثرات ناشی از اجرای چهارچوب کمیته خواهد بود و نیز فرصت بیشتری برای طرف‌های ذی‌نفع فراهم خواهد کرد تا نظرات خود را در اختیار مراجع ملی قرار دهند. هدف کمیته این است که چهارچوب ارایه‌شده در اینجا، تا پایان سال ۲۰۰۶ اجرایی شود. لیکن، کمیته احساس می‌کند در پیشرفته‌ترین روش‌ها نیز انجام مطالعات اثر سنجی یا

۱. کمیته نظارت بانکی بال (The Basel Committee on Banking Supervision)، کمیته‌ای متشکل از مراجع نظارت بانکی است که در سال ۱۹۷۵ میلادی توسط رؤسای بانک‌های مرکزی کشورهای گروه ۱۰ (G10) تاسیس شده است. نمایندگانی از مراجع نظارت بانکی و بانک‌های مرکزی کشورهای بلژیک، کانادا، فرانسه، آلمان، ایتالیا، ژاپن، لوگزامبورگ، هلند، اسپانیا، سوئد، سوئیس، بریتانیا و ایالات متحده در این کمیته عضویت دارند. جلسات کمیته مزبور در محل بانک تسویه بین‌المللی (Bank for International Settlements)، در شهر سوئیس که محل استقرار دبیرخانه کمیته نیز است تشکیل می‌شود.



محاسبات موازی به یک سال زمان نیاز دارد و از این‌رو، چهارچوب مورد نظر در پایان سال ۲۰۰۷ به اجرا در خواهد آمد. در بندهای ۴۵ تا ۴۹ جزئیات بیشتری درباره گذار به سوی چهارچوب بازبینی شده و ارتباط آن با رویکردهای خاص، بیان شده است.

۳. سند حاضر برای تمامی مراجع نظارتی سراسر جهان ارسال شد تا آن‌ها تشویق شوند در صورت انطباق چهارچوب بازبینی شده با اولویت‌های نظارتی آن‌ها، اجرای آن را در دستور کار خود قرار دهند. در حالی که چهارچوب مزبور به گونه‌ای طراحی شد که گزینه‌های اختیاری برای بانک‌ها و نظام‌های بانکی سراسر جهان در آن لحاظ شده است، کمیته تأیید می‌کند که حرکت به سوی اجرای چهارچوب مورد نظر در آینده نزدیک، برای تمامی مراجع نظارتی غیرعضو گروه ۱۰، در اولویت نخواهد بود، به لحاظ این که آن‌ها اولویت‌های دیگری برای تقویت نظارت خود دارند. در این‌گونه موارد، هر ناظر ملی به هنگام تدوین جدول زمانی و روش اجرا، باید با دقت مزیت‌های این چهارچوب را در فضای نظام بانکی داخلی خود مورد ارزیابی قرار دهد.

۴. هدف اصلی کمیته از بازبینی توافق سال ۱۹۸۸^۲، این بود که چهارچوب مناسبی برای تقویت هر چه بیشتر ثبات و سلامت نظام بانکی بین‌المللی ایجاد شود، ضمن آن که تضمین شود تا در پرتو اعمال یک رویکرد هماهنگی در میان کشورها، مقررات کفایت سرمایه منشأ اصلی نابرابری در رقابت در میان بانک‌های فعال در عرصه بین‌المللی نباشد. کمیته بر این باور است که چهارچوب اصلاحی، موجب خواهد شد روش‌های مدیریت ریسک در صنعت بانکداری تقویت شود و این امر یکی از مزیت‌های مهم چهارچوب مزبور به شمار می‌رود. کمیته اذعان می‌دارد که بانک‌ها و سایر طرف‌های ذی‌نفع در اظهار نظرات خود درباره پیشنهادات کمیته، از مفهوم و منطق رویکرد مبتنی بر سه رکن (حداقل الزامات سرمایه‌ای، ارزیابی نظارتی و نظم بازار) که ارکان چهارچوب اصلاحی را تشکیل می‌دهند استقبال نمودند. به‌طور کلی، آن‌ها در ارتباط با بهبود مقررات ناظر بر سرمایه به‌منظور لحاظ کردن تغییرات بانکداری و روش‌های مدیریت ریسک همراه با حفظ مزیت‌های چهارچوبی که می‌تواند تا حد ممکن به‌طور یکنواخت در سطح ملی اعمال شود، حمایت خود را اعلام کردند.

². International Convergence of Capital Measurement and Capital Standards, Basel Committee on Banking Supervision (July 1988) as amended.



۵. در جریان تدوین چهارچوب بازبینی شده، کمیته به دنبال آن بود که به الزامات سرمایه‌ای بسیار حساس‌تر به ریسک دست یابد که به لحاظ مفهومی، منطقی و معقول باشد و در عین حال ویژگی‌های خاص نظام‌های نظارتی و حسابداری فعلی هر یک از کشورهای عضو را با دقت بسیار مورد توجه قرار دهد. کمیته بر این باور است که هدف فوق‌الذکر، حاصل شده است. همچنین، کمیته، عناصر کلیدی چهارچوب کفایت سرمایه سال ۱۹۸۸ نظیر الزام عمومی بانک‌ها به حفظ کل سرمایه به میزان حداقل ۸ درصد دارایی‌های موزون به ریسک، ساختار اصلی سند اصلاحیه ریسک بازار سال ۱۹۹۶ در ارتباط با ترتیبات ریسک بازار و تعریف سرمایه واجد شرایط را در چهارچوب بازبینی شده حاضر، حفظ کرده است.

۶. نوآوری مهم چهارچوب اصلاحی، استفاده بیشتر از ارزیابی‌های داخلی ریسک است که در محاسبات سرمایه توسط نظام‌های داخلی بانک‌ها ارایه می‌شوند. کمیته در این مرحله، مجموعه مفصلی از الزامات حداقلی را نیز ارائه می‌کند که برای حصول اطمینان از یکپارچگی این گونه ارزیابی‌های داخلی از ریسک طراحی شده است. قصد کمیته این نیست که قالب یا جزئیات عملیاتی سیاست‌ها و رویه‌های ارزیابی ریسک را به بانک‌ها دیکته کند. هر مقام ناظر مجموعه‌ای از روش‌های ارزیابی را تدوین خواهد کرد تا اطمینان حاصل کند نظام‌ها و کنترل‌های بانک‌ها برای این که به‌عنوان مبنایی برای محاسبه سرمایه مورد استفاده قرار گیرند، کفایت می‌کند. ناظران به‌هنگام تعیین میزان آمادگی یک بانک به‌ویژه در طول مرحله اجرای چهارچوب، باید قضاوت‌های درستی داشته باشند. کمیته انتظار دارد مقامات نظارتی کشورها بر روی موضوع انطباق با الزامات حداقلی نه به‌عنوان غایت اصلی، بلکه به‌عنوان ابزاری برای حصول اطمینان از توانایی بانک‌ها در امر ارایه ورودی‌های احتیاطی برای محاسبات سرمایه تمرکز داشته باشند.

۷. در چهارچوب اصلاحی، مجموعه‌ای از گزینه‌های اختیاری برای تعیین الزامات سرمایه‌ای در ارتباط با ریسک اعتباری و عملیاتی ارایه شده تا بانک‌ها و ناظران بتوانند با توجه به فعالیت‌ها و زیرساخت‌های بازار مالی خود، مناسب‌ترین رویکرد را برگزینند. افزون بر آن، بر اساس این چهارچوب، در خصوص نحوه اعمال هر یک از گزینه‌های انتخابی، میزان محدودی از صلاحیت‌ها



ملی نیز در نظر گرفته شده تا هر یک از کشورها، استانداردهای مورد نظر را با توجه به شرایط متفاوت بازارهای خود تعدیل نمایند. لیکن، ویژگی‌های مزبور ایجاب می‌کنند مراجع ملی با جدیت تلاش کنند تا هماهنگی و انطباق با الزامات چهارچوب تضمین شود. کمیته قصد دارد به منظور دستیابی به میزان بالاتری از تطبیق، وضعیت اجرای این چهارچوب را در دوره پیش رو، مورد پایش و ارزیابی قرار دهد. به‌طور اخص، گروه اجرای توافق (موسوم به AIG) تشکیل شده است تا با تشویق ناظران به تبادل اطلاعات در زمینه رویکردهای اجرایی، میزان انطباق در اعمال چهارچوب را تقویت کنند.

۸. همچنین، به زعم کمیته، ناظران هر کشور نقش مهمی در افزایش همکاری میان ناظران کشور متبوع و کشور میزبان دارند که این امر، لازمه اجرای موثر چهارچوب خواهد بود. گروه اجرای توافق در حال فراهم کردن ترتیبات عملی برای همکاری و هماهنگی است تا از این طریق، مسؤلیت اجرایی بانکها را کاهش داده و منابع نظارتی را به‌صورت بهینه مورد استفاده قرار دهند. کمیته بر اساس فعالیت‌های گروه مزبور و تعاملات آن با ناظران و صنعت بانکداری، مجموعه‌ای از اصول کلی برای اجرای فرامرزی چهارچوب اصلاحی و نیز اصولی متمرکزتر برای شناسایی هزینه‌های سرمایه‌ای ریسک عملیاتی در روش‌های اندازه‌گیری پیشرفته برای ناظران کشور متبوع و کشور میزبان منتشر کرده است.

۹. باید تاکید شود که چهارچوب اصلاحی برای ایجاد حداقل میزان سرمایه برای بانکهای فعال در عرصه بین‌المللی طراحی شده است. طبق موافقتنامه سال ۱۹۸۸، مراجع ملی در اتخاذ ترتیباتی که سطوح بالاتری از حداقل سرمایه را مقرر می‌نمایند، از آزادی عمل برخوردار خواهند بود. به‌علاوه، مراجع ملی در اتخاذ تدابیر تکمیلی کفایت سرمایه در مورد بانکهای تحت نظارت خود آزاد هستند. مراجع نظارتی می‌توانند از تدابیر تکمیلی در ارتباط با سرمایه استفاده کنند برای این که از این طریق، به‌عنوان مثال، عدم اطمینان احتمالی نسبت به صحت محاسبه میزان ریسک - که به‌طور طبیعی در هر شیوه محاسبه سرمایه مورد نیاز وجود دارد - را پوشش دهد و یا برای این که میزان تجهیز منابع مؤسسه از طریق ایجاد بدهی را محدود سازند. در مواردی که یک ناظر در ارتباط با تدابیر مقرر در این چهارچوب، شاخص سرمایه تکمیلی مرتبط با سرمایه (نظیر نسبت اهرمی یا حد تسهیلات و تعهدات کلان) اتخاذ می‌نماید، بعضاً میزان سرمایه مقرر



وفق تدابیر تکمیلی، ممکن است از الزام بیشتری برخوردار باشد. به‌طور کلی، بر اساس رکن دوم، ناظران باید از بانکها انتظار داشته باشند با سرمایه‌ای بیش از حداقل سرمایه نظارتی، فعالیت نمایند.

۱۰. چهارچوب اصلاحی حاضر، در مقایسه با موافقتنامه ۱۹۸۸، نسبت به ریسک حساس‌تر است. لیکن کشورهایی که میزان ریسکها در بازار بانکی داخلی آنها نسبتاً بالا است، ضرورت دارد این مسئله را مورد ارزیابی قرار دهند که آیا بانکها باید ملزم شوند سرمایه بیشتر و بالاتری نسبت به حداقل تعیین شده توسط کمیته بال، داشته باشند یا خیر؟ چنین وضعیتی به خصوص در مورد رویکرد استاندارد صدق می‌کند، اما حتی در ارتباط با روش مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی، ریسک ناشی از رخدادهای دارای زیان عمده، ممکن است بیش از میزان مجاز مقرر در چهارچوب اصلاحی باشد.

۱۱. همچنین، کمیته تمایل دارد ضرورت توجه کافی بانکها و ناظران به رکن دوم (ارزیابی نظارتی) و رکن سوم (نظم بازار) مذکور در چهارچوب اصلاحی را مورد تأکید قرار دهد. این امر بسیار مهم است که حداقل الزامات سرمایه‌ای در رکن اول، با اجرای قوی رکن دوم از جمله تلاش بانکها برای ارزیابی کفایت سرمایه خود و تلاش ناظران برای بررسی این‌گونه ارزیابی‌ها همراه شود. افزون بر آن، لزوم افشای اطلاعات مقرر در رکن سوم این چهارچوب، در تضمین این امر که نظم بازار، مکمل موثری برای دو رکن دیگر است، بسیار حائز اهمیت می‌باشد.

۱۲. کمیته آگاه است که تعاملات میان روش‌های نظارتی و حسابداری هم در سطح ملی و هم در سطح بین‌المللی می‌تواند پیامدهای بسیار مهمی برای قیاس نتایج محاسبات کفایت سرمایه و هزینه‌های مرتبط با اجرای این‌گونه روش‌ها به‌دنبال داشته باشد. کمیته بر این باور است که تصمیماتش در ارتباط با زیان‌های منتظره و غیرمنتظره، نشان می‌دهد گام‌های مهمی در این زمینه برداشته شده است. کمیته و اعضای آن قصد دارند به ایفای نقش فعالانه خود در گفتمان با مراجع حسابداری ادامه دهند تا در صورت امکان، ناهمخوانی میان استانداردهای نظارتی و حسابداری کاهش یابد.



۱۳. چهارچوب اصلاحی حاضر، تغییرات قابل ملاحظه‌ای نسبت به پیشنهاد ارایه‌شده از سوی کمیته در آوریل ۲۰۰۳، داشته است. برخی از این تغییرات قبلاً در بیانیه‌های مطبوعاتی کمیته در اکتبر سال ۲۰۰۳، ژانویه ۲۰۰۴ و می ۲۰۰۵ تشریح شده است. تغییرات مورد نظر، تغییر رویکرد در ارتباط با زیان‌های مورد انتظار و زیان‌های غیرمنتظره و نیز در مورد منابع در معرض ریسک مرتبط با تبدیل دارایی‌ها به اوراق بهادار را شامل می‌شود. به علاوه، تغییرات در ترتیبات ناظر بر کاهش ریسک اعتباری و تسهیلات و تعهدات خرد‌گردان از جمله دیگر تغییرات مهمی هستند که در این چهارچوب اعمال شده‌اند. همچنین، کمیته در پی آن است که انتظارات خود در مورد ضرورت استفاده بانک‌ها از رویکرد پیشرفته مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی برای لحاظ کردن اثرات ناشی از رکودهای اقتصادی در پارامترهای زیان با فرض نکول (LGD) را به وضوح بیان نماید.

۱۴. به باور کمیته این امر بسیار حائز اهمیت است که کمیته اهداف خود در ارتباط با سطح کلی حداقل الزامات سرمایه‌ای را تبیین کند. این اهداف باید در سطح وسیعی، مجموع چنین الزاماتی را در بر گیرد، ضمن آن که مشوق‌هایی را برای اتخاذ رویکرد پیشرفته حساس به ریسک مندرج در سند چهارچوب اصلاحی حاضر، ارایه نماید. برای دستیابی به این هدف، کمیته ضریبی را در مورد میزان دارایی‌های موزون به ریسک برای ریسک اعتباری، تحت رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی اعمال می‌کند. بهترین تقریب فعلی برای ضریب مذکور با استفاده از داده‌های مبتنی بر مطالعه اثر کمی، ۱/۰۶ است. ناظران ملی پایش الزامات سرمایه را در طول دوره اجرای چهارچوب اصلاحی ادامه خواهند داد. همچنین، کمیته تجارب ملی در ارتباط با چهارچوب اصلاحی را مورد پایش قرار خواهد داد.

۱۵. کمیته، چهارچوب اصلاحی را به گونه‌ای طراحی کرد که رویکرد آینده‌نگرتری در ارتباط با نظارت بر کفایت سرمایه داشته و از ظرفیت تکامل در طول زمان برخوردار باشد. این ویژگی تکامل‌پذیری، برای حصول اطمینان از این که چهارچوب مورد نظر با تحولات بازار و پیشرفت‌ها در زمینه مدیریت ریسک همگام باشد، ضرورت داشته و کمیته قصد دارد این تحولات را پایش نموده و حسب نیاز، چهارچوب مزبور را اصلاح کند. در این خصوص، کمیته به‌میزان زیادی از تعاملات خود با فعالان صنعت بانکداری بهره‌برده و به فرصت‌های گفتگو با آنان چشم دوخته است. همچنین کمیته قصد دارد فعالان صنعت مذکور را از برنامه‌های کاری آتی خود مطلع کند.



۱۶. در جولای سال ۲۰۰۵، کمیته سند راهنمای تکمیلی تحت عنوان « اجرای بال ۲ در مورد فعالیت‌های تجاری و ترتیبات ناظر بر آثار نکول مضاعف » منتشر کرد. سند مزبور به صورت مشترک و با همکاری سازمان بین‌المللی کمیسیون‌های اوراق بهادار (IOSCO) تدوین گردید که ظرفیت چهارچوب اصلاحی برای توسعه در طول زمان را نشان می‌دهد. در این سند موضوعات ریسک اعتباری طرف مقابل، آثار نکول مضاعف، تعدیل سررسید کوتاه‌مدت و تراکنش‌های نکول‌شده، اصلاح گردید و نظام دفتر تجاری بهبود یافت.^۳

۱۷. یکی از حوزه‌هایی که کمیته قصد دارد اقدام تکمیلی با ماهیت بلندمدت انجام دهد به تعریف سرمایه واجد شرایط مربوط می‌شود. یکی از انگیزه‌ها برای اقدام مزبور، این واقعیت است که تغییرات در نحوه مدیریت زیان‌های موردانتظار و زیان‌های غیرمنتظره و تغییرات در ترتیبات ناظر بر ذخایر مذکور در این چهارچوب، عموماً گرایش به کاهش الزامات سرمایه لایه اول نسبت به الزامات کل سرمایه دارد. به علاوه، اجماع بر سر یک استاندارد بین‌المللی متحدالشکل برای سرمایه تحت این چهارچوب، در نهایت به تعیین مجموعه‌ای از ابزارهای سرمایه برای جذب زیان پیش‌بینی نشده «با فرض تداوم فعالیت» نیاز دارد. کمیته قصد خود برای بازنگری در تعریف سرمایه به عنوان اقدامی متعاقب اصلاح رویکرد در مورد شرایط سرمایه لایه اول که در اکتبر سال ۱۹۹۸ با عنوان « ابزارهای واجد شرایط برای درج در سرمایه لایه اول» منتشر شد را اعلام کرد. کمیته مسایل دیگری که در خصوص تعریف سرمایه نظارتی وجود دارد را شناسایی می‌کند لیکن، قصد ندارد تا پیش از اجرای مفاد چهارچوب حاضر، تغییراتی را در این مورد پیشنهاد کند. در عین حال، کمیته به تلاش‌های خود برای حصول اطمینان از اجرای تصمیمات سال ۱۹۹۸ خود در ارتباط با ترکیب سرمایه نظارتی در کشورهای مختلف ادامه خواهد داد.

۱۸. همچنین، کمیته در صدد است مشارکت صنعت بانکداری در مباحث مربوط به روش‌های غالب در مدیریت ریسک از جمله آن دسته از روش‌هایی که هدفشان تولید شاخص‌های کمی ریسک

^۳ . در سند راهنمای تکمیلی، تعریف دفتر تجاری مندرج در چهارچوب بازبینی شده حاضر، تعدیل نشده است، بلکه تمرکز این سند بر روی سیاست‌ها و روش‌هایی است که بانک‌ها باید برای ثبت منابع در معرض ریسک در دفتر تجاری خود از آن‌ها برخوردار باشند. لیکن، دیدگاه کمیته این است که در حال حاضر حقوق صاحبان سهام در صندوق‌های پوششی، مشارکت حقوقی در بخش خصوصی و سهام مربوط به املاک و مستغلات، به دلیل محدودیت‌های قابل توجه در توانایی بانک‌ها برای نقد کردن وضعیت‌ها مذکور و ارزش‌گذاری صحیح آن‌ها به صورت روزانه، مشمول تعریف دفتر تجاری نمی‌شوند.



و سرمایه اقتصادی است را تداوم بخشد. در طول دهه گذشته، تعدادی از بانکها منابع مالی فراوانی برای مدل‌سازی ریسک اعتباری ناشی از عملیات تجاری با اهمیت خود، هزینه کردند. هدف مدل‌های مزبور، آن است که در کمی‌سازی، تجمیع و مدیریت ریسک اعتباری در ارتباط با مناطق جغرافیایی و محصولات بانکی به بانکها کمک کنند. در عین حال که در چهارچوب حاضر تصمیم گرفته شد نتایج این‌گونه مدل‌های ریسک اعتباری، برای اهداف سرمایه‌نظارتی مورد استفاده قرار نگیرد، کمیته تایید می‌کند که تداوم گفتگوی فعال درباره کارکرد این‌گونه مدل‌ها و قابلیت مقایسه آن‌ها در بانکها بسیار حایز اهمیت است. همچنین کمیته بر این باور است که اجرای موفقیت‌آمیز چهارچوب اصلاحی، تجربه ارزشمندی برای بانکها و ناظران در مواجهه با چالش‌های موجود فراهم می‌کند. کمیته درک می‌کند که رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی، نقطه‌ای در حد فاصل شاخص‌های نظارتی محض در ارتباط با ریسک اعتباری و رویکرد مبتنی بر مدل‌های داخلی ریسک اعتباری را نشان می‌دهد. اصولاً، تغییر رویکرد در طول این طیف، در صورت وجود توانایی در بررسی کافی ملاحظات مرتبط با قابلیت اعتماد، قابلیت قیاس، اعتبار و سرمایه رقابتی، قابل پیش‌بینی می‌باشد. در عین حال، کمیته بر این باور است که توجه بیشتر به نتایج مدل‌های داخلی ریسک اعتباری در فرآیند ارزیابی نظارتی و در افشای اطلاعات توسط بانکها، به میزان زیادی برای گردآوری اطلاعات درباره مسایل مرتبط، سودمند خواهد بود.

۱۹. همان‌گونه که در نمودار صفحه بعد نشان داده شد این سند به چهار بخش تقسیم می‌شود. در بخش اول که دامنه کاربرد نام دارد، جزییاتی درباره این که چگونه الزامات سرمایه در درون یک گروه بانکی باید اعمال شود ارائه شده است. موضوعات محاسبه حداقل سرمایه مورد نیاز برای ریسک اعتباری، ریسک عملیاتی و ریسک بازار در بخش دوم ارائه شده است. در بخش‌های سوم و چهارم به ترتیب انتظارات درباره ارزیابی‌های نظارتی و نظم بازار تشریح شده است.

۱۹(۱). سند رهنمودی تکمیلی که در گزارش جولای ۲۰۰۵ کمیته تحت عنوان «اجرای بال ۲ در مورد فعالیت‌های تجاری و ترتیبات ناظر بر آثار نکول مضاعف»، «اصلاحیه توافقنامه سرمایه برای درج ریسک‌های بازار (ژانویه ۱۹۹۶)» و نیز «عناصر توافقنامه ۱۹۸۸» که همچنان نافذ



خواهند بود نیز در این نسخه جامع چهارچوب اصلاحی گنجانده شده است. هدف این نسخه در وهله اول ارایه یک دیدگاه جامع به بانکها درباره استانداردهای بین‌المللی در زمینه پرمایگی، می‌باشد. اسنادی که در متن حاضر گنجانده شده‌اند (یعنی توافقنامه ۱۹۸۸، اصلاحیه توافقنامه سرمایه برای درج ریسک‌های بازار و اجرای بال ۲ در مورد فعالیت‌های تجاری و ترتیبات ناظر بر آثار نکول مضاعف) به تنهایی نیز لازم‌الاجرا و نافذ خواهند بود.



ساختار سند حاضر





بخش یکم: گستره اجرا

۱. مقدمه

۲۰. این چهارچوب به صورت تلفیقی در مورد بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. چهارچوب حاضر بهترین ابزار برای حفظ یکپارچگی سرمایه در بانک‌ها و مؤسسات تابعه از طریق حذف پوشش مضاعف سرمایه * خواهد بود.

۲۱. گستره اجرای این چهارچوب، براساس تلفیق کامل، همه شرکت‌های هلدینگ که به‌عنوان شرکت مادر در یک گروه بانکی قرار دارند را در بر می‌گیرد تا اطمینان حاصل شود که ریسک کل گروه بانکی پوشش داده شده است^۴. گروه بانکی، گروهی هستند که عمدتاً در فعالیت‌های بانکی وارد می‌شوند و در برخی کشورها ممکن است گروه بانکی به عنوان یک بانک ثبت شوند.

۲۲. همچنین، چهارچوب حاضر در خصوص همه بانک‌های فعال در سطح بین‌المللی در هر لایه گروه بانکی به صورت انفرادی و نیز به صورت تلفیقی برای کل گروه اعمال خواهد شد (به نمودار انتهای این بخش مراجعه شود)^۵. یک دوره گذار سه ساله به منظور اعمال تلفیق تمام زیر مجموعه‌ها برای کشورهایی که در حال حاضر این امر برای آنان الزام‌آور نیست، در نظر گرفته شده است.

۴ یک شرکت هلدینگ که مادر یک گروه بانکی است می‌تواند خود زیر مجموعه یک شرکت هلدینگ مادر باشد. در برخی ساختارها، این نوع شرکت هلدینگ مشمول چهارچوب حاضر نمی‌شود چرا که به منزله مادر گروه بانکی نمی‌باشد.

• پوشش مضاعف سرمایه: حالتی است که یک مؤسسه، سرمایه نظارتی منتشره توسط مؤسسه دیگر را در یک گروه به مالکیت خود درآورده و انتشار دهنده نیز همزمان مجاز به در نظر گرفتن سرمایه در ترازنامه خود می‌باشد. در این وضعیت، سرمایه دو مرتبه درگیر شده است؛ یکی توسط مؤسسه مادر و دیگر توسط مؤسسه وابسته.

(منبع: انتشارات کمیته بال، با عنوان "اصول کفایت سرمایه" قابل دسترسی در پایگاه اطلاع‌رسانی به آدرس:

<http://www.bis.org/publ/bcbs47ch2.pdf>)

۵ به عنوان یک بدیل برای تلفیق کامل زیرمجموعه، استفاده از این چهارچوب برای هر بانک به صورت جداگانه (که دارایی‌ها و بدهی‌های مؤسسات تابعه را تلفیق نمی‌کند) به همان هدف دست خواهد یافت، مشروط بر آن که ارزش دفتری تمام سرمایه گذاری‌ها در شرکت‌های تابعه و سرمایه اقلیت اثرگذار از سرمایه بانک کسر شود.



۲۳. علاوه بر این، از آنجایی که یکی از اهداف اصلی نظارت، صیانت از حقوق سپرده‌گذاران می‌باشد؛ لازم است اطمینان حاصل شود که سرمایه حاصل از محاسبات کفایت سرمایه، قابلیت جذب سریع زیان احتمالی سپرده‌گذاران مذکور را دارد. بر این اساس، ناظران باید ارزیابی کنند که هر بانک به تنهایی دارای سرمایه کافی باشد.

۲. بانک‌ها، مؤسسات اوراق بهادار و سایر مؤسسات مالی تابعه

۲۴. تمام فعالیت‌های بانکی و سایر فعالیت‌های مالی مرتبط^۶ (اعم از تحت نظارت و خارج از نظارت) گروه دربردارنده بانک فعال در سطح بین‌المللی، تا بیشترین حد ممکن از طریق تلفیق لحاظ می‌شود. بنابراین، مؤسسات بانکی، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار (در مواردی که مقررات یکسانی حاکم است یا فعالیت‌های اوراق بهادار به عنوان فعالیت‌های بانکی تلقی می‌شوند) و سایر مؤسسات مالی^۷، که مالکیت عمده یا کنترل آن‌ها در اختیار بانک قرار دارند، بطور کلی باید مشمول تلفیق کامل شوند.

۲۵. ناظران صحت نحوه شناسایی منافع اقلیت* ایجاد ناشی از تلفیق مؤسسات بانکی، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار و یا سایر مؤسسات مالی که تماماً متعلق به بانک نمی‌باشند را در سرمایه تلفیقی بررسی خواهند کرد. ناظران در صورتی که سایر اعضای گروه نسبت به منافع اقلیت یادشده، حق مستقیم نداشته باشند، میزان منافع اقلیت در سرمایه را تعدیل خواهند کرد.

۲۶. گاهی اوقات، تلفیق سرمایه برخی مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار یا سایر مؤسسات مالی تحت نظارت، امکان‌پذیر یا مطلوب نمی‌باشد. این امر تنها در صورتی است که این‌گونه مؤسسات بواسطه بدهی‌های حاصل از قراردادهای پیشین، تملیک شده و به صورت موقت نگهداری می‌شوند و تابع قوانین متفاوت می‌باشند؛ یا در صورتی که عدم تلفیق برای اهداف

۶ "فعالیت‌های مالی" فعالیت‌های بیمه را در بر نمی‌گیرند و "مؤسسات مالی" نیز مؤسسات بیمه را در بر نمی‌گیرند.

۷ نمونه‌هایی از انواع فعالیت‌هایی که ممکن است مؤسسات مالی در آن درگیر باشند، عبارتند از: شرکت‌های مالی لیزینگ، صدور کارتهای اعتباری، مدیریت سبد دارایی‌ها، مشاوره سرمایه‌گذاری، خدمات امانت‌دهی و سایر خدمات جانبی مشابه در کسب و کار بانکی.

* "منافع اقلیت": هنگامی که شرکت مادر دارای شرکت تابعه ای می‌باشد که تمام سهام آن را در اختیار ندارد؛ در این صورت باقیمانده سهام شرکت تابعه منتسب به منافع اقلیت می‌گردد. منبع: <http://sovereign-consultancy.nl/en/glossary/minority-interests>



سرمایه نظارتی دارای الزام قانونی باشد. در این گونه موارد، لازم است که ناظر بانکی اقدام به جمع‌آوری اطلاعات کافی از ناظران مسئول در حوزه چنین مؤسساتی نماید.

۲۷. اگر مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار و سایر مؤسسات مالی تابعه که اکثریت مالکیت آن‌ها متعلق به بانک باشد، به موجب اهداف سرمایه‌ای مشمول تلفیق نشده باشند، تمامی سرمایه‌گذاری‌های مالکانه و سایر سرمایه‌گذاری‌های مقرراتی متناسب به سایر اعضای گروه، در مؤسسات فوق، از سرمایه نظارتی تلفیقی بانک مادر کسر خواهد شد همچنین دارائی‌ها و بدهی‌های مرتبط و نیز سرمایه‌گذاری‌های باواسطه در شرکتهای تابعه باید از ترازنامه تلفیقی بانک مادر حذف شود. ناظران باید اطمینان حاصل نمایند؛ مؤسسه‌ای که مشمول تلفیق نمی‌شود و به‌همین دلیل میزان سرمایه‌گذاری در آن از سرمایه بانک کسر شده است، با الزامات سرمایه نظارتی منطبق باشد. ناظران باید عملکرد شرکتهای تابعه را کنترل نموده تا هرگونه کسری از سرمایه را اصلاح نمایند؛ همچنین در صورتی که در موعد مقرر کسر از سرمایه اصلاح نشود، کسور مربوطه نیز از سرمایه بانک مادر کسر خواهد شد.

۳. سرمایه‌گذاری‌های خرد بااهمیت در مؤسسات بانکی، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار و سایر

مؤسسات مالی

۲۸. سرمایه‌گذاری‌های خرد بااهمیت در مؤسسات بانکی، مؤسسات فعال در زمینه اوراق بهادار و سایر مؤسسات مالی که بدون حق اعمال کنترل باشند؛ بواسطه کاهش میزان سهام یا سایر سرمایه‌گذاری‌های قانونی، از سرمایه گروه بانکی حذف خواهند شد. به صورتی جایگزین، تحت شرایط خاص، ممکن است چنین سرمایه‌گذاری‌هایی به تناسب تلفیق شوند. به عنوان مثال، امکان دارد تلفیق به نسبت سهام برای سرمایه‌گذاری‌های مشترک یا زمانی که ناظر متقاعد شود که شرکت مادر به صورت قانونی یا عملی موظف به حمایت از مؤسسه به نسبت سهم به تنهایی بوده و سایر سهامداران عمده نیز امکانات و تمایل لازم جهت حمایت متناسب از آن را دارند، صورت گیرد. حد مذکور که به وسیله آن سرمایه‌گذاری‌های اقلیت مهم تلقی می‌شود و بنابراین به تناسب از سرمایه کسر و یا با آن تلفیق می‌شود؛ بر اساس رویه‌های حسابداری



داخلی و/ یا نظارتی تعیین می‌گردد. به عنوان مثال، این حد در اتحادیه اروپا ۲۰٪ تا ۵۰٪
منافع حقوق صاحبان سهام تعریف می‌شود.

۲۹. کمیته مجدداً بر دیدگاه مندرج در توافقنامه ۱۹۸۸ تاکید نمود که سرمایه‌گذاری متقابل در
سهام یکدیگر که به صورت صوری سرمایه‌بانک‌ها را متورم نشان می‌دهد؛ در راستای اهداف
کفایت سرمایه کسر شود.

۴. مؤسسات بیمه

۳۰. بانکی که دارای مؤسسات تابعه بیمه می‌باشد، متحمل تمامی ریسک‌های کارآفرینی شرکتهای
تابعه بوده و باید ریسک‌ها را بر مبنای گروهی، در کل گروه شناسایی نماید. کمیته بر این باور
است که به عنوان یک اصل در هنگام اندازه‌گیری سرمایه نظارتی برای بانکها، لازم است
سرمایه‌گذاری‌های مالکانه و سایر سرمایه‌گذاری‌های مقرراتی بانک در مؤسسات بیمه تابعه و
نیز سرمایه‌گذاری بااهمیت اقلیت در مؤسسات بیمه کسر شود. بر این اساس، بانک مبادرت به
حذف اقلام مورد اشاره و همچنین سرمایه‌گذاری‌های باواسطه در مؤسسات بیمه تابعه از
دارائیه‌ها و بدهیه‌های ترازنامه تلفیقی خود خواهد نمود. روش دیگری که می‌تواند مورد استفاده
قرار گیرد این است که تحت هر شرایطی رویکرد گروهی در تعیین کفایت سرمایه لحاظ شود و
از محاسبه مجدد سرمایه اجتناب گردد.

۳۱. با توجه به اصل برابری در رقابت، برخی از کشورهای عضو گروه ۱۰ ترتیبات وزن دهی ریسک
موجود خود را^۸ به عنوان یک استثنا نسبت به روش‌های مشروح فوق حفظ می‌نمایند و تجمیع
ریسک را صرفاً سازگار با آن چه توسط ناظران ملی بیمه برای شرکت‌های بیمه با واحدهای
تابعه بانکی اعمال کرده‌اند را معرفی می‌نمایند^۹. کمیته، ناظران بیمه را به تلاش در جهت

۸ برای بانک‌هایی که از روش استاندارد استفاده می‌نمایند این امر به منزله تحمل ۱۰۰٪ ریسک خواهد بود، در حالی که بانک‌هایی که از
رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی استفاده می‌کنند، میزان متناسبی از ریسک بر پایه این رویکرد را در سرمایه‌گذاری‌ها متحمل خواهند شد.

۹ در صورتی که نحوه عمل فعلی حفظ شود، سرمایه باواسطه که در مؤسسات بیمه تابعه سرمایه‌گذاری شده است (به عنوان مثال: سهام اقلیت)،
مشمول اندازه‌گیری متناسب با کفایت سرمایه بانک نمی‌شود.



توسعه بیشتر و بکار گرفتن رویکردهایی که با استانداردهای فوق منطبق باشند، دعوت می‌نماید.

۳۲. بانکها می‌بایست رویکردهای نظارتی ملی مورد استفاده در ارتباط با مؤسسات بیمه، جهت تعیین وضعیت سرمایه گزارش شده خود را افشا نمایند.

۳۳. سرمایه‌گذاری در مؤسسات بیمه تحت کنترل یا مالکیت حداکثری بانک، ممکن است از میزان سرمایه نظارتی مورد نیاز برای چنین مؤسساتی فزونی یابد (مازاد سرمایه). ناظران تنها تحت شرایط محدودی، می‌توانند مجوز شناسایی مازاد سرمایه در محاسبه کفایت سرمایه بانک را صادر نمایند.^{۱۰}، پارامترها و معیارهایی از جمله قابلیت انتقال قانونی برای ارزیابی مقدار و امکان دسترسی به مازاد سرمایه قابل شناسایی در سرمایه بانک، در رویه‌های نظارت کشورها تعیین می‌گردد. سایر مصادیق معیارهای دسترسی شامل؛ ایجاد محدودیت در انتقال بدلائل الزامات مقرراتی، الزامات مالیاتی و تاثیرات نامطلوب بر رتبه بندی مؤسسات مستقل اعتبارسنجی می‌باشد. بانکهایی که اقدام به شناسایی مازاد سرمایه در مؤسسات تابعه بیمه می‌نمایند، باید میزان سرمایه مازاد لحاظ شده در سرمایه خود را به صورت عمومی افشا نمایند. در مواردی که بانک مالک تمام سهام در مؤسسات بیمه نمی‌باشد (به عنوان مثال ۵۰٪ یا بیشتر اما کمتر از ۱۰۰٪ سهام)، مازاد سرمایه شناسایی شده می‌بایست متناسب با درصد سهم بانک باشد. در ارتباط با مؤسسات بیمه ای که بانک مالکیت حداقلی با اهمیت را دارد، مازاد سرمایه لحاظ نخواهد شد چرا که بانک نمی‌تواند انتقال سرمایه مؤسسه ای که تحت کنترل آن نیست را هدایت نماید. .

۳۴. ناظران باید اطمینان یابند که واحدهای بیمه تابعه تحت کنترل یا مالکیت حداکثری بانک که تلفیق نشده‌اند و میزان سرمایه‌گذاری در سرمایه آنها از سرمایه‌گذاری بانک کسر می‌گردد یا

۱۰ در رویکرد کسر از سرمایه، میزان کسر شده بابت تمام سرمایه‌گذاری مالکانه و سایر سرمایه‌گذاریهای مقرراتی، تعدیل خواهد شد تا سرمایه مؤسسات که مازاد بر الزامات نظارتی هستند را انعکاس دهند؛ به عبارتی، مبلغ کسر شده، کمتر از میزان سرمایه‌گذاری یا سرمایه نظارتی خواهد بود. مبلغ مازاد سرمایه، یعنی تفاوت میان میزان سرمایه‌گذاری در چنین مؤسساتی و سرمایه نظارتی آنها به عنوان سرمایه‌گذاری مالکانه، موزون به ریسک می‌گردد. در صورت استفاده از رویکرد جایگزین گروهی، ترتیبات مشابه مازاد سرمایه اتخاذ می‌گردد.



تابع رویکرد گروهی* جایگزین شده اند؛ باید خود به تنهایی، دارای سرمایه کافی بمنظور کاهش احتمال تحمیل زیان بالقوه به بانک باشند. ناظران اقدامات انجام شده توسط واحدهای تابعه جهت اصلاح کمبود سرمایه را مورد پایش قرار خواهند داد و در صورتی که طی یک برنامه زمان بندی اصلاح صورت نگیرد، میزان کمبود سرمایه باید از سرمایه بانک مادر نیز کسر شود.

۵. سرمایه گذاری‌های بااهمیت در مؤسسات تجاری

۳۵. سرمایه‌گذاری‌های بااهمیت در قالب مالکیت حداقلی و حداکثری در مؤسسات تجاری که افزون بر حدود مقرر برای سرمایه‌گذاری بااهمیت باشد، از سرمایه بانک کسر خواهد شد. حدود مزبور بر اساس رویه‌های نظارتی و یا حسابداری ملی تعیین می‌شود. حد سرمایه گذاری بااهمیت فردی در مؤسسات تجاری ۱۵٪ سرمایه بانک و حد جمعی آن ۶۰٪ یا سخت گیرانه‌تر، اعمال خواهد شد. مبلغی که باید کسر شود، آن‌بخش از سرمایه گذاری خواهد بود که افزون بر حدود یاد شده است.

۳۶. در ارتباط با بانکهایی که از رویکرد استاندارد استفاده می‌نمایند، سرمایه گذاری‌ها در مؤسسات تجاری تحت کنترل یا مالکیت حداقلی و حداکثری بااهمیت که کمتر از حدود فوق‌الذکر باشند وزن ریسک سرمایه گذاری کمتر از ۱۰۰٪ نخواهد بود. در خصوص بانکهایی که از رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی استفاده می‌کنند، این گونه سرمایه گذاری‌ها، طبق روش معرفی شده توسط کمیته برای سرمایه گذاری‌ها، موزون به ریسک شده و کمتر از ۱۰۰٪ نخواهد بود.

۶. کسورات سرمایه گذاری مرتبط با این بخش

۳۷. در مواردی که کسور سرمایه گذاری‌ها مطابق این بخش از سند انجام می‌شود، ۵۰٪ کسورات از سرمایه لایه ۱ و ۵۰٪ آن از سرمایه لایه ۲، خواهد بود.

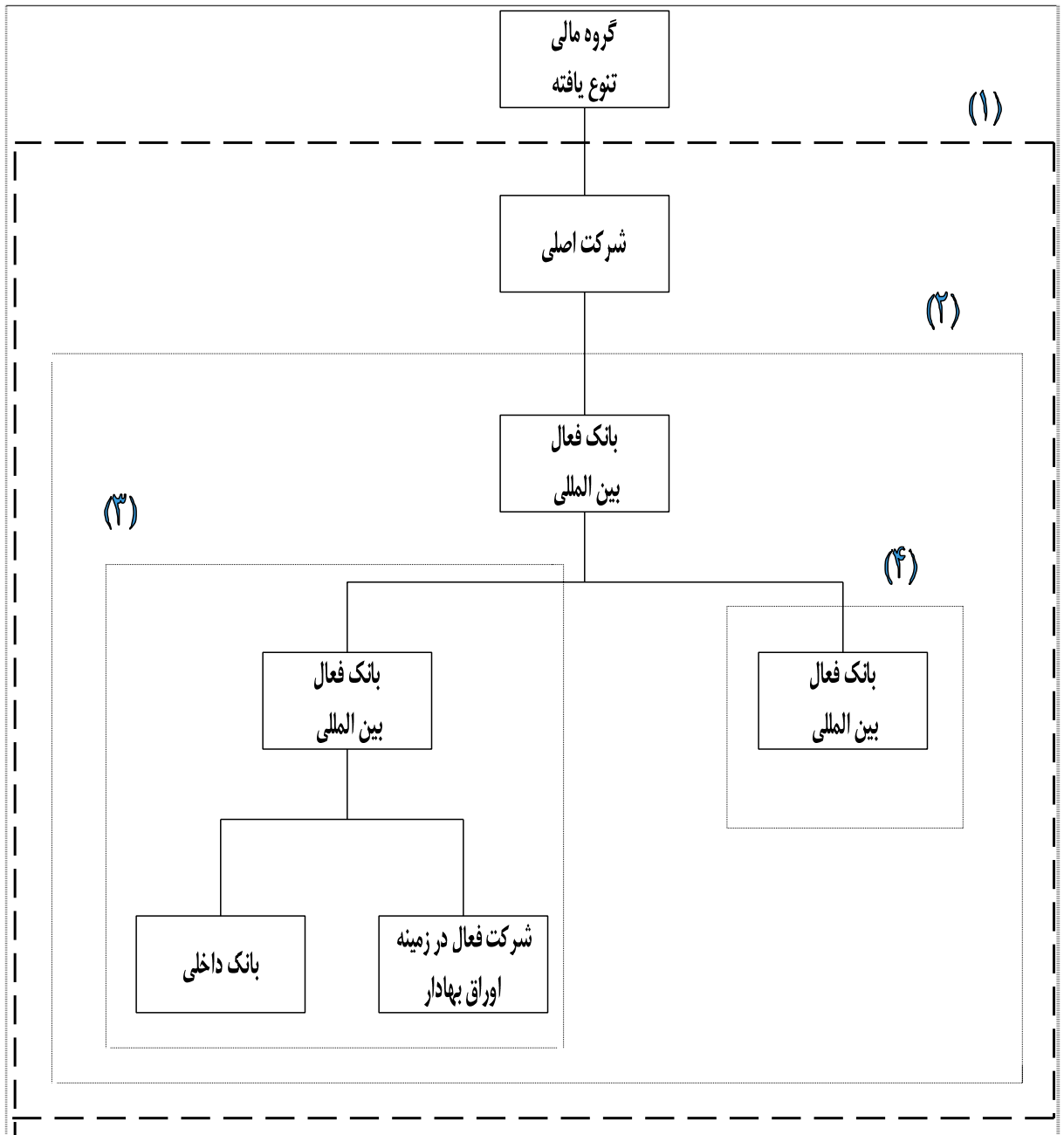


۳۸. سرقفلی مربوط به مؤسسات که مشمول رویکرد کسر از سرمایه می باشد و در این بخش دنبال می گردد؛ باید به روشی مشابه با سرقفلی شرکتهای تابعه تلفیق شده، از سرمایه لایه ۱ کسر شود و مابقی سرمایه گذاری باید مطابق با آنچه که برای این بخش در نظر گرفته شده است، کسر گردد. در صورت استفاده از رویکرد گروهی جایگزین مورد اشاره در بند ۳۰، باید ترتیبات مشابه برای سرقفلی اعمال شود.

۳۹. حدود ناظر بر سرمایه لایه ۲ و لایه ۳ و نیز ابزارهای جدید ملحوظ در لایه ۱، بر اساس میزان سرمایه لایه ۱ پس از کسر سرقفلی اما پیش از کسورات سرمایه گذاری موضوع این بخش؛ تعیین خواهد شد (به عنوان مثال، در خصوص چگونگی محاسبه حد ۱۵٪ برای ابزارهای جدید سرمایه لایه ۱ به پیوست شماره یک مراجعه شود).



نمودار گستره جدید اجرای این چهارچوب



(۱) مرز گروه بانکی. چهارچوب اعمال شده در این سطح، بر مبنای تلفیقی می باشد؛ یعنی تا سطح شرکت اصلی (پاراگراف ۲۱).
 (۲)، (۳) و (۴): همچنین چهارچوب در سطوح پایین‌تر نسبت به تمامی بانک‌های فعال بین‌المللی بر مبنای تلفیقی اعمال

می‌شود.



بخش دوم : رکن اول - حداقل الزامات سرمایه‌ای

۱. محاسبات حداقل سرمایه مورد نیاز

۴۰. در بخش دوم، محاسبات حداقل سرمایه کل مورد نیاز برای پوشش ریسک‌های اعتباری، بازار و عملیاتی ارایه می‌شود. نسبت سرمایه* با استفاده از تعریف سرمایه نظارتی و دارایی‌های موزون به ریسک مورد محاسبه قرار می‌گیرد. نسبت سرمایه کل نباید کمتر از ۸ درصد باشد. ضمن این که سرمایه لایه ۲ حداکثر می‌تواند به میزان سرمایه لایه ۱ باشد.

الف. سرمایه نظارتی

۴۱. تعریف سرمایه نظارتی واجد شرایط، به نحوی که در موافقت نامه سال ۱۹۸۸ تعیین و در سند منتشره ۲۷ اکتبر ۱۹۹۸ تحت عنوان «ابزارهای واجد شرایط شمولیت در زمره سرمایه لایه ۱» تبیین گردید به استثنای اصلاحات صورت گرفته در بند های ۳۷ تا ۳۹ و ۴۳، به قوت خود باقیست. تعریف سرمایه در بندهای ۱-۴۹ و ۱۸-۴۹ و پیوست Ia ارایه گردیده است.

۴۲. بر اساس رویکرد استاندارد در مورد ریسک اعتباری، ذخایر عمومی، به نحوی که در بندهای ۳۸۱ تا ۳۸۳ تشریح گردیده می‌تواند تا حد ۱,۲۵ درصد دارایی‌های موزون به ریسک در سرمایه لایه ۲ لحاظ شود.

۴۳. بر اساس رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی (IRB)، شمولیت ذخایر عام (یا اندوخته عمومی زیان-وام) در زمره ارقام سرمایه لایه ۲ که در موافقت نامه ۱۹۸۸ وجود داشت، حذف شده است. بانک‌هایی که از رویکرد IRB برای منابع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادار سازی دارایی‌ها، استفاده می‌کنند و یا از رویکرد نسبت احتمال نکول به زیان با فرض نکول PD/LGD برای سرمایه گذاری در سهام به قصد فروش بهره می‌برند ابتدا باید مقدار زیان مورد انتظار را بترتیب با توجه به شرایط مندرج در بند های ۵۶۳ و ۳۸۶ کسر کنند. بانک‌هایی که از رویکرد IRB برای سایر طبقات دارایی‌ها استفاده می‌کنند باید مقایسه‌ای بین موارد زیر داشته باشند:

* Capital ratio.

نسبت سرمایه عبارت است از نسبت منابع سرمایه‌ای یک مؤسسه به دارایی‌های موزون شده به ریسک آن مؤسسه.



۱. مقدار کل ذخایر واجد شرایط طبق تعریف مندرج در بند ۳۸۰ با ۲. کل زیان مورد انتظار محاسبه شده تحت رویکرد IRB بشرح بند ۳۷۵. هنگامی که کل مقدار زیان مورد انتظار فراتر از کل ذخایر واجد شرایط باشد، بانک بایستی مابه‌التفاوت را با نسبت مساوی (۵۰ درصد) از سرمایه لایه ۱ و لایه ۲ کسر نماید. زمانی که کل مقدار زیان مورد انتظار کمتر از کل ذخایر واجد شرایط باشد، به نحوی که در بند ۳۸۰ تا ۳۸۳ تشریح گردیده، بانک می‌تواند مابه‌التفاوت را حداکثر تا ۰.۶ درصد دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری در زمره سرمایه لایه ۲ لحاظ کند. به تشخیص مقام نظارتی هر کشور، حد کمتر از ۰.۶ درصد نیز می‌تواند اعمال گردد.

ب. دارایی‌های موزون به ریسک

۴۴. میزان کل دارایی‌های موزون به ریسک از حاصل ضرب سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار و عملیاتی در عدد ۱۲.۵ (به عنوان معکوس نسبت ۸ درصدی سرمایه) به اضافه مجموع دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری به دست می‌آید. کمیته بمنظور این که حداقل سرمایه الزامی در سطح وسیعی حفظ و در عین حال انگیزه برای اتخاذ رویکردهای پیشرفته تر حساس به ریسک فراهم شود، ضریب مقایسه را بکار می‌گیرد. ۱۱ این ضریب برای دارایی‌های موزون به ریسک اعتباری برآورد شده بر اساس رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی، اعمال می‌شود.

پ. ترقیبات دوره گذار

۴۵. برای بانک‌هایی که از رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی برای ریسک اعتباری و یا از رویکردهای اندازه‌گیری پیشرفته* (AMA) برای ریسک عملیاتی بهره می‌برند یک مقدار کف سرمایه بشرح زیر برای اجرایی نمودن این چهارچوب وجود دارد. بانک باید اختلاف بین موارد

^{۱۱} در حال حاضر بهترین برآورد ضریب مقیاس، رقم ۱,۰۶ می‌باشد. مقامات ملی به پایش سرمایه مورد نیاز در خلال دوره زمانی اجرای این چهارچوب ادامه خواهند داد. افزون بر آن، کمیته تجربیات ملی حاصل از اجرای این دستورالعمل را نیز مورد پایش قرار خواهد داد.

* Advanced Measurement Approaches.



زیر را تعیین نماید: ۱- مقدار کف تعریف شده در بند ۴۶ و ۲- مقدار محاسبه شده در بند ۴۷. اگر مقدار کف سرمایه بزرگتر باشد، بانک ملزم خواهد بود ۱۲,۵ برابر مقدار مابه‌التفاوت را به دارایی‌های موزون به ریسک اضافه نماید.

۴۶. کف سرمایه بر مبنای اجرای توافق نامه سال ۱۹۸۸ خواهد بود که از منظور نمودن ضریب تعدیل‌کننده به مقادیر زیر حاصل می‌شود: ۱- هشت درصد دارایی‌های موزون به ریسک؛ ۲- مجموع کسور از سرمایه لایه یک و لایه دو و ۳- کسر مقدار ذخایر عمومی که می‌تواند در زمره سرمایه لایه ۲ منظور شود. ضریب تعدیل برای بانک‌هایی که از رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه استفاده می‌کنند، برای سال منتهی به ۲۰۰۶ برابر با نود و پنج درصد خواهد بود. ضریب تعدیل برای بانک‌هایی که از ۱- رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه و یا پیشرفته استفاده می‌کنند و یا ۲- از رویکرد پیشرفته بهره می‌برند، برای سال منتهی به ۲۰۰۷، نود درصد و برای سال منتهی به ۲۰۰۸، هشتاد درصد می‌باشد. جدول زیر اعمال ضرایب تعدیل را تشریح می‌کند. دیگر ترتیبات دوره گذار شامل محاسبات موازی مندرج در بند های ۲۶۳ تا ۲۶۹ می‌باشد.

رویکرد	سال منتهی به ۲۰۰۵	سال منتهی به ۲۰۰۶	سال منتهی به ۲۰۰۷	سال منتهی به ۲۰۰۸
رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه ^{۱۲}	محاسبات موازی	۹۵ درصد	۹۰ درصد	۸۰ درصد
رویکرد پیشرفته برای ریسک اعتباری یا ریسک عملیاتی	محاسبات موازی یا مطالعات اثرسنجی	محاسبات موازی	۹۰ درصد	۸۰ درصد

۴۷. در سال‌هایی که کف سرمایه اعمال می‌شود، بانک‌ها باید نسبت به محاسبه موارد زیر اقدام کنند؛ ۱- هشت درصد کل دارایی‌های موزون به ریسک که بر اساس این چهارچوب محاسبه گردیده است، ۲- کسر مابه‌التفاوت بین کل ذخایر و مقدار زیان مورد انتظار به شرح مندرج در بخش سوم (بند ۳۷۴ تا ۳۸۶) و ۳- به اضافه کسور سرمایه لایه یک و دو. هنگامی که بانک از رویکرد استاندارد در ارتباط با ریسک اعتباری برای هر بخش از منابع در معرض ریسک خود

^{۱۲} رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه در برگزیده رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی برای اقلام خرد نیز می‌باشد.



استفاده می‌کند، باید ذخایر عمومی واجد شرایط در زمره سرمایه لایه ۲، را برای بخش محاسبه شده بر مبنای جمله اول همین بند را خارج و کسر نماید.

۴۸. کمیته به دنبال آن است تا هر گونه مشکل احتمالی را در طی این دوره شناسایی نموده و همچنین در صورت لزوم به همان حداقل مقدار فراتر از سال ۲۰۰۹ اکتفا نماید.

۴۹. کمیته بر این باور است که بهتر است ناظران کف احتیاطی را برای بانک‌هایی که عملکرد آنها با رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی برای ریسک اعتباری تطابق دارند و یا از رویکرد پیشرفته برای ریسک عملیاتی بهره می‌برند تا پایان سال ۲۰۰۸ اعمال کنند. برای بانک‌هایی که فرایند گذار به این رویکردها را در خلال سال‌های مشخص شده در بند ۴۶ را تکمیل نکنند، کمیته مناسب می‌داند که ناظران بر لزوم رعایت کف احتیاطی (به شرح بند ۴۶) ادامه دهند تا بدینوسیله زمان کافی برای حصول اطمینان از اینکه سلامت هر بانک برای اجرای رویکردهای پیشرفته حفظ می‌شود، را در اختیار داشته باشند. به هر حال، تشخیص کمیته بر این است که اجرای کف سرمایه مبتنی بر موافقت نامه ۱۹۸۸، در طول زمان به طور فزاینده‌ای غیر عملی است و بنابراین اعتقاد دارد که ناظران بایستی در تعیین کف سرمایه مختص هر بانک که با اصول مطروحه در این بند همخوانی دارد، انعطاف‌پذیری داشته باشند. این کف سرمایه می‌تواند مبتنی بر رویکردی باشد که بانک قبل از بکارگیری رویکردهای مبتنی بر رتبه بندی داخلی و یا رویکرد پیشرفته، مورد استفاده قرار می‌دهد.

۱.الف. اجزای سرمایه

الف. سرمایه اصلی (حقوق صاحبان سهام پایه) یا سرمایه لایه ۱

۴۹-۱. کمیته معتقد است، مهمترین جزء سرمایه که باید برآن اتکا کرد، سرمایه پرداخت شده از محل حقوق صاحبان سهام ۱۳ و اندوخته‌های افشا شده می‌باشد. این جزء کلیدی به منزله تنها جزئی به شمار می‌رود که در بین نظام‌های بانکی همه کشورها مشترک بوده، به صورت کامل در

^{۱۲} سرمایه اصلی شامل سهام عادی منتشره که به صورت کامل پرداخت شده است و سهام ممتاز غیر تجمیعی می‌باشد (لیکن سهام ممتاز تجمیعی در این زمره لحاظ نمی‌گردد).



صورت‌های مالی منتشره مشهود است و به عنوان مبنایی به شمار می‌روند که پایه و اساس قضاوت های بازار در مورد کفایت سرمایه محسوب می شود، همچنین تاثیر قابل ملاحظه ای بر حاشیه سود و توان رقابت بانک دارد. این تاکید بر سرمایه پرداخت شده و اندوخته های افشا شده، مبین درجه اهمیتی است که کمیته برای حفظ کیفیت و سطح سرمایه نگهداری شده توسط بانک های بزرگ قائل است.

۴۹-۲. همچنین صرف نظر از این تاکیدات، کشورهای عضو کمیته باور دارند که اجزای مهم و قانونی دیگری در مورد سرمایه پایه وجود دارند که می توانند در سیستم محاسبه منابع سرمایه ای لحاظ گردند (با توجه به شرایط تعیین شده در بندهای (۵) (۴۹) تا (۱۲) (۴۹)).

۴۹-۳. بنابراین کمیته برای اهداف نظارتی چنین استنتاج می کند که سرمایه باید در دو لایه شناسایی گردد، به نحوی که حداقل ۵۰ درصد از سرمایه پایه بانک متشکل از اجزای سرمایه پرداخت شده و اندوخته حاصل از سود انباشته پس از کسر مالیات (سرمایه لایه ۱) باشد. سایر اجزا (سرمایه تکمیلی) می توانند تا حد ۱۰۰ درصد مقدار سرمایه اصلی لحاظ گردند. ارکان متشکله سرمایه تکمیلی و شرایط مد نظر بمنظور درج در زمره آن در بند فوق و با جزئیات بیشتر در ضمیمه سند اصلی درج شده است. هر یک از این اجزا، با تشخیص مقامات نظارتی هر کشور و با توجه به سیستم حسابداری و مقررات نظارتی می توانند در زمره سرمایه لحاظ گردد یا نشود.

ب. سرمایه تکمیلی - لایه ۲

۱. اندوخته های افشا نشده

۴۹-۴. اندوخته های منتشر نشده یا پنهان می توانند به طرق گوناگون منطبق با تفاوت های نظام های حقوقی و حسابداری در کشورهای عضو، لحاظ گردند. بر این اساس، تنها اندوخته هایی می توانند شامل گردند که با وجود عدم انتشار، لیکن در حساب سود و زیان آورده شده و توسط مقامات نظارتی بانکی نیز مورد قبول واقع گردند. هر چند آنها ممکن است به طور ذاتی از کیفیت مشابه با سود انباشته برخوردار باشند، اما در چهارچوب حداقل استاندارد های بین المللی



پذیرفته شده، بواسطه عدم شفافیت اندوخته های افشا نشده، و این حقیقت که تعداد زیادی از کشورها آن را به عنوان مفهوم پذیرفته شده حسابداری یا جزء قانونی سرمایه، به رسمیت نمی شناسند، موجب گردید تا آن ها را از اجزای سرمایه اصلی مستثنی کنند.

۲. اندوخته تجدید ارزیابی دارایی ها

۴۹-۵. برخی کشورها، بر اساس مقررات ملی یا ترتیبات حسابداری، اجازه می دهند دارایی های معینی مورد ارزیابی مجدد قرار گیرند تا ارزش جاری یا ارزشی نزدیکتر به ارزش جاری نسبت به ارزش تاریخی آن منعکس و همچنین ذخیره تجدید ارزیابی در سرمایه پایه لحاظ گردد. این قبیل تجدید ارزیابی ها از دو طریق حاصل می گردد:

(الف) از طریق انجام ارزیابی رسمی ساختمان های محل فعالیت بانک که به ترازنامه بانک منتقل می شود.

(ب) از طریق افزایش متصور به سرمایه ناشی از ارزش پنهان که از نگهداری اوراق بهادار به ارزش تاریخی در ترازنامه حاصل می گردد.

این قبیل ذخایر می توانند در سرمایه تکمیلی لحاظ گردند مشروط بر آن که برای مقامات نظارتی اطمینان حاصل گردد دارایی به صورت محتاطانه ارزش گذاری شده است و به طور کامل احتمال نوسانات قیمت و فروش اجباری را منعکس ساخته است.

۴۹-۶. گزینه (ب) بند فوق، مربوط به بانک هایی است که ترازنامه آن ها به طور سنتی دارای مقادیر زیادی از دارایی هایی است که به قیمت تاریخی در سبد دارایی ها ثبت می شوند اما می توانند به قیمت جاری درج شده و در تعدیل زیان مورد استفاده قرار گیرند. کمیته بر این باور است؛ این ذخایر تجدید ارزیابی نهفته می تواند در زمره اجزای سرمایه تکمیلی لحاظ گردد چرا که آن ها می توانند در جذب زیان با توجه به فرض تداوم فعالیت مورد استفاده قرار گیرند. آن ها مشمول یک کاهش اساسی در ارزش شده تا نگرانی های موجود از حیث نوسانات بازار و هزینه های مالیاتی مترتبه را مرتفع نمایند. بمنظور رعایت جنبه احتیاطی، موافقت شده تا کاهش ۵۵ درصدی از اختلاف بین ارزش دفتری بر مبنای بهای تمام شده تاریخی و ارزش بازار انجام



گیرد که این کاهش در چهارچوب همین ملاحظات احتیاطی قلمداد می‌گردد. کمیته این پیشنهاد را که اندوخته نهفته ناشی از ارزش گذاری کمتر از واقع ساختمان های محل فعالیت بانک نیز باید در تعریف سرمایه تکمیلی لحاظ گردد را مورد بررسی قرار داد و در نهایت آن را نپذیرفت.

۳. ذخایر عمومی / اندوخته های عمومی زیان - وام

۷-۴۹. ذخایر عمومی یا اندوخته های عمومی زیان - وام جهت مقابله با احتمال رخداد زیان های محقق نشده، بوجود آمده اند. از آن جا که آن ها، کاهش با اهمیتی را در ارزش دارایی های خاصی نشان نمی دهند، می توانند واجد شرایط لحاظ شدن در زمره سرمایه تکمیلی باشند. لیکن، زمانی که ذخایر یا اندوخته ها، برای پوشش زیان های خاصی و مشخصی باشد یا در ارتباط با کاهش مشخص ارزش یک دارایی یا گروهی از دارایی ها باشند، نمی توانند به سادگی جهت جذب زیان های محقق نشده در دسترس بوده و بنابراین واجد ویژگی های سرمایه ای تلقی نشده و لذا این قبیل ذخایر نمی توانند در سرمایه پایه لحاظ گردند.

۸-۴۹. مقامات نظارتی حاضر در کمیته متعهد می شوند تا اطمینان حاصل کنند که فرایند نظارتی، کاهش مشخص در ارزش دارایی ها را به صورت کامل محاسبه نموده است. ایشان همچنین اطمینان می یابند که ذخایر عمومی یا اندوخته عمومی زیان وام، تنها زمانی در محاسبات سرمایه لحاظ می شود که مرتبط با کاهش ارزش دارایی های خاص اعم از تکی یا گروهی نباشند.

۹-۴۹. این بدان معناست اجزای ذخایر عمومی یا اندوخته عمومی زیان - وام که بمنظور محافظت بانک از کاهش مشخص در کیفیت دارایی های خاص (خواه داخلی یا خارجی) تعیین شده است، فاقد شرایط لازم جهت درج در سرمایه می باشد. به ویژه، اجزایی که بواسطه ریسک کشوری، وام دهی مسکن یا سایر بخش های مشکل دار، دچار کاهش ارزش می شوند باید از سرمایه خارج شوند.



۴۹-۱. ذخایر عمومی / اندوخته عمومی زیان - وام که بر اساس شرایط فوق واجد شرایط برای لحاظ شدن در زمره سرمایه لایه ۲ هستند مشمول حدود زیر می گردند:

(الف) حداکثر معادل یک و بیست و پنج صدم درصد (۱/۲۵ درصد) دارایی های موزون به ریسک بوده، زمانی که بانک از رویکرد استاندارد برای اندازه گیری ریسک اعتباری استفاده می کند، یا (ب) شش دهم درصد (۰/۶ درصد) دارایی های موزون به ریسک اعتباری در انطباق با بند ۴۳ بوده، زمانی که بانک از رویکرد رتبه بندی داخلی برای اندازه گیری ریسک اعتباری استفاده می کند.

۴. ابزارهای دوگانه بدهی - سرمایه

۴۹-۱۱. این دسته، شامل تعدادی از ابزارهای سرمایه ای است که به صورت توامان دارای ترکیبی از برخی ویژگی های سرمایه ای و برخی ویژگی های بدهی می باشند. هر یک از این موارد واجد ویژگی های خاصی هستند که کیفیت سرمایه ای بودن آن ها را متاثر می کند. چنین توافق شده است که اگر این ابزارها دارای ویژگی هایی نزدیکتر به سرمایه بودند، بویژه زمانی که آن ها قادر به پشتیبانی از زیان بر مبنای تداوم فعالیت و بدون نیاز به تسویه باشند، می توانند به عنوان سرمایه تکمیلی لحاظ گردند. همراه با سهام ممتاز دائمی تجمیعی، به عنوان نمونه ابزارهای زیر نیز می توانند واجد شرایط لحاظ شدن در سرمایه باشند: سهام ممتاز بلند مدت در کانادا، اوراق بهادار سهام و اوراق بلند مدت تبعی در فرانسه، گواهی نامه شرکت در آلمان، ابزارهای بدهی دائمی در انگلستان و ابزارهای بدهی قابل تبدیل الزام آور در ایالات متحده. معیارهای معین برای این قبیل ابزارها در پیوست 1a درج شده است.

۵. بدهی های تبعی مدت دار

۴۹-۱۲. کمیته برا این باور است ابزارهای بدهی تبعی جهت ملحوظ شدن در ترکیب سرمایه، واجد کاستی و نقاط ضعف قابل توجهی از نقطه نظر سررسید ثابت و ناتوانی در جذب زیان مگر در موارد فسخ و تسویه می باشند. وجود این کاستی ها، اعمال محدودیت های اضافه در مقدار این قبیل ابزارها با ماهیت بدهی - سرمایه را که واجد شرایط لحاظ شدن در سرمایه پایه می باشند را توجیه پذیر می سازد. در همین راستا، ابزارهای بدهی تبعی که حداقل افزون بر ۵



سال به سررسید اصل آن باقی مانده است، می‌توانند حداکثر تا مقدار ۵۰ درصد سرمایه اصلی و مشروط به وجود ترتیبات استهلاک کافی در زمره اجزای سرمایه تکمیلی لحاظ شوند.

پ. ابزارهای تبعی کوتاه‌مدت برای پوشش ریسک بازار (سرمایه لایه ۳)

۴۹-۱۳. ترکیب اصلی سرمایه واجد شرایط برای پوشش ریسک بازار، مشتمل بر حقوق صاحبان سهام و سود انباشته (سرمایه لایه ۱) و سرمایه تکمیلی (سرمایه لایه ۲) بشرح مندرج در بند های (۴۹-۱) تا (۴۹-۷) می‌باشد. لیکن بانک‌ها همچنین می‌توانند با تشخیص مقامات نظارتی هر کشور، سومین رکن سرمایه (سرمایه لایه ۳) را با تعریف مندرج در بند ۱۴-۴۹ و مشروط به شرایط زیر، صرفاً به عنوان بخشی از سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک بازار، به کار گیرند:

- بانک‌ها مجاز هستند تا از سرمایه لایه ۳ صرفاً در جهت پوشش ریسک‌های بازار بشرح تعاریف مندرج در بندهای ۷۰۹ تا ۷۱۸ (۶۹) استفاده نمایند. این بدان معناست که مطابق این چهارچوب، هر گونه الزامات سرمایه‌ای ناشی از ریسک اعتباری و یا ریسک طرف مقابل، شامل ریسک اعتباری طرف مقابل در ارتباط با OTCs (اوراق مشتقه فرابورس) و SFTs (معاملات اوراق بهادار جهت تامین مالی) برای هر دو گروه دفاتر بانکی و تجاری، باید توسط سرمایه پایه تعریف شده در بند های ۱-۴۹ تا ۱۲-۴۹ (سرمایه لایه ۱ و ۲) پوشش داده شود.
- مقدار سرمایه لایه ۳، محدود به ۲۵۰ درصد سرمایه لایه یک مورد نیاز بانک برای پوشش ریسک بازار خواهد بود. این بدان معناست که حداقل ۲۸,۵ درصد ریسک بازار می‌بایست توسط سرمایه لایه یکی پوشش داده شود که برای پوشش ریسک‌های دیگر بکار گرفته نمی‌شود.

- اجزای سرمایه لایه ۲ می‌تواند تا همان حد ۲۵۰ درصد جایگزین سرمایه لایه ۳ گردد به نحوی که حدود کلی مطروحه در پاراگراف ۴۹ نقض نگردد. می‌توان گفت سرمایه لایه ۲ واجد شرایط نمی‌تواند افزون‌تر از سرمایه لایه ۱ باشد و همچنین بدهی‌های تبعی بلند مدت نباید بیشتر از ۵۰ درصد سرمایه لایه ۱ باشد.

- به علاوه، از آن جا که کمیته باور دارد، سرمایه لایه ۳ تنها برای پوشش ریسک بازار مناسب است، تعداد قابل توجهی از کشورهای عضو مایلند، کماکان به اصل مصرح در چهارچوب جاری



که بر اساس آن، سرمایه لایه ۱ حداقل باید نیمی از کل سرمایه واجد شرایط باشد، پایبند باشند. این بدان معنی است که مجموع سرمایه لایه ۲ و لایه ۳ نمی تواند بیشتر از کل سرمایه لایه ۱ باشد. به هر جهت، کمیته قبول کرد که هر گونه تصمیم گیری در زمینه اعمال یا عدم اعمال این قاعده، بر مبنای تشخیص مقامات نظارتی هر کشور باشد. برخی از کشورهای عضو ممکن است محدودیت های موجود را به استثنای مواردی که فعالیت های بانکی به نسبت خیلی کوچک باشد. را کماکان حفظ کنند. افزون بر آن، مقامات نظارتی هر کشور بنا بر صلاحدید خود می توانند، استفاده از بدهی های تبعی کوتاه مدت را برای برخی از بانک ها* و یا کل نظام بانکی، تجویز نکنند.

۴۹-۱۴. در شرایط مقتضی و بمنظور این که بدهی های تبعی کوتاه مدت در قالب سرمایه لایه ۳، واجد شرایط لحاظ شدن به عنوان بخشی از سرمایه دائمی بانک باشند و به تبع آن بتوانند در جذب زیان در شرایط بی‌مایگی در دسترس باشند. حداقل باید:

- فاقد وثیقه، تبعی و کاملاً پرداخت شده باشد.
- دارای سررسید اولیه حداقل ۲ سال باشد.
- بجز با موافقت مقامات نظارتی، قابل بازپرداخت قبل از تاریخ توافق شده نباشد.
- باید به صورت صریح مقرر دارد؛ اگر هر گونه پرداختی در مورد آن موجب گردد سرمایه بانک به کمتر از حداقل الزامات سرمایه ای کاهش یابد. اصل و بهره آن حتی در سررسید قابل پرداخت نباشد.

ت. کسور از سرمایه

۴۹-۱۵. بمنظور محاسبه نسبت سرمایه به دارایی های موزون به ریسک، مقرر شد موارد زیر از سرمایه پایه کسر گردند. موارد مکسوره عبارتند از:

۱- سرقفلی، که از اجزای سرمایه اصلی (لایه ۱) کسر می گردد.

** Individual banks.

منظور هر بانک به تنهایی خارج از گروه بانکی است.



۲- افزایش در سرمایه‌گذاری‌ها و مشارکت‌ها ناشی از تبدیل به اوراق بهادار کردن منابع در معرض که از اجزای سرمایه‌های لایه ۱ کسر می‌گردد.

۳- سرمایه‌گذاری‌ها در شرکت‌های تابعه فعال در زمینه‌های مالی و بانکی که مطابق با نظام ملی، تلفیق نمی‌شوند. روش معمول، تلفیق شرکت‌های تابعه بمنظور ارزیابی کفایت سرمایه‌های گروه‌های بانکی است. در مواردی که این کار انجام نشده، بمنظور ممانعت از محاسبه مضاعف یک منبع سرمایه در بخش‌های مختلف گروه، کسر این گونه موارد از سرمایه ضروری می‌باشد. کسور برای این قبیل سرمایه‌گذاری‌ها بر طبق بند ۳۷ انجام می‌شود. دارایی‌هایی که نشان‌دهنده سرمایه‌گذاری در شرکت‌های تابعه‌ای است که سرمایه آن‌ها از سرمایه شرکت مادر کسر شده است در زمره دارایی‌های آن بمنظور محاسبه نسبت لحاظ نمی‌گردد.

۴۹-۱۶. کمیته به دقت احتمال الزامی شدن کسر سهام منتشره توسط سایر بانک‌ها یا مؤسسات سپرده‌پذیر، خواه به صورت حقوق صاحبان سهام یا سایر ابزارهای سرمایه‌ای، از سرمایه بانک نگهدارنده، را مورد رسیدگی قرار داد. برخی از مقامات نظارتی گروه G10، اخیراً مقررات کسر شدن این قبیل سهام از سرمایه بانک‌ها را بمنظور از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاری دو جانبه در سهام یکدیگر (سرمایه درون‌گروهی) (سرمایه‌گذاری در سهام یک بانک توسط سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری) به جای اتکا بر جذب سرمایه توسط سرمایه‌گذاران بیرونی، اجرا می‌نمایند. کمیته در مورد این قبیل محاسبه مضاعف یا ارتباط سرمایه‌ای دو طرفه نگران است چرا که آن می‌تواند منجر به ایجاد خطرات سیستمی برای نظام بانکی از حیث انتقال سریع مشکلات از یک مؤسسه به سایر مؤسسات گردد. از این رو برخی اعضا بواسطه این مخاطرات، اعمال سیاست کسر کامل سهام سایر بانک‌ها از سرمایه بانک نگهدارنده را قابل توجیه می‌دانند.

۴۹-۱۷. به هر حال علی‌رغم این نگرانی‌ها، کمیته من حیث المجموع تمایلی به اتخاذ سیاست عمومی و یکسان برای کسر کل سهام از سرمایه بانک نگهدارنده ندارد، چرا که اعمال چنین سیاستی از تحولات مهم و مطلوبی که در حال حاضر در ساختار نظام‌های بانکی هر کشور در شرف وقوع است، جلوگیری می‌کند.



۴۹-۱۸. با این اوصاف کمیته موافقت کرده است:

الف. مقامات نظارتی باید در مورد اعمال سیاست کسر نمودن کامل سهام که به صورت سرمایه نزد دیگر بانک هاست (از سرمایه بانک نگهدارنده) و یا کسر آن قسمت از سهام که در مقایسه با سرمایه بانک نگهدارنده از میزان قابل توجهی برخوردار است و یا بخشی که در مقایسه با سرمایه بانک انتشاردهنده سهام، قابل ملاحظه است از آزادی عمل برخوردار باشند.

ب. در موردی که هیچ کسوری اعمال نمی‌گردد، نگهداری ابزارهای سرمایه ای منتشره توسط سایر بانک ها، مشمول وزن ریسک 100% می‌گردد.

پ. کمیته باور دارد که نگهداری دوجانبه و متقابل سرمایه توسط بانک ها، که به عنوان روشی جهت متورم نشان دادن و افزایش تصنعی سرمایه می‌باشد، باید برای تحقق اهداف کفایت سرمایه، کسر گردد.

ت. کمیته دقیقاً نگهداری متقابل سرمایه توسط بانک ها را در نظام بانکی بین‌الملل پایش نموده و در این زمینه از وضع محدودیت‌های جدید در آینده ممانعت نخواهد کرد. در این راستا، مقامات نظارتی برآنند که اطمینان حاصل گردد آمارهای کافی در اختیار است تا ایشان و کمیته را قادر سازد روند نگهداری ابزارهای سرمایه ای و بدهی، منتشره توسط سایر بانک ها که در حال حاضر و بر اساس توافق‌های قبلی در زمره سرمایه بانک نگهدارنده به شمار می‌روند، را مورد پایش و کنترل قرار دهند.

۲. ریسک اعتباری - رویکرد استاندارد

۵۰. کمیته به بانک ها اجازه می‌دهد تا از بین دو روش محاسبه سرمایه مورد نیاز برای پوشش ریسک اعتباری، یکی را به اختیار خود برگزینند. گزینه اول رویکرد استاندارد بوده که ریسک اعتباری را با شیوه ای استاندارد با پشتوانه ارزیابی مؤسسات مستقل اعتبارسنجی ۱۴، اندازه گیری می‌نماید.

۱۴ قابل ذکر است استفاده از روش رتبه بندی مؤسسه استاندارد اند پورز S&P در این سند صرفاً بعنوان نمونه بوده و استفاده از روش‌های سایر مؤسسات اعتبار سنجی مستقل دیگر نیز امکان پذیر می‌باشد. بنابراین رتبه بندی اعتباری مورد استفاده در این سند، به هیچ وجه مبین ترجیح کمیته در استفاده از رتبه بندی این مؤسسه محسوب نمی‌شود.



۵۱. گزینه بعدی، رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی IRB بوده که با تأیید صریح نهاد نظارت بانکی، بانک‌ها مجاز می‌شوند تا از سیستم رتبه بندی داخلی خود برای اندازه‌گیری ریسک اعتباری استفاده نمایند.

۵۲. در بخش بعدی بازنگری در مفاد موافقت‌نامه ۱۹۸۸ برای موزون به ریسک نمودن منابع در معرض ریسک مندرج در دفاتر بانک‌ها تبیین می‌گردد. تسهیلات و تعهداتی که به آن‌ها در این بخش صریحاً اشاره نشود، مشمول ترتیبات فعلی می‌شوند. با این وجود، تسهیلات و تعهدات مرتبط با تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌های مالی به بخش چهارم مربوط می‌شوند. افزون بر آن، مقدار معادل اعتباری برای معاملات اوراق بهادار جهت تامین مالی ۱۵ SFT و اوراق مشتقه فرابورس OTC که بانک را در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل ۱۶ قرار می‌دهد، نیز با استفاده از قواعد مندرج در قسمت ۴ پیوست ۴ محاسبه و لحاظ می‌گردد. در تعیین اوزان ریسک مربوط به رویکرد استاندارد، بانک‌ها می‌توانند از ارزیابی مؤسسات اعتبارسنجی خارجی که صلاحیت ایشان در انطباق با معیارها و شاخص‌های تعریف شده در بند ۹۰ و ۹۱، که بمنظور اهداف سرمایه‌ای، از سوی نهاد نظارتی کشور، واجد شرایط تشخیص داده شده است، استفاده نمایند. لازم به ذکر است فرایند موزون به ریسک نمودن تسهیلات باید به صورت خالص و پس از کسر ذخایر خاص ۱۸، انجام شود.

۱۵ معاملات مالی اوراق بهادار جهت تامین مالی SFT، معاملاتی از قبیل موافقت‌نامه با خرید، موافقت‌نامه با خرید معکوس، قرض‌دهی و قرض‌گیری اوراق بهادار، تمدید وام جهت معاملات اوراق بهادار می‌باشد که ارزش معامله بسته به ارزش بازار دارد و اغلب تابع توافقات وجود حساب ودیعه می‌باشد.

۱۶ ریسک اعتباری متقابل ریسکی است که طرف مقابل معامله در ایفای تعهد خود نکول کند قبل از اینکه تسویه نهایی جریان نقدی معامله انجام گردد. اگر معامله یا پرتفوی معاملات با طرف مقابل، دارای ارزش اقتصادی مثبت در زمان نکول باشد، زیان اقتصادی به‌مراه خواهد داشت. بر خلاف منابع در معرض ریسک اعتباری مؤسسه مرتبط با وام‌دهی، هنگامی که منابع در معرض ریسک اعتباری، به صورت یک طرفه باشد و تنها وام‌های بانک با خطر زیان مواجه گردند، ریسک اعتباری طرف مقابل می‌تواند منجر به ریسک زیان دو جانبه گردد. ارزش بازار معاملات می‌تواند برای طرفین معامله مثبت یا منفی باشد. ارزش بازار بدون اطمینان بوده و می‌تواند در طول زمان و با تغییر عوامل بازار، تغییرات داشته باشد.

۱۷ پیوست ۴ این سند، مبتنی بر ترتیبات ریسک اعتباری متقابل مندرج در بخش ۱ مقاله منتشره توسط کمیته با عنوان «اجرای بال ۲ در مورد فعالیت‌های تجاری و ترتیبات تأثیر مضاعف نکول - جولای ۲۰۰۵» می‌باشد

۱۸ رویکرد ساده استاندارد در پیوست ۱۱ بطور خلاصه درج گردیده است.



الف) انواع مطالبات

۱. مطالبات از دولت

۵۳. مطالبات از دولت و بانک‌های مرکزی به ترتیب زیر نسبت به ریسک موزون می‌گردند:

رتبه بندی نشده	رتبه بندی	رتبه	اعتباری	وزن	ریسک							
زیر-B	B-	BBB-	BBB+	A+	AA-	AAA	0	20	50	100	150	100

۵۴. بر مبنای صلاحیت ملی، وزن ریسک کمتر می‌تواند در مورد مطالبات بانک‌ها از دولت یا بانک مرکزی کشور متبوع که بر حسب واحد پول داخلی کشور ۱۹ تقویم و با همان واحد پولی ۲۰ اعطا شده است، اعمال گردد. زمانی که این صلاحیت اجرا شود، سایر مقامات نظارتی هم می‌توانند به بانک‌های تحت نظر خود اجازه استفاده از اوزان ریسک مشابه در خصوص این گونه مطالبات را بدهند.

۵۵. ناظرین بمنظور موزون نمودن مطالبات از دولت، می‌توانند رتبه ریسک کشوری را بر مبنای موارد تخصیص یافته توسط مؤسسات اعتباری صادراتی (ECAs) تعیین کنند. در این راستا مؤسسات اعتباری صادراتی بایستی نمرات ریسک را بر مبنای روش مورد توافق OECD منتشر نمایند. بانک‌ها می‌توانند از رتبه‌های ریسک منتشره در اتحادیه‌ها ECAs، که مورد تأیید نهاد نظارتی آنها می‌باشد و یا نمرات ریسک مورد اجماع اتحادیه‌های درگیر در «موافقتنامه حمایت رسمی از اعتبار صادراتی»^{۲۱} استفاده نمایند. در روش مورد توافق OECD،

۱۹ به این معنی که بانک می‌تواند بدهی‌های متناظری را به پول ملی داشته باشد.
 ۲۰ استفاده از این وزن ریسک کمتر برای موزون به ریسک کردن وثایق و ضمانت نامه‌ها نیز می‌تواند اعمال گردد. در این خصوص به بند D3 و D5 بخش ۲ مراجعه شود.
 ۲۱ دسته بندی ریسک کشوری مورد اجماع در پایگاه اطلاع رسانی OECD (<http://www.oecd.org>) در صفحه ترتیبات اعتباری صادراتی اداره تجارت وجود دارد.



هشت دسته بندی وزن ریسک در ارتباط با حداقل حق بیمه صادراتی ایجاد شده است. این

نمرات ریسک ECAs، دسته بندی اوزان ریسک را بشرح جدول زیر ارائه می نماید:

نمره ریسک ECAs	۱-۰	۲	۳	۴ تا ۶	۷
وزن ریسک	%۰	%۲۰	%۵۰	%۱۰۰	%۱۵۰

۵۶. مطالبات از بانک تسویه بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، بانک مرکزی اروپا و جامعه اروپا،

دارای وزن ریسک صفر درصد خواهد بود.

۲. مطالبات از مؤسسات و نهادهای بخش عمومی غیردولتی (PSEs)

۵۷. مطالبات از مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی داخلی، بر مبنای صلاحدید ملی مطابق با

گزینه های ۱ یا ۲ مطالبات از بانک ها ۲۲، موزون به ریسک می گردند. هنگامی که گزینه ۲

انتخاب شود، باید بدون استفاده از رفتار ترجیحی برای مطالبات کوتاه مدت، اجرایی گردد.

۵۸. با توجه به مصالح ملی، مطالبات از نهادهای عمومی معین داخلی هم می تواند مانند مطالبات از

کشور محل استقرار نهاد عمومی، دیده شود. ۲۳ زمانی که این مصلحت اعمال گردد، سایر

۲۲ این امر، صرف نظر از گزینه انتخابی در خصوص مطالبات از بانک های آن کشور بنا بر صلاحدید نظارتی، می باشد. بنابراین زمانی که یک گزینه برای مطالبات از بانک ها انتخاب می شود، این امر دلالت بر این امر ندارد که همان گزینه باید برای مطالبات از نهادهای عمومی دولتی انتخاب شود.

۲۳ مثال های زیر نشان می دهد هنگامی که بر یک ویژگی مشخص مانند قدرت افزایش بازده (درآمد) تمرکز گردد، چگونه نهادهای عمومی دولتی می توانند دسته بندی شوند. به هر حال، ممکن است راههای دیگری؛ به عنوان نمونه تمرکز بر حد ضمانت نامه ارایه شده توسط دولت مرکزی برای تعیین ترتیبات متفاوت قابل اعمال جهت انواع مختلف نهادهای عمومی دولتی وجود داشته باشد:

- دولت های منطقه ای و نهادهای داخلی می توانند مشمول ترتیبات مشابه مطالبات از دولت خود یا دولت مرکزی را شوند اگر این گونه دولت منطقه ای یا نهاد محلی، قدرت افزایش درآمدمشخص را دارا بوده و ترتیبات مشخصی را اتخاذ نموده باشند، به نحوی که اثر آن منتج به کاهش ریسک نکول گردد.
- نهادهای اجرایی مسئول در دولت مرکزی، دولت منطقه ای یا نهادهای محلی و سایر مؤسسات پذیرهنویسی غیرتجاری که در تملک دولت ها یا نهادهای محلی می باشند نمی توانند مشمول رفتار مشابه با مطالبات از سایر دولت ها گردند اگر قدرت افزایش درآمد مشخص و سایر ترتیبات مشروحه در بالا را نداشته باشند. اگر قواعد وام دهی سخت گیرانه برای این مؤسسات اعمال گردد و بواسطه وضعیت عمومی خاص خود امکان ورشکستگی نداشته باشند، مناسب است در مورد این شرکت ها، رفتار مشابه با بانک ها اعمال گردد.
- مؤسسات پذیرهنویسی تجاری در تملک دولت ها، دولت های منطقه ای یا نهادهای داخلی می توانند مشمول ترتیبات مشابه با شرکت های تجاری عادی گردند. به هر حال، اگر این مؤسسات کارکردی مانند یک شرکت در بازار رقابتی دارا بوده و دولت منطقه ای



ناظرین ملی نیز می‌توانند مجوز استفاده از روش مشابه را به بانک‌های خود در وزن دهی به ریسک اعطا نمایند.

۳. مطالبات از بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه (MDBs)

۵۹. اوزان ریسک قابل اعمال برای مطالبات از بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه، عموماً مبتنی بر ارزیابی مؤسسات مستقل اعتبارسنجی، با توجه به شرایط مندرج در گزینه ۲ برای مطالبات از بانک‌ها و بدون امکان استفاده از رفتار ترجیحی برای مطالبات کوتاه مدت خواهد بود. وزن ریسک صفر درصد برای مطالبات از بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه با رتبه بندی بالا که بطور کامل معیارهای مد نظر کمیته را بشرح زیر برآورده نماید قابل اعمال خواهد بود.^{۲۴} کمیته مناسب بودن این شیوه را به صورت موردی، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. معیارهای واجد شرایط بودن برای وزن ریسک صفر درصد، عبارتند از:

- رتبه دراز مدت بانک توسعه‌ای چندجانبه خیلی بالا باشد. به این معنا که اکثریت رتبه‌های بانک مزبور مورد ارزیابی توسط مؤسسه مستقل اعتبارسنجی، باید AAA باشد.
- ترکیب سهامداران عمدتاً متشکل از کشورهای دارای رتبه AA- یا بهتر باشد و یا بخش عمده‌ای از تامین سرمایه در بانک توسعه‌ای چندجانبه از محل سرمایه پرداخت شده، بدون وجود اهرم و یا مقدار کم اهرم مالی (تامین مالی از محل بدهی) باشد.
- حمایت قوی سهام داران که از طریق؛ مقدار سرمایه پرداخت شده از میزان سرمایه تعهد شده، سرمایه اضافی که بانک توسعه‌ای چندجانبه در صورت الزام به پرداخت بدهی، حق فراخوان در خصوص ایجاد آن را دارد و مشارکت سرمایه‌ای مستمر و درخواست جدید از طرف سهامداران دولتی، متجلی می‌گردد.
- کفایت سرمایه و نقدینگی (رویکرد مورد به مورد بمنظور ارزیابی کفایت سرمایه و نقدینگی بانک توسعه‌ای چندجانبه).

یا نهاد داخلی سهامدار عمده آنها باشد، ناظرین می‌توانند آنها را در زمره شرکت‌ها محسوب نموده و بنابراین وزن ریسک مربوطه را در مورد آن‌ها اعمال نمایند.

۲۴ بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه که در شرایط فعلی واجد شرایط وزن ریسک صفر درصد می‌باشند عبارتند از: گروه بانک جهانی متشکل از بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه (IBRD) و شرکت مالی بین‌المللی (IFC)، بانک توسعه آسیا (ADB)، بانک توسعه آفریقا (AfDB)، بانک اروپایی ترمیم و توسعه (EBRD)، بانک توسعه داخلی آمریکا (IADB)، بانک سرمایه‌گذاری اروپا (EIB)، صندوق سرمایه‌گذاری اروپا (EIF)، بانک سرمایه‌گذاری اروپای شمالی (NIB)، بانک توسعه حوزه کارائیب (CDB)، بانک توسعه اسلامی (IDB) و شورای بانک توسعه اروپا (CEDB).



- وجود الزامات قانونی وام دهی سخت گیرانه و مقررات و سیاست های مالی احتیاطی که می تواند افزون بر سایر شرایط مشتمل بر: در فرآیند تصویب نظام مند، راستی آزمایی داخلی اعتباری و تعیین حدود تمرکز ریسک (در مورد هر کشور، بخش، تسهیلات فردی و طبقات اعتباری)، تصویب تسهیلات و تعهدات کلان توسط هیات مدیره یا کمیته منتسب ایشان، جدول زمان بندی ثابت بازپرداخت، پایش موثر استفاده از عواید، فرآیند بازنگری موقعیت، ارزیابی دقیق ریسک و ذخیره گیری بابت زیان در مورد وام ها، باشد.

۴. مطالبات از بانک ها

۶۰. دو گزینه در مورد مطالبات از بانک ها وجود دارد. که نهاد نظارتی کشور، یک گزینه را برای همه بانک های کشور متبوع خود تجویز می کنند. مطالبات از بانک های فاقد رتبه بندی، نمی تواند مشمول وزن ریسکی پایین تر از مقدار اعمال شده برای مطالبات از دولت متبوع، گردد.

۶۱. بر مبنای گزینه اول، همه بانک های کشور، مشمول اوزان ریسکی با یک رده مطلوبیت کمتر از مقدار تخصیص یافته به مطالبات از دولت می گردند. به هر حال، در مورد مطالبات از بانک های کشورهای با رتبه BB+ تا B- و کشورهای فاقد رتبه بندی، وزن ریسک ۱۰۰٪ تخصیص داده می شود.

۶۲. گزینه دوم، اوزان ریسک بانک را بر مبنای ارزیابی مؤسسه مستقل اعتبارسنجی با مطالبات بانک های رتبه بندی نشده در سطح ۵۰ درصد پایه ریزی می نماید. بر طبق این گزینه، وزن ریسک ترجیحی با یک رده مطلوبیت بیشتر از وزن ریسک نمایش داده شده در زیر می تواند برای سررسید اولیه ۲۵ سه و کمتر از سه ماه مشروط به وزن حداقلی ۲۰٪، اعمال گردد. این امر می تواند برای هر دو گروه مطالبات از بانک های رتبه بندی شده و فاقد رتبه، اعمال گردد. اما برای بانک های دارای وزن ریسک ۱۵۰٪ اجرایی نمی گردد.

۶۳. هر دو گزینه در جداول زیر تلخیص گردیده است:

۲۵ ناظرین باید اطمینان حاصل کنند که مطالبات با سررسید اولیه (قراردادی) کمتر از ۳ ماه که انتظار می رود امهال (تمدید) گردند (به عنوان نمونه زمانی که سررسید موثر بیش از ۳ ماه باشد) واجد شرایط اعمال رفتار ترجیحی، برای اهداف کفایت سرمایه نمی باشد.



گزینه اول:

رتبه‌بندی نشده	زیر B-	BB+ B-تا	BBB+ BBB-تا	A+ A-	AAA تا AA-	ارزیابی اعتباری دولت
۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۱۰۰	۵۰	۲۰	وزن ریسک تحت گزینه اول درصد

گزینه دوم:

رتبه‌بندی نشده	زیر B-	BB+ B-تا	BBB+ BBB-تا	A+ A-تا	AAA تا AA-	ارزیابی اعتباری بانک‌ها
۵۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰	۵۰	۲۰	وزن ریسک تحت گزینه دوم درصد
۲۰	۱۵۰	۵۰	۲۰	۲۰	۲۰	وزن ریسک مطالبات کوتاه مدت ^{۲۶} تحت گزینه دوم درصد

۶۴. هنگامی که نهاد نظارتی کشور، اجرای ترجیحی برای مطالبات از دولت بشرح بند ۵۴ را اعمال می‌نماید، آن رویه همچنین می‌تواند در مورد مطالبات از بانک‌ها - با توجه به گزینه‌های اول و دوم - وزن ریسکی را تخصیص دهد که یک رده مطلوبیت کمتری از مقدار تخصیص یافته به مطالبات دولتی دارد، مشروط به حداقل وزن ۲۰٪ و تقویم بر مبنای واحد پول داخلی، مشمول مطالبات بانکی با سررسید ۳ ماه یا کمتر، می‌گردد.

^{۲۶} مطالبات کوتاه مدت در گزینه دوم، با دارا بودن سررسید اولیه ۳ ماه یا کمتر از شناسایی می‌گردند. این جداول اوزان ریسک ترجیحی بالقوه را برای مطالبات تقویم شده با واحد پول داخلی که بانک‌ها مجازند موارد مندرج در بند ۶۴ را در مورد آن‌ها اعمال کنند، در بر نمی‌گیرد.



۵. مطالبات از شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار

۶۵. مطالبات از شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار می‌تواند مشمول رفتار مطالبات از بانک‌ها گردد مشروط بر اینکه آنها مشمول ترتیبات نظارتی و مقرراتی مشابه با ترتیبات مندرج در این چهارچوب (بویژه الزامات سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک) باشند. ۲۷ در غیر اینصورت با این مطالبات مانند مطالبات از شرکت‌ها رفتار خواهد شد.

۶. مطالبات از شرکت‌ها

۶۶. جدول تهیه شده زیر وزن ریسک مطالبات از شرکت‌های دارای رتبه اعتباری، شامل مطالبات از شرکت‌های بیمه‌ای را نشان می‌دهد. وزن ریسک استاندارد برای مطالبات از شرکت‌های فاقد رتبه، ۱۰۰ درصد خواهد بود. برای مطالبات از شرکت‌های فاقد رتبه، وزن ریسک ترجیحی قابل اعمال در خصوص مطالبات از دولت متبوع، تخصیص نخواهد یافت.

رتبه بندی نشده	زیر BB-	BBB+ تا BB-	A+ تا A-	AAA تا AA-	ارزیابی اعتباری
۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۵۰	۲۰	وزن ریسک (به درصد)

۶۷. مقامات نظارتی باید وزن ریسک استاندارد را برای مطالبات از شرکت‌های فاقد رتبه، هنگامی که قضاوت در مورد آنها، بواسطه سابقه و تجربه نکول در کشور خود، حاکی از وزن ریسک بالاتری است، افزایش دهند. به عنوان بخشی از فرایند ارزیابی نظارتی، ناظرین می‌توانند بر مبنای کیفیت اعتباری مطالبات شرکتی موجود در پرتفوی هر بانک، وزن ریسک استاندارد بالاتر از ۱۰۰٪ را تعیین نمایند.

۲۷ بدان معنا که الزامات سرمایه‌ای قابل تطبیق با الزاماتی باشد که در این چهارچوب و در مورد بانک‌ها اعمال گردیده است. دلیل تاکید بر مفهوم «قابل تطبیق» آن است که شرکت کارگزاری (و نه الزاماً شرکت مادر آن) مشمول مقررات و نظارت تلفیقی در ارتباط با مؤسسه زیر مجموعه می‌باشد.



۶۸. بر مبنای مصالح ملی، مقامات نظارتی می‌توانند بانک را مجاز کنند تا وزن ریسک 100% را برای کل مطالبات از شرکت‌ها، صرف نظر از رتبه بندی خارجی تعیین نمایند. هنگامی که این صلاحیت توسط نهاد نظارتی اجرایی گردد، باید اطمینان حاصل کند، هنگامی که رتبه بندی در برخی موارد قابل انجام است یا اصلاً امکان پذیر نمی‌باشد، بانک رویکرد سازگار واحدی در پیش می‌گیرد. بمنظور جلوگیری از گل چین کردن و اعمال سلیقه در انتخاب رتبه، بانک باید قبل از نهایی کردن گزینه انتخاب وزن ریسک 100% درصدی برای کلیه مطالبات شرکتی، بدو تأییدیه مقام نظارتی را اخذ نماید.

۷. مطالبات مشمول پرتفوی های خرد نظارتی

۶۹. مطالبات واجد شرایط معیارهای مندرج در بند ۷۰، می‌تواند به عنوان مطالبات خرد برای اهداف سرمایه نظارتی لحاظ شده و در پرتفوی خرد مقرراتی لحاظ گردد. منابع در معرض مندرج در این قبیل پرتفوی‌ها می‌تواند با ضریب ریسک 75% موزون گردند، به استثنای آن‌هایی که در بند ۷۵ و برای وام‌های سررسید گذشته درج شده است،

۷۰. بمنظور لحاظ شدن در زمره مطالبات پرتفوی خرد مقرراتی، مطالبات باید دارای دارای ۴ معیار بشرح زیر باشند:

- معیار گروه هدف: تسهیلات پرداختی به شخص واحد، اشخاص یا شرکت‌های تجاری کوچک.
- معیار محصول: تسهیلات در قالب یکی از اشکال زیر باشد: اعتبارگردان یا خطوط اعتباری (شامل کارت‌های اعتباری و اعتبار در حساب)، وام‌ها یا واسپاری‌های اشخاص (از قبیل وام‌های اقساطی، وام‌ها و واسپاری‌های خودرو، وام‌های دانشجویی، تامین مالی شخصی) و تسهیلات و تعهدات شرکت‌های کوچک، اوراق بهادار (از قبیل اوراق قرضه و سهام) صرف نظر از اینکه در بورس پذیرفته شده باشد یا خیر، بطور مشخص از این دسته بندی مستثنی می‌گردند. وام‌های رهنی تا حدی که به عنوان تسهیلات با پشتوانه اموال غیر منقول مسکونی محسوب می‌شود، مستثنی می‌گردند (به بند ۷۲ مراجعه شود).
- معیار تنوع/تعدد اجزاء: ناظرین باید متقاعد شوند که پرتفوی خرد تا اندازه‌ای تنوع بخشی شده که ریسک پرتفوی را کاهش می‌دهد، در این صورت مشمول وزن ریسک 75% درصد



خواهند شد. یکی از روش‌های نائل شدن به این هدف؛ تدوین حدود مجاز است به نحوی که مجموع تسهیلات اعطایی به یک شخص،^{۲۸} از ۰٫۲ درصد کل پرتفوی خرد مقرراتی، تخطی ننماید.

• **حد مجاز تسهیلات فردی:** حداکثر مبلغ کل تسهیلات خرد اعطایی به یک شخص، نمی‌تواند از حد مطلق ۱ میلیون یورو، فراتر رود.

۷۱. مقامات نظارتی کشور باید بررسی کنند آیا اوزان ریسک مندرج در بند ۷۲ بر مبنای تجربیات مکتسبه حاصل از نکول در این نوع وام‌ها در کشور متبوع، خیلی پایین در نظر گرفته شده است، می‌توانند بانک‌ها را ملزم کنند تا این اوزان ریسک را تا حد مناسب افزایش دهند.

۸. مطالبات دارای تضمین املاک مسکونی

۷۲. تسهیلاتی که بطور کامل توسط املاک مسکونی که فرد تسهیلات‌گیرنده در آن سکونت داشته یا توسط وی اجاره داده شده است، تضمین شده است مشمول وزن ریسک ۳۵ درصد خواهد بود. در زمان اعمال وزن ریسک ۳۵ درصد، مقامات نظارتی بر مبنای ترتیبات ملی خود در مورد ذخیره تامین مالی مسکن، باید خود را متقاعد کنند که این وزن ترجیحی بطور سخت‌گیرانه برای مقاصد مسکونی و مطابق با معیارهای سخت‌گیرانه احتیاطی از قبیل وجود حاشیه امنیت نسبت به مبلغ تسهیلات، با توجه به مقررات ارزش‌گذاری سخت‌گیرانه اعمال گردیده است. ناظرین باید وزن ریسک استاندارد را در زمانی که به این نتیجه برسند که معیار فوق، برآورده نمی‌شود، افزایش دهند.

۷۳. مقامات نظارتی کشور باید بررسی کنند آیا اوزان ریسک مندرج در بند ۷۲ بر مبنای تجربیات مکتسبه حاصل از نکول در این نوع وام‌ها در کشور متبوع، خیلی پایین در نظر گرفته شده است. می‌توانند بانک‌ها را ملزم کنند تا این اوزان ریسک را تا حد مناسب افزایش دهند.

^{۲۸} تسهیلات تجمعی، عبارتست از مقدار ناخالص (بدون احتساب کاهش ریسک اعتباری) کلیه اشکال منابع در معرض ریسک بدهی (تسهیلات و تعهدات) که هر یک سه معیار دیگر را برآورده نمایند. افزون بر آن، عبارت «به یک شخص» اشاره به یک یا چند مؤسسه دارد که می‌توان آنها را ذینفع واحد قلمداد نمود (به عنوان نمونه در مواردی که یک شخص حقوقی کوچک وابسته به شخص حقوقی دیگر باشد، محدودیت تسهیلات تجمعی منابع در معرض ریسک بانک، برای هر دو شخص اعمال می‌گردد).



۹. مطالبات دارای تضمین اموال غیر منقول تجاری

۷۴. مبنای تجربیات برخی از کشورها که بموجب آن؛ تسهیلات به پشتوانه اموال غیر منقول تجاری، یکی از دلایل وخامت وضعیت دارایی‌ها در صنعت بانک داری در دهه‌های گذشته محسوب گردیده است، کمیتته بر این باور است که اصولاً تسهیلات اعطایی با تهرین اموال غیر منقول تجاری، نمی‌تواند بدون اعمال وزن ریسک ۱۰۰ درصد، موجبات پوشش تسهیلات را فراهم نماید. ۲۹.

۱۰. تسهیلات سررسید گذشته

۷۵. بخش بدون وثیقه هر گونه وام که بیش از ۹۰ روز از سررسید آن گذشته است (صرف نظر از وام‌های رهنی مسکونی واجد شرایط) به صورت خالص و پس از کسر ذخیره خاص (حذفیات از دفاتر بمنظور کسر کردن بخشی از وام است که به دلیل غیر جاری بودن، مشمول نگهداری ذخیره خاص شده است)، می‌تواند به صورت زیر موزون به ریسک شود ۳۰:

- وزن ریسک ۱۵۰ درصد زمانی که مقدار ذخایر خاص کمتر از ۲۰ درصد مقدار مانده وام باشد.
- وزن ریسک ۱۰۰ درصد زمانی که مقدار ذخیره خاص کمتر از ۲۰ درصد مقدار مانده وام نباشد.
- وزن ریسک ۱۰۰ درصد زمانی که مقدار ذخایر خاص کمتر از ۵۰ درصد مقدار مانده وام نباشد. اما با صلاحدید مقام نظارتی می‌تواند وزن ریسک به ۵۰ درصد کاهش یابد.

۲۹ به هر جهت کمیتته در پیامدهای استثنایی برای بازارهای توسعه یافته و با سابقه تاسیس طولانی، تسهیلات رهنی دفتر تجاری و/یا ابنیه چند منظوره تجاری، و/یا محل‌های کسب و کار چند منظوره تجاری اجاره‌ای، از پتانسیل اعمال وزن ریسک ترجیحی ۵۰ درصد برای بخش‌هایی از تسهیلات که دارایی تضمین وام از ۵۰ درصد ارزش بازار و یا ۶۰ درصد ارزش وام رهنی کمتر نباشد، برخوردار می‌باشند. منابع در معرض ریسک خارج از این حدود، مشمول وزن ریسک ۱۰۰ درصد می‌شوند. این گونه ترتیبات استثنایی، با توجه به شرایط خیلی سخت‌گیرانه‌ای اعمال خواهد شد. بویژه دو آزمون باید انجام شود به عنوان نمونه: ۱. زیان‌های ناشی از تسهیلات اعطایی املاک تجاری حداکثر تا ۵۰ درصد ارزش بازاری ملک یا ۶۰ درصد نسبت وام به ارزش ملک (LTV) مبتنی بر حد ارزش وام دهی رهنی (MLV)، نباید از سه دهم درصد مانده تسهیلات در هر سال تجاوز نماید. ۲. کل زیان ناشی از تسهیلات اعطایی املاک تجاری، نباید از پنج دهم درصد مانده تسهیلات در سال مفروض تخطی نماید این بدان معناست اگر نتایج هر یک از این آزمون‌ها در سال مفروض، رضایت‌بخش نباشد، قابلیت استفاده از این رفتار متوقف می‌شود و قبل از این که مجدداً در آینده مورد استفاده واقع شود، باید معیارهای اولیه واجد شرایط بودن، منتج به نتایج مطلوب گردند. کشورهایی که از این ترتیبات بهره می‌برند باید این موضوع و رعایت سایر شرایط اضافی (که در دبیرخانه کمیتته بال موجود است) را به صورت عمومی افشا نمایند. زمانی که مطالبات مشمول این ترتیبات استثنایی به طبقه سررسید گذشته منتقل شوند، مطالبات مذکور مشمول وزن ریسک ۱۰۰ درصد می‌گردند. ۳۰ بنا بر مصالح ملی، ناظرین ممکن است بانک‌ها را مجاز کنند تا وام‌های جاری تمدیدی برای طرف مقابل، وزن ریسک ۱۵۰٪ را مشابه با وام‌های سررسید گذشته مطروحه در بند‌های ۷۵ تا ۷۷ اعمال کنند.



۷۶. منظور از بخش وثیقه دار وام های سررسید گذشته، برخورداری از تضامین و وثایق قابل قبول مانند شرایط ذکر شده در بخش اهداف کاهش ریسک اعتباری (بخش IIB) خواهد بود. ۳۱. هنگامی که معیار تنوع/تعدد اجزاء در بند ۷۰ مورد ارزیابی قرار می گیرد، تسهیلات خرد سررسید گذشته برای هدف موزون به ریسک نمودن، از پرتفوی کلی خرد خارج می شوند.

۷۷. افزون بر شرایط مندرج در بند ۷۵، هنگامی که وام های سررسید گذشته به طور کامل با انواعی از وثایق پوشش داده شده که در بندهای ۱۴۵ و ۱۴۶ ذکر نگردیده است، هنگامی که مقدار ذخیره بمیزان ۱۵٪ مانده وام باشد، وزن ریسک ۱۰٪ می تواند اعمال گردد. این شکل از وثایق در هیچ جای رویکرد استاندارد لحاظ نگردیده است. ناظرین بمنظور اطمینان از کیفیت وثایق، باید معیارهای عملیاتی سخت گیرانه‌ای وضع کنند.

۷۸. در مورد تسهیلات رهنی با پشتوانه املاک مسکونی واجد شرایط، هنگامی که بیش از ۹۰ روز از سررسید این تسهیلات بگذرد، وزن ریسک ۱۰۰ درصد پس از کسر ذخیره خاص اعمال می گردد. اگر این تسهیلات سررسید گذشته شده ولی مقدار ذخیره خاص کمتر از ۲۰ درصد مانده تسهیلات نباشد، بنا بر صلاحدید ملی وزن ریسک می تواند تا ۵۰ درصد برای مانده تسهیلات تجویز گردد.

۱۱. طبقات از مطالبات دارای ریسک بیشتر

۷۹. در مورد مطالبات زیر وزن ریسک ۱۵۰ درصد یا بالاتر اعمال خواهد شد:
- مطالبات از دولت ها، نهادهای عمومی غیردولتی، بانک ها و شرکت های کارگزاری اوراق بهادار با رتبه زیر B-
 - مطالبات از شرکت های با رتبه زیر BB-
 - تسهیلات سررسید گذشته مندرج در بند ۷۵



• بخش‌هایی از اوراق بهادار حاصل از تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌های مالی که واجد رتبه‌های BB+ و BB- می‌باشند با وزن ریسک ۳۵۰ درصد و بشرح مندرج در بند ۵۶۷، موزون می‌گردند.

۸۰. ناظرین ملی می‌توانند وزن ریسک ۱۵۰٪ یا بیشتر بسته به ریسک بالاتر برخی از دارایی‌ها مانند سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر بانک* و سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های خصوصی، را اعمال کنند.

۱۲. سایر دارایی‌ها

۸۱. چگونگی رفتار با منابع در معرض ریسک ناشی از تبدیل به اوراق بهادار کردن دارایی‌های مالی به‌صورت جداگانه در بخش ۴ تشریح می‌گردد. وزن ریسک استاندارد برای سایر دارایی‌ها معادل ۱۰۰ درصد لحاظ خواهد شد. ۳۲ سرمایه‌گذاری مستقیم در سهام یا ابزارهای سرمایه‌مقرراتی که توسط بانک‌ها و یا شرکت‌های کارگزاری منتشر می‌شوند مشمول وزن ریسک ۱۰۰ درصد می‌گردند مگر اینکه از سرمایه‌پایه و مطابق با مفاد بخش ۱ کسر شوند.

۱۳. اقلام زیر خط ترازنامه

۸۲. در رویکرد استاندارد، اقلام زیر خط ترازنامه از طریق اعمال ضرایب تبدیل اعتباری به اقلام معادل تسهیلات اعتباری تبدیل می‌شوند. وزن ریسک طرف مقابل برای معاملات اوراق مشتقه فرابورس شامل هیچ محدودیت سقفی خاص نمی‌شود.

* venture capital.

سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر، به تأمین مالی مرحله اولیه از مراحل رشد شرکت‌های نوپای اطلاق می‌گردد که به دنبال رشد سریع می‌باشند (راس، ۱۹۹۱). سرمایه‌گذاری ریسک‌پذیر حاوی نکات زیر می‌باشد:

- فناوری جدید، مفاهیم بازاریابی جدید و احتمالاً محصولات کاربردی جدید؛
- سرمایه‌گذاری در موقعیت‌های ریسکی به‌طوری که آن موقعیت‌ها دارای قابلیت و شایستگی باشد؛
- محصولات یا فرآیندهایی که مرحله آزمایشگاهی خود را با موفقیت گذرانده‌اند و دارای حق امتیاز یا حق ثبت اختراع می‌باشند؛
- موقعیت‌هایی که نشان دهنده دورنمای امکان عرضه اولیه سهام می‌باشد؛ و
- موقعیت‌هایی که با توجه به استراتژی ارزش افزوده توسط سرمایه‌گذاران انتخاب می‌شود (بارتلت و جوزف، ۱۹۹۵).

۳۲ بنا بر مصالح ملی، نگهداری شمش طلا یا بدهی‌های با پشتوانه شمش طلا می‌تواند به مثابه وجه نقد دیده شده و بنابراین مشمول وزن ریسک ۰ درصد شود. همچنین وجوه نقدی در راه، نیز می‌تواند مشمول وزن ریسک ۲۰ درصد گردد.



۸۳. تعهدات با سررسید اولیه زیر یک سال و تعهدات با سررسید اولیه بالای یک سال بترتیب مشمول ضریب تبدیل ۲۰ و ۵۰ درصد می‌شوند. لیکن تعهداتی که در هر زمان و بدون اطلاع قبلی و به صورت غیر مشروط قابل فسخ شدن توسط بانک باشند و یا بواسطه زوال درجه اعتباری وام گیرنده به صورت خودکار منفسخ می‌شوند، مشمول ضریب تبدیل ۰ درصد می‌گردند.^{۳۳}

۸۳-۱. بدیل‌های اعتباری مستقیم مانند بدهی ضمانت نامه‌های عمومی (شامل اعتبار اسنادی ضمانتی که به عنوان تضمین مالی برای تسهیلات و اوراق بهادار به کار می‌رود) و قبولی‌ها (شامل ظهرنویسی در نقش قبولی) مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۱۰۰٪ می‌گردند.

۸۳-۲. موافقت‌نامه‌های خرید و فروش و فروش دارایی با دارا بودن حق رجوع^{۳۴}، که در آن ریسک اعتباری کماکان به بانک بر می‌گردد مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۱۰۰٪ می‌شود.

۸۴. ضریب تبدیل اعتباری ۱۰۰٪ در خصوص وام‌دهی اوراق بهادار بانک یا توثیق اوراق بهادار به عنوان وثیقه توسط بانک شامل مواردی که خارج از معاملات سبک توافق‌های بازخریدی می‌باشند (معاملاتی مانند بازخرید/بازخرید معکوس و اوراق بهادار قرض داده شده و قرض گرفته شده) اعمال می‌گردد. بمنظور محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک، هنگامی که تعهدات اعتباری تبدیل یافته بوسیله وثایق واجد شرایط پوشش داده شده است، به بخش II D.3 مراجعه شود.

۸۴-۱. توافق/پیمان آتی برای خرید دارایی، سپرده‌های آتی با نرخ و مدت از قبل تعیین شده و سهام و اوراق بهاداری که بخشی از آن پرداخت شده^{۳۵} که مبین تعهدات با برداشت معینی می‌باشند، مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۱۰۰٪ می‌گردند.

^{۳۳} در کشورهای معینی، تعهدات خرد به طور غیر مشروط قابل فسخ در نظر گرفته می‌شود در صورتی که شرایط قرارداد، در چهارچوب صیانت از حقوق مشتریان و قوانین مربوطه، به صورت کامل اجازه فسخ آن‌ها را به بانک داده باشد.
^{۳۴} این موارد بر مبنای نوع دارایی و نه نوع شخص مقابل طرف معامله، موزون می‌گردند.
^{۳۵} این موارد بر مبنای نوع دارایی و نه نوع شخص مقابل که طرف معامله می‌باشد موزون می‌گردند.



۸۴-۲. ارقام احتمالی مرتبط با معاملات معین (ضمانت نامه حسن انجام کار، تضمین پیشنهاد خرید، ضمانت‌ها و اعتبار اسنادی ضمانتی مربوط به معاملات خاص) مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۵۰٪ می‌شوند.

۸۴-۳. تعهد خرید اوراق بهادار بدهی فروخته (NIFs) و ترتیبات تعهد تامین مالی اوراق بدهی فروخته (RUFs) مشمول ضریب تبدیل اعتباری ۵۰٪ می‌گردند.

۸۵. برای اعتبارات اسنادی تجاری کوتاه مدت خود نقد شونده منتجه از کالا (اعتبارات اسنادی که کالای موضوع اعتبار وثیقه آن است)، ضریب تبدیل اعتباری ۲۰٪ برای بانک‌های گشایش‌کننده و تأیید‌کننده، اعمال می‌گردد.

۸۶. در مواردی که الزامی برای ایجاد تعهد طرف مقابل در خصوص ارقام زیرخط ترازنامه وجود دارد، بانک‌ها می‌توانند از ضریب تبدیل اعتباری کمتر استفاده نمایند.

۸۷. مقدار معادل اعتباری برای اوراق مشتقه فرابورس و معاملات تامین مالی اوراق بهادار که بانک را در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می‌دهد بر مبنای قواعد مشروحه در پیوست ۴ این چهارچوب محاسبه می‌شود.

۸۸. بانک‌ها باید به دقت معاملات اوراق بهادار، کالا و معاملات ارزی خود را که دچار نکول شده‌اند از اولین روز نکول پایش نمایند. پوشش سرمایه‌ای برای معاملات نکول شده، باید بر مبنای پیوست شماره ۳ این چهارچوب محاسبه گردد.

۸۹. در ارتباط با معاملات اوراق بهادار، کالا و معاملات ارزی تسویه نشده، کمیته بر این باور است که بانک‌ها از تاریخ معامله و صرف نظر از تاریخ ثبت یا حسابداری معامله، در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می‌گیرند. بنابراین، بانک‌ها ترغیب می‌شوند تا سیستم‌هایی را برای ردیابی و پایش ریسک اعتباری ناشی از معاملات تسویه نشده پیاده‌سازی، اجرا و بهبود بخشند به نحوی که در تولید اطلاعات مدیریتی که منجر به تسهیل اقدامات در بازه زمان‌بندی شده‌ای می‌گردد، مناسب باشد. افزون بر آن، هنگامی که این قبیل معاملات از طریق سازوکار



تحویل در مقابل پرداخت (DvP) و یا پرداخت در مقابل پرداخت (PvP) عملیاتی نگردد، بانک باید پوشش سرمایه ای بشرح مندرج در پیوست ۳ این چهارچوب محاسبه نماید.

ب. ارزیابی مستقل اعتباری

۱. فرآیند به رسمیت شناختن

۹۰. مسؤلیت تعیین این که مؤسسات مستقل اعتبارسنجی واجد معیارهای مقرر در بند زیر می‌باشند بر عهده ناظرین ملی است. ارزیابی‌های مؤسسات مستقل اعتبارسنجی بر مبنای محدودی از قبیل نوع مطالبه و کشور مورد نظر به رسمیت شناخته می‌شود. فرآیند نظارتی تأیید رسمی مؤسسات مستقل اعتبارسنجی باید به صورت عمومی افشاء گردد تا از موانع غیرضروری در مسیر اجرا، اجتناب شود.

۲. معیارهای واجد شرایط بودن

۹۱. مؤسسه مستقل اعتبارسنجی باید هر یک از معیارهای شش‌گانه زیر را برآورده نماید:

- **عینیت:** روش تخصیص ارزیابی اعتباری باید دقیق و سخت‌گیرانه، نظام مند و دارای اعتبار به پشتوانه تجربیات تاریخی باشد. علاوه بر این، ارزیابی‌ها باید بطور دائم در معرض بازنگری بوده و بسته به تغییرات در شرایط مالی از قدرت پاسخگویی برخوردار باشند. روش ارزیابی برای هر بخش بازار، قبل از رسمیت بخشی توسط ناظر، باید مسبقاً به آزمون پشتیبان* سخت‌گیرانه و دقیقی باشد که حداقل به مدت یک‌سال و ترجیحاً سه سال، اعمال گردیده است.

* backtesting.

آزمون پشتیبان، فرایند پایش کیفیت مدل‌های ارزش در معرض خطر (var) است. برای این منظور زبان‌های بالقوه پیش‌بینی شده توسط روش ارزش در معرض خطر در طول یک دوره طولانی مورد آزمون قرار می‌گیرد، تا مشخص شود آیا نسبت به گذشته، چندان دور تر از سطح اعتماد اعمال شده پیشنهادی نبوده‌اند. (مرجع فرهنگ اصطلاحات بال دو)



- **استقلال:** یک مؤسسه مستقل اعتبار سنجی باید مستقل بوده و نباید در معرض فشارهای سیاسی یا اقتصادی که رتبه بندی را متاثر نماید، قرار گیرد. فرآیند ارزیابی باید تا حد ممکن از کلیه محدودیت‌ها و قیود احتمالی منتجه از وضعیت‌هایی که ترکیب اعضای هیات مدیره و یا ساختار سهامداران مؤسسه اعتبار سنجی منجر به ایجاد تضاد می‌منافع می‌گردد، مبرا باشد.
- **شفافیت/دسترسی بین‌المللی:** ارزیابی‌های فردی باید به صورت یکسان در دسترس مؤسسات داخلی و خارجی دارای منافع مشروع قرار گیرد. افزون بر آن، روش کلی مورد استفاده مؤسسه مستقل اعتبارسنجی، باید به طور عمومی در دسترس باشد.
- **افشا:** مؤسسه مستقل اعتبار سنجی باید اطلاعات زیر را افشا نماید: روش ارزیابی خود شامل تعریف نکول، افق زمانی، و معنای هر رتبه؛ رتبه‌های نکول واقعی تجربه شده در هر طبقه ارزیابی؛ و نحوه تغییرات ارزیابی‌ها مانند احتمال تبدیل رتبه AA به A در طول زمان.
- **منابع:** مؤسسه مستقل اعتبار سنجی باید دارای منابع کافی بوده به نحوی که قادر باشد ارزیابی اعتباری را با کیفیت بالا انجام دهد. این منابع باید امکان برقراری تماس دائمی قابل توجه با سطوح ارشد و عملیاتی مؤسسه مورد ارزیابی را بمنظور ایجاد ارزش افزوده در ارزیابی اعتباری فراهم نماید. این قبیل ارزیابی‌ها باید مبتنی بر روش‌هایی متشکل از رویکردهای کمی و کیفی باشد.
- **مقبولیت:** تا حدی، اعتبار از معیارهای فوق نشأت می‌گیرد. افزون بر آن، میزان اتکای اشخاص مستقل (مانند سرمایه‌گذاران، بیمه‌گران، شرکای تجاری) بر ارزیابی اعتباری مؤسسه مستقل اعتبارسنجی به‌منزله شاهد و گواهی بر میزان اعتبار ارزیابی‌های مؤسسه مستقل اعتبارسنجی محسوب می‌گردد. اعتبار یک مؤسسه مستقل اعتبارسنجی، همچنین از طریق وجود رویه‌های داخلی جهت پیشگیری از امکان استفاده غیرمجاز از اطلاعات محرمانه، تقویت می‌گردد. مؤسسه مستقل اعتبارسنجی جهت واجد شرایط بودن برای به رسمیت شناخته‌شدن، الزامی ندارند شرکت‌ها را در بیش از یک کشور مورد ارزیابی قرار دهند.



پ. ملاحظات اجرایی

فرآیند تطبیق وزن ریسک

۹۲. ناظرین مسئول تخصیص اوزان ریسک با توجه به ارزیابی های مؤسسات مستقل اعتبارسنجی در اختیار تحت رویکرد استاندارد می باشند. در تعیین اوزان ریسک یعنی به تعبیر دیگر، تصمیم گیری در مورد این که کدام طبقه ارزیابی به کدام وزن ریسک تعلق می گیرد. فرآیند تطبیق باید عینی بوده و بایستی منتهی به تخصیص وزن ریسک سازگار با سطوح ریسک اعتباری منعکس شده در جدول بالا باشد. همچنین کل طیف های اوزان ریسک را پوشش دهد.

۹۳. در هنگام اجرای فرایند تطبیق علاوه بر عوامل دیگر، عواملی که توسط ناظرین مورد ارزیابی قرار می گیرد عبارتند از: اندازه و حوزه عملیاتی ناشران که توسط هر مؤسسه مستقل اعتبارسنجی پوشش داده می شود، گستره و مفهوم ارزیابی تخصیص یافته توسط آن، و تعریف نکول به ترتیبی که توسط مؤسسه مستقل اعتبارسنجی مورد استفاده قرار می گیرد. بمنظور ارتقای سازگاری بیشتر تطبیق ارزیابی ها با اوزان ریسک در اختیار و یاری رساندن به ناظرین در اجرای فرایند مربوطه، پیوست ۲ رهنمودی متضمن اینکه چگونه فرایند تطبیق باید اجرایی شود، ارائه می نماید.

۹۴. بانک ها برای هر دو هدف مدیریت ریسک و موزون به ریسک نمودن دارایی ها، باید به صورت سازگار از مؤسسات مستقل اعتبارسنجی منتخب و رتبه های مربوط به هر نوع از مطالبات، استفاده نمایند. بانک ها مجاز نیستند نسبت به گل چین نمودن و اعمال سلیقه در انتخاب ارزیابی های مؤسسات مستقل مختلف اعتبارسنجی، اقدام کنند.

۹۵. بانک ها باید؛ مؤسسات مشخص مستقل اعتبارسنجی که از خدمات آنها برای موزون به ریسک نمودن دارایی ها بر اساس نوع مطالبات استفاده می کنند، اوزان ریسک در ارتباط با درجات رتبه ای خاص تعیین شده توسط ناظران در فرآیند تطبیق و همچنین دارایی های موزون به ریسک



تجمیعی برای هر وزن ریسک مبتنی بر ارزیابی هر مؤسسه مستقل اعتبارسنجی واجد شرایط را افشا نمایند.

۲. تعداد ارزیابی‌ها

۹۶. اگر صرفاً یک ارزیابی توسط مؤسسه مستقل اعتبارسنجی منتخب بانک در مورد یک مطالبه خاص وجود دارد، آن ارزیابی باید در تعیین وزن ریسک آن مطالبه مورد استفاده قرار گیرد.

۹۷. اگر دو ارزیابی توسط مؤسسات مستقل اعتبارسنجی منتخب بانک وجود داشته و اوزان ریسک متفاوتی را ترسیم کنند، وزن ریسک بالاتر اعمال خواهد شد.

۹۸. اگر سه یا تعداد بیشتری ارزیابی با اوزان ریسک مختلف موجود باشد، باید به دو وزن ریسک کمتر رجوع شده و از بین آن‌ها، وزن ریسک بالاتر اعمال خواهد شد.

۳. ارزیابی ناشر در مقابل ارزیابی ابزار منتشره

۹۹. هنگامی که بانک در اوراق خاصی سرمایه‌گذاری می‌کند که دارای ارزیابی خاص خود می‌باشند، وزن ریسک مطالبات مبتنی بر این ارزیابی خواهد بود. در مواردی که مطالبات بانک در زمره سرمایه‌گذاری در اوراق با ارزیابی خاص محسوب نشود، اصول کلی زیر اعمال می‌گردد:

- در شرایطی که ناشر اوراق (در نقش سرمایه‌پذیر) دارای ارزیابی خاص برای اوراق بدهی بوده ولی مطالبات بانک از آن ناشر، به عنوان سرمایه‌گذاری در آن اوراق بدهی خاص محسوب نمی‌شود، ارزیابی اعتباری با کیفیت بالاتر (موردی که وزن ریسک را کمتر از میزان اعمال شده مربوط به مطالبات فاقد رتبه اعمال نموده است) مشروط بر این که این مطالبات از درجه اولویت نسبت به مطالبات ارزیابی شده در همه جهات برخوردار باشد، می‌تواند فقط در مورد مطالبات فاقد ارزیابی بانک اعمال گردد. اگر این گونه نباشد، ارزیابی اعتباری نمی‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و مطالبات ارزیابی نشده، مشمول وزن ریسک مطالبات فاقد رتبه می‌گردد.



• در شرایطی که ناشر اوراق (در نقش سرمایه پذیر) دارای رتبه ارزیابی باشد، این ارزیابی عموماً در مورد مطالبات مهمتر فاقد وثیقه آن ناشر، اعمال می‌گردد. در این صورت صرفاً مطالبات دارای اولویت همان ناشر، مشمول امتیاز ارزیابی با کیفیت بالاتر مربوط به ناشر می‌گردند. در خصوص سایر مطالبات فاقد ارزیابی از ناشر دارای رتبه ارزیابی بالا، مانند فاقد رتبه عمل خواهد شد. اگر ناشر یا ابزار خاص‌دارای ارزیابی با کیفیت پائین باشد (در مورد آن‌ها وزن ریسک معادل یا بالاتر از مطالبات فاقد رتبه تجویز می‌گردد)، مطالبات فاقد ارزیابی از همان ناشر نیز مشمول وزن ریسکی خواهند شد که در مورد ارزیابی کیفی پائین، اعمال می‌گردد.

۱۰۰. بانک‌ها خواه بر ارزیابی ناشر و یا ارزیابی خاص اوراق منتشره اتکا نمایند، در این ارزیابی باید کل منابع در معرض ریسک اعتباری را که بانک در ارتباط با تمامی پرداخت‌های آن متعهد ۳۶ است، لحاظ و منعکس شود.

۱۰۱. اگر ارتقای اعتباری هم اکنون در رتبه خاص اوراق لحاظ شده است، بمنظور اجتناب از محاسبه مضاعف عوامل ارتقای اعتباری، هیچ یک از تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری تجویزی توسط ناظر به حساب آورده نمی‌شود (به بند ۱۱۴ مراجعه شود).

۴. ارزیابی تسهیلات و تعهدات با واحد پول ملی و ارز

۱۰۲. هنگامی که تسهیلات و تعهدات فاقد رتبه بر مبنای رتبه تسهیلات و تعهدات معادل مرتبط با همان وام گیرنده، موزون به ریسک می‌گردند، قاعده کلی آن است که رتبه‌های ارزی برای تسهیلات و تعهدات ارزی اعمال گردد. در صورت تفکیک، رتبه‌های واحد پول ملی صرفاً برای موزون به ریسک نمودن تسهیلات و تعهدات تقویم شده با واحد پول ملی مورد استفاده قرار خواهد گرفت. ۳۷

۳۶ به عنوان مثال، اگر مطالبات بانک شامل اصل و فرع (سود) باشد، ارزیابی باید بطور کامل به حساب آورده شده و ریسک اعتباری، را در ارتباط با بازپرداخت اصل و فرع منعکس نماید.

۳۷ هنگامی که منابع در معرض ریسک بانک ناشی از مشارکت بانک در وام‌های تمدیدی بوده، یا تبدیل و انتقال ریسک منابع در معرض، توسط بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه معینی تضمین شده باشد، تبدیل و انتقال ریسک می‌تواند با صلاحیت مقام نظارتی ملحوظ و بطور موثری منابع کاهش یابد. بمنظور بهره‌مندی از این مزیت، بانک توسعه‌ای چندجانبه باید دارای وضعیت اعتباری ممتاز و رسمی در بازار بوده و در زمره موارد



۵. ارزیابی کوتاه مدت / بلند مدت

۱۰۳. برای اهداف موزون به ریسک نمودن، ارزیابی کوتاه مدت، یک ارزیابی خاص/موردی قلمداد می‌گردد. آن تنها برای حصول اوزان ریسک در مورد مطالبات ناشی از تسهیلات رتبه بندی شده مورد استفاده قرار می‌گیرد. به استثنای شرایط مندرج در بند ۱۰۵، آن‌ها نمی‌توانند به سایر مطالبات کوتاه مدت تعمیم داده شوند. به هیچ وجه، رتبه‌های کوتاه مدت، نمی‌توانند در ارتباط با وزن ریسک در مورد مطالبات بلند مدت فاقد رتبه مورد استفاده قرار گیرد. ارزیابی کوتاه مدت صرفاً می‌تواند برای مطالبات کوتاه مدت از بانک‌ها و شرکت‌ها مورد استفاده قرار گیرد. جدول زیر چهارچوبی برای منابع در معرض ریسک اعطایی بانک‌ها در تسهیلات کوتاه مدت خاص از قبیل انتشار اوراق تجاری خاص، ارائه می‌کند.

ارزیابی اعتباری	A-1/P-1۳۸	A-2/P-2	A-3/P-3	سایر ۳۹
وزن ریسک	۲۰٪	۵۰٪	۱۰۰٪	۱۵۰٪

۱۰۴. اگر یک تسهیلات کوتاه مدت رتبه بندی شده، مشمول وزن ریسک ۵۰٪ گردد، مطالبات کوتاه مدت فاقد رتبه، نمی‌تواند مشمول وزن ریسک کمتر از ۱۰۰٪ گردد. اگر ناشر دارای تسهیلات کوتاه مدتی با ارزیابی منتج به وزن ریسک ۱۵۰٪ باشد، کلیه مطالبات فاقد رتبه، صرف نظر از کوتاه مدت یا بلند مدت بودن آن‌ها، نیز می‌بایست مشمول وزن ریسک ۱۵۰٪ شوند، مگر اینکه بانک از تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری مورد تایید ناظر برای این قبیل مطالبات استفاده نماید.

زیرنویس ۲۴ لحاظ شده باشد. در این قبیل موارد، با هدف موزون به ریسک نمودن، رتبه پول داخلی وام‌گیرنده می‌تواند بجای رتبه ارزی وی مورد استفاده قرار گیرد. با وجود تضمین تبدیل یا انتقال ریسک، رتبه پول ملی می‌تواند صرفاً در مورد بخش دارای تضمین مورد استفاده قرار گیرد. موزون به ریسک نمودن بخش فاقد تضمین، بر مبنای رتبه ارزی صورت می‌پذیرد.

۲۸ نمایه‌ها از روش شناسی مورد استفاده خدمات سرمایه‌گذاری استاندارد اند پورز و مودیز پیروی می‌کنند. رتبه A-1 استاندارد اند پورز شامل هر دو مورد A-1+ و A-1- می‌گردد.

۳۹ این دسته بندی شامل همه بدون رتبه‌ها و رتبه‌های B و C می‌گردد.



۱۰۵. در مواردی که ناظران ملی تصمیم به اجرای گزینه ۲ رویکرد استاندارد برای مطالبات بین بانکی کوتاه مدت در کشور متبوع خود می‌گیرند، انتظار می‌رود نحوه تعامل با ارزیابی‌های کوتاه مدت خاص، بشرح زیر صورت پذیرد:
- در مواردی که هیچ‌گونه ارزیابی در مورد مطالبات کوتاه مدت خاص وجود نداشته باشد، رفتار ترجیحی عمومی برای مطالبات کوتاه مدت، بشرح مندرج در بند ۶۲ و ۶۴، برای همه مطالبات از بانک‌ها تا سررسید اولیه ۳ ماه اعمال می‌گردد.
 - اگر ارزیابی مطالبات کوتاه مدت در اختیار باشد و آن ارزیابی در اوزان ریسک مطلوب‌تر متجلی گردد (کمتر باشد) و یا به مثابه رفتار ترجیحی عمومی باشد، ارزیابی کوتاه مدت بایستی فقط برای مطالبات خاص مورد استفاده قرار گیرد. سایر مطالبات کوتاه مدت از رفتار ترجیحی عمومی متنفع می‌گردد.
 - زمانی که یک ارزیابی خاص کوتاه مدت درباره یک مطالبه کوتاه مدت بانکی با وزن ریسک غیرمطلوب (بالا تر) اعمال گردد، رفتار ترجیحی عمومی کوتاه مدت در مورد مطالبات بین بانکی، قابل اعمال نخواهد بود. تمامی مطالبات کوتاه مدت فاقد رتبه مشمول اوزان ریسک مشابهی خواهند شد که بواسطه ارزیابی کوتاه مدت خاص اعمال می‌گردد.
۱۰۶. زمانی که باید ارزیابی کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرد، مؤسسه ارزیابی کننده باید تمامی معیارهای مندرج در بند ۹۱ را در ارتباط با ارزیابی کوتاه مدت خود، برآورده نماید.

۶. سطح کاربرد ارزیابی

۱۰۷. ارزیابی‌های مستقل برای برای یک مؤسسه مستقل درون یک گروه شرکتی، نمی‌تواند برای موزون به ریسک نمودن مطالبات سایر شرکت‌های عضو همان گروه مورد استفاده قرار گیرد.



۰۷. رتبه‌های غیردرخواستی*

۱۰۸. به عنوان یک قاعده کلی، بانک‌ها باید از رتبه‌های درخواستی (با درخواست رسمی و در ازای پرداخت وجه) از مؤسسات مستقل اعتبار سنجی واجد شرایط استفاده نمایند. به هر حال مقامات نظارتی ملی می‌توانند بانک‌ها را مجاز کنند تا از رتبه‌های غیردرخواستی به همان طریق رتبه‌های درخواستی استفاده کنند. به هر حال، استفاده از رتبه‌های غیردرخواستی می‌تواند توسط مؤسسات مستقل اعتبار سنجی بمنظور ایجاد فشار بر مؤسسات، مورد استفاده قرار گیرد تا منتج به رتبه بندی درخواستی توسط ایشان گردد. این نحوه رفتار، در صورت احراز، باید موجب گردد ناظران در خصوص استمرار/عدم استمرار تایید مؤسسات مستقل اعتبار سنجی برای اهداف کفایت سرمایه تصمیم‌گیری کنند.

ت. رویکرد استاندارد - کاهش ریسک اعتباری

۱. کلیات

(۱) مقدمه

۱۰۹. بانک‌ها از برخی تکنیک‌ها بمنظور کاهش ریسک اعتباری که در معرض آن هستند استفاده می‌کنند. به عنوان مثال، منابع در معرض ریسک می‌توانند به پشتوانه وثایقی مانند مطالبات دارای اولویت نخست اعطا گردند، بطور کامل یا بخشی از آن‌ها می‌تواند با وجه نقد یا اوراق بهادار پوشش داده شود، تسهیلات در معرض ریسک می‌تواند بوسیله شخص ثالث تضمین گردد، یا بانک می‌تواند اوراق مشتقه اعتباری را خریداری کند تا اثر اشکال متنوع ریسک اعتباری را کاهش دهند. مضافاً اینکه بانک‌ها می‌توانند بر روی خالص سازی تسهیلات اعطایی در مقابل سپرده‌های طرف مقابل، توافق نمایند.

۱۱۰. زمانی که این تکنیک‌ها، الزامات مربوط به اطمینان قانونی مندرج در بند ۱۱۷ و ۱۱۸ را برآورده می‌نمایند، رویکرد بازبینی شده کاهش ریسک اعتباری، دامنه وسیع تری از تکنیک‌های

* Unsolicited ratings.

منظور رتبه‌هایی است که انتشار عمومی دارد و به درخواست یک مؤسسه یا بنگاه از یک مؤسسه مستقل اعتبارسنجی تهیه نمی‌شود.



کاهش ریسک اعتباری را با توجه به اهداف سرمایه نظارتی در مقایسه با موافقت نامه ۱۹۸۸، مجاز می‌نماید.

(۲) ملاحظات کلی

۱۱۱. چهارچوب تعیین شده در این بخش، برای منابع در معرض ریسک مندرج در دفاتر بانکی طبق رویکرد استاندارد قابل اعمال خواهد بود. در خصوص ترتیبات کاهش ریسک اعتباری در رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی IRB به بخش ۳ مراجعه کنید.

۱۱۲. رویکرد جامع در خصوص نحوه بررسی وثایق (به بند ۱۳۰ تا ۱۳۸ و ۱۴۵ تا ۱۸۱ رجوع شود) نیز می‌تواند اعمال گردد تا هزینه پوشش ریسک طرف مقابل را برای اوراق مشتقه فرابورس و معاملات بازخریدی ثبت شده در دفاتر تجاری بانک، محاسبه نماید.

۱۱۳. معاملاتی که در مورد آنها از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری استفاده می‌شود، نباید مشمول الزامات سرمایه‌ای بالاتری نسبت به سایر معاملات مشابه که در مورد آنها از این تکنیک ها استفاده نمی‌شود، گردند.

۱۱۴. اثرات کاهش ریسک اعتباری نباید به صورت مضاعف محاسبه گردد. بنابراین، در مورد مطالبات واجد رتبه خاص، که قبلاً کاهش ریسک اعتباری در خصوص آن اعمال شده است، هیچ تایید نظارتی اضافه در مورد کاهش ریسک اعتباری برای اهداف سرمایه نظارتی به آن مطالبات تعلق نخواهد گرفت. مطابق با بند ۱۰۰ بخش رویکرد استاندارد، رتبه بندی مبتنی بر اصل بدهی نمی‌تواند در چهارچوب کاهش ریسک اعتباری مورد استفاده قرار گیرد.

۱۱۵. در حالی که استفاده از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری منتج به کاهش یا انتقال ریسک اعتباری می‌گردد، آن بطور همزمان می‌تواند سایر ریسک ها (ریسک های باقیمانده) را افزایش دهد. ریسک های باقیمانده شامل ریسک های قانونی، عملیاتی، نقدشوندگی و بازار می‌باشد. بنابراین، لازم است بانک ها رویه ها و فرایندهای قدرتمندی شامل؛ راهبرد، ملاحظات مربوط به اعتبار پایه (محور)، ارزش گذاری، سیاست ها و رویه ها، سیستم ها، کنترل ریسک



های ناشی از انقضای پوشش، و مدیریت ریسک تمرکز ناشی از استفاده بانک از تکنیک های کاهش ریسک اعتباری و تعامل آن با شمای کلی ریسک اعتباری بانک، برای کنترل این ریسک‌ها بکارگیرند. هنگامی که این ریسک‌ها بطور کافی کنترل نشوند، ناظران می‌توانند سرمایه پوششی اضافه را تحمیل کنند یا از سایر اقدامات نظارتی مندرج در رکن دوم بهره ببرند.

۱۱۶. الزامات مندرج در رکن ۳ نیز باید برای بانک‌ها مد نظر قرار گیرد تا مقدار ارفاق سرمایه در ارتباط با هر گونه تکنیک کاهش ریسک اعتباری حاصل شود.

(۳) پشتوانه قانونی

۱۱۷. بمنظور اینکه بانک‌ها در ارتباط با هر گونه تکنیک کاهش ریسک اعتباری مشمول ارفاق سرمایه شوند، استانداردهای حداقلی زیر برای مستندسازی قانونی باید برآورده شود.

۱۱۸. تمام مستندات مورد استفاده برای معاملات دارای وثیقه، و برای مستندسازی خالص ارقام بالای خط ترازنامه، ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری باید برای همه طرف‌های مقابل الزام آور بوده و در کشور مربوطه، از لحاظ قانونی قابلیت اجرا داشته باشد. بانک‌ها باید به بازنگری های قانونی کافی جهت تایید این مهم رهنمون شده و دارای مبانی قانونی محکمی برای نایل شدن به این امر باشند و در صورت نیاز، این قبیل بازنگری‌های اضافه را جهت حصول اطمینان از قابلیت اجرای مستمر، پیاده‌سازی نمایند.

۲. بررسی اجمالی تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری^{۴۰}

(۱) معاملات دارای وثیقه

۱۱۹. معامله دارای وثیقه به مواردی اطلاق می‌گردد که :

- بانک‌ها دارای منابع در معرض ریسک اعتباری به صورت بالفعل یا بالقوه باشند و

^{۴۰} بمنظور بررسی اجمالی روش‌شناسی ترتیبات سرمایه معاملات تضمین شده توسط وثایق مالی تحت رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی و رویکرد استاندارد به پیوست ۱۰ مراجعه شود.



- منابع در معرض ریسک اعتباری بالفعل یا بالقوه، به صورت کامل یا به صورت بخشی توسط وثایق طرف مقابل ۴۱ و یا شخص ثالثی به نیابت از طرف مقابل، پوشش داده شده باشد.

۱۲۰. زمانی که بانک‌ها وثایق مالی واجد شرایط در اختیار می‌گیرند (مانند وجه نقد یا اوراق بهادار، یا سایر موارد تعیین شده در بند های ۱۴۵ و ۱۴۶) آن‌ها مجازند تا منابع در معرض ریسک اعتباری اعطایی خود به شخص مقابل را در زمان محاسبه سرمایه مورد نیاز جهت احتساب اثرات کاهنده این وثایق، کاهش دهند.

– چهارچوب کلی و شرایط حداقلی

۱۲۱. بانک‌ها می‌توانند به انتخاب خود از رویکرد ساده، مشابه با توافق نامه ۱۹۸۸، اوزان ریسک وثیقه را برای بخش وثیقه‌دار منابع در معرض ریسک، جایگزین اوزان ریسک طرف مقابل (عموماً تا ۲۰ درصد کف) نموده، یا از رویکرد جامع که بموجب آن تعدیل کامل وثایق در مقابل منابع در معرض ریسک مجاز شده و بطور موثر مقدار منابع در معرض ریسک را به اندازه ارزش متناسب وثایق کاهش می‌دهد، استفاده نمایند. بانک‌ها می‌توانند در مورد دفاتر بانکی از هر یک از رویکردها – و نه هر دو – عمل نمایند، لیکن در مورد دفتر تجاری صرفاً می‌توانند تحت رویکرد جامع اقدام نمایند. وثیقه‌گذاری بخشی از منابع در معرض ریسک، در هر دو رویکرد به رسمیت شناخته شده است. امکان عدم تطابق سررسید منابع پایه در معرض ریسک و وثایق صرفاً تحت رویکرد جامع مجاز می‌باشد.

۱۲۲. به هر حال، قبل از اینکه ارفاق سرمایه در رابطه با هر یک از اشکال وثیقه انجام شود، استانداردهای مشروحه در بند های ۱۲۳ تا ۱۲۶ براساس هر رویکرد بایستی رعایت گردند.

۴۱ در این بخش، عبارت « طرف مقابل » برای توصیف شخصی بکار می‌رود که بانک منابع در معرض ریسک اعتباری در قالب ارقام بالای خط یا زیر خط ترازنامه و یا منابع بالقوه در معرض ریسک اعتباری به ایشان اعطا نموده است. این تسهیلات به عنوان نمونه، می‌تواند، در قالب تسهیلات نقد یا اوراق بهادار (که در آن طرف مقابل بطور متعارف وام‌گیرنده نامیده می‌شود)، اوراق بهادار به عنوان وثیقه، تعهدات یا منابع در معرض ریسک تحت قرارداد اوراق مشتقه فرابورس، باشد.



۱۲۳. افزون بر الزامات کلی مربوط به پشتوانه قانونی مندرج در بند های ۱۱۷ و ۱۱۸، سازوکارهای قانونی که بموجب آن وثایق ترهین یا [مالکیت آن] انتقال می یابند باید این اطمینان را حاصل کند که بانک از این حق برخوردار است تا در صورت نکول، بی مایگی یا ورشکستگی (یا در صورت وقوع یک یا تعداد بیشتری وقایع اعتباری مشخص که در بخش مستندسازی معاملات درج گردیده) طرف مقابل (و در جایی که قابل اعمال است مربوط به امین وثیقه) به طریقی زمان بندی شده وثایق را تبدیل به نقد نموده و یا مالکیت قانونی آن را دارا باشد. علاوه بر آن، بانک ها باید تمامی مراحل لازم در خصوص انجام کامل این الزامات را با توجه به قوانین قابل کاربرد در خصوص منافع بانک از وثایق طی نموده تا از حصول و حفظ حقوق و منافع قابل اجرای وثایق، به عنوان نمونه از طریق ثبت رسمی آن نزد دفاتر اسناد رسمی، ویا برای اعمال حق خالص سازی یا جبران در مورد وثایق قابل انتقال، اطمینان داشته باشد.

۱۲۴. بمنظور ایجاد پوشش حفاظتی توسط وثیقه، کیفیت اعتباری طرف مقابل و ارزش وثیقه نباید دارای همبستگی معنادار مثبت باشد. به عنوان مثال، اوراق بهادار منتشره توسط طرف مقابل یا توسط هر مؤسسه عضو گروه مرتبط با طرف مقابل، پوشش کمتری را ایجاد کرده و بنابراین واجد شرایط نخواهد بود.

۱۲۵. بانک ها باید دارای رویه های شفاف و خدشه ناپذیر در نقدشوندگی بهنگام وثایق باشند به نحوی که اطمینان حاصل شود کلیه شرایط قانونی مورد نیاز جهت اعلان و اظهار نکول طرف مقابل و فرایند تبدیل به نقد نمودن وثایق، لحاظ شده است و لذا وثایق می توانند بفوریت به نقد تبدیل شوند.

۱۲۶. زمانی که وثایق توسط امین نگهداری می شود، بانک ها باید مراحل منطقی را طی کنند تا اطمینان یابند امین، وثایق را از دارایی های خود تفکیک نموده است.

۱۲۷. الزامات سرمایه ای بانکی که در هر دو طرف معاملات دارای وثیقه باشد نیز اعمال خواهد شد. به عنوان مثال، هر دو قرارداد بازخرید و یا بازخرید معکوس، مشمول الزامات سرمایه ای می گردند. به همین ترتیب، هر دو طرف معاملات قرض دهی/قرض گیری اوراق بهادار نیز مشروط



به نگهداری پوشش سرمایه ای صریح و به طریق مشابه ثبت اوراق بهادار در دفاتر کل در ارتباط با منابع در معرض ریسک اوراق مشتقه و یا سایر قرض‌گیری‌ها، خواهند شد.

۱۲۸. هنگامی که بانک در نقش واسطه، ترتیبات معاملات بازخریدی (به عنوان نمونه معاملات بازخرید یا بازخرید معکوس و قرض دهی/قرض‌گیری اوراق بهادار) را بین یک مشتری و شخص ثالث انجام می‌دهد، و تضمینی به مشتری می‌دهد که شخص ثالث به تعهداتش عمل خواهد نمود، در این صورت، ریسک بانک مشابه مواردی است که بانک به عنوان اصیل به معامله ورود کرده است. در این گونه موارد، بانک ملزم خواهد بود الزامات سرمایه ای را به طریقی محاسبه کند که انگار خود اصیل می‌باشد.

– رویکرد ساده

۱۲۹. در رویکرد ساده، اوزان ریسک ابزار وثایق که کل یا بخشی از منابع در معرض ریسک را پوشش می‌دهد، با اوزان ریسک طرف مقابل جایگزین می‌گردد. جزئیات این چهارچوب در بند های ۱۸۲ تا ۱۸۵ ارایه می‌گردد.

– رویکرد جامع

۱۳۰. در رویکرد جامع به هنگام ترهین وثیقه، بانک‌ها بمنظور به حساب آوردن اثرات این وثایق، ملزم خواهند بود تا منابع در معرض ریسک تعدیل شده اعطایی به طرف مقابل را برای اهداف کفایت سرمایه محاسبه کنند. با استفاده از تعدیل احتیاطی*، بانک‌ها ملزمند تا مقدار منابع در معرض ریسک اعطایی به طرف مقابل و همچنین ارزش هر گونه وثیقه دریافتی در تضمین طرف مقابل را تعدیل نموده تا هر گونه نوسانات احتمالی آتی در ارزش ۴۲ منتج از تحرکات بازار را نیز به حساب آورند. این امر مقادیر تعدیل شده به نوسان (بازار) را در مورد منابع در معرض ریسک و وثایق حاصل می‌کند. به استثناء شرایطی که یکی از طرف‌های معامله وجه نقد باشد، همواره

۴۲ مقادیر در معرض ریسک می‌تواند متنوع باشد هنگامی که به عنوان نمونه اوراق بهادار قرض داده شده باشد.

* تعدیل احتیاطی (Haircut) مبین تفاوت ارزش بازار وثیقه با ارزش احتیاطی ترهین آن می‌باشد



مقدار تعدیل شده به نوسان، برای منابع در معرض ریسک بیشتر از آن منابع و برای وثایق کمتر از آن خواهد بود.

۱۳۱. افزون بر آن، هنگامی که منابع در معرض ریسک و وثایق نگهداری شده با واحد های پولی مختلفی تقویم شده باشند، تعدیل کاهشی بیشتری باید در مورد مقدار تعدیل شده به نوسان وثایق اعمال گردد تا هر گونه نوسانات احتمالی آتی در خصوص نرخ ارز را نیز به حساب آورده شود.

۱۳۲. زمانی که مقدار تعدیل شده به نوسان منابع در معرض ریسک، بزرگتر از مقدار تعدیل شده به نوسان وثایق باشد (از جمله هر گونه تعدیل اضافی برای ریسک نرخ ارز)، بانک ها باید دارایی های موزون به ریسک خود را با توجه به حاصل ضرب تفاوت این دو در وزن ریسک طرف مقابل محاسبه نمایند. چهارچوب نحوه اجرای این محاسبات در بند ۱۴۷ تا ۱۵۰ تشریح گردیده است.

۱۳۳. اصولاً بانک ها به دو روش می توانند مقدار تعدیل احتیاطی را محاسبه کنند: (۱) تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد با استفاده از پارامترهای تدوین شده توسط کمیته بال و (۲) تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی با استفاده از برآورد خود بانک از نوسانات قیمت در بازار. ناظران تنها در مواقعی بانک ها را مجاز می کنند تا از تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی استفاده کنند که آن ها بتوانند بطور کامل معیارهای کمی و کیفی معینی را اجرا نمایند.

۱۳۴. بانک ها می توانند از تعدیل استاندارد یا تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی، مستقل از انتخاب رویکرد استاندارد یا رویکرد مبتنی بر رتبه بندی داخلی پایه در خصوص اندازه گیری ریسک اعتباری، بهره مند گردند. در هر حال، اگر بانک ها بدنبال آن باشند تا از تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی استفاده کند، آن ها باید از آن برای کل ابزارهایی که در خصوص استفاده از تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی در مورد آن ها واجد شرایط می باشند، استفاده نمایند. موارد استثناء، پرتفوی های کم اهمیتی خواهد بود که در مورد آن ها می توانند از تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد استفاده کنند.



۱۳۵. اندازه تعدیل‌های احتیاطی فردی به نوع ابزار، نوع معامله و تناوب ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار و تجدید نظر در میزان ودیعه بستگی خواهد داشت. به عنوان مثال، معاملات بازخریدی با ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار به صورت روزانه و تجدید نظر روزانه در میزان ودیعه، مشمول تعدیلی احتیاطی مبتنی بر دوره نگهداری ۵ روز کاری آن می‌گردد و معاملات وام‌دهی تضمین شده دارای ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار به صورت روزانه و فاقد هر گونه شرط تجدید نظر در میزان ودیعه، مشمول تعدیل احتیاطی مبتنی بر دوره نگهداری ۲۰ روزه کاری خواهد شد. این تعداد تعدیل احتیاطی، با استفاده از فرمول ریشه دوم زمان (قانون رادیکال T) بسته به دفعات ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار و تجدید نظر در میزان ودیعه، مقیاس‌گذاری افزایشی خواهد شد.

۱۳۶. ناظران می‌توانند، برای انواع معینی از معاملات بازخریدی (عموماً توافق بازخرید اوراق قرضه دولتی با تعریف مندرج در بند های ۱۷۰ و ۱۷۱)، بانک‌هایی که از تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد و یا تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی بهره می‌برند را مجاز کنند تا از آن در محاسبه مقدار منابع در معرض ریسک بعد از کاهش ریسک، استفاده نکنند.

۱۳۷. اثر توافق پایه خالص سازی در مورد معاملات بازخریدی، می‌تواند در محاسبه الزامات سرمایه‌ای و بسته به شرایط مندرج در بند ۱۷۳، به رسمیت شناخته شود.

۱۳۸. به عنوان یک جایگزین دیگر برای تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد و تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی، بانک‌ها می‌توانند از مدل‌های ارزش در معرض خطر VAR در محاسبه نوسانات بالقوه قیمت برای معاملات بازخریدی و سایر معاملات مشابه تامین مالی اوراق بهادار SFT، بشرح مندرج در بند های ۱۷۸ تا ۱۸۱ (i) استفاده کنند. به عنوان روش جایگزین و منوط به تأیید مقام نظارتی، بانک‌ها همچنین برای این قبیل معاملات، می‌توانند منابع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار را بشرح مندرج در پیوست ۴ این چهارچوب، محاسبه کنند.



(۲) خالص سازی ارقام بالای خط ترازنامه

۱۳۹. هنگامی که بانک‌ها از ترتیبات قانونی برای خالص سازی وام‌ها و سپرده‌ها برخوردار هستند، آن‌ها می‌توانند سرمایه مورد نیاز را مبتنی بر خالص منابع در معرض ریسک اعتباری و منوط به شرایط مندرج در بند ۱۸۸ محاسبه نمایند.

(۳) ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری

۱۴۰. هنگامی که ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری؛ مستقیم و بی واسطه، صریح، غیر قابل برگشت و غیر مشروط باشند و ناظران متقاعد شده باشند که بانک‌ها حداقل شرایط عملیاتی معین را در ارتباط با فرایندهای مدیریت ریسک اجرایی نموده‌اند، آن‌ها می‌توانند بانک‌ها را مجاز کنند تا این قبیل پوشش‌های اعتباری را در محاسبه سرمایه مورد، لحاظ نمایند.

۱۴۱. طیفی از ضامنین و پوشش دهندگان اعتباری مشخص شده‌اند. مانند توافق نامه ۱۹۸۸، رویکرد جایگزین اعمال خواهد شد. بنابراین صرفاً تضمین‌های صادره یا پوشش‌های ارایه شده توسط مؤسسات دارای وزن ریسک کمتر از طرف مقابل، منجر به کاهش سرمایه پوششی خواهد شد، چرا که بخش دارای پوشش منابع در معرض طرف مقابل، مشمول وزن ریسک تضمین کننده یا ضامن می‌گردد در حالی که بخش بدون پوشش، مشمول وزن ریسک طرف مقابل می‌گردد.

۱۴۲. جزئیات الزامات عملیاتی در زیر و در بند های ۱۷۸ تا ۱۹۳ ارایه می‌گردد.

(۴) عدم تطابق سررسید

۱۴۳. هنگامی که سررسیدهای باقیمانده در مبحث کاهش ریسک اعتباری، کمتر از سررسید منابع در معرض ریسک اعتباری پایه می‌باشد، عدم تطبیق سررسید بوقوع می‌پیوندد. هنگامی که عدم تطبیق سررسید وجود داشته باشد و کاهش ریسک اعتباری دارای سررسید اصلی کمتر از یک سال باشد، کاهش ریسک اعتباری برای اهداف سرمایه‌ای به رسمیت شناخته نمی‌شود.



در سایر موارد هنگامی که عدم تطبیق سررسید وجود دارد، به رسمیت شناخته شدن به صورت بخشی به کاهش ریسک اعتباری برای اهداف سرمایه نظارتی بشرح مندرج در بند ۲۰۲ تا ۲۰۵ داده می‌شود. تحت رویکرد ساده در خصوص وثایق، عدم تطبیق سررسید مجاز نخواهد بود.

(۵) سایر موارد

۱۴۴. ترتیبات مجموعه ابزارهای کاهنده ریسک اعتباری و اوراق مشتقه اعتباری اولین و دومین نکول در بند ۲۰۶ تا ۲۱۰ ارایه می‌گردد.

۳. وثایق

(۱) وثایق مالی واجد شرایط

۱۴۵. ابزارهای وثیقه ای واجد شرایط در رویکرد ساده عبارتند از:

(الف) وجه نقد (به همین ترتیب گواهی سپرده یا ابزارهای مشابه صادره توسط بانک قرض‌دهنده) تودیع شده نزد بانک، به نحوی که بمنزله پوشش منابع در معرض ریسک طرف مقابل باشد. ۴۳، ۴۴.

(ب) طلا

(پ) اوراق بهادار بدهی دارای رتبه مؤسسات مستقل اعتبار سنجی رسمی که دارای ویژگی‌های زیر نیز باشند:

- حداقل دارای رتبه BB- و منتشره توسط دولت‌ها و یا نهادهای عمومی دولتی باشد که توسط ناظران ملی مانند دولت مرکزی با آن رفتار می‌شود. یا

- حداقل دارای رتبه BBB- باشد هنگامی که توسط سایر مؤسسات (شامل بانک‌ها و شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار) منتشر می‌گردد. یا

۴۳ در مورد اوراق مشتقه مرتبط با قرارداد اعتباری منتشره بانک در مقابل منابع در معرض ریسک موجود در دفاتر بانکی که واجد معیارهای اوراق مشتقه اعتباری باشند، نیز به مثابه معاملات دارای وثیقه نقدی عمل می‌شود.

۴۴ در مواقعی که وجوه سپرده، گواهی سپرده یا ابزارهای مشابه منتشره توسط بانک قرض‌دهنده به عنوان وثیقه نزد بانک ثالثی جدای از ترتیبات امانتی نگهداری شود، در صورتی که آنها بوضوح در تهرین یا واگذار شده به بانک قرض‌دهنده باشد و تهرین یا واگذاری آن‌ها نیز غیر مشروط و غیر قابل برگشت باشد، مقدار منابع در معرض ریسک پوشش داده شده توسط این وثایق بعد از هر گونه تعدیل احتیاطی لازم برای پوشش ریسک نرخ ارز) مشمول وزن ریسک بانک ثالث می‌گردند.



- حداقل دارای رتبه A-3/P-3 برای ابزارهای بدهی کوتاه مدت باشد.
 - (ت) اوراق بهادار بدهی که فاقد رتبه مؤسسات مستقل اعتبار سنجی رسمی باشد به نحوی که:
 - توسط بانک منتشر شود، و
 - در بازار بورس پذیرفته شده باشد، و
 - به عنوان بدهی دارای اولویت طبقه بندی شده باشد، و
 - تمامی اوراق واجد رتبه با اولویت مشابه صادره توسط بانک حداقل باید واجد رتبه BBB- یا A-3/P-3 توسط مؤسسات مستقل اعتبار سنجی رسمی باشد، و
 - بانک نگهدارنده اوراق بهادار در حکم وثیقه دارای اطلاعاتی نباشد که مبین رتبه های زیر BBB- یا A-3/P-3 اوراق (در صورت قابل اعمال) باشد، و
 - ناظران بطور کافی از نقدشوندگی اوراق بهادار در بازار اطمینان داشته باشند.
 - (ث) حقوق صاحبان سهام (شامل اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام) که در شاخص اصلی بازار اصلی اوراق بهادار باشد.
 - (ج) واحدهای سرمایه گذاری (Units) در صندوق های سرمایه گذاری تجمیعی در ارتباط با اوراق بهادار قابل انتقال (UCITS) و صندوق های سرمایه گذاری مشترک که:
 - عموماً قیمت واحدهای سرمایه گذاری آن ها به صورت روزانه تعیین می شود و
 - سرمایه گذاری آن ها محدود به ابزارهای مندرج در این بند است. ۴۵
۱۴۶. ابزارهای وثیقه ای زیر در رویکرد جامع، واجد شرایط شناخته می شوند:
- (الف) تمامی ابزارهای بند ۱۴۵
 - (ب) حقوق صاحبان سهام (شامل اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام) که در شاخص اصلی درج نشده لیکن در بازار بورس رسمی پذیرفته شده باشند.
 - (ت) صندوق های سرمایه گذاری تجمیعی در ارتباط با اوراق بهادار قابل انتقال / صندوق های سرمایه گذاری مشترک که شامل این قبیل ابزارهای مالکانه (حقوق صاحبان سهام) باشد.

۴۵ به هر حال، استفاده یا استفاده بالقوه صندوق های سرمایه گذاری تجمیعی در ارتباط با اوراق بهادار قابل انتقال/صندوق های سرمایه گذاری مشترک از ابزارهای مشتقه، به تنهایی جهت پوشش سرمایه گذاری های مندرج در این بند و بند ۱۴۶ نباید از ماهیت وثیقه مالی واجد شرایط بودن این واحدها در نهادهای تجمیع سرمایه گذاری در اوراق بهادار قابل انتقال/صندوق های مشترک سرمایه گذاری، ممانعت نماید.

**(۲) رویکرد جامع**

محاسبه سرمایه مورد نیاز:

۱۴۷. برای معاملات دارای وثیقه، مقدار منابع در معرض ریسک پس از اعمال فرایند کاهش ریسک اعتباری، به طریق زیر محاسبه می‌گردد:

$$E^* = \max \{0, [E \times (1 + He) - C \times (1 - Hc - Hfx)]\}$$

به‌گونه‌ای که:

- $E^* =$ ارزش منابع در معرض ریسک بعد از انجام فرایند کاهش ریسک
- $E =$ ارزش جاری منابع
- $He =$ تعدیل احتیاطی مناسب برای دارایی
- $C =$ ارزش جاری وثیقه دریافت شده
- $Hc =$ تعدیل احتیاطی مناسب برای وثیقه
- $Hfx =$ پارامتر تعدیل مناسب هنگامی که عدم تطابق ارزی بین وثیقه و ارزش دارایی وجود دارد.

۱۴۸. مقدار منابع در معرض ریسک، بعد از فرایند کاهش ریسک اعتباری، در وزن ریسکی طرف مقابل ضرب شده تا مقدار دارایی موزون به ریسک برای معاملات دارای وثیقه به دست آید.

۱۴۹. نحوه بررسی معاملاتی که عدم تطابق سررسید بین منابع در معرض ریسک طرف مقابل و وثایق مربوطه، وجود دارد در بند های ۲۰۲ تا ۲۰۵ ذکر گردیده است.

۱۵۰. هنگامی که وثایق شامل مجموعه ای از دارایی هاست، تعدیل احتیاطی مجموعه عبارت خواهد بود از:

$$H = \sum_i a_i H_i$$

به‌گونه‌ای که:

a_i وزن دارایی موجود در مجموعه بوده (که با واحد پول اندازه گیری می‌شود) و H_i تعدیل احتیاطی قابل اجرا در مورد آن دارایی می‌باشد.



تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد

۱۵۱. تعدیل‌های احتیاطی نظارتی استاندارد (با فرض ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار به صورت روزانه،

تجدید نظر روزانه در میزان ودیعه و دوره نگهداری ۱۰ روزه کاری) بوده که به درصد بیان

می‌شود، عبارتند از:

رتبه اوراق بهادار بدهی	مدت باقیمانده تا سررسید	ناشران دولتی ۴۶، ۴۷	سایر ناشران ۴۸
AAA- / A-1 تا AAA	کمتر یا مساوی یکسال	0.5	1
	بزرگتر از یکسال و کوچکتر یا مساوی ۵ سال	2	4
	بزرگتر از ۵ سال	4	8
P-3/A-3/A-2/BBB- تا A+ و اوراق بهادار بانک‌های فاقد رتبه dبشرح بند ۱۴۵	کمتر یا مساوی یکسال	1	2
	بزرگتر از یکسال و کوچکتر یا مساوی ۵ سال	3	6
	بزرگتر از ۵ سال	6	12
BB+ تا BB-	کل	15	
سهام ملحوظ در شاخص اصلی بازار اوراق بهادار (شامل اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام) و طلا		15	
بایر سهام (شامل اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام که در یک بازار رسمی پذیرفته شده و قابل خرید و فروش هستند)		25	
تعهد سرمایه‌گذاری جمع شونده در اوراق بهادار قابل انتقال / صندوق‌های مشترک سرمایه‌گذاری		بیشترین تعدیل احتیاطی در مورد هر اوراق بهادار قابل اعمال است در خصوص وجهی که سرمایه‌گذاری می‌شود	
وجه نقد در واحد پولی مشابه ۴۹		0	

۴۶ شامل مؤسسات عمومی دولتی است که از سوی ناظرین ملی ترتیبات دولتی در خصوص آن‌ها اعمال می‌گردد.
 ۴۷ در خصوص بانک‌های توسعه‌ای چند جانبه مشمول وزن ریسک صفر درصد، ترتیبات مربوط به دولت اعمال می‌شود.
 ۴۸ شامل مؤسسات عمومی دولتی است که از سوی ناظرین ملی ترتیبات دولتی در خصوص آن‌ها اعمال نمی‌گردد.
 ۴۹ وثایق نقدی واجد شرایط که در بند ۱۴۵ الف مشخص شده‌اند.



۱۵۲. تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد برای ریسک واحد پولی در مواقعی که منابع در معرض ریسک و وثایق با واحد های پولی مختلفی تقویم شده اند، ۸ درصد خواهد بود (همچنین منوط به دوره نگهداری ۱۰ روزه کاری و ارزش گذاری مبتنی بر بازار به صورت روزانه).

۱۵۳. در خصوص معاملاتی که در آن بانک ابزارهای غیر واجد شرایط را قرض می دهد (مانند اوراق بدهی شرکتی واجد رتبه غیر سرمایه گذاری)، مقدار تعدیل احتیاطی قابل اعمال برای منابع در معرض ریسک باید مشابه مقداری باشد که در خصوص حقوق صاحبان سهام معامله شده بر مبنای نرخ رسمی که خارج از شاخص اصلی می باشد، اعمال می گردد.

– برآورد داخلی برای تعیین مقدار تعدیل احتیاطی

۱۵۴. ناظران می توانند بانک ها را مجاز کنند تا تعدیل احتیاطی را با استفاده از برآورد داخلی خود از نوسانات قیمت بازار و نوسانات نرخ ارز محاسبه نمایند. اجازه این امر مشروط به رضایت مندی از رعایت حداقل استانداردهای کمی و کیفی مندرج در بند های ۱۵۶ تا ۱۶۵ خواهد بود. هنگامی که اوراق بهادار مبتنی بر بدهی دارای رتبه 3-A-/BBB یا بالاتر باشند، ناظران می توانند بانک ها را مجاز کنند برآورد نوسان را برای هر دسته از اوراق بهادار محاسبه کنند. در تعیین دسته بندی های مربوطه، مؤسسات باید موارد زیر را مد نظر قرار دهند: الف- نوع ناشر اوراق بهادار ب- رتبه آن ج- سررسید باقیمانده آن و د- دیرش* اصلاح شده آن. برآورد نوسان باید نمایانگر اوراق بهادار واقعی ملحوظ در دسته بندی بانک باشد. برای اوراق بهادار مبتنی بر بدهی دارای رتبه کمتر از 3-A-/BBB یا برای حقوق صاحبان سهام واجد شرایط به عنوان وثیقه (خانه های هائوسورخورده کم رنگ جدول فوق)، مقدار تعدیل احتیاطی باید برای هر اوراق بهادار به صورت جداگانه محاسبه شود.

۱۵۵. بانک ها باید نوسانات ابزارهای وثیقه ای یا عدم تطبیق سررسید ارزها را به صورت فردی برآورد کنند: نوسانات برآورد شده برای هر معامله نباید همبستگی بین منابع در معرض ریسک

* Duration.

شاخص حساسیت قیمت اوراق بهادار نسبت به تغییرات نرخ بهره است. این شاخص بر حسب زمان بیان می شود. این شاخص دربرگیرنده اثرات زمان تا سررسید، جریان ها و بازده نقدی تا سررسید است. دیرش کمتر به معنی نوسان قیمتی کمتر است. (ماخذ واژه نامه بال دو)



فاقد وثیقه، وثایق و نرخ‌های ارز را به حساب آورد (به بند‌های ۲۰۲ تا ۲۰۵ برای رویکرد عدم تطبیق سررسید مراجعه شود).

– معیارهای کمی

۱۵۶. در محاسبه تعدیل احتیاطی، باید از یک فاصله اطمینان ۹۹ درصدی یک دنباله (یک طرفه) استفاده شود.

۱۵۷. حداقل دوره نگهداری منوط به نوع معامله و دفعات تجدید نظر در میزان ودیعه و ارزش گذاری مبتنی بر بازار خواهد بود. حداقل دوره نگهداری برای انواع مختلف معاملات در بند ۱۶۷ رایج شده است. بانک‌ها می‌توانند اعداد تعدیل احتیاطی محاسبه شده بر طبق دوره نگهداری کمتر، را با استفاده از فرمول ریشه زمان (رادیکال T) به دوره نگهداری مناسب تبدیل کنند.

۱۵۸. بانک‌ها باید عدم نقد شون‌دگی‌های دارای با کیفیت پایین‌تر را در نظر بگیرند. در مواردی که دوره نگهداری با توجه به درجه نقد شون‌دگی و وثایق، نامناسب تشخیص داده شود، دوره نگهداری باید به صورت طولانی‌تر تنظیم شود. آنها همچنین باید مواردی را شناسایی کنند که بموجب آن، داده‌های تاریخی نوسانات بالقوه را کمتر از واقع اظهار نمایند مانند سیاست میخکوب کردن نرخ ارز. در این قبیل موارد داده‌ها باید در معرض آزمون بحران قرار گیرند.

۱۵۹. در محاسبه تعدیل احتیاطی، انتخاب دوره مشاهدات تاریخی (دوره نمونه) باید حداقل یک سال باشد. در مورد بانک‌هایی که از یک طرح تعیین وزن یا سایر روش‌ها برای دوره مشاهده تاریخی بهره می‌برند، حداقل دوره مشاهده "موثر" باید یک سال باشد (با این معنا که میانگین وزنی تاخیر زمانی مشاهدات انفرادی، نمی‌تواند کمتر از ۶ ماه باشد).

۱۶۰. بانک‌ها باید داده‌های خود را حداقل هر سه ماه یکبار به روز رسانی نموده و باید هر زمان که قیمت‌های بازار در معرض تغییرات مهم قرار دارد، آن‌ها را مورد تجدید ارزیابی قرار دهد. این امر دلالت بر آن دارد که تعدیل احتیاطی حداقل باید هر سه ماه یکبار محاسبه شود. ناظرین



همچنین می‌توانند بانک را ملزم کنند تا مقدار تعدیل احتیاطی خود را با استفاده از دوره مشاهده کوتاه مدت تری مورد محاسبه قرار دهد، این در صورتی است که بر مبنای قضاوت ناظرین، این امر بواسطه افزایش معنادار ناگهانی در نوسانات قیمت، توجیه پذیر باشد.

۱۶۱. هیچ گونه مدل خاصی تجویز نمی‌شود. مادامی که هرمدل مورد استفاده، تمام ریسک‌های مهم مرتبط با بانک را پوشش دهد، بانک‌ها مجاز خواهند بود از آن مدل استفاده نمایند. به عنوان مثال شبیه‌سازی تاریخی و شبیه‌سازی مونت کارلو.

– معیارهای کیفی

۱۶۲. داده‌های نوسان برآورد شده (و دوره نگهداری) می‌بایست در فرآیند مدیریت ریسک روزمره بانک‌ها مورد استفاده قرار گیرد.

۱۶۳. بانک‌ها باید فرایندهای خدشه‌ناپذیری برای حصول اطمینان از انطباق با مجموعه مستندات سیاست‌های داخلی، کنترل‌ها و رویه‌های مدنظر در عملیات نظام مدیریت ریسک، در اختیار داشته باشند.

۱۶۴. نظام اندازه‌گیری ریسک باید در ارتباط با حدود منابع در معرض ریسک داخلی مورد استفاده قرار گیرد.

۱۶۵. بازنگری مستقل نظام اندازه‌گیری ریسک، باید بطور منظم و در چهارچوب فرایند حسابرسی داخلی خود بانک انجام پذیرد. بازنگری فرایند کلی مدیریت ریسک، باید در فواصل زمانی منظم صورت گرفته (ترجیحاً سالی یکبار کمتر نباشد) و باید بطور ویژه حداقل موارد زیر را تبیین نماید:

- یکپارچه‌سازی سنج‌های ریسک درون مدیریت ریسک روزانه،
- راستی‌آزمایی (تصدیق) هر گونه تغییر مهم در فرایند مدیریت ریسک.



- دقت و کفایت اطلاعات موقعیت*.
- بررسی سازگاری، بهنگام بودن و قابلیت اعتماد منابع داده‌های مورد استفاده در اجرای مدل داخلی، شامل میزان استقلال منابع داده‌ها: و
- دقت و تناسب مفروضات نوسانات.

– تعدیل دوره‌های متفاوت نگهداری در غیاب تجدید نظر روزانه در میزان ودیعه و ارزش گذاری روزانه مبتنی بر بازار

۱۶۶. برای برخی معاملات، با توجه به ماهیت و دفعات تجدید ارزیابی و تجدید نظر در میزان ودیعه، دوره‌های نگهداری متفاوت، مناسب است. چهارچوب تعدیل احتیاطی وثایق، بین معاملات بازرخریدی (مانند بازرخریدی/بازخرید معکوس و قرض دهی / قرض گیری اوراق بهادار)، سایر معاملات با محوریت بازار سرمایه (مانند معاملات اوراق مشتقه فرابورس و تمدید وام جهت معاملات اوراق بهادار) و وام دهی دارای پوشش وثیقه، تمایز قائل می‌شود. در معاملات با محوریت بازار سرمایه و معاملات بازرخریدی، مستندات در بردارنده شروط تجدید نظر در میزان ودیعه می‌باشد. عموماً برای معاملات دارای وثیقه این امر وجود ندارد.

۱۶۷. حداقل دوره نگهداری برای اقلام متنوع محصولات در جدول زیر خلاصه شده است.

نوع معامله	حداقل دوره نگهداری	شرایط
معاملات بازرخریدی	۵ روز کاری	تجدید نظر در میزان ودیعه به صورت روزانه
سایر معاملات بازار سرمایه	۱۰ روز کاری	تجدید نظر در میزان ودیعه به صورت روزانه
وام دهی دارای وثیقه	۲۰ روز کاری	تجدید ارزیابی به صورت روزانه

۱۶۸. هنگامی که دفعات تجدید نظر در میزان ودیعه و یا تجدید ارزیابی طولانی تر از مقدار حداقل عنوان شده باشد، حداقل اعداد تعدیل احتیاطی منوط به تعداد واقعی روزهای کاری بین تجدید نظر در میزان ودیعه یا تجدید ارزیابی با استفاده از فرمول ریشه مربع زمان (رادیکال T) بشرح زیر افزایش خواهد یافت:

* Position data.



$$H = H_M \sqrt{\frac{N_R + (T_M - 1)}{T_M}}$$

که در آن:

- H = تعدیل احتیاطی
- HM = تعدیل احتیاطی تحت حداقل دوره نگهداری
- TM = حداقل دوره نگهداری برای انواع معاملات
- NR = تعداد واقعی روزهای کاری بین تجدید نظر در میزان ودیعه برای معاملات بازار سرمایه یا تجدید ارزیابی برای اوراق بهادار دارای وثیقه.

هنگامی که بانکی مقدار نوسان را برای دوره نگهداری TN که متفاوت از حداقل دوره نگهداری مشخص شده TM می‌باشد، محاسبه می‌کند، مقدار تعدیل احتیاطی HM با استفاده از فرمول جذر زمان بشرح زیر محاسبه خواهد شد:

$$H_M = H_N \sqrt{\frac{T_M}{T_N}}$$

- TN = دوره نگهداری مورد استفاده بانک برای استخراج HN
- HN = مقدار تعدیل احتیاطی مبتنی بر دوره نگهداری TN

۱۶۹. به عنوان مثال، برای بانک‌هایی که از مقدار تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد استفاده می‌کنند، مقدار تعدیل احتیاطی ۱۰ روز کاری مندرج در بند ۱۵۱، مبنای قرار خواهد گرفت و این مقدار تعدیل احتیاطی بسته به نوع معامله و دفعات تجدید نظر در میزان ودیعه یا تجدید ارزیابی، قابل افزایش یا کاهش با استفاده از فرمول زیر خواهد بود:

$$H = H_{10} \sqrt{\frac{N_R + (T_M - 1)}{10}}$$

که در آن:

- H = تعدیل احتیاطی
- H10 = تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد ۱۰ روز کاری برای ابزار



- NR = تعداد واقعی روزهای کاری بین تجدید نظر در میزان ودیعه برای معاملات بازار سرمایه یا تجدید ارزیابی برای اوراق بهادار دارای وثیقه.
- TM = حداقل دوره نگهداری برای انواع معاملات

– شرایط اعمال تعدیل احتیاطی صفر

۱۷۰. در خصوص معاملات بازخریدی و در صورتی که شرایط زیر رعایت شده و همچنین طرف مقابل نیز مشارکت کننده اصلی در بازار باشد، ناظرین می‌توانند تعدیل احتیاطی مشخص در رویکرد جامع را اعمال نکرده و به جای آن تعدیل احتیاطی صفر را تجویز نمایند. این الگو شامل بانک‌هایی که از رویکرد های مدل‌سازی بشرح مندرج در بندهای ۱۷۸ تا ۱۸۱ (i) استفاده می‌کنند، نمی‌گردد.

الف) هم منابع در معرض ریسک و هم وثایق در قالب نقد یا اوراق بهادار دولتی یا اوراق بهادار مؤسسات عمومی دولتی واجد شرایط اعمال وزن ریسک + درصد در رویکرد استاندارد، می‌باشند. ۵۰

ب) هم منابع در معرض ریسک و هم وثایق بر پایه واحد پول مشابه تقویم شده باشند.

پ) معاملات صورت گرفته یک شبهه بوده و یا هر دوی منابع در معرض ریسک و وثایق، مشمول ارزش‌گذاری روزانه مبتنی بر بازار و تجدید نظر روزانه در میزان ودیعه باشند.

ت) در صورت قصور طرف مقابل در تجدید نظر در میزان ودیعه، زمان مورد نیاز بین آخرین ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار قبل از قصور در تجدید نظر در میزان ودیعه و نقد نمودن ۵۱ وثیقه، بیشتر از ۴ روز کاری نباشد.

ث) تسویه معامله از طریق سیستم تسویه مختص / مورد تایید همان نوع معامله، صورت پذیرد.

۵۰ توجه شود هنگامی که ناظر برای مطالبات از دولت و بانک مرکزی که با واحد پول داخلی تقویم شده است، در رویکرد استاندارد وزن ریسک + درصد لحاظ می‌کند، این قبیل مطالبات نیز باید شرایط مربوطه را رعایت نمایند.
۵۱ این امر بانک‌ها را ملزم نمی‌کند تا همواره وثایق را تبدیل به نقد کنند بلکه به دنبال آن است تا بانک‌ها این قابلیت را دارا باشند تا این امر را ظرف چهارچوب زمانی مفروض انجام دهند.



(ج) مستندات قرارداد در زمره مستندات استاندارد بازار برای معاملات بازخریدی در اوراق بهادار مربوط باشند.

(چ) مستندات معامله مشخص کند اگر طرف مقابل در ایفای تعهدات خود در خصوص پرداخت نقد یا اوراق بهادار و یا تحویل ودیعه و سایر موارد، قصور کرد، معامله بفوریت قابل فسخ باشد. (ه) به محض وقوع هر گونه قصور، صرف نظر از اینکه طرف مقابل بی‌مایه و یا ورشکسته باشد، بانک دارای حق بی‌قید و شرط و قابل اجرای قانونی در ضبط و نقد کردن فوری وثایق به نفع خود می‌باشد.

۱۷۱. با صلاحدید ناظرین ملی، مشارکت کنندگان اصلی بازار می‌توانند شامل نهادهای زیر گردند:

(الف) دولت ها، بانک های مرکزی و مؤسسات عمومی دولتی

(ب) بانک ها و شرکت های کارگزاری اوراق بهادار

(پ) سایر مؤسسات مالی که در رویکرد استاندارد واجد شرایط جهت اعمال وزن ریسک ۲۰ درصد می‌باشند (شامل شرکت های بیمه).

(ت) صندوق های مشترک سرمایه گذاری تحت نظارت که مشمول الزامات سرمایه ای یا اهرمی می‌باشند.

(ث) صندوق های بازنشستگی تحت نظارت.

(ج) سازمان های تسویه دارای مجوز رسمی.

۱۷۲. در مواقعی که ناظرین، الگوی مشخصی را برای معاملات بازخریدی در اوراق بهادار منتشره

توسط دولت متبوع اعمال کنند، آنگاه سایر ناظرین می‌توانند بانک های کشور متبوع خود را مجاز کنند تا رویکرد مشابهی را در خصوص معاملات مشابه اتخاذ نمایند.

– ترتیبات معاملات بازخریدی دارای پوشش با قرارداد اصلی خالص سازی

۱۷۳. اثرات قراردادهای خالص سازی دو جانبه* در پوشش معاملات بازخریدی بر مبنای شخص به

شخص** به رسمیت شناخته می‌شود اگر قرارداد، صرف نظر از اینکه طرف مقابل بی‌مایه و یا



ورشکسته تلقی گردد، به محض بروز نکول، در کشور مربوط از قابلیت اجرای قانونی برخوردار باشد. افزون بر آن، قرارداد خالص سازی باید:

(الف) به محض بروز نکول، برای شخص مقابل نکول کننده، حق فسخ بموقع تمام معاملات تحت توافق را حتی با وجود بی‌مایگی و ورشکستگی طرف مقابل، مقرر نماید.

(ب) برای خالص سازی سود و زیان معاملات فسخ شده موضوع آن (شامل ارزش هر گونه وثیقه) شرایطی فراهم کند که مبین مقدار خالص بدهی بک شخص به طرف دیگر باشد.

(پ) امکان تصفیه سریع یا تسویه طلب از محل وثایق را به محض بروز نکول، فراهم نماید.

(ث) همراه با حقوق ناشی از مفاد مندرج در (الف) تا (پ) فوق، در کشور مربوطه و به محض بروز نکول و صرف نظر از بی‌مایگی یا ورشکستگی طرف مقابل، از قابلیت اجرای قانونی برخوردار باشد.

۱۷۴. خالص سازی وضعیت‌ها در دفاتر تجاری و بانکی، صرفاً زمانی به رسمیت شناخته می‌شود که معاملات خالص سازی شده به طور کامل واجد شرایط زیر باشند:

(الف) تمامی معاملات به صورت روزانه در معرض ارزش گذاری مبتنی بر بازار باشند ۵۲ و

(ب) ابزارهای وثیقه‌ای مورد استفاده در معاملات در زمره وثایق مالی واجد شرایط در دفتر بانکی، به رسمیت شناخته شده باشد.

۱۷۵. فرمول مندرج در بند ۱۴۷ به گونه‌ای تعدیل (سازگار) می‌گردد تا مقدار سرمایه مورد نیاز برای معاملات دارای قرارداد خالص سازی را محاسبه نماید.

۱۷۶. برای بانک‌هایی که از تعدیل احتیاطی نظارتی استاندارد و یا تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی استفاده می‌کنند، چهارچوب زیر جهت لحاظ نمودن اثرات قرارداد اصلی خالص سازی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

فرایند تلیق قراردادهای سوآپ بین طرفین قرارداد، در یک قرارداد واحد است. در نتیجه به جای هر قرارداد سوآپ، جریانی از پرداخت‌های فردی توسط هر دو طرف قرارداد داریم. تمام سوآپ‌ها با یکدیگر خالص شده به طوری که تنها یک پرداخت خالص توسط یک طرف بر اساس جریانی از سوآپ‌های ترکیب شده انجام می‌شود.

** counterparty by counterparty.

۵۲. دوره نگهداری برای تعدیل احتیاطی همانند سایر معاملات بازخریدی، بستگی به تناوب تجدید نظر در میزان ودیعه خواهد داشت.



$$E^* = \max \{0, [(\sum(E) - \sum(C)) + \sum(Es \times Hs) + \sum(Efx \times Hfx)]\}$$

که در آن:

- $E^* =$ ارزش منابع در معرض ریسک بعد از کاهش ریسک اعتباری
- $E =$ ارزش جاری منابع در معرض ریسک
- $C =$ ارزش وثیقه دریافتی
- $Es =$ ارزش مطلق وضعیت خالص در ورق بهادار مفروض
- $Hs =$ تعدیل احتیاطی مناسب برای Es
- $Efx =$ ارزش مطلق وضعیت خالص در یک واحد پولی متفاوت از واحد پولی تسویه.
- $Hfx =$ تعدیل احتیاطی مناسب هنگامی که عدم تطابق ارزی وجود دارد.

۱۷۷. هدف در اینجا، به دست آوردن مقدار منابع در معرض ریسک خالص بعد از خالص سازی منابع و وثایق و داشتن مقدار افزوده الزامی مبین تغییرات قیمتی محتمل برای اوراق بهادار مشمول در معاملات و ریسک‌های نرخ ارز در صورت وجود، می باشد. خالص وضعیت فزونی یا کسری برای هر ورق بهادار مشمول در قرارداد خالص سازی، در مقدار تعدیل احتیاطی مناسب ضرب خواهد شد. تمامی قواعد مربوط به محاسبه تعدیل احتیاطی، مندرج در بند ۱۴۷ تا ۱۷۲ به طور متناسب برای بانک‌هایی که از قرارداد خالص سازی دوجانبه در مورد معاملات بازخریدی بهره می‌برند، قابل اعمال خواهد بود. ویرایش تا ۱۳۸۴/۰۲/۲۹

— استفاده از مدل‌ها

۱۷۸. به عنوان یک بدیل استفاده از تعدیل احتیاطی استاندارد یا تعدیل احتیاطی مبتنی بر برآورد داخلی، ممکنست بانکها مجاز گردند تا از رویکرد مدل‌های ارزش در معرض خطر VAR بمنظور انعکاس نوسانات قیمتی منابع در معرض ریسک و وثایق در مورد معاملات بازخریدی با احتساب اثرات همبستگی بین وضعیت‌های اوراق بهادار، استفاده کنند. این رویکرد می‌تواند در مورد معاملات بازخریدی دارای پوشش قرارداد خالص سازی دو جانبه بر مبنای شخص به

۵۳ نقطه شروع این فرمول، فرمول مندرج در بند ۱۴۷ بوده که همچنین می‌تواند به صورت زیر ارائه گردد:

$$E^* = \max \{0, [(E - C) + (E \times He) + (C \times Hc) + (C \times Hfx)]\}$$



شخص، مورد استفاده قرار گیرد. بر مبنای صلاح‌دید ناظرین ملی، شرکت‌ها همچنین واجد شرایط استفاده از رویکرد مدل VAR در خصوص تمدید وام جهت معاملات اوراق بهادار نیز می‌باشند مشروط بر اینکه معاملات تحت قراردادخالص سازی اصلی دو جانبه پوشش داده شود به گونه‌ای که الزامات بند ۱۷۳ تا ۱۷۴ را رعایت نماید. استفاده از رویکرد مدل VAR برای بانک‌هایی که تاییدیه رسمی نظارتی را برای مدل‌های داخلی ریسک بازار بر طبق بند ۷۱۸(۷۰) اخذ نموده‌اند، مجاز می‌باشد. بانک‌هایی که تاییدیه رسمی نظارتی را برای استفاده از مدل‌ها بر طبق بند ۷۱۸(۷۰) دارا نمی‌باشند، می‌توانند به صورت جداگانه جهت کسب تایید نظارتی بمنظور استفاده از مدل‌های داخلی VAR در محاسبه نوسانات قیمتی محتمل برای معاملات بازخریدی اقدام نمایند. استفاده از مدل‌های داخلی تنها زمانی پذیرفته است که بانک بتواند؛ کیفیت مدل خود را از طریق انجام پس‌آزمایی* نتایج خروجی خود با استفاده از داده‌های تاریخی یک سال به ناظر اثبات نماید. بانک‌ها بایستی الزامات تصدیق اعتبار مدل مندرج در بند ۴۳ پیوست ۴ جهت استفاده از VAR در خصوص معاملات بازخریدی و سایر معاملات تامین مالی اوراق بهادار، را رعایت نمایند. علاوه بر این، سایر معاملات مشابه بازخریدی (مجموعه خدمات خاص کارگزاری برای مشتریان خاص) و مواردی که الزامات بازخریدی را رعایت می‌کنند، نیز می‌توانند واجد شرایط برای استفاده از رویکرد مدل VAR گردند مشروط بر آن که مدل مورد استفاده، الزامات عملیاتی مندرج در بخش I.F پیوست ۴ را رعایت نماید.

۱۷۹. اصولاً معیارهای کمی و کیفی برای به رسمیت شناختن مدل‌های داخلی ریسک بازار در خصوص معاملات بازخریدی و سایر معاملات مشابه، همانند موارد ذکر شده در بند ۷۱۸(۷۴) تا ۷۱۸(۷۴) می‌باشد. با توجه به دوره نگهداری، حداقل دوره نگهداری می‌تواند ۵ روز کاری در خصوص معاملات بازخریدی به جای ۱۰ روز کاری مندرج در بند ۷۱۸(۷۶) (پ) باشد. برای سایر معاملات واجد شرایط رویکرد مدل VAR، دوره نگهداری ۱۰ روز کاری، بدون تغییر باقی

* Backtesting

بررسی دقت مدل با استفاده از پیش‌بینی داده‌های تاریخی یک مقطع توسط مدل و مقایسه آن با نتایج واقعی.



می ماند. حداقل دوره نگهداری باید برای ابزارهای بازار که دوره نگهداری با فرض تبدیل به نقد نمودن آن‌ها نامناسب باشد، به صورت طولانی تر تعدیل شود.

۱۸۰. حذف شده است.

۱۸۱. محاسبات E^* منابع در معرض ریسک (ارزش منابع در معرض ریسک پس از کاهش ریسک)

برای بانک هایی که از مدل داخلی استفاده می کنند بشرح زیر خواهد بود:

$$E^* = \max \{0, [(\sum E - \sum C) + VaR \text{ output from internal model}]\}$$

در محاسبه سرمایه مورد نیاز، بانک‌ها از اعداد VAR روز کاری قبل استفاده خواهند نمود.

۱-۱۸۱. همچنین منوط به تأیید نظارتی، بانکها می توانند به جای استفاده از رویکرد ارزش در معرض

خطر VAR، منابع در معرض ریسک مثبت مورد انتظار را برای معاملات بازخریدی و سایر

معاملات تامین مالی اوراق بهادار مطابق با روش مدل های داخلی مندرج در پیوست ۴ این سند،

محاسبه کنند.

(۳) رویکرد ساده

- شرایط حداقلی

۱۸۲. در رویکرد ساده بمنظور به رسمیت شناخته شدن وثیقه، آن حداقل باید به اندازه دوره

بازپرداخت منابع در معرض ریسک، ترهین شده و با تناوب حداقل ۶ ماهه در معرض ارزش

گذاری مبتنی بر بازار و تجدید ارزیابی قرار گیرد. بخشی از مطالبات که توسط ارزش بازار

وثیقه رسمی پوشش داده شده است، مشمول وزن ریسک قابل اعمال به ابزار وثیقه ای خواهد

بود. وزن ریسک بخش دارای وثیقه، به استثنای شرایط مشخص در بندهای ۱۸۳ تا ۱۸۵،

مشمول وزن ریسک حداقلی ۲۰ درصد خواهد بود. باقیمانده مطالبه، مشمول وزن ریسک

متناسب با طرف مقابل، خواهد شد. الزام سرمایه ای مشمول هر دو بخش معاملات وثیقه دار نیز



می‌گردد. به عنوان مثال، هر دوی معاملات بازرخیدی و بازرخیدی معکوس، مشمول الزامات سرمایه‌ای خواهند بود.

- استثنائات برای حداقل وزن ریسک

۱۸۳. معاملاتی که معیارهای مندرج در بند ۱۷۰ را رعایت کرده و مربوط به مشارکت‌کنندگان اصلی بازار بشرح بند ۱۷۱ می‌باشند، مشمول وزن ریسک صفر درصد خواهند شد. اگر طرف مقابل معامله، در زمره مشارکت‌کنندگان بازار اصلی نباشد، معاملات مشمول وزن ریسک ۱۰ درصد خواهند شد.

۱۸۴. معاملات اوراق مشتقه فرابورس که مشمول ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار به‌صورت روزانه بوده و با پشتوانه وثیقه وجه نقد و فارغ از عدم تطابق ارزی، ایجاد شده‌اند، مشمول وزن ریسک ۰ درصد خواهند بود. این قبیل معاملات با وجود وثیقه اوراق بهادار دولتی و نهادهای عمومی دولتی که واجد وزن ریسک ۰ درصد در رویکرد استاندارد هستند، می‌توانند مشمول وزن ریسک ۱۰ درصد شوند.

۱۸۵. در مورد معاملات دارای وثیقه، هنگامی که منابع در معرض ریسک و وثایق آن با واحد پولی مشابه تقویم شده یا ویژگی‌های زیر را دارا باشند، حداقل وزن ریسک ۰ درصد اعمال نشده و به جای آن وزن ریسک ۰ درصد لحاظ می‌گردد،

- وثیقه، سپرده نقدی با تعریف مندرج در بند ۱۴۵ (الف) باشد یا
- وثیقه در زمره اوراق بهادار دولتی / مؤسسات دولتی واجد شرایط وزن ریسک ۰ درصد بوده و ارزش بازار آن هم با نرخ ۲۰ درصد تنزیل شده باشد.

(۴) معاملات اوراق مشتقه فرابورس دارای وثیقه

۱۸۶. در روش محاسبه ارزش جاری منابع در معرض ریسک در صورت نکول، محاسبات هزینه پوشش ریسک اعتباری طرف مقابل، برای هر قرارداد بشرح زیر خواهد بود:

$$\text{هزینه طرف مقابل} = [(RC + \text{add-on}) - C_A] \times r \times 8\%$$



به گونه ای که:

- RC = هزینه جایگزینی
- Add On (مقدار مازاد) = مقدار منابع در معرض ریسک آتی احتمالی محاسبه شده بر طبق بند ۹۲(i) و ۹۲(ii)
- CA = مقدار وثیقه تعدیل شده به نوسان تحت رویکرد جامع مجاز در بند ۱۴۷ تا ۱۷۲، یا مقدار + در صورتی که هیچ گونه وثیقه واجد شرایطی در خصوص معامله وجود نداشته باشد، و
- $z =$ وزن ریسک طرف مقابل

۱۸۷. هنگامی که قراردادهای خالص سازی دو جانبه نافذی موجود باشد، هزینه جایگزینی RC، خالص هزینه جایگزینی و مقدار مازاد، خالص ANet منطبق با محاسبات بند ۹۶(i) تا ۹۶(vi) پیوست ۴ خواهد بود. در مواقعی که عدم تطابق ارزی بین وثیقه و واحد پولی تسویه وجود داشته باشد، باید مقدار تعدیل احتیاطی برای ریسک واحد پولی (Hfx)، اعمال گردد. حتی در موردی که بیشتر از دو واحد پولی در خصوص منابع در معرض ریسک، وثیقه و تسویه درگیر باشند، منوط به تناوب ارزش گذاری مبتنی بر بازار، عنداللزوم یک تعدیل احتیاطی واحد با فرض دوره نگهداری ۱۰ روز کاری، مقیاس گذاری افزایشی خواهد بود.

۱۸۷. (۱) در محاسبه هزینه ریسک اعتباری طرف مقابل، به عنوان بدیل برای روش محاسبه ارزش جاری منابع در معرض ریسک در صورت نکول، بانک ها همچنین می توانند از روش استاندارد و در صورت اخذ تائیدیه نظارتی از روش مدل داخلی بشرح پیوست ۴ این چهارچوب استفاده کنند.

۴. خالص سازی اقلام بالای خط ترازنامه

۱۸۸. هنگامی که بانک،

(الف) مبانی قانونی مستحکمی در اختیار دارد به نحوی که اطمینان حاصل کند قرارداد خالص سازی یا تهاتر در کشور مربوط صرف نظر از بی مایگی یا ورشکستگی طرف مقابل، از قابلیت اجرایی برخوردار است،



(ب) قادر است در هر زمان، دارایی‌ها و بدهی‌های موضوع قرارداد خالص سازی با طرف مقابل را تعیین نماید،

(پ) ریسک انقضای پوشش را پایش و کنترل کند. و

(ت) منابع در معرض ریسک مربوطه را بر مبنای خالص پایش و کنترل نماید.

امکان استفاده از خالص منابع در معرض ریسک ناشی از وام و سپرده‌ها به عنوان مبنایی برای محاسبات کفایت سرمایه آن مطابق با فرمول بند ۱۴۷ وجود دارد. در خصوص دارایی‌ها (تسهیلات)، به مثابه منابع در معرض ریسک و در خصوص بدهی‌ها (سپرده‌ها) مانند وثایق رفتار می‌شود.

به استثنای مواردی که عدم تطابق ارزی وجود داشته باشد، مقدار تعدیل احتیاطی صفر خواهد بود. هنگامی که ارزش‌گذاری مبتنی بر بازار به صورت روزانه صورت پذیرد، یک دوره نگهداری ۱۰ روزکاری اعمال خواهد شد، ضمن آن که تمامی الزامات مندرج در بند ۱۶۹، ۱۵۱ و ۲۰۲ تا ۲۰۵ نیز اعمال خواهد شد.

۵. ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری

(الف) الزامات عملیاتی

- الزامات عملیاتی مشترک در خصوص ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری

۱۸۹. یک ضمانت نامه (ضمانت نامه متقابل) یا اوراق مشتقه اعتباری بایستی مبین وجود مطالبه مستقیم از تضمین‌کنندگان بوده و صراحتاً در ارتباط با منابع در معرض ریسک مشخص یا مجموعه‌ای از منابع در معرض ریسک باشد، به نحوی که حد پوشش بصراحت تعریف و مشخص شده باشد. صرف نظر از حالتی که بموجب قرارداد پوشش اعتباری، عدم پرداخت توسط خریدار پوشش صورت می‌گیرد، آن باید غیر قابل برگشت بوده و همچنین نباید واجد هر گونه شرطی در قرارداد باشد که بموجب آن تضمین‌کننده بتواند پوشش اعتباری را به صورت یکجانبه فسخ کرده و یا آن شرط هزینه موثر پوشش را به عنوان نتیجه وخامت کیفیت اعتباری



منابع در معرض ریسک پوشش داده شده، افزایش دهد ۵۴. قرارداد همچنین باید غیر مشروط باشد، این بدان معناست که هیچ‌گونه شرطی نباید در قرارداد پوشش، خارج از کنترل مستقیم بانک باشد مبنی بر اینکه در زمان نکول طرف مقابل اصلی از ایفای پرداخت، مانع اجرای تعهد پرداخت تضمین کننده به صورت زمان بندی شده گردد.

- الزامات عملیاتی بیشتر برای ضمانت نامه ها

۱۹۰. افزون بر الزامات پشتوانه قانونی مندرج در بند های ۱۱۷ و ۱۱۸ فوق، بمنظور رسمیت

بخشی به ضمانت نامه، شرایط زیر نیز باید رعایت گردد:

(الف) با توجه به نکول مقدماتی/عدم پرداخت طرف مقابل، بانک می‌تواند به صورت زمان بندی شده از ضامن، مانده وجه مستند تضمین معامله، را پیگیری نماید. در این موارد، ضامن می‌تواند به صورت یکجا تمام وجوه تحت تضمین را به بانک پرداخت نماید یا اینکه ضامن می‌تواند تعهدات پرداختی اتی طرف مقابل، که بموجب ضمانت نامه پوشش داده شده است را بر عهده گیرد. بانک باید از این حق برخوردار باشد تا بدون اینکه مجبور باشد نخست از طریق اقدامات قانونی از طرف مقابل پیگیری کند، این قبیل وجوه را از ضامن دریافت نماید.

(ب) ضمانت نامه، بمنزله پذیرش تعهد مستند و قطعی ضامن محسوب گردد.

(پ) صرف نظر از استثنائات مندرج در ادامه جمله، ضمانت نامه باید تمامی پرداخت هایی را که متعهد اصلی باید تحت اسناد معامله ایفا نماید؛ به عنوان نمونه مقدار اسمی، پرداخت های حاشیه‌ای و غیره، را پوشش دهد. در مواقعی که پوشش ضمانت نامه صرفاً اصل مبلغ را شامل گردد، در مورد سود و سایر پرداخت‌های فاقد پوشش، باید به صورت فاقد وثیقه و مطابق با بند ۱۹۸ رفتار شود.

- الزامات عملیاتی بیشتر برای اوراق مشتقه اعتباری

۱۹۱. برای به رسمیت شناختن قرارداد اوراق مشتقه اعتباری، شرایط زیر باید رعایت گردد:

۵۴ توجه شود که شرایط غیر قابل برگشت الزام ندارد که پوشش اعتباری و منابع در معرض ریسک دارای سررسید یکسانی باشند. بلکه به دنبال آن است تا سررسید مورد توافق قبل از وقوع نمی‌تواند توسط پوشش دهنده به سررسید بعد از وقوع کاهش یابد. بند ۲۰۳ ترتیبات استفاده از اختیار خرید را در تعیین سررسید باقیمانده پوشش اعتباری تعیین می‌کند.



(الف) رویدادهای اعتباری مشخص شده توسط طرفین قرارداد، حداقل باید موارد زیر را پوشش

دهد:

- قصور در پرداخت مبلغ سررسید شده، تحت شرایط تعهد پایه که در زمان نکول، مانده موثر محسوب می‌گردد (با یک مهلت زمانی که به صورت نزدیکی مرتبط با دوره زمانی تعهد پایه می‌باشد).
- ورشکستگی، بی‌مایگی یا ناتوانی متعهد در پرداخت بدهی خود، یا قصور یا اقرار کتبی وی مبنی بر ناتوانی کلی در بازپرداخت بدهی سررسید شده و به همین ترتیب سایر رویدادهای مشابه و
- تجدید ساختار تعهد پایه شامل بخشودگی یا تعویق اصل، سود یا کارمزد که در نتیجه بروز زیان اعتباری ایجاد شده است (به عنوان نمونه هزینه کردن، گرفتن ذخایر خاص یا سایر بدهی‌های مشابه در صورت سود و زیان). هنگامی که تجدید ساختار به عنوان یک رویداد اعتباری مشخص نشده است، به بند ۱۹۲ مراجعه گردد.

(ب) اگر اوراق مشتقه اعتباری تعهداتی را پوشش دهد که شامل تعهد پایه نگردد، در شرایطی

که عدم تطبیق سررسید دارایی‌ها مجاز باشد، شرایط مندرج در بخش (ج) اعمال می‌گردد.

(پ) اوراق مشتقه اعتباری نباید قبل از انقضای مهلت زمانی مورد نیاز در زمان قصور ایفای

تعهد پایه که در نتیجه نکول در پرداخت و منوط به ذخایر بند ۲۰۳، رخ می‌دهد، فسخ گردند.

(ت) اوراق مشتقه اعتباری منتج به تسویه نقدی، برای مقاصد سرمایه‌ای به رسمیت شناخته

می‌شود، در جایی که فرایند ارزش‌گذاری خدشه‌ناپذیر، برای تخمین زیان به صورت قابل

اعتماد، وجود داشته باشد. در این راستا لازمست دوره زمانی مشخصی برای حصول

ارزش‌گذاری تعهدات پایه بعد از رویدادهای اعتباری بعدی مشخص گردد. اگر تعهدات مرجع

مشخص در اوراق مشتقه اعتباری بمنظور تسویه نقدی متفاوت از تعهدات پایه باشد، در

شرایطی که عدم تطبیق سررسید دارایی‌ها مجاز باشد، شرایط مندرج در بخش (ج) اعمال

می‌گردد.



(ث) اگر توانایی یا حق خریدار پوشش، در انتقال تعهدات پایه به ضامن بمنظور تسویه، لازم باشد، شرایط تعهد پایه باید ایجاب کند هر گونه موافقت لازم برای انتقال، نمی تواند بدون دلیل منطقی اعمال نگردد.

(ج) هویت طرف های مسئول در تعیین اینکه رویداد اعتباری رخ داده است یا خیر، باید به صورت شفاف، مشخص گردد. تعیین این امر نباید صرفاً در حیطه مسوولیت فروشنده پوشش باشد. خریدار پوشش باید از این حق/توانایی برخوردار باشد تا وقوع رویداد اعتباری را به پوشش دهنده اعتباری اعلام نماید.

(چ) عدم تطبیق سررسید بین تعهد پایه و تعهد مرجع موضوع اوراق مشتقه اعتباری (تعهد مورد استفاده در تعیین ارزش تسویه نقدی یا تعهد به تحویل) مجاز است اگر: (۱) رتبه های تعهد مرجع، همتراز یا جدید تر از تعهد پایه باشند و (۲) تعهدات پایه و تعهدات مرجع مربوط به یک متعهد (شخص حقوقی یکسان) بوده و شروط الزام قانونی تعمیم نکول به سایر تعهدات شخص یا حال شدن تمام دیون شخص بواسطه اولین نکول در قرارداد موجود باشد.

(ح) عدم تطابق سررسید بین تعهد پایه و تعهد مورد استفاده با هدف تعیین وقوع رویداد اعتباری مجاز است اگر:

- (۱) رتبه های تعهد اخیرالذکر، همتراز یا جدید تر از تعهد پایه باشند و
- (۲) تعهدات پایه و تعهدات مرجع مربوط به یک متعهد (نهاد قانونی مشابه) بوده و شروط الزام قانونی تعمیم نکول به سایر تعهدات شخص یا حال شدن تمام دیون شخص بواسطه اولین نکول، در قرارداد موجود باشد.

۱۹۲. هنگامی که تجدید ساختار تعهدات پایه توسط اوراق مشتقه اعتباری پوشش داده نشود، لیکن سایر الزامات مندرج در بند ۱۹۱ رعایت گردد، به رسمیت شناختن اوراق مشتقه اعتباری به صورت بخشی مجاز خواهد بود. اگر ارزش اوراق مشتقه اعتباری کمتر یا برابر با مقدار تعهدات پایه باشد، ۶۰ درصد مقدار پوشش می تواند به عنوان پوشش داده شده به رسمیت



شناخته شود. اگر ارزش اوراق مشتقه اعتباری بزرگتر از تعهد پایه باشد، آنگاه مقدار پوشش واجد شرایط حداکثر تا ۶۰ درصد مقدار تعهد پایه خواهد بود. ۵۵

۱۹۳. صرفاً قرارداد معاوضه نکول اعتباری* و قرارداد معاوضه نکول بازده کل** که پوشش اعتباری معادل ضمانت نامه ایجاد می‌کنند می‌توانند به رسمیت شناخته شوند. استثنائات زیر می‌تواند اعمال گردد:

○ در مواقعی که یک بانک پوشش اعتباری را از طریق قرارداد معاوضه بازده کل خریداری نموده و خالص وجوه دریافتی از قرارداد معاوضه را به عنوان درآمد خالص ثبت می‌کند، ولی تعدیل کاهش در ارزش دارایی مورد پوشش را ثبت نمی‌کند (خواه از طریق کاهش ارزش منصفانه بوده یا بواسطه افزایش اندوخته) پوشش اعتباری به رسمیت شناخته نمی‌شود. ترتیبات ابزارهای پوشش برای اولین و دومین نکول بطور جداگانه در بندهای ۲۰۷ تا ۲۱۰ توضیح داده می‌شوند.

۱۹۴. در زمان انتشار این سند، سایر انواع اوراق مشتقه اعتباری به رسمیت شناخته نمی‌شوند. ۵۶

(۲) طیف ضامنین (ضامنین متقابل) و پوشش دهندگان واجد شرایط

۱۹۵. پوشش اعتباری ارایه شده توسط مؤسسات زیر به رسمیت شناخته می‌شود:
 نهادهای دولتی (حاکمیتی) ۵۷، مؤسسات عمومی دولتی، بانک‌ها ۵۸، و شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار واجد اوزان ریسک کمتر از طرف مقابل.

۵۵ عامل رسمی ۶۰ درصدی به عنوان رفتار موقت تلقی شده و کمیته امیدوار است تا بر اساس داده‌های بیشتر و قبل از اجرایی شدن، آن را مورد بازنگری قرار دهد.

* تضمین خریدار ابزار مالی توسط فروشنده در صورت نکول

** قرارداد مالی که موجب انتقال ریسک اعتباری و ریسک بازار دارایی پایه می‌گردد.

۵۶ در مورد اوراق مشتقه مرتبط با قرارداد اعتباری منتشره بانک در مقابل منابع در معرض ریسک موجود در دفاتر بانکی که واجد معیارهای اوراق مشتقه اعتباری باشند، نیز به مثابه معاملات دارای وثیقه نقدی عمل می‌شود.

۵۷ این امر همچنین شامل بانک تسویه بین‌المللی، صندوق بین‌المللی پول، بانک مرکزی اروپا، جامعه اروپا و همچنین بانک‌های توسعه چندجانبه مندرج در زیر نویس ۲۴ نیز می‌گردد.

۵۸ این امر همچنین شامل سایر بانک‌های توسعه‌ای چندجانبه می‌شود.



سایر مؤسسات که واجد رتبه های A- یا بهتر باشند. این امر می تواند شامل پوشش های اعتباری ارایه شده توسط شرکت های مادر، زیرمجموعه و وابسته گردد هنگامی که آنها دارای اوزان ریسک کمتری نسبت به متعهد می باشند.

(۳) اوزان ریسک

۱۹۶. در مورد بخش دارای پوشش، وزن ریسک پوشش دهنده تخصیص می یابد. در خصوص بخش فاقد پوشش منابع در معرض ریسک، وزن ریسک طرف مقابل پایه، در نظر گرفته می شود.

۱۹۷. آستانه های اهمیت در ارتباط با پرداخت ها که در صورت وقوع زیان هیچ گونه پرداختی نداشته و به عنوان وضعیت های اولین زیان انباشته تلقی می گردند باید بطور کامل از سرمایه بانک خریدار پوشش اعتباری کسر گردد.

- پوشش بخشی

۱۹۸. هنگامی که مبلغ مورد تضمین یا دارای پوشش اعتباری، کمتر از مقدار منابع در معرض ریسک باشد، و همچنین بخش های دارای وثیقه و فاقد وثیقه از اولویت یکسانی برخوردار باشند، به عبارتی بانک و ضامن مقدار زیان را به تناسب تسهیم نموده باشند، تخفیف سرمایه ای بر مبنای بخشی اعمال می گردد. این بدان معناست که بخش دارای پوشش منابع در معرض ریسک، مشمول ترتیبات اوراق مشتقه اعتباری/ دارای تضمین واجد شرایط می شود و با باقیمانده آن مانند فاقد وثیقه رفتار خواهد شد.

- پوشش طبقه ای

۱۹۹. در مواقعی که بانک بخشی از ریسک تسهیلات و تعهدات یک یا چند طبقه را به یک یا چندین فروشنده پوشش اعتباری انتقال داده و برخی از سطوح ریسک وام را خود متقبل می شود و همچنین ریسک منتقل شده و تقبل شده دارای اولویت مختلفی باشند، بانک می تواند پوشش اعتباری خواه برای طبقه دارای اولویت (دومین وضعیت سطح پوشش زیان) یا طبقه



دارای اولویت بعدی (اولین وضعیت سطح پوشش زیان) بکار گیرد. در این مورد؛ قواعد مندرج در بخش IV (ریسک اعتباری - چهارچوب اوراق بهادار سازی) اعمال خواهد شد.

(۴) عدم تطابق ارزی

۲۰۰. در مواقعی که پوشش اعتباری با واحد پولی متفاوت از واحد پولی منابع در معرض ریسک، تقویم گردیده است - به عبارتی عدم تطابق ارزی وجود داشته باشد - مقدار منابع در معرض ریسک موضوع پوشش، از طریق اعمال تعدیل احتیاطی HFX، کاهش خواهد یافت.

$$GA = G * (1 - HFX)$$

که در آن:

- G مقدار اسمی پوشش اعتباری
- HFX تعدیل احتیاطی مناسب عدم تطابق ارزی بین پوشش اعتباری و تعهد پایه می‌باشد.

تعدیل احتیاطی متناسب مبتنی بر دوره نگهداری ۱۰ روز کاری (با فرض ارزش گذاری روزانه مبتنی بر بازار) اعمال خواهد گردید. اگر بانکی از تعدیل احتیاطی نظارتی استفاده کند، آن معادل ۸ درصد خواهد بود. تعدیل احتیاطی باید با استفاده از فرمول جذر مربع زمان بسته به فراوانی ارزش گذاری مجدد پوشش اعتباری بشرح مندرج در بند ۱۶۸، افزایش می‌یابد.

(۵) ضمانت نامه های دولتی و ضمانت نامه های متقابل

۲۰۱. همان گونه که در بند ۵۴ تشریح گردید، بنا بر صلاحدید ملی، وزن ریسک پائین تر می‌تواند در خصوص منابع در معرض ریسک بانک، اعطایی به دولت (یا بانک مرکزی) اعمال گردد، این امر در زمانی امکان پذیر است که بانک تابع قوانین کشور میزبان بوده و منابع در معرض ریسک با واحد پول داخلی تقویم و به همان واحد پولی تامین شده باشد. هنگامی که ضمانت نامه با واحد پول داخلی صادر شده و منابع در معرض ریسک نیز به همان واحد پولی تامین شده باشد، مقامات نظارتی ملی می‌توانند این ترتیبات را برای بخشی از مطالبات



تضمین شده توسط دولت (یا بانک مرکزی) نیز تعمیم دهند. مطالباتی می‌تواند بوسیله ضمانت‌نامه‌ای پوشش داده شود که بطور غیر مستقیم توسط ضمانت نامه متقابل صادره توسط دولت تضمین شود. این گونه مطالبات می‌تواند به مثابه مطالبات دارای پوشش ضمانت نامه دولتی قلمداد گردد مشروط بر آن که:

- (الف) ضمانت نامه متقابل دولتی همه اجزای ریسک اعتباری مطالبات مزبور را پوشش دهد.
- (ب) تمامی الزامات عملیاتی صدور ضمانت نامه هم در ضمانت نامه اصلی و هم در ضمانت نامه متقابل رعایت شده باشد، به استثنای آن که در مورد ضمانت نامه متقابل، نیازی نیست به صورت مستقیم و صریح مربوط به مطالبه اصلی باشد. و
- (پ) ناظرین متقاعد شوند که پوشش خدشه ناپذیر بوده و هیچ گونه شواهد تاریخی اشاره بر این ندارد که درجه پوشش ضمانت نامه متقابل بطور موثری، کمتر از ضمانت نامه مستقیم دولتی است.

۶. عدم تطابق سررسید

۲۰۲. بمنظور محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک، عدم تطابق سررسید هنگامی رخ می‌دهد که زیان باقی مانده تا سررسید پوشش کمتر از سررسید منابع در معرض ریسک پایه باشد.

(۱) تعریف سررسید

۲۰۳. سررسید منابع در معرض ریسک پایه و سررسید پوشش بایستی با نگاه احتیاطی تعیین شود. سررسید موثر منابع در معرض ریسک پایه باید با فرض طولانی‌ترین زمان باقی مانده ممکن قبل از اینکه طرف مقابل بطور کامل به تعهدات خود عمل نماید و با احتساب هر گونه مهلت قابل اعمال، اندازه‌گیری شود. در مورد پوشش، گزینه‌های موجود که امکان استفاده از پوشش را کاهش می‌دهد باید مد نظر قرار گیرد، بنابراین کمترین زمان سررسید موثر آن در نظر گرفته می‌شود. زمانی که حق فراخوانی در اختیار فروشنده پوشش باشد، سررسید همواره تا اولین تاریخ فراخوان خواهد بود. اگر فراخوان بنا بر صلاحدید بانک خریدار پوشش باشد لیکن شرایط ارایه پوشش مشوقی برای بانک در فراخوان معامله قبل از سررسید قراردادی باشد، زمان باقی مانده تا اولین تاریخ فراخوان، به عنوان سررسید موثر تلقی می‌گردد.



گردد. به عنوان مثال در مواقعی که افزایش هزینه به سبب ویژگی‌های فراخوان ایجاد شود یا هنگامی که هزینه موثر پوشش در طول زمان افزایش یابد حتی اگر کیفیت اعتباری ثابت بوده یا افزایش یابد، سررسید موثر، زمان باقی مانده تا اولین فراخوان خواهد بود.

(۲) اوزان ریسک برای عدم تطابق سررسید

۲۰۴. همان گونه که قبلاً در بند ۱۴۳ اشاره شد، پوشش‌های دارای عدم تطابق سررسید صرفاً زمانی شناسایی می‌شود که سررسید اصلی پوشش بزرگتر یا برابر یک سال باشد. در نتیجه، جهت لحاظ شدن، سررسید پوشش در مورد منابع در معرض ریسک دارای سررسید اصلی کمتر از یک سال، باید منطبق باشد. در تمامی موارد، پوشش‌های دارای عدم تطابق سررسیدی که سررسید باقیمانده آن سه ماه یا کمتر باشد، دیگر لحاظ نخواهد شد.

۲۰۵. هنگامی که عدم تطابق سررسید در مورد کاهنده‌های رسمی ریسک اعتباری (وثایق، خالص سازی ارقام بالای خط ترازنامه، ضمانت نامه‌ها و اوراق مشتقه اعتباری) وجود دارد، تعدیل زیر اعمال خواهد گردید.

$$Pa = P \times (t - 0.25) / (T - 0.25)$$

که در آن:

Pa = ارزش پوشش اعتباری تعدیل شده بواسطه وجود عدم تطابق سررسید

P = پوشش اعتباری (ارزش وثایق و تضامین) تعدیل شده بواسطه هر نوع تعدیل احتیاطی

t = حداقل بین (زمان، سررسید باقیمانده ترتیبات پوشش اعتباری) که با واحد سال بیان می‌شود.

T = حداقل بین (۵، سررسید باقیمانده منابع در معرض ریسک) که با واحد سال بیان می‌شود.



۷. سایر اجزای مرتبط با ترتیبات تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری

(۱) ترتیبات مربوط به مجموعه‌ای از تکنیک‌های کاهش ریسک اعتباری

۲۰۶. در مواقعی که بانک از چندین تکنیک کاهش ریسک اعتباری برای پوشش منابع در معرض ریسک واحدی برخوردار است (به عنوان نمونه زمانی که بانک هم دارای وثایق و هم ضمانت‌نامه‌هایی است که به صورت بخشی آن منابع در معرض ریسک را پوشش می‌دهند) بانک ملزم است تا منابع در معرض ریسک را با توجه به پوشش توسط هر نوع تکنیک کاهش ریسک اعتباری، تقسیم نموده (مانند بخش پوشش داده شده توسط وثایق، بخش پوشش داده شده توسط ضمانت‌نامه‌ها) و سپس دارایی‌های موزون به ریسک هر بخش باید به صورت جداگانه محاسبه گردد. هنگامی که پوشش اعتباری ارایه شده توسط پوشش دهنده واحد دارای سررسیدهای مختلفی باشد، آن نیز باید بطریق مشابه به بخش‌های جداگانه تقسیم گردد.

(۲) اوراق مشتقه در معرض اولین نکول

۲۰۷. در برخی موارد، بانک پوشش اعتباری را برای مجموعه‌ای از اشخاص در اختیار دارد و وقوع اولین نکول از میان اشخاص مذکور، منجر به بالفعل شدن پوشش می‌گردد و همچنین رخداد اعتباری، قرارداد پوشش را خاتمه می‌دهد. در این صورت، بانک می‌تواند تخفیف سرمایه نظارتی را برای دارایی‌های موجود در مجموعه که کمترین مقدار وزن ریسک را دارا هستند، اعمال کند، مشروط بر آن که مقدار اسمی کمتر یا معادل مقدار اسمی اوراق مشتقه اعتباری باشد.

۲۰۸. در مورد بانک ارایه‌کننده پوشش اعتباری از طریق این قبیل ابزارها، اگر ابزار دارای ارزیابی مستقل اعتباری از یک مؤسسه مستقل اعتبارسنجی واجد شرایط باشد، وزن ریسک مربوط به طبقه تبدیل به اوراق بهادار نمودن دارایی‌های مالی مندرج در بند ۵۶۷، اعمال خواهد شد. اگر ابزار فاقد ارزیابی مؤسسه مستقل اعتبارسنجی واجد شرایط باشد، اوزان ریسک دارایی‌های موجود در مجموعه به صورت تجمیعی تا حداکثر ۱۲۵۰ درصد



افزایش یافته و در مقدار اسمی پوشش ناشی از اوراق مشتقه اعتباری ضرب می‌گردد تا مقدار دارایی موزون به ریسک حاصل گردد.

(۳) اوراق مشتقه اعتباری در معرض دومین نکول

۲۰۹. در مواردی که نکول دوم در بین دارایی‌های موجود در مجموعه، موجب بالفعل شدن پوشش اعتباری شود، بانکی که پوشش اعتباری را از طریق این ابزار به دست می‌آورد تنها زمانی قادر خواهد بود تا از تخفیف سرمایه‌ای بهره‌بردار که پوشش زیان اول بدست آمده یا یکی از دارایی‌های موجود در مجموعه به‌طور همزمان نکول شده باشد.

۲۱۰. در خصوص بانک‌های ارایه‌کننده پوشش اعتباری از طریق چنین ابزارهایی، ترتیبات سرمایه‌ای با یک استثناء، مشابه بند ۲۰۸ خواهد بود. استثناء آن است که در تجمیع اوزان ریسک، دارایی واجد کمترین مقدار موزون شده به ریسک می‌تواند از محاسبات خارج گردد.

۳. ریسک اعتباری - رویکرد مبتنی بر رتبه‌بندی داخلی (IRB)

الف. مرور کلی

۲۱۱. این بخش رویکرد IRB را برای ریسک اعتباری توصیف می‌کند. مشروط به فراهم بودن حداقل شرایط معین و الزامات شفافیت، بانک‌هایی که تأیید نظارتی را برای استفاده از رویکرد IRB دریافت کرده‌اند، می‌توانند در تعیین الزامات سرمایه‌ای برای منابع در معرض ریسک، به ارزیابی داخلی خود از اجزاء ریسک اتکا داشته باشند. اجزاء ریسک شامل شاخص‌های مربوط به احتمال نکول (PD)، زیان با فرض نکول (LGD)، تسهیلات و تعهدات در معرض نکول (EAD) و سررسید مؤثر (M) می‌باشد. در بعضی موارد، بانک‌ها ممکن است در ارتباط با یک یا چند جزء ریسک، به جای استفاده از برآورد داخلی، ملزم به استفاده از مقادیر تعیین شده توسط ناظر شوند.



۲۱۲. رویکرد IRB مبتنی بر اندازه‌گیری زیان غیرمنتظره (UL) و زیان مورد انتظار (EL) است. توابع تعیین وزن‌های ریسک، الزامات سرمایه‌ای را برای زیان غیرمنتظره تعیین می‌کند. زیان‌های مورد انتظار به‌طور جداگانه در پاراگراف ۴۳ و بخش III.G مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲۱۳. در این بخش، در ابتدا طبقه دارایی‌ها تعریف می‌شود. اتخاذ رویکرد IRB در خصوص طبقات دارایی به عنوان ترتیبات دوره گذار نیز در ابتدای این بخش مورد بحث قرار می‌گیرد. اجزاء ریسک که در پایان این بخش تعریف می‌شود، به عنوان ورودی‌های توابع تعیین‌کننده وزن ریسک که برای هر طبقه از دارایی‌ها ایجاد شده، می‌باشند. به عنوان مثال، برای تسهیلات شرکتی یک نوع تابع وزن ریسک و برای تسهیلات خرد گردان واجد شرایط نیز تابع دیگری وجود دارد. ترتیبات مربوط به هر طبقه از دارایی‌ها با توضیحی درباره توابع وزن ریسک مربوط شروع شده و سپس اجزاء ریسک و عوامل مربوط دیگر از جمله ترتیبات مربوط به عوامل کاهش دهنده ریسک اعتباری مطرح می‌شود. استانداردهای پشتوانه قانونی برای شناسایی CRM همان‌طور که در بخش II.D بیان می‌شود برای رویکرد پایه و رویکرد پیشرفته در IRB بکار گرفته می‌شود. حداقل الزاماتی که بانک‌ها برای استفاده از رویکرد IRB باید رعایت کنند در پایان این بخش بیان شده که از بخش III.H پاراگراف ۳۸۳ شروع می‌شود.

ب. نحوه عملکرد رویکرد IRB

۲۱۴. در بخش III.B.1، اجزاء ریسک (به عنوان مثال PD و LGD) و طبقات دارایی (به عنوان مثال، تسهیلات شرکتی و تسهیلات خرد) در رویکرد IRB تعریف می‌شوند. بخش ۲ تشریحی از اجزاء ریسک که توسط بانک‌ها و طبقه دارایی‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد را ارائه می‌کند. بخش ۳ و ۴ اتخاذ رویکرد IRB و ترتیبات دوره گذار توسط بانک را بحث می‌کند. در مواردی که ترتیبات IRB تعیین نشده باشد، وزن ریسک برای سایر تسهیلات ۱۰۰ درصد است؛ به استثناء مواردی که وزن صفر درصد توسط رویکرد استاندارد مورد استفاده قرار گیرد و فرض بر این است که دارایی‌های موزون به ریسک بدست آمده فقط غیرمنتظره را نشان می‌دهند.



۱. دسته‌بندی تسهیلات و تعهدات

۲۱۵. در رویکرد IRB، بانک‌ها باید تسهیلات و تعهدات دفتری خود را به طبقات مختلفی از دارایی‌ها با مشخصه‌های ریسکی متفاوت با توجه به تعاریف زیر، دسته‌بندی کنند. طبقات دارایی‌ها [تسهیلات و تعهدات] عبارتند از الف) شرکتی، ب) دولتی، ج) بانک‌ها، د) خرد ه) مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری. در میان طبقه دارایی شرکتی، پنج زیرمجموعه تسهیلات ویژه بطور جداگانه شناخته می‌شوند. در طبقه دارایی‌های خرد، سه زیرمجموعه جدا مطرح می‌شوند. در طبقه دارایی‌های شرکتی و خرد، مشروط به رعایت شرایط معینی، ترتیبات متمایزی برای اسناد دریافتی خریداری شده ممکن است بکار گرفته شود.

۲۱۶. طبقه‌بندی تسهیلات و تعهدات از این طریق بطور گسترده‌ای با فعالیت جاری بانک سازگاری دارد. اما، برخی بانک‌ها ممکن است که تعاریف متفاوتی از آن را در سیستم‌های داخلی اندازه‌گیری و مدیریت ریسک خود مورد استفاده قرار دهند. در عین حال که قصد کمیته این نیست که بانک‌ها را ملزم به تغییر راه و روش مدیریت کسب و کار و ریسک‌های خود کند، اما از آن‌ها می‌خواهد که ترتیبات صحیح و مناسبی را برای هر یک از تسهیلات و تعهدات به منظور بدست آوردن حداقل الزامات سرمایه‌ای خود بکار گیرند. بانک‌ها باید به ناظران اثبات کنند که روش تخصیص تسهیلات به طبقات مختلف در طول زمان مناسب و سازگار است.

۲۱۷. در خصوص ترتیبات IRB در مورد منابع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادارسازی، به بخش IV مراجعه شود.

(۱) تعریف تسهیلات و تعهدات شرکتی

۲۱۸. بطور کلی، تسهیلات و تعهدات شرکتی به عنوان تعهدات بدهی یک شرکت، بدهی‌های ناشی از شراکت یا مالکیت تعریف می‌شود. بانک‌ها مجاز هستند که در خصوص تسهیلات به نهادهای کوچک و متوسط، همان‌طور که در پاراگراف ۲۷۳ تعریف می‌شود، تمایز قایل شوند.



۲۱۹. در طبقه دارایی شرکتی، پنج زیرمجموعه تسهیلات ویژه (SL) وجود دارند. تسهیلات ویژه تسهیلاتی هستند که دارای تمام ویژگی‌های زیر، هم از نظر قانونی و هم از نظر مفهوم اقتصادی، باشند:

- تسهیلات و تعهدات نوعاً برای نهادی (دارای اهداف خاص) باشد که برای تأمین مالی یا بکارگیری دارایی‌های فیزیکی ایجاد شده‌اند؛
- نهاد وام‌گیرنده دارای دارایی‌های کم بوه یا اصلاً هیچ نوع دارایی یا فعالیت با اهمیت ندارد و بنابراین، به غیر از درآمد حاصل از دارایی‌های تأمین مالی شده، ظرفیت کمی در بازپرداخت تعهدات خود داشته یا به صورت مستقل توانایی بازپرداخت این تعهدات را ندارد؛
- شرایط و ویژه‌گی‌های تعهدات به‌گونه‌ای باشد که کنترل قابل ملاحظه‌ای بر دارایی‌ها و درآمدی که آن ایجاد می‌کند را به وام‌دهنده بدهد؛
- در نتیجه عوامل پیش گفته، به جای استفاده از ظرفیت مستقل یک سازمان تجاری گسترده‌تر برای ایفای تعهدات، درآمدی که توسط دارایی‌ها ایجاد می‌شوند منبع اولیه بازپرداخت تعهدات باشد.

۲۲۰. پنج دسته تسهیلات ویژه شامل تأمین مالی پروژه، تأمین مالی کالای سرمایه‌ای، تأمین مالی کالاها، مستغلات درآمدزا و مستغلات تجاری پرنوسان می‌باشند. هر یک از این موارد در ذیل تعریف می‌شوند.

– تأمین مالی پروژه

۲۲۱. تأمین مالی پروژه (PF) روشی برای تأمین وجوه برای مواردی است که قرض‌گیرنده در ابتدا به درآمدهای ایجاد شده پروژه به عنوان منبع بازپرداخت و تضمینی برای تسهیلات و تعهدات، توجه می‌کند. این نوع تأمین مالی، معمولاً برای نصب تجهیزات بزرگ، گران و پیچیده است که ممکن است شامل نیروگاه برق، کارخانه‌های فرآوری شیمیایی، معادن، زیرساخت‌های حمل و نقل، محیط زیست و زیرساخت‌های ارتباطات از راه دور باشد. تأمین مالی پروژه ممکن است به شکل تأمین مالی برای پروژه‌های جدید، یا تأمین مالی دوباره یک پروژه موجود دارای پیشرفت یا بدون پیشرفت باشد.



۲۲۲. در چنین معاملاتی، معمولاً پرداخت‌ها صرفاً یا عمدتاً از محل وجوه حاصل از قراردادهای مربوط به محصولات، مانند برق فروخته شده توسط نیروگاه برق، به وام دهنده انجام می‌شود. قرض‌گیرنده معمولاً یک نهاد دارای اهداف خاص است که اجازه کاری جز توسعه، تحصیل مالکیت، نصب و راه‌اندازی را ندارد. نتیجه این می‌شود که بازپرداخت تسهیلات در وهله اول وابسته به جریان نقدی پروژه و ارزش وثیقه دارایی‌های پروژه می‌باشد. در مقابل، اگر بازپرداخت تسهیلات و تعهدات در وهله اول به یک ذینفع نهایی تسهیلات که متعهد به مفاد قرارداد، دارای اعتبار و پایدار بوده بستگی داشته باشد، در این صورت به عنوان تسهیلات همراه با تضمین کافی تلقی می‌گردد.

– تأمین مالی کالاهای سرمایه‌ای

۲۲۳. تأمین مالی کالای سرمایه‌ای (OF) روشی از تأمین وجوه برای تملک دارایی‌های فیزیکی (مانند کشتی، هواپیما، ماهواره‌ها، قطار و کشتی نظامی) بوده و بازپرداخت تسهیلات بستگی به جریان وجوه ایجاد شده توسط دارایی‌های خاصی که تأمین مالی شده و نزد وام دهنده وثیقه گذاشته شده است، دارد. منبع اولیه این جریان نقد ممکن است قراردادهای لیزینگ یا اجاره با یک یا چند شخص ثالث باشد. در مقابل، اگر تسهیلات به قرض‌گیرنده‌ای داده شود که ظرفیت پرداخت بدهی و شرایط مالی آن به گونه‌ای باشد که وی را قادر به بازپرداخت بدهی بدون اتکای بی مورد بر دارایی‌های توثیق شده سازد، این تسهیلات را باید به عنوان تسهیلات شرکتی دارای وثیقه لحاظ کرد.

– تأمین مالی کالاها

۲۲۴. تأمین مالی کالاها (CF) تسهیلات ساختار یافته کوتاه‌مدتی است که برای تأمین مالی کالاهای ذخیره‌ای، موجودی انبار یا کالاهای قابل معامله در بورس (مانند نفت خام، فلزات یا محصولات کشاورزی) می‌باشد و این تسهیلات از محل عواید حاصل از فروش کالا بازپرداخت شده و قرض‌گیرنده ظرفیت مستقلی برای بازپرداخت این تسهیلات ندارد. این موضوع زمانی صدق می‌کند که قرض‌گیرنده هیچ نوع فعالیت و دارایی‌های مهم دیگری در ترازنامه خود نداشته باشد. ماهیت ساختار یافته تأمین مالی به منظور جبران کیفیت اعتباری ضعیف قرض‌گیرنده طراحی می‌شود. رتبه تسهیلات، به جای نشان دادن کیفیت اعتباری قرض‌گیرنده، نشان دهنده ماهیت نقد شونده‌ی آن‌ها و توانایی وام دهنده در ساختاردهی معاملات می‌باشد.



۲۲۵. کمیته بر این اعتقاد است که این نوع وام‌دهی قابل تمایز از تسهیلات برای تأمین مالی کالاهای ذخیره‌ای، موجودی انبار یا مطالبات از سایر تسهیلات شرکتی می‌باشد. بانک‌ها قادر به رتبه‌بندی کیفیت اعتباری شرکت‌های قرض‌گیرنده بر اساس عملیات مستمر گسترده‌تر خود می‌باشند. در چنین مواردی، ارزش کالا به عنوان یک عامل کاهش دهنده ریسک و نه به عنوان منبع اولیه بازپرداخت، لحاظ می‌گردد.

– املاک درآمدزا (IPRE)

۲۲۶. تأمین مالی املاک یا مستغلات درآمدزا عبارتند از یک روش فراهم آوردن وجوه برای املاک (مانند ساختمان‌های اداری برای اجاره، فضای خرده‌فروشی، ساختمان‌های مسکونی، انبار و فضاهای صنعتی و هتل‌ها). این موضوع زمانی است که ابعاد بازپرداخت و بازیابی تسهیلات در درجه اول به جریان‌های نقدی ایجاد شده توسط دارایی‌ها بستگی داشته باشد. منبع اولیه این جریان‌های نقدی به طور کلی پرداخت‌های لیزینگ یا اجاره و یا فروش دارایی خواهد بود. قرض‌گیرنده ممکن است، ولی نه الزماً، یک نهاد با اهداف خاص، یک شرکت عملیاتی که بر ساختن املاک یا مجموعه‌ای از ساخت‌ها تمرکز دارد یا شرکت عملیاتی با منبع درآمدی غیر از املاک و مستغلات باشد. ویژگی متمایز کننده تأمین مالی مستغلات درآمدزا از سایر تسهیلات شرکتی که املاک و مستغلات وثیقه آن‌ها است، همبستگی مثبت و قوی بین چشم انداز و ابعاد بازپرداخت تسهیلات و تعهدات و احیاء و بازیابی در صورت وقوع نکول که هر دو مورد در درجه اول به جریان نقدی ایجاد شده توسط ملک بستگی دارند.

– املاک تجاری پرنوسان

۲۲۷. ارائه تسهیلات برای املاک تجاری پرنوسان (HVCRE) عبارت است از تأمین مالی املاک تجاری که نوسان نرخ زیان بالاتری را (یعنی همبستگی بالاتر دارایی) در مقایسه با سایر انواع تسهیلات ویژه نشان می‌دهند. HVCRE شامل موارد زیر می‌شود:

- تسهیلات املاک تجاری که وثیقه آن املاکی است که توسط ناظر ملی به عنوان املاک پرنوسان به لحاظ نرخ نکول طبقه‌بندی شده است؛
- تسهیلات برای تأمین مالی در مراحل تملک زمین، توسعه و ساخت (ADC) این نوع دارایی‌ها؛
- تسهیلاتی برای تأمین مالی تملک زمین، توسعه و ساخت سایر املاکی که منبع بازپرداخت آن‌ها در بدو ایجاد تسهیلات، از محل فروش غیرقطعی دارایی در آینده بوده یا از محل جریان نقدی باشد که منبع بازپرداخت آن به‌طور قابل ملاحظه‌ای غیرقطعی است (به عنوان مثال، دارایی که



هنوز با نرخ بازار مربوط به مستغلات تجاری در یک منطقه، به صورت لیزینگ واگذار نشده است)، مگر اینکه بخش عمده‌ای از دارایی‌های قرض‌گیرنده در معرض ریسک باشد. لیکن، تسهیلات برای تملک زمین، توسعه و ساخت املاک تجاری که به علت قطعیت بازپرداخت توسط قرض‌گیرنده از تسهیلات HVCRE مستثنی می‌شود، فاقد شرایط اعمال کسورات بیشتر در خصوص تسهیلات ویژه مندرج در بند ۲۷۷، هستند.

۲۲۸. در مواردی که ناظران انواع مشخصی از تسهیلات املاک تجاری را در کشور خود به عنوان HVCRE دسته بندی می‌کنند، آن‌ها ملزم هستند که این موضوع را به شکل عمومی اطلاع رسانی کنند. هنگامی که تسهیلات HVCRE در یک کشور ارائه می‌شود، سایر ناظران باید اطمینان حاصل کنند که این ترتیبات به صورت یکسان برای همه بانک‌های تحت نظارت به کار گرفته می‌شوند.

(ii) تعریف تسهیلات و تعهدات دولتی

۲۲۹. این دسته از دارایی‌ها، همه تسهیلات و تعهدات طرف‌های مقابلی که طبق رویکرد استاندارد به عنوان دولت شناخته می‌شوند را پوشش می‌دهد. این بخش شامل دولت‌ها (و بانک‌های مرکزی آن‌ها)، PSES مشخص که در رویکرد استاندارد به عنوان دولت تلقی می‌شود، MDBs که طبق رویکرد استاندارد دارای معیارهای مشخصی برای وزن ریسک صفر درصد هستند و نهادهای بیان شده در بندهای ۵۶ می‌شوند.

(iii) تعریف تسهیلات و تعهدات بانکی

۲۳۰. این دسته از دارایی‌ها، تسهیلات به بانک‌ها و شرکت‌های کارگزاری اوراق بهادار که در پاراگراف ۶۵ مشخص شده‌اند را پوشش می‌دهد. تسهیلات و تعهدات بانکی شامل مطالبات از PSES داخلی که طبق رویکرد استاندارد همانند مطالبات از بانک‌ها در نظر گرفته می‌شوند و MDBs که دارای معیار دریافت وزن ریسک صفر درصد طبق رویکرد مذکور نیستند نیز می‌شوند.

(iv) تعریف تسهیلات و تعهدات خرد

۲۳۱. تسهیلاتی به عنوان تسهیلات خرد هستند که همه معیارهای زیر را در برداشته باشند:

ماهیت قرض‌گیرنده یا ارزش پایین تسهیلات انفرادی



- تسهیلات و تعهدات افراد- اگرچه ناظران تمایل به تعیین مرزی جهت تمایز بین تسهیلات شرکتی و تسهیلات خرد دارند اما تسهیلاتی مانند خطوط اعتباری یا اعتبارات گردان (به عنوان مثال کارت‌های اعتباری، اعتبار در حساب و تسهیلات خرد تضمین شده توسط ابزارهای مالی) و لیزینگ یا وام مدت‌دار شخصی (مانند تسهیلات قسطی، لیزینگ‌ها و تسهیلات خودرو، تسهیلات آموزشی و دانشجویی، تأمین مالی شخصی و سایر تسهیلات و تعهدات مشابه)-، معمولاً، صرف نظر از میزان این نوع تسهیلات، حائز شرایط برای بحساب آوردن آن‌ها به عنوان تسهیلات خرد می‌باشند؛
- تسهیلات رهنی مسکونی (شامل حق تصرف نخست و بعدی، تسهیلات مدت‌دار و خطوط اعتباری گردان) صرف‌نظر از میزان تسهیلات، مادامی که اعتبار برای مالکی که ملک را تصرف کرده ایجاد شود، می‌توان آن را به عنوان تسهیلات خرد در نظر گرفت (با توجه به این امر که ناظران انعطاف معقولی در مورد ساختمان‌هایی که فقط دارای تعداد کمی واحدهای اجاره‌ای هستند، دارند؛ در غیر اینصورت آن‌ها به عنوان تسهیلات شرکتی به حساب می‌آیند). تسهیلاتی که توسط یک یا چند واحد مسکونی مشترک در یک خانه یا مجتمع مسکونی تضمین و پوشش داده شوند نیز جزء طبقه تسهیلات رهنی مسکونی قرار می‌گیرند. ناظران ملی می‌توانند محدودیت‌هایی را برای حداکثر تعداد واحدهای ساختمانی برای هر تسهیلات وضع کنند.
- تسهیلاتی که به کسب و کارهای کوچک اعطا می‌شود و به عنوان تسهیلات خرد مدیریت می‌شوند را می‌توان به عنوان تسهیلات خرد بحساب آورد مشروط بر این که کل تسهیلات و تعهدات گروه بانکی به یک واحد کسب و کار کوچک (به صورت تلفیقی در صورت امکان) کمتر از ۱ میلیون یورو باشد. تسهیلات کسب و کارهای کوچک که به یک فرد داده می‌شود یا توسط یک فرد تضمین می‌گردد نیز مشمول حد تعریف شده در بالا [۱ میلیون یورو] می‌شوند.
- انتظار می‌رود که ناظران انعطافی را در رابطه به کاربرد عملی این حد و مرز فراهم کنند تا اینکه بانک‌ها مجبور به ایجاد سیستم‌های اطلاعات جدید گسترده‌ای به منظور حصول اطمینان از انطباق کامل با این حدود، نباشند. اما برای ناظران مهم است که اطمینان حاصل کنند که این انعطاف پذیری (و پذیرش مقدار تسهیلات فراتر از مرز تعیین شده که به عنوان تخطی جدی از حد مجاز محسوب نشود) مورد سوء استفاده قرار نگیرد.



– تعداد زیاد تسهیلات و تعهدات

۲۳۲. تسهیلات باید به عنوان جزئی از مجموعه بزرگ منابع در معرض ریسک که به صورت جمعی توسط بانک مدیریت می‌شود باشد. ناظران ممکن است که تعداد کمی از تسهیلات موجود در این مجموعه را به عنوان تسهیلات و تعهدات خرد قرار دهند.

- اگر بانکی متناسب با زمان، منابع در معرض ریسک کمتر از ۱ میلیون یورو برای کسب و کارهای کوچک را در سیستم‌های مدیریت ریسک داخلی خود مانند سایر منابع در معرض ریسک خرد مورد توجه قرار دهد، چنین منابعی می‌تواند به عنوان تسهیلات و تعهدات خرد طبقه‌بندی شوند. این امر مستلزم اینست که منشاء چنین تسهیلاتی مانند دیگر منابع در معرض ریسک خرد باشد. به علاوه، چنین منابعی نباید به صورت انفرادی همانند تسهیلات شرکتی مدیریت شود، بلکه باید به عنوان جزئی از پرتفویی از تسهیلات با مشخصه‌های ریسکی مشابه با هدف کمی-سازی و ارزیابی ریسک در نظر گرفته شود. با این وجود، این امر مانع از قرار گرفتن منابع در معرض ریسک خرد به صورت انفرادی در برخی از مراحل فرایند مدیریت ریسک نمی‌شود. در واقع، رتبه‌بندی تسهیلات به صورت انفرادی، واجد شرایط بودن آن‌ها برای قرار گرفتن در دسته منابع در معرض ریسک را رد نمی‌کند.

۲۳۳. در میان طبقه‌داری‌های خرد، بانکها ملزم هستند که سه طبقه فرعی را شناسایی کنند: الف) منابع در معرض ریسکی که با املاک مسکونی، به عنوان وثیقه، به شرح فوق، پوشش داده شده باشند، ب) تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط که در پاراگراف بعدی توضیح داده می‌شود، ج) سایر منابع خرد در معرض ریسک

(۷) تعریف تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط

۲۳۴. یک مجموعه باید دارای همه معیارهای زیر بوده تا به عنوان تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط (QRRE) شناخته شوند. این معیارها عموماً باید در سطح زیر مجموعه‌ای از یک پرتفوی متناسب با بخش‌بندی فعالیت‌های خرد بانک، بکار گرفته شوند. بخش‌بندی در سطح کشوری یا ملی (یا پایین‌تر) باید به عنوان قاعده کلی باشد. این معیارها در زیر آمده است:

الف) تسهیلات و تعهدات گردانی که فاقد وثیقه و عدم تعهد در پرداخت (به صورت قراردادی یا در عمل) باشند. در این مورد، منابع در معرض ریسک گردان به عنوان تسهیلات و تعهداتی تعریف می‌شود که در



آن مانده حساب مشتریان اجازه نوسان بر اساس تصمیمات مربوط به قرض گرفتن و بازپرداخت بر اساس محدودیت تعیین شده توسط بانک را دارد.

ب) تسهیلات و تعهدات مربوط به افراد باشد.

ج) حداکثر تسهیلات به یک فرد صد هزار یورو یا کمتر باشد.

د) به علت اینکه مفروضات همبستگی دارایی برای تابع تعیین وزن‌های ریسک QRRE کمتر از مفروضات مربوط به سایر توابع تعیین وزن‌های ریسک خرد با احتمال نکول پایین است، بانک‌ها باید نشان دهند که استفاده از توابع وزن‌های ریسک QRRE محدود به پرتفوی‌هایی می‌شود که نسبت به سطح متوسط نرخ‌های زیان، دارای نوسان کم بخصوص در بین محدوده PD پایین هستند. ناظران نوسانات نسبی ارزیابی‌های ریسک در زیر مجموعه‌های QRRE و پرتفوی کلی QRRE را بررسی خواهند کرد و اطلاعات مربوط به ویژگی‌های نوعی نرخ‌های زیان QRRE را در کشورهای خود منتشر می‌کنند.

ه) داده‌های مربوط به نرخ‌های زیان برای پرتفوی، به منظور تجزیه و تحلیل نوسان نرخ‌های زیان باید نگهداری شوند.

و) ناظران باید نسبت به متناسب و سازگار بودن تسهیلات و تعهدات خرد واجد شرایط گردان با ویژگی‌های ریسکی پایه در پورتفوی زیر مجموعه اتفاق نظر داشته باشند.

(vi) تعریف مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری

۲۳۵. بطور کلی، مشارکت‌های حقوقی و سرمایه‌گذاری بر اساس ماهیت اقتصادی یک ابزار تعریف می‌شوند. این مشارکت‌ها شامل مالکیت‌های مستقیم و غیرمستقیم^{۵۹} اعم از اینکه همراه با حق رأی باشد یا نه و همچنین ذینفع بودن در دارایی‌ها و درآمد یک سازمان یا یک نهاد مالی که بر اساس قسمت ۱ این چارچوب تلفیق یا کسر نمی‌شوند، می‌باشد^{۶۰}. یک ابزار [مالی] زمانی به عنوان یک مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته می‌شود که همه الزامات زیر را داشته باشد:

- بازده و جوه سرمایه‌گذاری شده تنها از طریق فروش سرمایه‌گذاری یا فروش حقوق سرمایه‌گذاری یا از طریق تصفیه مؤسسه ناشر اوراق، حاصل شود؛

^{۵۹} یکی از منافع مشارکت غیرمستقیم شامل در دست داشتن ابزارهای مشتقه مربوط به منافع آن مشارکت می‌شود. همچنین، این موضوع شامل هلدینگ مشارکت در شرکت‌ها، انجام شراکت‌ها، شرکت‌ها با مسئولیت محدود یا سایر انواع سازمان‌ها و نهادهایی که منافع مالکیت را توزیع می‌کنند و اصولاً در سرمایه‌گذاری در ابزارهای مربوط به مالکیت وارد می‌شوند نیز می‌شوند.

^{۶۰} زمانی که برخی از کشورها ترتیبات فعلی خود را به عنوان استثنائی برای انجام کسورات حفظ می‌کنند، این نوع سرمایه‌گذاری در سهام توسط بانک‌هایی که از رویکرد رتبه‌بندی داخلی استفاده می‌کنند باید به عنوان جزئی از پرتفوی‌های سهام طبق رویکرد مزبور در نظر گرفته شوند.



• تعهدی را برای ناشر ایجاد نکند؛

• به عنوان آخرین ادعا نسبت به دارایی‌ها یا درآمد ناشر باشند.

۲۳۶. به علاوه، هر یک از ابزارهای زیر باید به عنوان یک مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری در نظر گرفته شود:

• ابزاری که دارای ساختار یکسان با آنچه که به عنوان سرمایه لایه ۱ برای سازمان‌های بانکی است، باشند.

• ابزاری که تعهداتی را بر عهده ناشر ایجاد می‌کنند و دارای هر یک از شرایط زیر باشند:

(۱) ناشر می‌تواند تسویه تعهدات را به صورت نامحدود به تعویق بیاورد.

(۲) اجرای تعهد (یا بر مبنای صلاحدید ناشر) از طریق انتشار تعداد ثابتی از سهام ناشر انجام پذیرد.

(۳) اجرای یک تعهد نیاز به تسویه از طریق انتشار تعداد متغیری از سهام نهاد ناشر داشته باشد و هر تغییری در ارزش تعهدات، قابل استناد و مقایسه باشد. همین موضوع درباره تغییر در ارزش تعداد ثابت سهام ناشر نیز وجود داشته باشد^{۶۱}؛

(۴) مالک این ابزارها بتواند تعهد مربوطه را به صورت سهام تسویه کند، مگر اینکه (i)، در خصوص ابزارهای معامله شده، ناظران از اینکه بانک نشان داده است که ابزارهای مورد معامله بیشتر مربوط به بدهی منتشر کننده هستند قانع شده باشند؛ یا (ii) در خصوص ابزارهای معامله نشده، ناظران نسبت به اینکه بانک نشان داده است که ابزار باید به عنوان یک بدهی لحاظ شود قانع شده باشند. در موارد (i) و (ii)، بانک ممکن است که ریسک‌ها را با رضایت ناظران، برای اهداف مقرراتی، تفکیک نماید.

۲۳۷. تعهدات بدهی و سایر اوراق بهادار، شراکت‌ها، اوراق مشتقه یا سایر ابزارهایی که به منظور نشان دادن ارزش اقتصادی مالکیت از طریق مشارکت سهامداری ایجاد شده‌اند، به عنوان منافع و حقوق مالکانه

^{۶۱} برای تعهدات معینی که نیاز به تسویه از طریق انتشار تعداد متغیری از سهام عادی شرکت ناشر را دارد یا اجازه این کار را می‌دهد، تغییر در ارزش پولی این تعهدات برابر است با تغییر در ارزش منصفانه تعداد ثابتی از سهام عادی ضربدر یک ضریب معین. این تعهدات دارای شرایط بند ۳ بوده با این شرط که ضریب و تعداد مرجع سهام هر دو ثابت باشند. به عنوان مثال، یک ناشر می‌تواند ملزم شود که تعهدات خود را از طریق انتشار سهام با ارزشی معادل سه برابر بزرگتر از ارزش منصفانه ۱۰۰۰ سهام تسویه کند. این تعهدات همانند تعهداتی که نیاز به تسویه توسط انتشار سهام که معادل افزایش در ارزش منصفانه ۳۰۰۰ سهام است در نظر گرفته می‌شود.



مورد توجه قرار می‌گیرند.^{۶۲} این مورد شامل بدهی‌هایی است که بازده آن به بازده حقوق صاحبان سهام^{۶۳} مرتبط می‌شود. در مقابل، سرمایه‌گذاری مالکانه که به منظور انتقال ارزش اقتصادی بدهی یا منابع در معرض ریسک ناشی از تبدیل به اوراق بهادار کردن ساختاردهی می‌شوند، به عنوان منافع و حقوق مالکانه در نظر گرفته نمی‌شوند.

۲۳۸. ناظران ملی دارای صلاحیت لازم برای بازتعریف اوراق بدهی‌ها به عنوان حقوق صاحبان سهام برای اهداف مقرراتی می‌باشند و در غیر اینصورت باید از ترتیبات مناسب در خصوص بدهی‌ها و حقوق صاحبان سهام طبق رکن ۲ اطمینان حاصل کنند.

(vii) تعریف اسناد دریافتی خریداری شده واجد شرایط

۲۳۹. اسناد دریافتی خریداری شده واجد شرایط به دو دسته شرکتی و خرد تقسیم می‌شود که ذیلاً تعریف می‌گردند.

– اسناد دریافتی خرد

۲۴۰. اسناد دریافتی خرد خریداری شده، با فرض اینکه بانک خریدار با قواعد IRB که مرتبط با تسهیلات و تعهدات خرد است، منطبق باشد، برای استفاده از رویکرد بالا به پایین که بر اساس استانداردهای تسهیلات و تعهدات خرد موجود است، واجد شرایط قرار گرفتن در این دسته هستند. همچنین، بانک باید حداقل الزامات عملیاتی که در بخش III.F و III.H آمده است را بکار گیرد.

– اسناد دریافتی شرکتی

۲۴۱. بطور کلی، در مورد اسناد دریافتی خریداری شده شرکتی، از بانک‌ها این انتظار می‌رود که ریسک نکول تعهدات فردی را همان‌طور که در بخش III.C.1 (که با پاراگراف ۲۷۱ شروع می‌شود) تعیین شده است، منطبق با ترتیبات سایر تسهیلات و تعهدات شرکتی، مورد ارزیابی قرار دهند. اما رویکرد بالا به پایین می‌تواند، با فرض اینکه برنامه بانک خریدار برای اسناد دریافتی شرکتی با معیارهای مربوط به

^{۶۲} حقوق صاحبان سهامی که از محل معاوضه بدهی و سهام ایجاد شده و در تحقق یا تجدید ساختار بدهی به عنوان وام ثبت شده‌اند، در تعریف منافع و حقوق مالکانه وارد می‌شود. با این وجود، اگر هلدینگ‌ها در پرتفوی بدهی‌ها باقی بمانند، این ابزارها نمی‌توانند یک سرمایه پوششی پایین‌تر از آنچه باید باشد را جذب کنند.

^{۶۳} ناظران ممکن است اجازه ندهند که این بدهی‌ها جزئی از این مورد باشد. این زمانی است که این بدهی‌ها بطور مستقیم توسط یک هلدینگ سهام پوشش داده شوند به گونه‌ای که خالص وضعیت [خرید و فروش] در برگزیده ریسک مهمی نباشد.



اسناد دریافتنی واجد شرایط و حداقل الزامات عملیاتی این رویکرد سازگار باشد، در این خصوص مورد استفاده قرار گیرد. استفاده از ترتیبات بالا به پایین در مورد حساب‌های دریافتنی خریداری شده، محدود به موقعیتی می‌شود که در آن اجبار بانک‌ها به حداقل الزامات رویکرد IRB برای تسهیلات شرکتی، یک امر غیرضروری باشد. منظور حساب‌های دریافتنی است که برای وارد کردن آن‌ها در ساختارهای ایجاد اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌ها خریداری می‌شوند، اما بانک‌ها می‌توانند با تأیید ناظران ملی از آن برای تسهیلات و تعهدات مناسب بالای خط ترازنامه دارای ویژگی مشترک، استفاده کنند.

۲۴۲. ناظران می‌توانند استفاده از رویکرد بالا به پایین را برای اسناد دریافتنی شرکتی خریداری شده با توجه به میزان انطباق بانک با حداقل الزامات قبول نکنند. بطور خاص، به منظور واجد شرایط شدن برای ترتیبات بالا به پایین، اسناد دریافتنی شرکتی خریداری شده باید شرایط زیر را داشته باشد:

- اسناد دریافتنی از فروشنده ثالث و غیرمرتبط خریداری شوند و بانک خود این اسناد دریافتنی را بطور مستقیم یا غیرمستقیم ایجاد نکرده باشد.
- اسناد دریافتنی باید بر مبنای استقلال بین فروشنده و بدهکار [فارغ از ملاحظات شخصی] منتشر شود. (به عنوان مثال، حساب‌های دریافتنی بین شرکتی و حساب‌های دریافتنی که بر مبنای حساب‌های دو جانبه بین شرکت‌هایی که با یکدیگر خرید و فروش می‌کنند واجد شرایط نیستند^{۶۴}).
- بانک خریدار، دارای مطالباتی از همه دارایی‌های موجود در مجموعه اسناد دریافتنی بوده یا منافعی را به همان نسبت در دارایی‌ها داشته باشد^{۶۵}.
- همچنین، ناظران ملی باید حدود تمرکز را به گونه‌ای تعیین کنند که برای مقادیر بالاتر از این حدود پوشش سرمایه با استفاده از حداقل الزامات برای رویکرد پایین به بالا مربوط به تسهیلات و تعهدات شرکتی محاسبه شود. چنین حدودی ممکن است به یک یا مجموعه‌ای از

^{۶۴} حساب‌های دو جانبه شامل مشتری که از یک شرکت خرید کرده و فروش را هم با همان شرکت انجام می‌دهد نیز می‌شود. ریسک این حساب‌ها اینست که بدهی‌ها ممکن است از طریق پرداخت‌های کالائی تسویه شده به جای اینکه وجه نقد پرداخت شود. صورت حساب‌ها بین شرکت‌ها بجای پرداخت نقدی ممکن است با یکدیگر تسویه شده و کنسل شوند. این امر زمانی که در دادگاه مورد بازخواست قرار گیرد می‌تواند منافع حاصل از اسناد سلب می‌گردد.

^{۶۵} مطالبات از بخش‌هایی از عواید (وضعیت اولین سطح پوشش زبان، وضعیت دومین سطح پوشش زبان و غیره) در گروه ترتیبات مربوط به اوراق بهادار سازی قرار می‌گیرد.



معیارهای زیر مربوط شود: میزان تسهیلات فردی نسبت به کل مجموعه، میزان مجموعه اسناد دریافتنی به عنوان درصدی از سرمایه مقرراتی یا بزرگترین تسهیلات فردی در مجموعه.

۲۴۳. وجود حق رجوع کلی یا جزئی به فروشنده، یک بانک را به صورت خودکار از اتخاذ رویکرد بالا به پایین سلب صلاحیت نمی‌کند. این موضوع تا زمانی صحیح است که جریانات نقد حاصل از اسناد دریافتنی شرکتی خریداری شده پوشش اولیه در برابر ریسک نکول، همان طور که در پاراگراف‌های ۳۶۵ تا ۳۶۸ برای اسناد دریافتنی خریداری شده مطرح شده، بوده و بانک معیارهای صلاحیت و الزامات عملیاتی را داشته باشد.

۲. رویکردهای پایه و پیشرفته

۲۴۴. برای هر یک از طبقه دارایی‌های تحت پوشش IRB، سه عامل اصلی وجود دارد:

- اجزاء ریسک- برآوردی از پارامترهای ریسک توسط بانک‌ها که برخی از آن‌ها برآوردهای نظارتی هستند.
- توابع تعیین وزن‌های ریسک- وسیله‌ای که از طریق آن اجزاء ریسک به دارایی‌های موزون به ریسک و بنابراین به تعیین میزان سرمایه تبدیل می‌شوند.
- حداقل الزامات- حداقل استانداردهای که باید به منظور استفاده از رویکرد IRB برای یک طبقه دارایی مورد نظر توسط بانک، رعایت شوند.

۲۴۵. برای تعداد زیادی از طبقات دارایی، کمیته دو رویکرد گسترده‌ای را فراهم کرده است: رویکرد پایه و رویکرد پیشرفته. در رویکرد پایه، به عنوان یک قاعده کلی، بانک‌ها برآوردی از احتمال نکول را خود تهیه می‌کنند و برای سایر اجزاء ریسک، به برآوردهای نظارتی اتکا می‌کنند. در رویکرد پیشرفته، بانک‌ها برآوردهای بیشتری را از خود درباره احتمال نکول، زیان با فرض نکول، تسهیلات و تعهدات در معرض نکول و محاسبه سررسید مؤثر (M) را با توجه به رعایت حداقل استانداردها تهیه می‌کنند. برای هر دو رویکرد، بانک‌ها باید همیشه از توابع تعیین وزن ریسک ارائه شده در این چارچوب به منظور بدست آوردن الزامات سرمایه‌ای استفاده نمایند. مطالب بیشتری از این رویکردها در ذیل توضیح داده می‌شود.



(i) تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی

۲۴۶. در رویکرد پایه، بانکها باید تخمین خود از احتمال نکول همراه با رتبه هر یک از قرض گیرندگان را فراهم کنند، اما باید از برآوردهای نظارتی برای سایر اجزاء ریسک مرتبط استفاده کنند. سایر اجزاء ریسک عبارتند از زیان با فرض نکول، تسهیلات و تعهدات در معرض نکول و سررسید مؤثر^{۶۶}.

۲۴۷. در رویکرد پیشرفته، بانکها باید سررسید مؤثر^{۶۷} را محاسبه کرده و تخمین خود از احتمال نکول، زیان با فرض نکول و تسهیلات و تعهدات در معرض نکول را ارائه دهند.

۲۴۸. استثنائی در رابطه با این قاعده کلی برای پنج طبقه فرعی دارایی که به عنوان تسهیلات ویژه شناخته می‌شوند وجود دارد.

– تسهیلات ویژه: تأمین مالی پروژه، تأمین مالی کالای سرمایه، املاک و مستغلات درآمدزا، املاک تجاری پرنوسان

۲۴۹. بانکهایی که الزامات مربوط به تخمین احتمال نکول در رویکرد پایه برای تسهیلات ویژه را ندارند، از آنها خواسته می‌شود که رتبه‌های پنج طبقه نظارتی را با ریسک متناظر آنها تطبیق دهند. این روش تحت عنوان " رویکرد مبتنی بر معیارهای دسته‌بندی نظارتی " نام‌گذاری می‌شود.

۲۵۰. بانکهایی که الزامات و شرایط مربوط به تخمین احتمال نکول را دارا می‌باشند، قادر به استفاده از رویکرد پایه نسبت به تسهیلات و تعهدات شرکتی به منظور بدست آوردن وزن‌های ریسک همه طبقات تسهیلات ویژه به غیر از املاک تجاری پرنوسان هستند. طبق صلاحدید ملی، بانکهایی که الزامات مربوط به املاک تجاری پرنوسان را رعایت کنند، قادر به استفاده از رویکرد پایه می‌باشند که در همه ابعاد آن به استثناء تابع تعیین وزن ریسک مجزا به شرح مندرج در پاراگراف ۲۸۳، مشابه با رویکرد مرتبط با تسهیلات شرکتی است.

۲۵۱. بانکهایی که الزامات و شرایط مربوط به برآورد احتمال نکول، زیان به فرض نکول و منابع در معرض نکول را دارا می‌باشند، می‌توانند از رویکرد پیشرفته نسبت به تسهیلات و تعهدات شرکتی به منظور بدست آوردن وزن‌های ریسک همه طبقات تسهیلات ویژه به غیر از املاک تجاری پرنوسان

^{۶۶} همان‌طور که در پاراگراف ۳۱۸ بیان شد، برخی از ناظران می‌توانند بانکها را الزام به استفاده از رویکرد پایه برای محاسبه سررسید مؤثر با استفاده از تعریف موجود در پاراگراف‌های ۳۲۰ تا ۳۲۴ کنند.

^{۶۷} طبق صلاحدید ناظر ملی، برخی از تسهیلات و تعهدات داخلی می‌تواند از محاسبه سررسید مؤثر مستثنی شوند (به پاراگراف ۳۱۹ مراجعه شود).



استفاده کنند. طبق صلاحدید ملی، بانک‌هایی که الزامات مربوط به املاک تجاری پرنوسان را رعایت کنند، قادر به استفاده از رویکرد پیشرفته می‌باشند که در همه ابعاد آن به استثناء تابع تعیین وزن ریسک مجزا به شرح مندرج در پاراگراف ۲۸۳، مشابه با رویکرد مرتبط با تسهیلات شرکتی است.

(ii) تسهیلات و تعهدات خرد

۲۵۲. برای این نوع تسهیلات و تعهدات، بانک‌ها باید تخمین خود از احتمال نکول، زیان به فرض نکول و منابع در معرض نکول را تهیه کنند. هیچ تمایزی بین رویکرد پایه و پیشرفته برای این نوع دارایی‌ها وجود ندارد.

(iii) مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری

۲۵۳. دو رویکرد گسترده برای محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک برای مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری که در دفاتر تجاری بانک نگهداری نمی‌شوند وجود دارد: رویکرد مبتنی بر بازار و رویکرد احتمال نکول / زیان با فرض نکول. این موارد بطور کامل در پاراگراف‌های ۳۴۰ تا ۳۶۱ بیان شده است.

۲۵۴. رویکرد احتمال نکول / زیان به فرض نکول نسبت به مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری برای بانک‌هایی است که رویکرد پیشرفته را برای سایر تسهیلات و تعهدات بکار گرفته‌اند.

(iv) اسناد دریافتنی خریداری شده واجد شرایط

۲۵۵. این ترتیبات بطور بالقوه دو طبقه دارایی را پوشش می‌دهد. در خصوص اسناد دریافتنی شرکتی واجد شرایط، رویکردهای پایه و پیشرفته با شرط داشتن الزامات عملیاتی معین، قابل استفاده هستند. برای اسناد دریافتنی خرد واجد شرایط، همانند طبقه دارایی‌های خرد، هیچ نوع تمایزی بین رویکرد پایه و پیشرفته نیست.

۳. پذیرش رویکرد IRB برای طبقات دارایی

۲۵۶. زمانی که یک بانک رویکرد IRB را برای بخشی از هلدینگ خود به کار گیرد، انتظار می‌رود که رویکرد مذکور را برای کل گروه بانکی توسعه داده شود. با این وجود، کمیته می‌داند که برای بسیاری از بانک‌ها، به دلایل مختلف پیاده‌سازی رویکرد IRB در میان همه طبقات دارایی‌ها و واحدهای تجاری با اهمیت به طور همزمان امکان‌پذیر نیست. به علاوه، محدودیت‌های اطلاعاتی ممکن است بدین معنی



باشد که بانک‌ها می‌توانند استانداردهای استفاده از تخمین خود از احتمال نکول و زیان به فرض نکول را برای برخی از واحدهای تجاری یا طبقات دارایی خود و نه برای همه آن‌ها، بطور همزمان به‌کار گیرند.

۲۵۷. به عنوان مثال، ناظران می‌توانند به بانک‌ها این اجازه را بدهند که اجرای مرحله‌ای رویکرد IRB را در گروه بانکی بپذیرد. این اجرای مرحله‌ای شامل (i) پذیرش رویکرد IRB در بین طبقات دارایی‌های همان واحد تجاری (یا در مورد تسهیلات و تعهدات خرد، در میان دارایی‌های طبقات فرعی)؛ (ii) اتخاذ رویکرد IRB در میان واحدهای تجاری در همان گروه بانکی؛ و (iii) حرکت از رویکرد پایه به سمت رویکرد پیشرفته برای اجزاء ریسک معین. با این وجود زمانی که یک بانک رویکرد IRB را برای طبقه دارایی در یک واحد تجاری معین (یا در مورد تسهیلات و تعهدات خرد برای یک طبقه فرعی آن) بپذیرد، باید این رویکرد را برای همه تسهیلات و تعهدات در آن طبقه دارایی (یا طبقه فرعی آن) در آن واحد تجاری بکار بگیرد.

۲۵۸. یک بانک باید یک برنامه اجرا و پیاده‌سازی را ایجاد کند بطوری که تعیین کند تا چه مقدار و چه موقع قصد اجرای رویکردهای IRB را در طبقات دارایی (یا دارایی‌های طبقه فرعی در مورد دارایی‌های خرد) و واحدهای تجاری مهم در طول زمان دارد. این برنامه باید سخت‌گیرانه و در عین حال واقعی و با توافق ناظر بوده و مبتنی بر قابلیت اجرا و امکان‌سنجی تغییر به سمت رویکردهای پیشرفته‌تر تهیه شده باشد و با انگیزه اتخاذ رویکرد رکن ۱ که پوشش سرمایه را حداقل می‌سازد، انجام نشده باشد. در طول دوره اجرا و پیاده‌سازی ناظران باید اطمینان حاصل کنند که هیچ نوع تخفیف سرمایه برای معاملات بین گروهی برای کاهش پوشش سرمایه کل گروه بانکی از طریق انتقال ریسک اعتباری در میان نهادها در رویکرد استاندارد و رویکردهای پایه و پیشرفته IRB داده نشود. این امر شامل فروش دارایی یا تضامین متقابل می‌شود که البته تنها محدود به این دو مورد هم نیست.

۲۵۹. برخی از تسهیلات و تعهدات در واحدهای تجاری کم‌اهمیت و نیز طبقات دارایی (یا دارایی‌های زیرمجموعه در طبقه خرد) که از نظر اندازه و مشخصه ریسک مهم نباشند، ممکن است که از الزامات مطرح شده در دو پاراگراف قبلی مشروط به تأیید ناظران معاف شوند. الزامات سرمایه‌ای برای این عملیات، بر اساس رویکرد استاندارد معین شده و ناظران ملی تعیین می‌کنند که آیا یک بانک باید سرمایه بیشتر از آنچه در رکن ۲ آمده برای این موقعیت‌ها نگه دارد یا خیر؟



۲۶۰. علی‌رغم مطالب بالا، زمانی که یک بانک رویکرد IRB را برای همه یا بخشی از طبقات دارایی شرکتی، بانکی، دولتی یا خرد اتخاذ نماید؛ ملزم خواهد بود که این رویکرد را برای مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری با توجه به اهمیت آن‌ها، بکار گیرند. ناظران ممکن است که یک بانک را ملزم به بکارگیری یکی از رویکردهای مربوط به حقوق صاحبان سهام کند. این زمانی است که مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری، بخش مهمی از کسب و کار یک بانک باشد، حتی اگر بانک ممکن است یک رویکرد IRB را در دیگر بخش‌های کسب و کار بکار نگیرد. علاوه بر این، زمانی که یک بانک رویکرد عمومی IRB را برای تسهیلات و تعهدات شرکتی پذیرفته است، از آن خواسته می‌شود که رویکرد IRB را نیز برای دارایی‌های طبقات فرعی تسهیلات ویژه در طبقه تسهیلات و تعهدات شرکتی پذیرفته و بکار بندد.

۲۶۱. از بانک‌هایی که رویکردی از IRB را اتخاذ می‌کنند، انتظار می‌رود که بکارگیری آن را ادامه دهند. برگشت اختیاری به رویکردهای پایه یا استاندارد تنها در شرایط فوق‌العاده مانند از بین رفتن بخش بزرگی از کسب و کار اعتباری بانک، امکان‌پذیر است که باید توسط ناظران نیز تأیید گردد.

۲۶۲. با فرض محدودیت داده‌ها در مورد تسهیلات و تعهدات ویژه، یک بانک ممکن است برای یک یا چند طبقه فرعی دارایی اعم از تسهیلات برای تأمین مالی پروژه، تأمین مالی کالای سرمایه‌ای، تأمین مالی کالاها یا املاک تجاری پرنوسان، از رویکرد مبتنی بر معیارهای دسته‌بندی نظارتی استفاده کند و برای سایر دارایی‌های طبقه فرعی در طبقه دارایی‌های شرکتی، رویکرد پیشرفته یا پایه را در پیش گیرد. با این وجود یک بانک نباید برای تسهیلات املاک تجاری پرنوسان و همچنین تسهیلات و تعهدات مربوط به املاک و مستغلات مولد درآمد بطور همزمان، رویکرد پیشرفته را بکار بندد.

۴. تزییات دوره گذار

(ii) محاسبه موازی

۲۶۳. بانک‌هایی که رویکردهای پایه یا پیشرفته را بکار می‌گیرند، ملزم هستند سرمایه مورد نیاز خود را با استفاده از این رویکردها و همچنین بر اساس موافقت نامه ۱۹۹۸ برای دوره زمانی تعیین شده در پاراگراف‌های ۴۵ تا ۴۹ محاسبه کنند. محاسبه موازی برای بانک‌هایی که رویکرد پایه IRB را برای ریسک اعتباری پذیرفته‌اند در سال مالی منتهی به ۲۰۰۵ آغاز خواهد شد. بانک‌هایی که مستقیماً از موافقت نامه ۱۹۸۸ به رویکردهای پیشرفته برای ریسک اعتباری و یا ریسک عملیاتی حرکت می‌کنند



باید محاسبات موازی را انجام داده یا مطالعات اثرسنجی را در سال مالی منتهی به ۲۰۰۵ شروع کنند و ملزم به انجام محاسبات موازی برای سال مالی منتهی به ۲۰۰۶ شوند.

(ii) تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی، بانکی و خرد

۲۶۴. دوره گذار، از تاریخ پیاده‌سازی این چهارچوب شروع شده و ۳ سال به طول می‌انجامد. در طول دوره گذار، از حداقل الزامات زیر می‌توان با نظر و صلاحدید ناظران ملی چشم پوشی کرد:

- برای تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی در رویکرد پایه، موضوع بند ۴۶۳، الزامی که طبق آن، صرف نظر از منبع داده‌ها، بانک‌ها باید حداقل داده‌های ۵ سال را برای تخمین احتمال نکول استفاده می‌کردند؛
- برای تسهیلات و تعهدات خرد، موضوع بند ۴۶۶، الزامی که طبق آن صرف نظر از منبع داده‌ها، بانک‌ها باید حداقل داده‌های ۵ سال را برای تخمین شاخص‌های زیان (منابع در معرض نکول و زیان مورد انتظار (EL) یا احتمال نکول و زیان با فرض نکول) استفاده می‌کردند.
- برای تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی، بانکی و خرد، موضوع بند ۴۴۵، الزامی که طبق آن بانک‌ها باید نشان می‌دادند که از یک سیستم رتبه‌بندی که بطور گسترده‌ای منطبق با حداقل الزامات مندرج در این سند است، به مدت ۳ سال قبل از واجد شرایط شدن، استفاده می‌کردند.
- ترتیبات دوره گذار قابل اعمال اشاره شده برای "رویکرد نسبت احتمال نکول به زیان با فرض نکول" در مورد مشارکت حقوقی نیز بکار می‌رود. هیچ نوع ترتیبات دوره گذار برای "رویکرد مبتنی بر بازار" در ارتباط با مشارکت حقوقی وجود ندارد.

۲۶۵. براساس ترتیبات دوره گذار، بانک‌ها ملزم هستند حداقل تا دو سال داده‌های مربوط به اجرای این چهارچوب را در اختیار داشته باشند. این الزام برای هر سه سال دوره گذار، یکسال افزایش خواهد یافت.

۲۶۶. با توجه به احتمال بلندمدت بودن چرخه‌های تغییر قیمت مسکن که داده‌های کوتاه‌مدت نمی‌تواند بخوبی این تغییرات را نشان دهد، در طول دوره گذار، زیان با فرض نکول برای تسهیلات و تعهدات خرد با تضمین املاک مسکونی نمی‌تواند از ۱۰ درصد برای هر طبقه فرعی از تسهیلات و تعهدات مطابق



فرمول بند ۳۲۸، کمتر باشد^{۶۸}. در طول دوره گذار، کمیته ضرورت تداوم اعمال حداقل مذکور را مورد بازنگری قرار می‌دهد.

(iii) مشارکت حقوقی و سرمایه‌گذاری

۲۶۷. حداکثر برای ۱۰ سال، ناظران می‌توانند مشارکت‌های حقوقی و سرمایه‌گذاری خاص موجود در زمان انتشار این چارچوب را از ترتیبات IRB معاف کنند^{۶۹}. موارد مشمول معافیت در قالب تعداد سهام در آن تاریخ و هرگونه افزایش مستقیم ناشی از تملک دارایی‌های مربوط اندازه‌گیری می‌شود تا جایی که این موارد سهم‌الشرکه مالکیت در یک شرکت سرمایه‌پذیر را افزایش ندهند.

۲۶۸. اگر تملیک دارایی منجر به افزایش سهم‌الشرکه مالکیتی در یک مجموعه خاص شود (به عنوان مثال، ناشی از تغییر مالکیت شرکت سرمایه‌گذار در پی انتشار این چهارچوب باشد) بخش افزایش یافته مالکیت مشمول این معافیت نمی‌شود. همچنین این معافیت شامل سرمایه‌گذاری‌هایی که در ابتدا مشمول معافیت بوده‌اند ولی فروش رفته و دوباره بازخرید شده‌اند نمی‌شود.

۲۶۹. مالکیت در قالب حقوق صاحبان سهام که مشمول ترتیبات دوره گذار هستند تابع الزامات سرمایه‌ای رویکرد استاندارد خواهد بود.

C. قواعدی برای تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی

۲۷۰. بخش III.C روشی از محاسبه سرمایه مورد نیاز برای پوشش زیان غیرمنتظره ناشی از تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی را ارائه می‌دهد. همان‌طور که در بخش C.۱ بحث شد، یک تابع تعیین وزن ریسک برای تعیین الزامات سرمایه‌ای در مورد این دارایی‌ها با یک استثناء ارائه شده است. وزن‌های ریسک نظارتی، برای هر یک از تسهیلات ویژه در مجموعه تسهیلات شرکتی ارائه شده و یک وزن ریسک جداگانه برای املاک تجاری پرنوسان تعیین می‌شود. بخش C.۲ اجزاء ریسک را به بحث

^{۶۸} با این وجود، سطح حداقل ۱۰٪ LGD برای طبقات فرعی که منوط به تضمین‌های دولتی بوده یا از آنها منفعتی می‌برد بکار گرفته نمی‌شود. به علاوه، تعیین حداقل به معنای لغو الزامات تخمین LGD همان‌طور که در حداقل الزامات پاراگراف ۴۶۸ به بعد بیان گردیده نیست.
^{۶۹} این معافیت برای سرمایه‌گذاری در نهادهای کشوری که ترتیبات فعلی مربوط به وزن‌دهی ریسک را حفظ خواهند کرد، همان‌طور که در قسمت ۱ به آن اشاره می‌شود، کاربرد ندارد. به زیرنویس ۹ مراجعه شود.



می‌گذارد، روش محاسبه زیان‌های مورد انتظار و تعیین تفاوت بین این مقدار و ذخایر در بخش III.G توضیح داده می‌شود.

۱. دارایی‌های موزون به ریسک برای تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی

(ا) فرمول تعیین دارایی‌های موزون به ریسک

۲۷۱. تعیین دارایی‌های موزون به ریسک به تخمین احتمال نکول، زیان با فرض نکول و منابع در معرض نکول و در بعضی موارد به سررسید مؤثر برای تسهیلات مورد نظر بستگی دارد. در پاراگراف‌های ۳۱۸ تا ۳۲۴ شرایطی که برای تعدیلات مربوط به سررسید بکار گرفته می‌شود، مطرح می‌گردد.

۲۷۲. در این بخش، احتمال نکول و زیان با فرض نکول به صورت اعشاری و منابع در معرض نکول به شکل واحد پولی (مثلاً یورو) اندازه‌گیری می‌شوند به جز در مواردی که غیر از این تصریح شده باشد. برای منابع در معرض ریسک که نکول نشده‌اند، فرمول محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک عبارت است^{۷۰} از^{۷۱}:

$$(R) = 0.12x(1-EXP(-50xPD))/(1-EXP(-50))+0.24x[1-(1-EXP(-50xPD))/(1-EXP(-50))]$$

$$(b) = (0.11852-0.05478x \ln(PD))^2$$

$$(k) = [LGDxN[(1-R)^{-0.5xG(PD)}+(R/(1-R))^{0.5xG(0.999)}]$$

$$-PDxLGD]x(1-1.5xb)^{-1}x(1+(m-2.5)xb)$$

$$(RWA) = Kx12.5xEAD$$

سرمایه مورد نیاز (k) برای تسهیلات و تعهدات نکول شده برابر است با میزان بزرگتر بین صفر و تفاوت بین LGD (در پاراگراف ۴۶۸) و بهترین تخمین بانک از زیان مورد انتظار (توضیح داده شده در پاراگراف ۴۷۱). مبلغ دارایی موزون به ریسک برای تسهیلات و تعهدات نکول شده، حاصل ضرب k،

^{۷۰} LN به معنای لگاریتم طبیعی است.

^{۷۱} N(x) نشان دهنده تابع توزیع تجمعی برای یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد است (به بیان دیگر، عبارت است از احتمالی که یک متغیر تصادفی نرمال با میانگین صفر و انحراف معیار ۱ کمتر یا برابر با X باشد). G(Z) نشان دهنده تابع توزیع تجمعی معکوس برای یک متغیر تصادفی نرمال استاندارد است (به بیان دیگر، عبارت است از ارزشی برای X بطوری که N(x)=Z). تابع توزیع تجمعی و تابع توزیع تجمعی معکوس در Excel تحت عنوان فرمول‌های NORMSDIDT و NORMSINV موجود هستند.

^{۷۲} اگر این محاسبه منجر به یک عدد منفی برای سرمایه مورد نیاز برای تسهیلات و تعهدات انفرادی دولتی شود، بانک‌ها باید برای آن صفر در نظر بگیرند.



عدد ۱۲/۵ و میزان منابع در معرض نکول می‌باشد. مثالی از وزن‌های بکار گرفته شده برای ریسک در پیوست ۵ آورده شده است.

(ii) *تعدیلات مربوط به اندازه شرکت برای مؤسسات کوچک و متوسط (SME)⁷³*

۲۷۳. در رویکرد IRB برای اعتبارات شرکتی، بانک‌ها این اجازه را دارند که بطور جداگانه بین تسهیلات و تعهدات اعطایی به SME (به عنوان تسهیلات شرکتی که فروش گزارش شده کل گروه که شرکت جزئی از آن است کمتر از ۵۰ میلیون یورو باشد) و تسهیلات به شرکت‌های بزرگ تمایز قائل شوند. تعدیلات مربوط به اندازه شرکت (به عبارت دیگر $(0.04x(1-(S-5)/45)$) برای فرمول تعیین وزن ریسک تسهیلات شرکتی در رابطه با تسهیلات SME ایجاد می‌شود. S میزان کل فروش سالانه به میلیون یورو که در محدوده ۵ میلیون یورو و بیشتر تا حداکثر ۵۰ میلیون یورو قرار می‌گیرد. فروش‌های گزارش شده کمتر از ۵ میلیون یورو به منظور انجام تعدیلات مربوط به اندازه SME، معادل ۵ میلیون یورو در نظر گرفته می‌شود.

$$(R) = 0.12x(1-EXP(-50xPD))/(1-EXP(-50)) + 0.24x[1-(1-EXP(-50xPD))/(1-0.04x(1-(S-5)/45)EXP(-50))]$$

۲۷۴. بنابر صلاحدید ملی، ناظران ممکن است به بانک‌ها اجازه دهند که کل دارایی‌های گروه به شکل تلفیقی را به جای فروش کل برای محاسبه آستانه و تعدیلات مربوط به اندازه SME مورد استفاده قرار دهند. با این وجود، کل دارایی‌ها باید تنها زمانی به عنوان یک شاخص استفاده شود که فروش کل، شاخص معناداری برای اندازه شرکت نباشد.

(iii) *وزن‌های ریسک برای تسهیلات ویژه*

وزن‌های ریسک برای تأمین مالی پروژه، تأمین مالی کالای سرمایه، تأمین مالی کالای تجاری و املاک و مستغلات درآمدزا

⁷³ small- and medium-sized entities (SME)



۲۷۵. بانک‌هایی که الزامات مربوط به تخمین احتمال نکول طبق رویکرد IRB را برآورده نکنند، ملزم می‌شوند که رتبه‌های داخلی خود را با پنج دسته نظارتی که هر کدام دارای یک وزن ریسک می‌باشند، تطبیق دهند. معیارهای دسته‌بندی نظارتی که این تطبیق باید بر مبنای آن قرار گیرد، در پیوست ۶ آمده است. وزن‌های ریسک برای زیان‌های غیر منتظره برای هر یک از دسته‌های نظارتی عبارتند از:

دسته‌بندی نظارتی و وزن‌های ریسک ناشی از زیان غیرمنتظره برای سایر تسهیلات و تعهدات ویژه

نکول	ضعیف	قابل قبول	خوب	قوی
۰	٪۲۵۰	٪۱۱۵	٪۹۰	٪۷۰

۲۷۶. اگرچه از بانک‌ها انتظار می‌رود که رتبه‌بندی داخلی را بر مبنای دسته‌بندی نظارتی برای تسهیلات ویژه با استفاده از معیارهای دسته‌بندی نظارتی مطرح شده در پیوست ۶ انجام دهند، اما هر یک از دسته‌بندی‌های نظارتی تا حدود زیادی باید منطبق با محدوده ارزیابی اعتباری مستقل طبق جدول زیر باشد:

نکول	ضعیف	قابل قبول	خوب	قوی
وجود ندارد	B تا C-	BB- یا B+	BB+ یا BB	-BBB یا بالاتر

۲۷۷. بنابر صلاحدید ملی، ناظران ممکن است که به بانک‌ها اجازه دهند وزن‌های ریسک ترجیحی ۵۰ درصد را برای منابع در معرض ریسک "قوی" و وزن ۷۰ درصد را به منابع در معرض ریسک "خوب" تخصیص دهند؛ مشروط بر آن که از سررسید آن کمتر از ۲/۵ سال باقی مانده است یا اینکه ناظران تعیین کنند که تعهد و سایر مشخصه‌های ریسکی بانک به میزان قابل توجهی از آنچه در معیارهای دسته‌بندی نظارتی برای دسته‌بندی ریسک نظارتی مرتبط تعیین گردیده قوی‌تر باشد.



۲۷۸. بانک‌هایی که الزامات موردنظر برای تخمین احتمال نکول را برآورده سازند، قادر به استفاده از رویکرد پایه عمومی در رابطه با طبقه تسهیلات شرکتی برای تعیین وزن‌های ریسک طبقات فرعی تسهیلات ویژه خواهند بود.

۲۷۹. بانک‌هایی که الزامات موردنظر برای تخمین احتمال نکول و زیان با فرض نکول و یا منابع در معرض نکول را برآورده سازند، قادر به استفاده از رویکرد پیشرفته عمومی در رابطه با طبقه تسهیلات شرکتی برای تعیین وزن‌های ریسک طبقات فرعی تسهیلات ویژه خواهند بود.

وزن‌های ریسک برای املاک تجاری پرنوسان

۲۸۰. بانک‌هایی که قادر به برآورده ساختن الزامات مربوط به تخمین احتمال نکول نباشند یا ناظر آن‌ها اجرای رویکردهای پایه یا پیشرفته برای املاک تجاری پرنوسان را مجاز ندانسته است، باید رتبه‌های داخلی خود را با پنج دسته نظارتی که هر کدام دارای یک وزن ریسک معین هستند، تطبیق دهند. معیارهای دسته‌بندی نظارتی که این نحوه تخصیص بر اساس آن باید انجام گردد، همانند آن‌هایی است که در پیوست ۶ برای املاک تجاری درآمدزا آمده است. وزن‌های ریسک برای هر دسته عبارتند از:

دسته‌بندی نظارتی و وزن‌های ریسک زیان غیرمنتظره برای املاک تجاری پرنوسان

نکول	ضعیف	قابل قبول	خوب	قوی
۰	۲۵۰٪	۱۴۰٪	۱۲۰٪	۹۵٪

۲۸۱. همان‌طور که در پاراگراف ۲۷۶ نشان داده شد، هر کدام از دسته‌های نظارتی به طور وسیعی باید با نحوه ارزیابی‌های اعتباری مستقل مرتبط باشد.

۲۸۲. طبق صلاحدید ملی، ناظران ممکن است به بانک‌ها اجازه دهند که وزن‌های ریسک ترجیحی ۷۰٪ را برای منابع در معرض ریسک "قوی" و وزن ۹۵ درصد را برای منابع در معرض ریسک "خوب" تخصیص دهند؛ مشروط بر این که کمتر از ۲/۵ سال از سررسید آن‌ها باقی مانده باشد یا ناظران تعیین کنند که



تعهد و سایر مشخصه‌های ریسک بانک به میزان قابل توجهی از آنچه در معیارهای دسته‌بندی نظارتی برای دسته ریسک نظارتی مرتبط مشخص شده است، قوی‌تر باشد.

۲۸۳. بانک‌هایی که الزامات مربوط به تخمین احتمال نکول را برآورده سازند و ناظر آن‌ها اجرای رویکردهای پایه یا پیشرفته برای املاک تجاری پرنوسان را مجاز دانسته باشد، برای استخراج اوزان ریسک از همان فرمول قابل اعمال برای سایر تسهیلات ویژه استفاده می‌کنند، به استثنای این که فرمول زیر برای تعیین میزان همبستگی بین دارایی‌ها استفاده می‌گردد:

$$(R) = 0.12x(1 - \text{EXP}(-50xPD)) / (1 - \text{EXP}(-50)) + 0.3x[1 - (1 - \text{EXP}(-50xPD)) / (1 - \text{EXP}(-50))] | \text{همبستگی 50})$$

۲۸۴. بانک‌هایی که الزامات مربوط به تخمین زیان به فرض نکول و منابع در معرض نکول برای تسهیلات املاک تجاری پرنوسان را برآورده نسازند، باید از پارامترهای نظارتی برای تعیین زیان به فرض نکول و منابع در معرض نکول تسهیلات شرکتی استفاده کنند.

(iv) محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک برای تسهیلات و تعهدات در چارچوب نکول مضاعف

۲۸۴(i) برای اینکه تسهیلات و تعهدات دارای پوشش، در چارچوب نکول مضاعف مورد بررسی قرار گیرد، سرمایه مورد نیاز را می‌توان بر اساس پاراگراف ۲۸۴(ii) و ۲۸۴(iii) محاسبه کرد.

۲۸۴(ii) سرمایه مورد نیاز برای تسهیلات و تعهدات دارای پوشش با شرط استفاده از ترتیبات مربوط به نکول مضاعف (K_{DD})، از طریق ضرب k_0 ، مطابق تعریف زیر، در یک ضریب که بستگی به احتمال نکول ارائه دهنده پوشش دارد (PD_g) محاسبه می‌شود:

$$K_{DD} = K_0 \cdot (0.15 + 160 \cdot PD_g)$$

K_0 همانند سرمایه مورد نیاز برای منابع در معرض ریسک شرکتی بدون پوشش محاسبه می‌شود (که در پاراگراف‌های ۲۷۲ و ۲۷۳ تعریف شده است) اما پارامترهای متفاوتی برای زیان با فرض نکول و تعدیل سررسید مورد استفاده قرار می‌گیرد.

$$k_{\alpha} = \text{LGD}_g \cdot \left[N \left(\frac{G(PD_g) + \sqrt{\rho_{\alpha}} \cdot G(0.999)}{\sqrt{1 - \rho_{\alpha}}} \right) - PD_g \right] \cdot \frac{1 + (M - 2.5) \cdot b}{1 - 1.5 \cdot b}$$



PD_g و PD_o به ترتیب احتمال نکول متعهد و احتمال نکول ضامن آن فرد متعهد است مشروط به اینکه حداقل احتمال نکول همانند پاراگراف ۲۸۵ تعیین شود. ضریب همبستگی $\rho_{g,o}$ بر اساس فرمول همبستگی (R) در پاراگراف ۲۷۲ (یا در صورت قابل اعمال بودن، طبق پاراگراف ۲۷۳)، محاسبه می‌گردد؛ که در آن PD برابر با PD_o و LGD_g برابر است با زیان با فرض نکول تسهیلات و تعهدات مستقیم به ضامن؛ (به عبارت دیگر، طبق پاراگراف ۳۰۱، زیان با فرض نکول در ارتباط با تسهیلات بدون پوشش به ضامن یا به متعهد. منوط به این که آیا شواهد موجود و ساختار تضمین در صورت نکول ضامن و متعهد در طول مدت معامله پوشش داده شده، نشان دهد مبلغ احیا شده به ترتیب به شرایط مالی متعهد و ضامن بستگی دارد یا خیر؟ در تخمین هر یک از این زیان‌ها، یک بانک می‌تواند وثیقه‌ای که بطور خاص برای تسهیلات و تعهدات یا پوشش اعتباری است را به گونه‌ای که با پاراگراف‌های ۳۰۳ یا ۲۷۹ و ۴۶۸ تا ۴۷۳ سازگار باشد، بپذیرد). ممکن است که توجهی به احیا مضاعف در تخمین زیان با فرض نکول نشود. ضریب تعدیل مربوط به سررسید b بر اساس فرمول تعدیل سررسید (b) در پاراگراف ۲۷۲ محاسبه می‌شود که PD برابر با کمترین مقدار بین PD_g و PD_o می‌باشد. چنانچه مقرر باشد چارچوب نکول مضاعف مورد استفاده قرار گیرد، M ، سررسید مؤثر پوشش اعتباری، تحت هیچ شرایطی کمتر از یک سال نمی‌باشد.

۲۸۴ (iii) میزان دارایی‌های موزون به ریسک همانند روش مورد استفاده برای تسهیلات و تعهدات بدون پوشش به قرار زیر محاسبه می‌شود:

$$RWA_{DD} = K_{DD} \cdot 12.5 \cdot EAD_g$$

۲. اجزاء ریسک

(i) احتمال نکول (PD)

۲۸۵. برای تسهیلات و تعهدات شرکتی و بانکی، احتمال نکول برابر است با عدد بزرگتر بین ۰/۰۳ درصد و احتمال نکول یک ساله مرتبط با رتبه داخلی وام گیرندگان. برای تسهیلات و تعهدات دولتی، احتمال نکول برابر با همان احتمال نکولی است که بر اساس رتبه داخلی یک ساله وام گیرندگان می‌باشد. احتمال نکول وام گیرندگانی که دارای رتبه نکول هستند، با توجه به انطباق آن با تعریف مرجع از نکول، ۱۰۰



درصد است. حداقل الزامات برای بدست آوردن برآوردهای احتمال نکول مربوط به هر رتبه داخلی برای وام‌گیرندگان، در پاراگراف‌های ۴۶۱ تا ۴۶۳ آورده شده است.

(ii) زیان با فرض نکول (LGD)

۲۸۶. یک بانک باید برآوردی از LGD را برای هر یک از تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی فراهم کند. دو رویکرد برای محاسبه این تخمین‌ها وجود دارد: رویکرد پایه و رویکرد پیشرفته.

LGD در رویکرد پایه

- ترتیبات مربوط به مطالبات بدون پوشش و وثیقه احصاء نشده

۲۸۷. در رویکرد پایه، برای مطالبات حائز اولویت از شرکت‌ها، دولت‌ها و بانک‌ها که بدون پوشش وثایق مورد تأیید هستند، LGD معادل ۴۵ درصد خواهد بود.

۲۸۸. به همه مطالبات تبعی از شرکت‌ها، دولت‌ها و بانک‌ها رقم ۷۵٪ برای LGD تخصیص داده خواهد شد. یک وام تبعی تسهیلاتی است که کاملاً نسبت به سایر تسهیلات در اولویت پایین‌تر است. طبق صلاحدید ملی، ناظران ممکن است که یک تعریف وسیع‌تری از تبعی بودن را بکار گیرند. این تعاریف ممکن است شامل اولویت اقتصادی مانند مواردی که یک وام دارای پوشش نبوده و مجموعه دارایی‌های وام‌گیرنده است که برای پوشش تسهیلات و تعهدات دیگر استفاده می‌شوند.

- وثیقه در رویکرد پایه

۲۸۹. علاوه بر وثیقه مالی واجد شرایط که در رویکرد استاندارد تعریف می‌شود، در رویکرد پایه IRB برخی از انواع دیگر وثایق که به عنوان وثایق واجد شرایط IRB شناخته می‌شوند، نیز مورد تأیید قرار می‌گیرند. این وثایق شامل اسناد دریافتی، مستغلات خاص تجاری و مسکونی و سایر وثایق بر اساس حداقل الزامات مطرح شده در پاراگراف‌های ۵۰۹ تا ۵۲۴^۴ می‌باشند. برای وثایق مالی واجد شرایط،

^۴ با این وجود، کمیته می‌داند که در شرایط استثنائی برای بازارهای پیشرفته و با سابقه، وثایق مبتنی بر دفتراداری و یا مستغلات تجاری و یا مستغلات تجاری با چند مستأجر ممکن است دارای پتانسیل قرار گرفتن در پرتفوی تسهیلات شرکتی باشند. به پانوش ۲۹ پاراگراف ۷۴ که در رابطه با معیارهای صلاحیت است مراجعه شود. LGD که برای بخش دارای وثیقه این تسهیلات و تعهدات استفاده می‌شود، با توجه به محدودیت‌هایی که در پاراگراف‌های ۱۱۹ تا ۱۸۱ (i) رویکرد استاندارد وجود دارد، برابر با ۳۵٪ تنظیم خواهد شد. LGD استفاده شده برای بقیه این تسهیلات و تعهدات برابر ۴۵٪ خواهد بود. به منظور حصول اطمینان از انطباق با سرمایه مورد نیاز در رویکرد استاندارد (در عین حال که انگیزه الزام سرمایه کمتری را در رویکرد IRB نسبت به رویکرد استاندارد ایجاد می‌کند)، ناظران می‌توانند به منظور دستیابی به ترتیبات قابل مقایسه مربوط به هر دو رویکرد، مازادی را برای سرمایه پوششی برای این تسهیلات بکار گیرند.



الزامات آن همانند استانداردهای عملیاتی که در بخش *II.D* که از پاراگراف ۱۱۱ شروع می‌شود، می‌باشد.

- روش شناخت وثایق مالی واجد شرایط در رویکرد پایه

۲۹۰. روش تشخیص وثایق مالی واجد شرایط، از موضوعات مطرح شده در رویکرد جامع وثایق در رویکرد استاندارد بر اساس پاراگراف‌های ۱۴۷ تا ۱۸۱ (*i*)، پیروی می‌کند. روش ساده تشخیص وثایق که در رویکرد استاندارد مطرح شده است، برای بانک‌هایی که رویکرد *IRB* را بکار می‌گیرند قابل استفاده نخواهد بود.

۲۹۱. طبق رویکرد جامع، زیان با فرض نکول مؤثر (*LGD**) که برای معامله دارای وثیقه قابل استفاده است می‌تواند به شکل زیر در نظر گرفته شود:

$$LGD^* = LGD \times (E^* / E)$$

- *LGD*: تسهیلات و تعهدات دارای اولویت بدون پوشش قبل از لحاظ وثیقه (۴۵٪)
- *E*: ارزش فعلی تسهیلات و تعهدات (به عبارت دیگر وجه نقد که قرض داده شده یا اوراق بهادار قرض داده شده یا توثیق شده)
- *E**: ارزش تسهیلات و تعهدات بعد از کاهش ریسک، همان‌طور که در پاراگراف‌های ۱۴۷ تا ۱۵۰ رویکرد استاندارد تعیین شده است. این مفهوم تنها برای محاسبه *LGD** استفاده می‌شود. بانک‌ها باید *EAD* را بدون در نظر گرفتن وجود هر گونه وثیقه، مورد محاسبه قرار دهند مگر اینکه در جایی دیگر چیزی غیر از این مورد، تعیین شده باشد.

۲۹۲. بانک‌هایی که برای رویکرد *IRB* پایه واجد شرایط هستند می‌توانند *E** را با استفاده از روش‌های مشخص در رویکرد جامع برای معاملات دارای وثیقه که در رویکرد استاندارد تعیین شده است، محاسبه کنند.

۲۹۳. جایی که معاملات بازخریدی مشروط به یک موافقت‌نامه اصلی برای خالص سازی است، یک بانک نمی‌تواند در محاسبه سرمایه، تأثیرات این خالص سازی را به حساب آورد. بانک‌هایی که مایل به شناخت تأثیر توافقات اصلی خالص سازی بر این معاملات به منظور محاسبه سرمایه هستند، باید دارای معیارهای مطرح شده در پاراگراف‌های ۱۷۳ و ۱۷۴ رویکرد استاندارد باشند. بانک باید *E** را با توجه به



پاراگراف‌های ۱۷۶ و ۱۷۷ یا ۱۷۸ تا ۱۸۱ (i) محاسبه کرده و آن را برابر با EAD قرار دهد. نشان دادن تأثیر وثایق بر این معاملات از طریق انجام تعدیلات LGD امکان‌پذیر نیست.

- الگویی از رویکرد جامع

۲۹۴. همانند رویکرد استاندارد، برای معاملاتی که دارای شرایط پاراگراف ۱۷۰ هستند و طرف مقابل معامله مشتری اصلی در بازار مربوط، بر اساس پاراگراف ۱۷۱ باشد، ناظران می‌توانند تعدیل احتیاطی مطرح شده در رویکرد جامع را بکار نگیرند ولی به جای آن می‌توانند H را برابر صفر قرار دهند.

- روش شناسایی وثایق واجد شرایط در رویکرد IRB

۲۹۵. روش تعیین LGD مؤثر در رویکرد پایه برای مواردی که بانک‌ها وثایق واجد شرایط طبق رویکرد IRB را برای پوشش تسهیلات و تعهدات شرکتی اخذ کرده‌اند، به شرح زیر است.

- تسهیلات و تعهداتی که دارای حداقل الزامات هستند، اما نسبت ارزش جاری وثایق دریافت شده (c) به ارزش جاری تسهیلات (E) پایین‌تر از حد تعیین شده C^* باشد (یا همان سطح مورد نیاز وثیقه برای تسهیلات)، LGD مناسبی را برای تسهیلات و تعهدات بدون پوشش یا آن‌هایی که توسط وثایقی که از لحاظ مالی یا رویکرد IRB واجد شرایط نیستند، دریافت خواهند کرد.
- تسهیلات و تعهداتی که نسبت C به E آن‌ها از سطح دوم C یعنی C^{**} (یا همان سطح مورد نیاز بالاتر از وثایق برای شناسایی کامل LGD) بالاتر باشد، بر اساس جدول زیر به آن‌ها LGD تخصیص داده خواهد شد.

جدول زیر LGD کاربردی و مورد نیاز را برای سطوح وثایق مزاد برای بخش دارای پوشش تسهیلات و تعهدات دارای اولویت نشان می‌دهد:



حداقل LGD برای بخش تضمین شده تسهیلات و تعهدات دارای اولویت

سطح مورد	حداقل سطح	حداقل LGD	
نیاز وثایق مازاد برای شناسایی کامل LGD (**C)	مورد نیاز وثایق تسهیلات و تعهدات (*C)		
---	%۰	%۰	وثایق مالی واجد شرایط
%۱۲۵	%۰	%۳۵	اسناد دریافتنی
%۱۴۰	%۳۰	%۳۵	CRE/RRE
%۱۴۰	%۳۰	%۴۰	سایر وثایق ^{۷۵}

- تسهیلات و تعهدات دارای اولویت باید به تسهیلات دارای پوشش کامل و فاقد پوشش کامل وثیقه‌ای تقسیم شود.
- بخشی از تسهیلاتی که بطور کامل دارای وثیقه هستند ، C/C^{**} ، زیان با فرض نکول مرتبط با نوع وثیقه را دریافت می‌کند.
- بخش باقی‌مانده تسهیلات و تعهدات که به عنوان بخش بدون پوشش در نظر گرفته می‌شوند، LGD برابر ۴۵٪ را دریافت خواهند کرد.



روشی برای ترتیبات مربوط به مجموعه وثایق

۲۹۶. روش تعیین *LGD* مؤثر یک معامله در رویکرد پایه، در صورتی که بانکها وثایق مالی و سایر وثایق *IRB* واجد شرایط را اخذ کرده باشند، همانند ترتیبات مربوط به رویکرد استاندارد در نظر گرفته می‌شوند و بر اساس رهنمود زیر باید انجام شود.

- در مواردی که بانک اشکال مختلفی از کاهش ریسک اعتباری (*CRM*)^{۷۶} را اتخاذ کرده است، ملزم خواهد بود ارزش تعدیل شده تسهیلات و تعهدات (بعد از تعدیل میزان وثایق مالی واجد شرایط) را به بخش‌هایی که هر یک تنها توسط یک نوع *CRM* پوشش داده شده‌اند، تقسیم کند. به عبارت دیگر، بانک باید تسهیلات و تعهدات را به بخش پوشش داده شده توسط وثایق مالی واجد شرایط، اسناد دریافتی، وثایق *CRE/RRE*، سایر وثایق و یک بخش بدون پوشش، جایی که مرتبط باشد، تقسیم نماید.
- جایی که نسبت مجموع ارزش *CRE/RRE* و سایر وثایق به تسهیلات تعدیل یافته (بعد از شناسایی تأثیر وثایق مالی واجد شرایط و وثایق دریافتی) کمتر از حد مورد نظر (حداقل درجه وثیقه‌سازی تسهیلات و تعهدات) باشد، تسهیلات و تعهدات، *LGD* معادل ۴۵٪ فاقد پوشش را خواهند گرفت.
- دارایی‌های موزون به ریسک برای هر یک از بخش‌های تضمین شده تسهیلات و تعهدات باید بطور جداگانه محاسبه شود.

LGD در رویکرد پیشرفته

۲۹۷. مشروط به حداقل الزامات اضافی تعیین شده در پایین، ناظران ممکن است به بانکها اجازه دهند که تخمین داخلی خود از *LGD* را برای تعیین ریسک تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی و بانکی استفاده کنند. *LGD* باید به عنوان زیان با فرض نکول و به صورت درصدی از منابع در معرض نکول اندازه‌گیری شود. بانک‌هایی که برای استفاده از رویکرد *IRB* دارای صلاحیت هستند و قادر به داشتن این حداقل الزامات اضافی نیستند باید ترتیبات فوق‌الذکر مربوط به تعیین *LGD* در رویکرد پایه را بکارگیرند.

۲۹۸. حداقل الزامات برای محاسبه برآوردهای *LGD* در پاراگراف‌های ۴۶۸ تا ۴۷۳ بیان شده‌اند.

⁷⁶ Credit risk mitigation (CRM)



- ترتیباتی برای معاملات مشخص با خریدی

۲۹۹. بانک‌هایی که می‌خواهند اثرات توافقات اصلی خالص‌سازی را بر معاملات با خریدی به منظور انجام محاسبات سرمایه‌ای تعیین کنند، باید روشی که در پاراگراف ۲۹۳ برای تعیین E^* به منظور استفاده در فرمول منابع در معرض نکول را بکار بگیرند. برای بانک‌هایی که از رویکرد پیشرفته استفاده می‌کنند، مجاز به استفاده از برآوردهای داخلی خود در خصوص LGD برای مبلغ معادل بدون پوشش (E^*) می‌باشند.

- ترتیبات مربوط به تضامین و اوراق مشتقه اعتباری

۳۰۰. دو رویکرد برای شناسایی CRM به شکل تضامین و اوراق مشتقه اعتباری در رویکرد IRB وجود دارد: اول رویکرد پایه برای بانک‌هایی که از ارزش‌های نظارتی برای LGD استفاده می‌کنند و دوم رویکرد پیشرفته برای بانک‌هایی که از برآوردهای داخلی خود برای تعیین LGD استفاده می‌نمایند.

۳۰۱. در هر یک از این رویکردها، CRM به صورت تضامین و اوراق مشتقه اعتباری، نباید تأثیر نکول مضاعف را نشان دهد (به پاراگراف ۴۸۲ مراجعه شود). به عنوان مثال، تا جایی که CRM توسط بانک شناسایی می‌شود، وزن ریسک تعدیل شده از وزنی که برای تسهیلات مستقیم به ضامین در نظر گرفته می‌شود کمتر نخواهد بود. طبق رویکرد استاندارد، بانک‌ها می‌توانند پوشش اعتباری را در صورتی که منجر به الزامات سرمایه‌ای بیشتری گردد، شناسایی نکنند.

- شناسایی در رویکرد پایه

۳۰۲. برای بانک‌هایی که از رویکرد پایه برای LGD استفاده می‌کنند، رویکرد مربوط به تضامین و اوراق مشتقه اعتباری تا حد زیادی باید از ترتیبات موجود در رویکرد استاندارد که در پاراگراف‌های ۱۸۹ تا ۲۰۱ مطرح شده پیروی کنند. طیف ضامین واجد شرایط همانند آنچه در رویکرد استاندارد آمده می‌باشد؛ به استثناء شرکت‌هایی که به صورت داخلی رتبه‌بندی شده و دارای یک احتمال نکول معادل رتبه $A-$ یا بالاتر که ممکن است در رویکرد پایه نیز تعیین شود باشند. به منظور انجام شناسایی، الزامات مطرح شده در پاراگراف‌های ۱۸۹ تا ۱۹۴ باید رعایت شوند.

۳۰۳. تضامین واجد شرایط از ضامین صلاحیت‌دار به طریق زیر شناسایی می‌شوند:



• برای بخش دارای پوشش تسهیلات و تعهدات، وزن ریسک با توجه به موارد زیر باید محاسبه شود:

- تابع تعیین وزن ریسک، متناسب با نوع ضامن باشد
- احتمال نکول، متناسب با رتبه ضامن در نقش قرض‌گیرنده باشد یا اگر بانک ترتیبات جایگزینی کامل را در نظر داشته باشد که تضمین نمی‌شود، این رتبه بین رتبه متعهد اصلی و رتبه مربوط به ضامن در نقش قرض‌گیرنده باشد.

• بانک می‌تواند LGD معاملات پایه را با LGD مربوط به تضمین با لحاظ اولویت و هر نوع وثیقه برای تعهد تضمین شده تعویض نماید.

۳۰۴. بخش بدون پوشش تسهیلات و تعهدات، وزن ریسک متعهد اصلی را دریافت می‌کند.

۳۰۵. زمانی که پوشش به صورت بخشی [جزئی] است یا عدم تطابق ارزی بین تعهد مربوطه و پوشش اعتباری وجود داشته باشد، ضروری است که تسهیلات و تعهدات را به مبالغ دارای پوشش و مبالغ بدون پوشش تقسیم کرد. ترتیبات موجود در رویکرد پایه باید از مطالب مطرح شده در رویکرد استاندارد در پاراگراف‌های ۱۹۸ تا ۲۰۰ پیروی کرده و این امر بستگی به این موضوع دارد که نوع پوشش به صورت طبقه‌ای یا بخشی باشد.

- شناسایی در رویکرد پیشرفته

۳۰۶. بانک‌هایی که از رویکرد پیشرفته برای تخمین LGD استفاده می‌کنند می‌توانند تأثیر کاهش ریسک تضامین و اوراق مشتقه اعتباری را از طریق تعدیل برآوردهای احتمال نکول یا LGD منعکس کنند. هر کدام از این تعدیلات باید متناسب و سازگار با نوع ضمانت و اوراق مشتقه اعتباری موجود انجام شوند. برای انجام این کار، بانک‌ها باید تأثیر نکول مضاعف را در این تعدیلات اضافه نکنند. بنابراین، وزن ریسک تعدیل شده از وزنی که برای تسهیلات مستقیم به ضامنین در نظر گرفته می‌شود کمتر نخواهد بود.

۳۰۷. بانکی که متکی بر برآوردهای خود از LGD می‌باشد، مختار است ترتیبات رویکرد پایه IRB (پاراگراف‌های ۳۰۲ تا ۳۰۵) را اعمال نماید یا اینکه تعدیلاتی را در برآوردهای خود از LGD به منظور نشان دادن وجود تضامین یا اوراق مشتقه اعتباری انجام دهد. طبق این اختیار، هیچ محدودیتی در ارتباط



با ضامنین واجد شرایط وجود ندارد؛ اگرچه مجموعه حداقل الزامات مطرح شده در پاراگراف‌های ۴۸۳ و ۴۸۴ با توجه به نوع تضمین باید رعایت گردد. در رابطه با اوراق مشتقه اعتباری، الزامات پاراگراف‌های ۴۸۸ و ۴۸۹ باید رعایت گردد.^{۷۷}

- الزامات عملیاتی برای شناسایی نکول مضاعف

۳۰۷(i). بانکی که از یک رویکرد IRB استفاده می‌کند، دارای اختیار استفاده از رویکرد دیگری در تعیین الزامات سرمایه‌ای متناسب با تسهیلات و تعهدات می‌باشد. با این وجود، برای تسهیلات و تعهداتی که توسط یکی از ابزارهای زیر پوشش داده شده باشند چارچوب نکول مضاعف را می‌توان بر اساس پاراگراف‌های ۲۸۴(i) تا ۲۸۴(iii) بکار گرفت؛ البته با شرط در نظر گرفتن الزامات عملیاتی اضافی که در پاراگراف ۳۰۷(ii) تعیین شده است. یک بانک ممکن است برای هر یک از تسهیلات و تعهدات واجد شرایط بطور جداگانه، چارچوب نکول مضاعف یا رویکرد جایگزین را بکار بگیرد. این ابزارها عبارتند از:

(الف) ابزار مشتقه اعتباری بدون پرداخت اولیه برای قرارداد واحد (به عنوان مثال، قراردادهای معاوضه نکول اعتباری) یا تضامین

(ب) ابزارهای پوششی برای اولین نکول - ترتیبات مربوط به نکول مضاعف برای دارایی‌هایی استفاده می‌شود که در بین دارایی‌های کل مجموعه، دارای کمترین مبلغ موزون به ریسک هستند.

(ج) ابزارهای پوششی برای نکول n ام - پوشش اتخاذ شده فقط زمانی در چارچوب نکول مضاعف در معرض توجه قرار می‌گیرد که $(n-1)$ ام پوشش نکول واجد شرایط نیز اتخاذ شده باشد یا زمانی که $(n-1)$ عدد از دارایی‌ها قبلاً نکول شده باشند.

۳۰۷(ii). چارچوب نکول مضاعف تنها زمانی کاربردی است که دارای شرایط زیر باشد.

(الف) وزن ریسک مربوط به تسهیلات و تعهدات قبل از به‌کارگیری از این چارچوب در هیچ یک از جنبه‌های پوشش اعتباری لحاظ نشده باشد.

(ب) نهادی که پوشش اعتباری را ارائه می‌دهد یک بانک^{۷۸}، شرکت سرمایه‌گذاری یا شرکت بیمه است (تنها آن‌هایی که در امر ارائه پوشش اعتباری هستند از جمله شرکت‌های بیمه تخصصی (دارای یک نوع

^{۷۷} زمانی که اوراق مشتقه اعتباری، تجدید ساختار و تغییر در تعهد پایه را پوشش ندهد، باید ترتیبات مطرح شده شناسایی بخشی ارائه شده در پاراگراف ۱۹۲ بکار گرفته شود.

^{۷۸} این مورد شامل PSEs و MDBS نمی‌شود حتی اگر مطالبات از این نهادها ممکن است به عنوان مطالبات از بانک‌ها، بر اساس پاراگراف ۲۳۰، تلقی شود.



خدمات بیمه‌ای هستند)، بیمه‌گران اتکایی و مؤسسات اعتبار صادراتی غیردولتی^{۷۹} که به عنوان شرکت مالی با توجه به موارد زیر شناخته می‌شود:

- منطبق بر چارچوب مذکور باشند (در صورتی که نظارت متناسب با نظم بازار و شفافیت وجود داشته باشد) یا اینکه دارای رتبه اعتباری مستقل به عنوان حداقل رتبه سرمایه‌گذاری توسط یک آژانس رتبه‌بندی اعتباری که از نظر ناظران برای این هدف مناسب به نظر می‌رسد باشند؛
- دارای یک رتبه داخلی با احتمال نکول معادل یا کمتر از آنچه برای رتبه مستقل A- باشد. این موضوع زمانی است که پوشش اعتباری برای تسهیلات و تعهدات برای اولین بار ارائه شده یا برای هر دوره بعد از آن موجود بوده باشد؛
- دارای یک رتبه داخلی همراه با احتمال نکول معادل یا کمتر از رتبه سرمایه‌گذاری تعیین شده توسط سیستم رتبه‌بندی مستقل باشد.

(ج) تعهدات پایه شامل موارد زیر است:

- تسهیلات و تعهدات شرکتی که در پاراگراف‌های ۲۱۸ تا ۲۲۸ تعریف شده‌اند (به استثناء تسهیلات ویژه که رویکرد مبتنی بر معیارهای دسته‌بندی نظارتی مطرح شده در پاراگراف‌های ۲۷۵ تا ۲۸۲ استفاده بشوند)؛ یا اینکه
- مطالبات از یک PSE که بر اساس پاراگراف ۲۲۹، تسهیلات و تعهدات دولتی به حساب نیاید؛ یا اینکه
- تسهیلات ارائه شده به یک کسب و کار کوچک که طبق تعریف پاراگراف ۲۳۱ به عنوان تسهیلات و تعهدات خرد، دسته‌بندی شده باشند.

(د) اشخاص زیر نمی‌توانند به عنوان متعهد پایه باشند:

- یک شرکت مالی همان‌طور که در بخش (ب) تعریف شد؛ یا اینکه
- عضوی از همان گروه تأمین پوشش باشد.

(ه) پوشش اعتباری باید حداقل الزامات عملیاتی برای این ابزارها بشرح مندرج در پاراگراف‌های ۱۸۹ تا ۱۹۳، برآورده سازد.

(و) با نظر داشت پاراگراف ۱۹۰ در مورد تضامین، برای شناسایی تأثیرات نکول مضاعف برای تضامین و اوراق مشتقه اعتباری، بانک باید دارای این حق بوده که بدون انجام اقدام قانونی در خصوص پرداخت

^{۷۹} غیردولتی به این معنی است که پوشش اعتباری از هیچ یک از تضمین متقابل دولتی بهره‌ای نمی‌برد.



طرف مقابل، وجه مربوط را از تأمین کننده پوشش اعتباری دریافت کند. تا جایی که امکان داشته باشد، بانک باید اقداماتی انجام دهد تا اطمینان حاصل کند؛ در صورت وقوع یک مشکل اعتباری، تأمین کننده پوشش آمادگی پرداخت فوری را دارد.

(ز) پوشش اعتباری خریداری شده، همه زیان‌های اعتباری حادث شده در ارتباط با بخش دارای پوشش تسهیلات و تعهدات که ناشی از رویدادهای اعتباری مندرج در قرارداد می‌باشند را جذب می‌کند.

(ح) اگر ساختار پرداخت تسویه فیزیکی را مقرر نماید، در این صورت باید یک اطمینان حقوقی در رابطه با برگرداندن یک وام، اوراق قرضه یا یک بدهی محتمل وجود داشته باشد. اگر یک بانک قصد ارائه یک تعهد علاوه بر تسهیلات و تعهدات موجود را دارد، باید اطمینان حاصل کند که این تعهد به اندازه کافی نقد شونده باشد. این موضوع به این علت است که بانک قادر به خرید آن بر اساس قرارداد باشد.

(ط) شرایط و الزامات امور مربوط به ترتیبات پوشش اعتباری باید بصورت مکتوب و قانونی توسط ارائه دهنده پوشش اعتباری و بانک تأیید شود.

(ی) در ارتباط با پوشش ریسک ترفیق، فروشنده اسناد دریافتی خریداری شده نباید عضوی از گروه ارائه دهنده پوشش باشد.

(گ) همبستگی شدید میان ارزش اعتباری ارائه دهنده پوشش و متعهد تسهیلات و تعهدات پایه وجود ندارد به این دلیل که عملکرد آن‌ها به عوامل مشترکی که فراتر از عامل ریسک سیستماتیک است، وابسته است. بانک دارای فرایندی جهت شناسایی این نوع همبستگی شدید است. مثالی از شرایطی که چنین همبستگی در آن ایجاد می‌شود، زمانی است که ارائه دهنده پوشش، بدهی تأمین کننده کالا یا خدمات را تضمین کند و تأمین کننده مذکور، بخش عمده‌ای از درآمد یا عایدی خود را از ارائه دهنده پوشش دریافت می‌کند.

(iii) منابع در معرض نکول (EAD)

۳۰۸. بخش‌های ذیل برای هر دو وضعیت بالا و زیر خط ترازنامه بکار گرفته می‌شود. همه تسهیلات و تعهدات به صورت ناخالص، قبل از کسر ذخایر یا کاهش‌ها، اندازه‌گیری می‌شوند. منابع در معرض نکول در خصوص مبالغ برداشتی نباید از مجموع موارد زیر کمتر باشد: (i) مبلغی که طی آن سرمایه نظارتی یک بانک در صورتی که تسهیلات و تعهدات بطور کامل حذف شوند، کاهش یابد و (ii) هر نوع ذخیره اختصاصی و کاهش بخشی تسهیلات و تعهدات. زمانی که تفاوت بین EAD موردنظر و مجموع موارد (i) و



(ii) مثبت باشد، این مبلغ تخفیف [در الزام سرمایه‌های] نامیده می‌شود. محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک مستقل از هر نوع تخفیفی است. در شرایط محدودی که در پاراگراف ۳۸۰ توضیح داده شد، تخفیفات ممکن است که در اندازه‌گیری ذخایر کل واجد شرایط برای محاسبه ذخایر مربوط به تسهیلات ویژه که در بخش III.G مطرح شده است، مورد استفاده قرار گیرد.

- اندازه‌گیری تسهیلات و تعهدات برای موارد بالای خط ترازنامه

۳۰۹. خالص سپرده‌ها و تسهیلات بالای خط ترازنامه با توجه به شرایط مطرح شده در رویکرد استاندارد، شناسایی خواهد شد (به پاراگراف ۱۸۸ مراجعه شود). زمانی که عدم تطابق ارزی یا سررسیدی برای این موارد بالای خط ترازنامه وجود داشته باشد، همان‌طور که در پاراگراف‌های ۲۰۰ و ۲۰۲ تا ۲۰۵ بیان شده است، ترتیبات مربوط به رویکرد استاندارد مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- اندازه‌گیری تسهیلات و تعهدات برای موارد زیر خط ترازنامه (به استثناء اوراق مشتقه مربوط به FX و نرخ بهره، سهام و کالا)

۳۱۰. برای موارد زیر خط ترازنامه، مبلغ تسهیلات و تعهدات از حاصل ضرب مبلغ تعهد شده در یک عامل تبدیل یا CCF به دست می‌آید. دو رویکرد برای تخمین CCFها وجود دارد: رویکرد پایه و رویکرد پیشرفته.

- EAD در رویکرد پایه

۳۱۱. ابزارها و CCFهای استفاده شده برای تسهیلات و تعهدات همانند آنچه در رویکرد استاندارد است و در پاراگراف‌های ۸۲ تا ۸۹ بیان شده، می‌باشد. استثناءهای این موارد عبارتند از تعهدات [زیر خط ترازنامه]، ترتیبات مربوط به تعهد خرید اوراق منتشره (NIFS) و تسهیلات پذیرهنویسی گردان (RUFs).

۳۱۲. برای تعهدات زیر خط ترازنامه، NIFS و RUFs بدون توجه به زمان سررید آنها، ضریب ۷۵٪ مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تسهیلات و تعهداتی که بدون هیچ پیش‌شرطی قابل لغو شدن هستند، یا آن‌هایی که بطور خودکار به علت کاهش اعتبار قرض‌گیرنده، بدون اعلام قبلی بانک در هر زمان لغو می‌شوند، ضریب ۷۵٪ استفاده نمی‌شود. برای این تسهیلات و تعهدات، CFF صفر درصد مورد استفاده قرار می‌گیرد.



۳۱۳. مبلغی که *CFF* برای آن استفاده می‌شود، باید کمتر از ارزش خط اعتباری تعهد شده‌ای که استفاده نشده، باشد. همچنین، باید کمتر از ارزشی که نشان دهنده وجود هر نوع محدودیت در تسهیلات، مانند وجود یک سقف برای وام‌دهی که مرتبط با جریان نقدی گزارش شده یک قرض‌گیرنده است باشد. اگر تسهیلات به این صورت محدود شود، بانک باید دارای فرایندهای مدیریت و پایش کافی خطوط اعتباری به منظور حمایت از این موضوع باشد.

۳۱۴. به منظور اعمال *CFF* صفر درصد برای اعتبار در حساب شرکتی و سایر تسهیلات با قابلیت ابطال فوری و بی قید و شرط، بانک‌ها باید نشان دهند که آن‌ها بطور فعال شرایط مالی قرض‌گیرنده را پایش کرده و سیستم‌های کنترل داخلی آن‌ها به گونه‌ای است که قادر به لغو تسهیلات ارائه شده به قرض‌گیرنده به علت کاهش در رتبه اعتباری آن می‌باشد.

۳۱۵. زمانی که تعهدی برای نوع دیگری از تسهیلات و تعهدات زیر خط ترازنامه اخذ شود، بانک در رویکرد پایه ملزم به استفاده از حد پایین *CFF* است.

EAD در رویکرد پیشرفته

۳۱۶. بانک‌هایی که حداقل الزامات را برای استفاده از تخمین داخلی خود از *EAD* دارا می‌باشند (پاراگراف ۴۷۴ تا ۴۷۸) اجازه خواهند داشت، تخمین داخلی خود از *CFFs* را برای انواع مختلف ابزارها استفاده کنند با این شرط که طبق رویکرد پایه تسهیلات و تعهدات ایجاد شده مشمول ضریب صد درصد برای *CFF* خود نباشد (به پاراگراف ۳۱۱ مراجعه شود).

– اندازه‌گیری منابع در معرض ریسک برای معاملاتی که بانک‌ها را در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می‌دهد

۳۱۷. مقدار تسهیلات و تعهدات مرتبط با اوراق مشتقه *SFTs* و *OTC* که بانک‌ها را در معرض ریسک اعتباری طرف مقابل قرار می‌دهد، در رویکرد پایه مطابق با قواعد مندرج در پیوست ۴ محاسبه خواهد شد.

(۱۷) سررسید مؤثر (M)

۳۱۸. برای بانک‌هایی که از رویکرد پایه برای تسهیلات و تعهدات شرکتی استفاده می‌کنند، سررسید مؤثر معادل ۲/۵ سال خواهد بود به استثناء معاملات بازخریدی که سررسید مؤثر ۶ ماه خواهد بود. ناظران



ملی می‌توانند همه بانک‌ها را در حوزه قلمرو خود (آن‌هایی که از رویکردهای پایه و پیشرفته استفاده می‌کنند) به اندازه‌گیری سررسید مؤثر برای هر یک از تسهیلات با استفاده از تعریف ارائه شده در ذیل ملزم نمایند.

۳۱۹. بانک‌هایی که هر یک از عناصر رویکرد پیشرفته *IRB* را استفاده می‌کنند، ملزم می‌شوند سررسید مؤثر برای هر یک از تسهیلات را طبق شرایط زیر محاسبه کنند. با این وجود، ناظران ملی ممکن است تسهیلات مربوط به شرکت‌های کوچک داخلی را از تعدیل سررسید واقعی مستثنی کنند، به شرط اینکه فروش و دارایی‌های کل برای گروه تلفیقی که شرکت مزبور جزئی از آن است، کمتر از ۵۰۰ میلیون یورو باشد. گروه تلفیقی باید در کشور محل اعمال استثناء، یک شرکت داخلی محسوب گردد. در صورت وجود شرایط فوق، ناظران ملی باید این استثناء را بجای استفاده برای هر بانک بطور جداگانه، برای همه بانک‌های *IRB* که از رویکرد پیشرفته در آن کشور استفاده می‌کنند بکار گیرند. اگر این استثناء مورد استفاده قرار گیرد، همه تسهیلات و تعهدات مربوط به شرکت‌های داخلی کوچک که واجد شرایط فرض می‌شود، بر اساس رویکرد پایه *IRB*، دارای سررسید مؤثر ۲/۵ سال می‌باشند.

۳۲۰. به استثناء موارد مطروح در پاراگراف ۳۲۱، سررسید مؤثر عبارت است از مقدار بزرگتر بین "یک سال" و "سررسید مؤثر باقی مانده که طبق رابطه زیر تعریف می‌گردد". در همه موارد، سررسید مؤثر نباید بیشتر از ۵ سال باشد.

- برای یک ابزار، با شرط معین بودن جدول زمان‌بندی جریان نقدی آن، سررسید مؤثر به شکل زیر تعریف می‌شود:

$$M = \sum_t t * CF_t / \sum_t CF_t$$

CF_t نشان دهنده جریان‌های نقدی (اصل، سود و کارمزد) بوده که طبق قرارداد، توسط قرض‌گیرنده در دوره زمانی t قابل پرداخت است.

- اگر یک بانک در وضعیت محاسبه سررسید مؤثر پرداخت‌های قراردادی به شرح فوق نباشد، مجاز خواهد بود که شاخص محافظه‌کارانه‌تری را برای سررسید مؤثر مورد استفاده قرار دهد؛ به عنوان مثال، سررسید عبارت است از حداکثر زمانی باقی مانده (سال) که قرض‌گیرنده مجاز است بطور کامل تعهدات قرارداد (اصل، سود و کارمزد) را با توجه به شرایط قرارداد ایفا نماید. در شرایط عادی، این سررسید معادل سررسید اسمی آن ابزار خواهد بود.



- برای اوراق مشتقه با شرط وجود موافقت‌نامه اصلی خالص‌سازی، میانگین موزون سررسید معاملات باید به هنگام انجام تعدیل سررسید واقعی استفاده شود. علاوه بر این، مبلغ فرضی هر معامله باید برای موزون کردن سررسید مورد استفاده قرار گیرد.

۳۲۱. شرط سررسید حداقل یک سال برای تسهیلات و تعهدات مشخص کوتاه مدت از جمله معاملات انجام شده در بازار سرمایه که بطور کامل یا به صورت بخشی به وسیله وثایق^{۸۰} پوشش یافته‌اند (یا معاملات اوراق مشتقه فرا بورس و وام‌دهی تکمیلی خرید اوراق بهادار) و معاملات بازخریدی (بازخریدها یا بازخریدهای معکوس و قرض گرفتن یا قرض‌دهی اوراق بهادار) با سررسید اولیه کمتر از یک سال، زمانی که مستندات شامل شروط تجدید نظر روزانه در میزان ودیعه باشد، اعمال نمی‌گردد. برای همه معاملات واجد شرایط، مستندات باید ارزش‌گذاری مجدد روزانه را الزام کند و همچنین باید شرایطی که امکان تسویه سریع یا استفاده از وثایق در صورت نکول یا عدم توانایی در محاسبه مجدد را فراهم می‌آورد را نیز شامل شود. سررسید این معاملات باید عدد بزرگتر بین "یک روز" و "سررسید مؤثر" (مطابق با تعریف فوق) محاسبه شود.

۳۲۲. علاوه بر معاملاتی که در پاراگراف ۳۲۱ مطرح گردید، سایر تسهیلات و تعهدات کوتاه مدت با سررسید اولیه کمتر از یک سال که به عنوان تأمین مالی مستمر فرد قرض‌گیرنده به حساب نمی‌آید می‌تواند از قاعده حداقل یک سال در خصوص سررسید معاف شوند. بعد از بررسی دقیق شرایط خاص در کشور خود، ناظران داخلی باید انواع تسهیلات و تعهدات کوتاه مدت که برای این نوع ترتیبات واجد شرایط هستند را مشخص کنند. نتایج این بررسی می‌تواند، برای مثال، شامل معاملاتی از جمله موارد زیر شوند:

- معاملات با محوریت بازار سرمایه و معاملات بازخریدی که در حیطه موضوع پاراگراف ۳۲۱ قرار نمی‌گیرد؛
- برخی از معاملات کوتاه مدت خود نقدشونده. اعتبار اسنادی واردات و صادرات و مبادلات مشابه باید با توجه به سررسید واقعی آن‌ها در نظر گرفته شود؛

^{۸۰} منظور اینست که هر دو قسمت تبادلات که دارای این شرایط هستند و هیچ‌کدام هم بطور سیستمی تحت پوشش وثایق نباشند نیز شامل شوند.



- برخی از تسهیلات و تعهدات ناشی از تسویه خرید و فروش اوراق بهادار. این مورد همچنین می‌تواند شامل اعتبار در حساب ناشی از عدم تسویه اوراق بهادار بوده مشروط بر این که این نوع اعتبار از چند روز کاری محدود بیشتر نباشد؛
- برخی از تسهیلات و تعهدات ناشی از تسویه نقدی از طریق نقل و انتقال الکترونیکی از جمله اعتبار در حساب ایجاد شده به واسطه انتقال ناموفق، مشروط بر این که این نوع اعتبار بیشتر از چند روز کاری محدود ادامه پیدا نکند؛
- برخی از تسهیلات و تعهدات به وجود آمده برای بانک به علت تسویه ارز
- برخی از وام‌ها و سپرده‌های کوتاه‌مدت

۳۲۳. برای معاملاتی که در گستره پاراگراف ۲۱ قرار نمی‌گیرد، مشروط به موافقت‌نامه اصلی خالص‌سازی، میانگین موزون سررسید معاملات باید هنگام تعدیل سررسید واقعی مورد استفاده قرار گیرد. یک زمان حداقلی، معادل حداقل دوره نگهداری برای نوع معامله به شرح مندرج در پاراگراف ۱۶۷، برای میانگین استفاده می‌شود. زمانی که بیشتر از یک نوع معامله در توافق‌نامه اصلی خالص‌سازی وجود داشته باشد، زمان حداقلی معادل بالاترین دوره نگهداری برای میانگین در نظر گرفته می‌شود. علاوه بر این، برای موزون کردن سررسید، میزان فرضی هر معامله باید مورد استفاده قرار گیرد.

۳۲۴. زمانی که تعدیل سررسید واقعی وجود نداشته باشد، سررسید مؤثر تمام تسهیلات و تعهدات برابر با ۲/۵ سال در نظر گرفته می‌شود، مگر اینکه مورد دیگری غیر از آن، در پاراگراف ۳۱۸ تعیین شده باشد.

- ترتیباتی برای عدم تطبیق سررسیدها

۳۲۵. ترتیبات مربوط به عدم تطبیق سررسیدها در رویکرد *IRB* همان موضوعاتی است که در رویکرد استاندارد مطرح شده است- به پاراگراف ۲۰۲ تا ۲۰۵ مراجعه شود.

D. قواعد مربوط به تسهیلات و تعهدات خرد

۳۲۶. بخش *D* روش محاسبه میزان سرمایه برای زیان غیر منتظره (*UL*) در مورد تسهیلات و تعهدات خرد را به تفصیل توضیح می‌دهد. بخش *D.1* سه تابع تعیین وزن ریسک، اول برای تسهیلات و تعهدات در مقابل رهن مسکن، دوم برای تسهیلات و تعهدات خرد گردان و سوم برای سایر تسهیلات و تعهدات خرد را بیان می‌دارد. بخش *D.2* اجزاء ریسک را به عنوان اطلاعات لازم برای توابع تعیین وزن ریسک



ارائه می‌دهد. روش محاسبه زیان مورد انتظار و تعیین تفاوت بین آن شاخص و ذخایر، در بخش III.G توصیف می‌شود.

۱. دارایی‌های موزون به ریسک برای تسهیلات و تعهدات خرد

۳۲۷. سه تابع جداگانه تعیین وزن ریسک برای تسهیلات و تعهدات خرد همان‌طور که در پاراگراف‌های ۳۲۸ تا ۳۳۰ تعریف شده، وجود دارد. وزن‌های ریسک برای تسهیلات خرد بر اساس ارزیابی‌های جداگانه از احتمال نکول و ارزیابی زیان به فرض نکول به عنوان اطلاعاتی ورودی برای تابع تعیین وزن ریسک می‌باشد. هیچ یک از این سه تابع تعیین وزن ریسک تسهیلات و تعهدات خرد شامل تعدیلات سررسید واقعی در رابطه با تعیین سررسید آن‌ها نمی‌گردد. در این بخش، احتمال نکول و زیان به فرض نکول به صورت اعشاری اندازه‌گیری شده و منابع در معرض نکول هم برحسب واحد پولی (مثلاً یورو) اندازه‌گیری می‌شود.

(۱) تسهیلات و تعهدات با پوشش وثیقه‌ای واحد مسکونی

۳۲۸. برای تسهیلات و تعهدات تعریف شده در پاراگراف ۲۳۱ که نکول نشده‌اند و به‌صورت کامل یا بخشی^{۸۱} از طریق ترهین واحد مسکونی پوشش داده شده‌اند، وزن ریسک بر اساس فرمول زیر تعیین می‌شود:

$$(R) = 0.15 \text{ ضریب همبستگی}$$

$$K = LGD \times N[(1-R)^{-0.5 \times G(PD)} + (R / (1-R)^{0.5 \times G(0.999)})] - PD \times LGD$$

$$K \times 12.5 \times EAD = \text{دارایی‌های موزون به ریسک}$$

سرمایه مورد نیاز (K) برای تسهیلات و تعهدات نکول شده برابر است با صفر یا تفاوت بین زیان با فرض نکول این تسهیلات (پاراگراف ۴۶۸) و بهترین تخمین بانک از زیان مورد انتظار (پاراگراف ۴۷۱)، هر کدام که بزرگتر باشد. مقدار دارایی‌های موزون به ریسک برای این نوع تسهیلات نکول شده برابر است با حاصل ضرب K، ۱۲/۵ و مبلغ منابع در معرض نکول.

^{۸۱} این بدان معنی است که وزن‌های ریسک برای تسهیلات مبتنی بر خانه‌های مسکونی برای بخش بدون پوشش این تسهیلات نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.



(ii) تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط

۳۲۹. برای تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط که در پاراگراف ۲۳۴ تعریف شده است و نکول نشده‌اند، وزن ریسک بر اساس فرمول زیر تعریف می‌شود:

$$(R)=0.04 \text{ ضریب همبستگی}$$

$$(K)= LGD \times N[(1-R)^{-0.5} \times G(PD)] + (R / (1-R)^{0.5} \times G(0.999)) - PD \times LGD$$

$$K \times 12.5 \times EAD = \text{دارایی‌های موزون به ریسک}$$

سرمایه مورد نیاز (K) برای تسهیلات و تعهدات نکول شده برابر است با صفر یا تفاوت بین زیان با فرض نکول این تسهیلات (پاراگراف ۴۶۸) و بهترین تخمین بانک از زیان مورد انتظار (پاراگراف ۴۷۱)، هر کدام که بزرگتر باشد. دارایی‌های موزون به ریسک برای این نوع تسهیلات نکول شده برابر است با حاصل ضرب K، ۱۲/۵ و مبلغ منابع در معرض نکول.

(iii) سایر تسهیلات و تعهدات خرد

۳۳۰. برای سایر تسهیلات و تعهدات خرد که نکول نشده‌اند، وزن‌های ریسک بر اساس تابع زیر تعیین می‌شود که اجازه تغییر ضریب همبستگی را همراه با تغییرات احتمال نکول می‌دهد:

$$(R) = 0.03 \times (1 - \text{EXP}(-35 \times PD)) / (1 - \text{EXP}(-35)) + 0.16 \times [1 - (1 - \text{EXP}(-35 \times PD)) / (1 - \text{EXP}(-35))] \times \text{ضریب همبستگی}$$

$$(K) = LGD \times N[(1-R)^{-0.5} \times G(PD)] + (R / (1-R)^{0.5} \times G(0.999)) - PD \times LGD$$

$$K \times 12.5 \times EAD = \text{دارایی‌های موزون به ریسک}$$

سرمایه مورد نیاز (K) برای تسهیلات و تعهدات نکول شده برابر است با صفر یا تفاوت بین زیان با فرض نکول این تسهیلات (پاراگراف ۴۶۸) و بهترین تخمین بانک از زیان مورد انتظار (پاراگراف ۴۷۱)، هر کدام که بزرگتر باشد. دارایی‌های موزون به ریسک برای این نوع تسهیلات نکول شده برابر است با حاصل ضرب K، ۱۲/۵ و مبلغ منابع در معرض نکول. مثال تشریحی در خصوص اوزان ریسک در پیوست ۵ آورده شده است.



۲. اجزاء ریسک

(i) احتمال نکول (PD) و زیان با فرض نکول (LGD)

۳۳۱. برای هر یک از مجموعه‌های شناخته شده تسهیلات و تعهدات خرد، بانک‌ها باید برآوردی از احتمال نکول و زیان با فرض نکول این مجموعه را با توجه به الزامات حداقلی مطرح شده در بخش III.H تهیه کنند. علاوه بر این، احتمال نکول تسهیلات و تعهدات خرد، برابر است با عدد بزرگتر بین $0/03$ درصد و احتمال نکول یک‌ساله مرتبط با رتبه داخلی قرض‌گیرنده تسهیلات خرد.

(ii) شناسایی ضمانت‌ها و اوراق مشتقه اعتباری

۳۳۲. بانک‌ها می‌توانند تأثیر ضمانت‌ها و اوراق مشتقه اعتباری در کاهش ریسک یک یا مجموعه‌ای از تسهیلات و تعهدات را از طریق ایجاد تعدیلات در تخمین احتمال نکول یا زیان با فرض نکول نشان دهند. این امر باید مشروط به حداقل الزامات مطرح شده در پاراگراف‌های ۴۸۰ تا ۴۸۹ باشد. اعم از اینکه این تعدیلات از طریق احتمال نکول یا زیان به فرض نکول انجام گیرد، باید متناسب با نوع ضمانت یا اوراق مشتقه اعتباری باشد.

۳۳۳. مطابق با الزامات مطرح شده فوق برای تسهیلات و تعهدات بانکی، دولتی و شرکتی، بانک‌ها نباید تأثیر نکول مضاعف را در این تعدیلات در نظر گیرند. وزن‌های تعدیل شده ریسک نباید کمتر از آنچه مربوط به تسهیلات مستقیم به ضامن است باشد. متناسب با رویکرد استاندارد، بانک‌ها می‌توانند پوشش (ضمانت) اعتباری که منجر به الزامات سرمایه‌ای بیشتری شود را شناسایی نکنند.

(iii) تسهیلات و تعهدات در معرض نکول (EAD)

۳۳۴. تسهیلات و تعهدات خرد بالای خط و زیرخط ترازنامه به صورت ناخالص یعنی به شکل مانده قبل از کسر ذخایر اختصاصی یا کسورات بخشی، اندازه‌گیری می‌شود. منابع در معرض نکول مبالغ دریافت شده نباید کمتر از مجموع دو مورد زیر باشد: (i) مبلغی که به اندازه آن سرمایه مقرراتی یک بانک با فرض اینکه تسهیلات و تعهدات بطور کلی حذف شوند کاهش می‌یابد و (ii) هر نوع ذخایر اختصاصی و کاهش‌های بخشی [تسهیلات]. زمانی که تفاوت بین منابع در معرض ریسک و جمع (i) و (ii) مثبت باشد، این مبلغ تخفیف نامیده می‌شود. این تخفیفات تأثیری روی محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک ندارد. تحت شرایط بیان شده در پاراگراف ۳۸۰، تخفیفات مطرح شده ممکن است که برای اندازه‌گیری



ذخایر کل واجد شرایط به منظور محاسبه ذخایر مربوط به زیان مورد انتظار بیان شده در بخش III.G، مورد استفاده قرار گیرند.

۳۳۵. برای خالص سازی وام‌ها و سپرده‌های بالای خط ترازنامه مربوط به مشتریان خرد بانک، با توجه به شرایط مطرح شده در پاراگراف ۱۸۸، استفاده از رویکرد استاندارد ممکن خواهد بود. برای اقلام خرد زیر خط ترازنامه، بانک‌ها باید از برآوردهای خود از ضرایب تبدیل اعتباری (CCFs) ارائه شده مشروط بر این که حداقل الزامات مطرح شده در پاراگراف‌های ۴۷۴ تا ۴۷۷ و ۴۷۹ رعایت شود، استفاده کنند.

۳۳۶. برای تسهیلات و تعهدات خرد با برداشت‌های غیرمشخص در آینده، مانند کارت‌های اعتباری، بانک‌ها باید در تخمین کلی زیان، از داده‌های تاریخی و انتظارات خود از برداشت‌های اضافی [از محل مانده استفاده نشده اعتبار] قبل از نکول استفاده کنند. بالاخص، جایی که بانک ضرایب تبدیل را برای خطوط اعتباری استفاده نشده در تخمین منابع در معرض نکول خود نشان ندهد، باید در برآوردهای مربوط به زیان با فرض نکول، احتمال برداشت‌های اضافی قبل از وقوع نکول را در نظر بگیرد. در مقابل، اگر بانک امکان برداشت‌های اضافی را در برآورد زیان با فرض نکول لحاظ نکند، باید آن را در برآوردهای خود از منابع در معرض نکول در نظر گیرد.

۳۳۷. زمانی که فقط مبالغ برداشت شده تسهیلات خرد، اوراق بهادار سازی شوند، بانک‌ها باید اطمینان حاصل کنند که سرمایه لازم را در قبال سهم خود (منافع فروشنده) در خصوص مانده برداشت نشده مرتبط با تسهیلات اوراق بهادار سازی شده، طبق رویکرد IRB در ارتباط با ریسک اعتباری نگهداری کنند. این بدان معنی است که برای این تسهیلات، بانک‌ها باید تأثیر ضرایب تبدیل اعتباری را بجای اینکه در برآوردهای مربوط به زیان با فرض نکول در نظر بگیرند، در منابع در معرض نکول خود نشان دهند. برای تعیین منابع در معرض نکول در خصوص سهم فروشنده در خطوط اعتباری استفاده نشده، مقدار برداشت نشده تسهیلات اوراق بهادار سازی شده بین منافع فروشنده [بانک] و خریدار اوراق به صورت نسبی، نسبت به سهم هر یک از خریدار و فروشنده در مقدار برداشت شده اوراق بهادار سازی، تخصیص می‌یابد. تعیین بخش مربوط به سرمایه‌گذار [خریدار اوراق] در مبالغ برداشت نشده مرتبط با تسهیلات اوراق بهادار سازی شده، باید مبتنی بر ترتیبات مطرح شده در پاراگراف ۶۴۳ باشد.



۳۳۸. مادامی که تعهدات ارزی و نرخ بهره در پرتفوی خرد بانک در رابطه با رویکرد IRB وجود دارد، بانک‌ها اجازه ارزیابی‌های داخلی از مقدار معادل اعتباری را ندارند. به جای آن، قواعد رویکرد استاندارد باید مورد استفاده قرار گیرد.

E. قواعدی برای سرمایه‌گذاری در سهام

۳۳۹. بخش E روش محاسبه سرمایه برای زیان غیرمنتظره ناشی از سرمایه‌گذاری در سهام را ارائه می‌دهد. بخش E.1 موارد زیر را بیان می‌دارد: (الف) رویکرد مبتنی بر بازار (که به روش ساده برای تعیین وزن ریسک و روش مدل‌های داخلی تقسیم می‌شود) و (ب) رویکرد احتمال نکول/ زیان به فرض نکول. اجزاء ریسک در بخش E2 مطرح می‌گردد. روش محاسبه زیان‌های مورد انتظار و تعیین تفاوت بین آن شاخص و ذخایر در بخش III.G توصیف می‌شود.

۱. دارایی‌های موزون به ریسک برای سرمایه‌گذاری‌ها در سهام

۳۴۰. دارایی‌های موزون به ریسک برای میزان این سرمایه‌گذاری‌ها در دفاتر تجاری، مشمول قواعد مربوط به سرمایه پوششی ریسک بازار می‌شود.

۳۴۱. دو رویکرد برای محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک برای سرمایه‌گذاری در سهام که در دفاتر تجاری نگهداری نمی‌شوند وجود دارد: رویکرد مبتنی بر بازار و رویکرد احتمال نکول/ زیان با فرض نکول. ناظران تصمیم خواهند گرفت که بانک‌ها کدام یک از این رویکردها و در چه شرایطی آن‌ها را مورد استفاده قرار دهند. سرمایه‌گذاری در سهام مطرح شده در پاراگراف‌های ۳۵۶ تا ۳۵۸، مستثنی شده و مشمول سرمایه پوششی الزامی رویکرد استاندارد قرار می‌گیرد.

۳۴۲. جایی که ناظران هر دو روش را مجاز بدانند، روش‌های انتخابی بانک‌ها باید با یکدیگر سازگار باشند؛ به ویژه ملاحظات منفعت مقرراتی نباید عاملی برای تصمیم‌گیری باشد.

(i) رویکرد مبتنی بر بازار

۳۴۳. در رویکرد مبتنی بر بازار، مؤسسات مجازند که حداقل الزام سرمایه‌ای برای مشارکت‌های سرمایه‌گذاری مربوط به دفاتر بانکی را با استفاده از یک یا هر دو روش متمایز زیر، محاسبه کنند: اول روش ساده تعیین وزن ریسک و دوم روش مبتنی بر مدل‌های داخلی. روشی مورد استفاده باید متناسب



با میزان و پیچیدگی ابزار مالکانه مؤسسه و همچنین اندازه و میزان پیچیدگی مؤسسه باشد. ناظران می‌توانند استفاده از هر یک از این روش‌ها را بر اساس شرایط خاص هر مؤسسه الزام نمایند.

- روش ساده وزن ریسک

۳۴۴. در این روش، وزن $30+$ درصدی ریسک برای ابزار مالکانه که به صورت عمومی معامله می‌شود و وزن $40+$ درصدی برای سایر این سرمایه‌گذاری‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرمایه‌گذاری‌های قابل معامله به صورت عمومی شامل هر نوع اوراق سهامی است که در یک بازار بورس اوراق بهادار رسمی معامله شود.

۳۴۵. وضعیت‌های نقدی فروش^{۸۲} و ابزارهای مشتقه موجود در دفاتر بانکی می‌تواند با وضعیت‌های خرید همان سهم تسویه شود؛ مشروط بر این‌که ابزارها فقط به عنوان پوششی برای ابزار مالکانه مشخص، تعیین شده و از زمان تا سررسید آن‌ها نیز حداقل یکسال باقی مانده باشد. سایر وضعیت‌های فروش نیز به گونه‌ای در نظر گرفته می‌شود که گویی آن‌ها وضعیت خرید بوده و وزن ریسک مربوط به آن برای ارزش مطلق هر وضعیت مورد استفاده قرار می‌گیرد. در مورد وضعیت‌های غیرمنطبق از لحاظ سررسید، روش مربوط به تسهیلات و تعهدات شرکتی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

- روش‌های مبتنی بر مدل‌های داخلی

۳۴۶. بانک‌هایی که دارای رویکرد IRB هستند، می‌توانند از مدل‌های داخلی اندازه‌گیری ریسک برای محاسبه الزام سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک استفاده کنند و یا از طرف ناظران الزام به انجام این کار شوند. در این رویکرد، بانک‌ها باید سرمایه‌ای معادل زیان بالقوه ناشی از سرمایه‌گذاری در ابزار مالکانه در نظر بگیرند. این امر باید از طریق استفاده از مدل‌های داخلی محاسبه ارزش در معرض خطر با فرض ۹۹ درصد سطح اطمینان [صدک ۹۹] مربوط به یک دنباله توزیع ناشی از تفاوت بین بازده فصلی و نرخ بازده بدون ریسک مناسب [صرف ریسک] برای یک دوره بلند مدت انجام پذیرد. سرمایه پوششی، از طریق محاسبه دارایی‌های موزن به ریسک، در محاسبه نسبت سرمایه مبتنی بر ریسک وارد می‌شود.

⁸² * A *short cash position* implies the hedger will receive cash now, owing the delivery of the commodity at a later date. The hedger will need to purchase the commodity before it can be delivered.



۳۴۷. وزن ریسک استفاده شده برای تبدیل سرمایه‌گذاری‌ها به دارایی‌های موزون به ریسک از طریق ضرب سرمایه پوششی بدست آمده در ۱۲/۵ (یا معکوس ۸ درصد، که همان الزام سرمایه‌ای مبتنی بر ریسک است) بدست می‌آید. سرمایه پوششی محاسبه شده طبق روش مدل‌های داخلی ممکن است از آنچه در روش ساده تعیین وزن ریسک با فرض وزن ۲۰۰ درصد برای ابزار مالکانه عمومی و وزن ۳۰۰ درصد برای سایر سرمایه‌گذاری‌ها استفاده شده کمتر نباشد. سرمایه‌های پوششی مذکور به صورت جداگانه با استفاده از روش ساده تعیین وزن ریسک محاسبه می‌شود. علاوه بر این، این وزن‌های حداقلی ریسک باید برای تسهیلات و تعهدات انفرادی و نه برای پرتفویی از تسهیلات مورد استفاده قرار گیرد.

۳۴۸. ناظران می‌توانند به بانک این اجازه را دهند که رویکردهای مبتنی بر بازار متفاوتی را برای پرتفوی‌های مختلف بر اساس ملاحظات مقتضی استفاده کنند. این امر زمانی است که بانک رویکردهای متفاوتی را خود به صورت داخلی مورد استفاده قرار می‌دهد.

۳۴۹. بانک‌ها مجازند که تضامین را شناسایی کنند، اما وثیقه اخذ شده بابت وضعیت مشارکتی که در آن الزام سرمایه‌ای از طریق استفاده از رویکرد مبتنی بر بازار تعیین می‌شود، نباید لحاظ گردد.

(ii) رویکرد PD/LGD

۳۵۰. الزامات حداقلی و روش‌شناسی مربوط به PD/LGD برای سرمایه‌گذاری در سهام به قصد انتفاع از فروش آن (شامل سهام شرکت‌هایی که در طبقه دارایی‌های خرد قرار می‌گیرند) با تسهیلات و تعهدات شرکتی مطرح شده در رویکرد IRB پایه با شرط تحقق موارد زیر یکسان هستند^{۸۳}:

- بانک برای تخمین احتمال نکول شرکتی که در آن مشارکت [سرمایه‌گذاری] می‌کند باید از الزاماتی مشابه با الزامات تخمین احتمال نکول شرکتی که به آن تسهیلات داده است پیروی کند^{۸۴}. اگر بانک در شرکتی که به بانک بدهی ندارد در سهام آن سرمایه‌گذاری کرده باشد؛ و همچنین بانک دارای اطلاعات کافی در مورد وضعیت شرکت نباشد تا اینکه تعریف کاربردی نکول را برای آن بکار برد اما در عمل سایر معیارها و استانداردها در این زمینه وجود داشته باشد، یک ضریب مقیاسی معادل ۱/۵ برای وزن‌های ریسک حاصل از تابع تعیین وزن ریسک

^{۸۳} با فرض LGD معادل ۹۰٪، رویکرد پیشرفته‌ای برای سرمایه‌گذاری در سهام وجود ندارد.

^{۸۴} در عمل، اگر تسهیلات و تعهدات ارائه شده به شخصی باشد که بانک در سهام آن هم سرمایه‌گذاری کرده است، نکول در بازپرداخت و ایفای تسهیلات و تعهدات منجر به نکول همزمان در سرمایه‌گذاری در سهام خواهد شد.



شرکتی با فرض تعیین احتمال نکول توسط بانک مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این وجود، اگر سرمایه‌گذاری مالکیتی بانک قابل توجه باشد و مجاز به استفاده از یک رویکرد PD/LGD برای اهداف نظارتی باشد اما بانک هنوز استانداردهای مربوط را نداشته باشد، روش ساده تعیین وزن ریسک تحت رویکرد مبتنی بر بازار، بکار گرفته خواهد شد.

- برای بدست آوردن وزن ریسک برای سرمایه‌گذاری در سهام، LGD، معادل ۹۰٪ فرض می‌گردد.
- برای این اهداف، تعیین وزن ریسک مشمول تعدیلات پنج ساله سررسید می‌باشد؛ اعم از اینکه بانک از یک رویکرد مشخص در خصوص تعیین سررسید در پرتفوی IRB خود استفاده کند یا خیر.

۳۵۱. در رویکرد PD/LGD، حداقل وزن ریسک که در پاراگراف ۳۵۲ و ۳۵۳ مطرح شده، مورد استفاده قرار می‌گیرد. زمانی که جمع زیان غیرمنتظره و زیان مورد انتظار مربوط به سرمایه‌گذاری در سهام منجر به کاهش سرمایه به سطحی پایین‌تر از سطح مورد نیاز به دلیل استفاده از یکی از این حداقل‌های وزن ریسک شود، وزن ریسک کمتر باید استفاده شود. به بیان دیگر، اگر محاسبه وزن ریسک بر مبنای پاراگراف ۳۵۰ به اضافه زیان مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری در سهام ضربدر ۱۲/۵، کمتر از حداقل وزن ریسک قابل استفاده باشد، کمترین وزن ریسک باید مورد استفاده قرار گیرد.

۳۵۲. حداقل وزن ریسک معادل ۱۰۰٪ برای انواع سهام زیر مادی که پرتفوی به روش‌های تعیین شده مدیریت شوند، مورد استفاده قرار می‌گیرد:

- سهام عادی که سرمایه‌گذاری به عنوان بخشی از رابطه بلند مدت مشتری می‌باشد، انتظار نمی‌رود هیچ نوع عایدی سرمایه‌ای در کوتاه مدت محقق گردد و هیچ نوع پیش‌بینی در خصوص عایدی سرمایه‌ای (رو به رشد) در بلند مدت متصور نمی‌باشد. انتظار می‌رود که تقریباً در همه موارد، نهاد دارای روابط وام دهی یا روابط کلی بانکی با شرکت پرتفوی بوده تا اینکه احتمال نکول برآورد شده به راحتی در دسترس باشد. با توجه به ماهیت بلندمدت این نوع سرمایه‌گذاری، تعیین یک دوره نگهداری مناسب برای این سرمایه‌گذاری‌ها نیاز به توجه و دقت بیشتری دارد. بطور کلی، انتظار می‌رود که بانک، سهام را برای یک دوره بلندمدت نگهداری کند (حداقل برای پنج سال).



• سهام ممتاز که بازده سرمایه‌گذاری این نوع سهام بر اساس جریان نقد منظم و دوره‌ای است و دارای عایدی سرمایه‌ای ناشی از افزایش قیمت نمی‌باشد و انتظاری هم در مورد کسب عایدی سرمایه‌ای در آینده وجود ندارد.

۳۵۳. برای سایر انواع سهام، از جمله وضعیت‌های خرید خالص (که در پاراگراف ۳۴۵ تعریف شد)، پوشش سرمایه‌ای که طبق رویکرد PD/LGD محاسبه می‌شود نمی‌تواند از میزان پوشش سرمایه‌ای محاسبه شده در روش ساده تعیین وزن ریسک که وزن ۲۰۰ درصد را به ابزار مالکانه عمومی و وزن ریسک ۳۰۰ درصد را به سایر سرمایه‌گذاری‌های مشارکتی تخصیص می‌دهد، کمتر باشد.

۳۵۴. حداکثر وزن ریسک برای سرمایه‌گذاری در سهام در رویکرد PD/LGD، برابر با ۱۲۵۰ درصد است. اگر وزن‌ها بر اساس پاراگراف ۳۵۰ محاسبه شده سپس با زیان مورد انتظار این سرمایه‌گذاری‌ها جمع و در عدد ۱۲/۵ ضرب شود و حاصل آن بیشتر از ۱۲۵۰ درصد شود، حد حداکثری این وزن، یعنی همان ۱۲۵۰ درصد، باید مورد استفاده قرار گیرد. بجای استفاده از این روش، بانک‌ها می‌توانند کل مبلغ سرمایه‌گذاری در سهام را با فرض اینکه این مبلغ، زیان مورد انتظار را نشان می‌دهد، به صورت ۵۰ درصد از سرمایه لایه اول و ۵۰ درصد از سرمایه لایه دوم کسر دهند.

۳۵۵. پوشش برای سرمایه‌گذاری در سهام طبق رویکرد PD/LGD، همانند تسهیلات و تعهدات شرکتی، مشروط به در نظر گرفتن زیان با فرض نکول معادل ۹۰ درصد برای تسهیلات مربوط به تأمین‌کننده پوشش می‌باشد. برای این منظور، سرمایه‌گذاری‌ها در سهام باید به عنوان سهامی که دارای سررسید پنج سال است در نظر گرفته شود.

(iii) استثنائاتی در رابطه با رویکرد مبتنی بر بازار و رویکرد PD/LGD

۳۵۶. ابزار مالکانه نهادهایی که تعهدات بدهی آن‌ها طبق رویکرد استاندارد در خصوص ریسک اعتباری، واجد شرایط وزن ریسک صفر درصد می‌شوند، (از جمله نهادهای حمایت شده توسط بخش دولتی که وزن ریسک صفر در مورد آن‌ها مورد استفاده قرار می‌گیرد) را می‌توان با صلاحدید ناظران ملی از رویکردهای IRB در خصوص سرمایه‌گذاری در سهام استثناء کرد. اگر ناظران ملی چنین کاری را انجام دهند، این موضوع برای همه بانک‌ها باید اعمال شود.



۳۵۷. به منظور بهبود بخش‌های خاصی از اقتصاد، ناظران می‌توانند سرمایه‌گذاری‌های مالکانه که طبق برنامه‌های قانونی که سرمایه‌گذاری بانک را تسهیل می‌کند و شامل برخی از شکل‌های نظارت و محدودیت‌های دولتی نسبت به سرمایه‌گذاری و مشارکت در سهام نیز می‌شود را از موضوع محاسبه پوشش سرمایه‌ای در رویکرد IRB مستثنی کنند. مثالی از این محدودیت‌ها عبارت است از محدودیت‌هایی در خصوص اندازه و انواع کسب‌وکارهایی که بانک در آن‌ها سرمایه‌گذاری می‌کند، مبلغ مجاز برای بدست آوردن منافع حاصل از مالکیت، مکان جغرافیایی و سایر عوامل مقتضی که ریسک بالقوه سرمایه‌گذاری را برای یک بانک محدود می‌کند. ابزار مالکانه که طبق قانون سرمایه‌گذاری می‌شوند حداکثر تا ۱۰ درصد مجموع سرمایه لایه اول و دوم از محاسبات رویکردهای IRB مستثنی می‌گردد.

۳۵۸. ناظران همچنین می‌توانند میزان سرمایه‌گذاری یک بانک در سهام را بر اساس اهمیت آن‌ها از ترتیبات مربوط به رویکرد IRB مستثنی کنند. زمانی این سرمایه‌گذاری‌ها مهم به حساب می‌آیند که متوسط ارزش کل آن‌ها در سال گذشته، به غیر از موارد قانونی مطرح شده در پاراگراف ۳۵۷، بیشتر از ۱۰ درصد مجموع سرمایه لایه اول و لایه دوم باشد. اگر در پرتفوی، تعداد سرمایه‌گذاری کمتر از ۱۰ مورد باشد، آستانه اهمیت تعریف شده در بالا به ۵ درصد مجموع سرمایه لایه اول و لایه دوم یک بانک کاهش می‌یابد. ناظران ملی می‌توانند آستانه اهمیت پایین‌تری را نیز بکار گیرند.

۲. اجزاء ریسک

۳۵۹. بطور کلی، شاخص اندازه‌گیری سرمایه‌گذاری در سهام که الزامات سرمایه‌ای بر مبنای آن قرار دارد، ارزشی است که در صورت‌های مالی منعکس می‌شود که با توجه به امور قانونی و حسابداری ملی ممکن است در برگیرنده عواید محقق نشده ناشی از تجدید ارزیابی نیز باشد. بنابراین، به عنوان مثال، شاخص‌های نشان دهنده میزان سرمایه‌گذاری در سهام به شرح زیر خواهند بود:

- برای سرمایه‌گذاری‌هایی که با ارزش منصفانه نشان داده شده و تغییرات در ارزش آن‌ها بطور مستقیم از طریق درآمد بر سرمایه نظارتی تأثیر می‌گذارد، میزان منابع در معرض ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری آن‌ها برابر است با ارزش منصفانه‌ای که در ترازنامه نشان داده می‌شود.
- برای سرمایه‌گذاری‌هایی که با ارزش منصفانه نشان داده شده و تغییرات در ارزش آن‌ها از طریق درآمد ایجاد نشده ولی بر بخش جداگانه‌ای از تسهیلات که با نرخ مالیات تعدیل شده



است تأثیر می‌گذارد، میزان منابع در معرض ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری برابر است با همان ارزش منصفانه‌ای که در ترازنامه نشان داده می‌شود.

- برای سرمایه‌گذاری‌هایی که با هزینه تمام شده یا میزان حداقلی بین بهای تمام شده یا ارزش بازار، نشان داده می‌شود، میزان منابع در معرض ریسک ناشی از سرمایه‌گذاری برابر است با ارزش بهای تمام شده یا ارزش بازاری که در ترازنامه نشان داده می‌شود.^{۸۵}

۳۶۰. سرمایه‌گذاری‌های صندوق‌ها که شامل سرمایه‌گذاری در سهام و در دارایی‌های غیر سهام هستند را می‌توان سرمایه‌گذاری واحد، هرکدام که مبلغ بیشتری را به خود اختصاص داده باشند، در نظر گرفت یا در صورت امکان بر اساس یک رویکرد کلی آن‌ها را به صورت سرمایه‌گذاری‌های جداگانه در نظر گرفت.

۳۶۱. زمانی که وظیفه سرمایه‌گذاری صندوق مشخص باشد، این صندوق را می‌توان همچنان به عنوان سرمایه‌گذاری واحد در نظر گرفت. برای این منظور، فرض بر این است که صندوق بنا بر الزاماتی در ابتدا تا حد ممکن طبق تعهد خود، در دارایی‌هایی که بیشترین الزام سرمایه‌ای را به خود اختصاص می‌دهد، سرمایه‌گذاری می‌کند و سپس به صورت نزولی تا زمانی که کل مبلغ سرمایه‌گذاری انجام شود به سرمایه‌گذاری ادامه می‌دهد. همین روش برای رویکرد کلی نیز می‌توان مورد استفاده قرار داد، اما فقط زمانی می‌توان این کار را انجام داد که بانک همه انواع سرمایه‌گذاری بالقوه صندوق را رتبه‌بندی کرده باشد.

F. قواعدی برای اسناد دریافتنی خریداری شده

۳۶۲. بخش F، روش محاسبه الزام سرمایه‌ای برای زیان غیرمنتظره برای اسناد دریافتنی خریداری شده را نشان می‌دهد. برای این دارایی‌ها، پوشش سرمایه برای ریسک نکول و ریسک کاهش ارزش اسناد دریافتنی طبق رویکرد IRB وجود دارد. بخش III.F.1 نحوه محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک برای ریسک نکول را نشان می‌دهد. محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک برای ریسک ترقیق اسناد دریافتنی در بخش III.F.2 ارائه می‌شود. روش محاسبه زیان‌های مورد انتظار و همچنین تعیین تفاوت بین آن روش و میزان ذخایر در بخش III.G توضیح داده می‌شود.

^{۸۵} این مورد، تأثیری بر موافقت‌نامه سال ۱۹۸۸ که طبق آن ۴۵ درصد عایدات محقق نشده به سرمایه لایه دوم وارد می‌شود، ندارد.



۱. دارایی‌های موزون به ریسک برای ریسک نکول

۳۶۳. در مورد اسناد دریافتنی که قطعاً جزئی از یک طبقه دارایی است، وزن ریسک برای ریسک نکول طبق رویکرد IRB، بر مبنای تابع تعیین وزن ریسک برای تسهیلات و تعهدات خاص می‌باشد. این موضوع زمانی صحیح است که بانک بتواند استانداردهای مربوط به آن تابع تعیین وزن خاص ریسک را دارا باشد. به عنوان مثال، اگر بانک‌ها دارای استانداردهای مربوط به تسهیلات و تعهدات خرد گردان واجد شرایط نباشند (که در پاراگراف ۲۳۴ تعریف شده است)، باید از تابع تعیین وزن ریسک مربوط به سایر تسهیلات و تعهدات خرد استفاده کنند. برای مجموعه‌های ناهمگن که دارای ترکیبی از انواع مختلف تسهیلات و تعهدات هستند، اگر بانک خریدار نتواند انواع تسهیلات و تعهدات را از هم تفکیک کند، تابع تعیین وزن ریسکی که بالاترین الزام سرمایه‌ای را برای این مجموعه ایجاد می‌کند باید بکار گرفته شود.

(i) اسناد دریافتنی خرد خریداری شده

۳۶۴. در مورد اسناد دریافتنی خرد خریداری شده، بانک باید استانداردهای کمی‌سازی ریسک مربوط به تسهیلات و تعهدات خرد را دارا باشد. با این وجود، می‌تواند از داده‌های بیرونی یا داخلی برای تخمین احتمال نکول و زیان با فرض نکول استفاده کند. برآوردهای مربوط به احتمال نکول و زیان با فرض نکول، باید به صورت مستقل برای اسناد دریافتنی مورد محاسبه قرار گیرد. به بیان دیگر، این کار باید بدون توجه به هر گونه فرض مربوط به حق رجوع یا تضمین فروشنده یا اشخاص دیگر انجام پذیرد.

(ii) اسناد دریافتنی شرکتی خریداری شده

۳۶۵. در مورد اسناد دریافتنی شرکتی خریداری شده، انتظار می‌رود که بانک خریدار استانداردهای فعلی کمی‌سازی ریسک در روش IRB برای رویکرد پایین به بالا را بکار گیرد. با این وجود، برای اسناد دریافتنی شرکتی خریداری شده واجد شرایط و منوط به اجازه نظارتی، بانک می‌تواند رویه‌های بالا به پایین به شرح زیر را برای محاسبه وزن‌های ریسک به روش IRB در خصوص ریسک نکول استفاده کند:

- بانک خریدار، زیان مورد انتظار یکساله در خصوص ریسک نکول را به صورت درصدی از میزان منابع برآورد خواهد کرد (به عبارت دیگر، کل منابع در معرض نکول بانک که ناشی از همه متعهدین مربوط به مجموعه اسناد دریافتنی می‌باشد). زیان مورد انتظار تخمین زده شده، باید به صورت مستقل برای اسناد دریافتنی مورد محاسبه قرار گیرد. به بیان دیگر، این کار باید بدون توجه به هر گونه فرض مربوط به حق رجوع یا تضمین فروشنده یا اشخاص دیگر انجام پذیرد.



ترتیبات مربوط به حق رجوع یا تضمین‌های مربوط به پوشش ریسک نکول (و یا ریسک تریقیق این اسناد) در ادامه بطور جداگانه مطرح می‌شود.

- با فرض وجود برآورد زبان‌های مورد انتظار ناشی از زیان‌های نکول مجموعه اسناد دریافتنی، وزن ریسک برای ریسک نکول از طریق تابع تعیین وزن مربوط به تسهیلات و تعهدات شرکتی تعیین می‌گردد^{۸۶}. همان‌طور که در ادامه توضیح داده می‌شود، محاسبه دقیق وزن‌های ریسک برای ریسک نکول، به توانایی بانک در تفکیک زیان مورد انتظار به دو جزء احتمال نکول و زیان با فرض نکول با استفاده از یک روش مناسب بستگی دارد. بانک‌ها می‌توانند اطلاعات داخلی و خارجی را برای تخمین احتمال نکول و زیان با فرض نکول مورد استفاده قرار دهند. با این وجود، رویکرد پیشرفته برای بانک‌هایی که از رویکرد پایه برای محاسبه تسهیلات و تعهدات شرکتی استفاده می‌کنند، قابل استفاده نیست.

- ترتیبات مربوط به رویکرد IRB پایه

۳۶۶. اگر بانک خریدار در تفکیک زیان مورد انتظار به دو جزء احتمال نکول و زیان با فرض نکول با یک روش معتبر ناتوان باشد، وزن ریسک با استفاده از تابع تعیین وزن ریسک تسهیلات و تعهدات شرکتی با توجه به موارد زیر تعیین می‌گردد: اگر بانک بتواند نشان دهد که تسهیلات و تعهدات نسبت به تسهیلات شرکتی در اولویت هستند، آن‌گاه LGD معادل ۴۵ درصد را می‌توان مورد استفاده قرار داد. احتمال نکول از طریق تقسیم زیان مورد انتظار به LGD محاسبه خواهد شد. منابع در معرض نکول از طریق کسر میزان پوشش سرمایه‌ای کاهش ارزش اسناد دریافتنی (Kdilution) از مبلغ باقی مانده، قبل از کاهش ریسک اعتباری بدست می‌آید. در غیر اینصورت، احتمال نکول برابر خواهد بود با برآورد بانک از زیان مورد انتظار؛ زیان با فرض نکول ۱۰۰ درصد؛ و منابع در معرض نکول برابر خواهد بود با مبلغ باقی مانده منهای Kdilution. منابع در معرض نکول برای تسهیلات خرید گردان برابر است با مجموع مبلغ جاری اسناد دریافتنی خریداری شده به اضافه ۷۵ درصد تعهدات خریدی که ایفا نشده منهای Kdilution. اگر بانک خریدار قادر به تخمین احتمال نکول با یک روش قابل اتکا باشد، وزن ریسک از طریق تابع تعیین ریسک تسهیلات شرکتی تعیین می‌شود. این امر بر مبنای نحوه تعیین ارزش زیان با فرض نکول، زمان تا

^{۸۶} تعدیلات مربوط به اندازه شرکت‌ها برای نهادهای کوچک و متوسط، بر اساس پاراگراف ۲۷۳، از طریق محاسبه میانگین موزون مبلغ اسناد دریافتنی خریداری شده شرکتی انجام می‌گیرد. اگر بانک اطلاعاتی برای محاسبه اندازه متوسط مجموعه در اختیار نداشته باشد، ترتیبات مربوط به اندازه شرکت مورد استفاده قرار نخواهد گرفت.



سررسید و نحوه برخورد به ضمانت‌ها در رویکرد پایه، همان‌طور که در پاراگراف‌های ۲۸۷ تا ۲۹۹،۲۹۶، ۳۰۰ تا ۳۰۵ و ۳۱۸ مطرح شده است می‌باشد.

- رویکرد IRB پیشرفته

۳۶۷. اگر بانک خریدار بتواند میانگین نرخ زیان موزون به نکول مجموعه (که در پاراگراف ۴۶۸ تعریف شده است) یا میانگین احتمال نکول در روش قابل اتکا را برآورد کند، می‌تواند سایر پارامترها را بر اساس برآورد نرخ زیان بلندمدت تخمین زند. بانک می‌تواند یکی از موارد زیر را انجام دهد: (۱) تخمین مناسبی از احتمال نکول را برای استنتاج میانگین نرخ زیان موزون به نکول استفاده کند یا اینکه (۲) از میانگین نرخ زیان بلندمدت موزون به نکول به عنوان تقریبی برای احتمال نکول مناسب استفاده کند. در هر صورت، باید به این موضوع آگاه بود که زیان با فرض نکول استفاده شده برای محاسبه سرمایه در رویکرد IRB در خصوص اسناد دریافتی خریداری شده، نمی‌تواند کمتر از میانگین نرخ زیان موزون به نکول بلندمدت بوده و باید با مفاهیم توضیح داده شده در پاراگراف ۴۶۸ سازگار باشد. وزن ریسک برای اسناد دریافتی خریداری شده با استفاده از احتمال نکول و زیان با فرض نکول برآوردی توسط بانک که داده های ورودی برای تعیین وزن ریسک تسهیلات و تعهدات شرکتی است، تعیین خواهد شد. همانند ترتیبات موجود در رویکرد IRB پایه، منابع در معرض نکول برابر است با مانده منابع منهای Kdilution. منابع در معرض نکول برای تسهیلات خرید گردان برابر خواهد بود با جمع مبلغ فعلی اسناد دریافتی خریداری شده به اضافه ۷۵ درصد هر نوع تعهد خریدی که ایفا نشده منهای Kdilution (بنابراین، بانک‌هایی که از رویکرد IRB پیشرفته استفاده می‌کنند مجاز به استفاده از برآوردهای خود از منابع در معرض نکول برای تعهدات خرید تحقق نیافته نخواهند بود).

۳۶۸. برای مبالغ استفاده شده، سررسید برابر است با میانگین سررسید مؤثر موزون به تسهیلات و تعهدات (به شرح مندرج در پاراگراف‌های ۳۲۰ تا ۳۲۴). سررسید مؤثر همچنین برای تسهیلات خرید استفاده نشده در چارچوب تسهیلات خرید تعهد شده با این فرض که این تسهیلات شامل شروط مؤثر، تسویه پیش از موعد یا سایر ویژگی‌هایی که بانک خریدار را در برابر کاهش شدید کیفیت اسناد دریافتی آتی در تعهد خرید بانک بر اساس شرایط قرارداد، حفظ نماید، می‌باشد. با فقدان چنین حمایتی از بانک، سررسید مبالغ [تعهدات] ایفا نشده برابر خواهد بود با جمع بلندمدت‌ترین اسناد دریافتی در موافقت‌نامه خرید و زمان تا سررسید باقی مانده تسهیلات خرید.



۲. دارای‌های موزون به ریسک برای ریسک ترقیق

۳۶۹. این موضوع به امکان کاهش مبلغ اسناد دریافتی از طریق اعطای اعتبارات نقدی یا غیرنقدی به متعهد اسناد دریافتی مربوط می‌شود.^{۸۷} برای اسناد دریافتی شرکتی و خرد، به استثناء مواردی که بانک می‌تواند به ناظران نشان دهد که ریسک ترقیق برای بانک خریدار ناچیز است، بانک خریدار باید در خصوص کل مجموعه (رویکرد بالا به پایین) یا اسناد دریافتی به صورت انفرادی که مجموعه‌ای از اسناد را ایجاد می‌کنند (رویکرد پایین به بالا)، زیان مورد انتظار یکساله برای ریسک ترقیق را برآورد کرده و به صورت درصدی از کل مبلغ اسناد دریافتی بیان کند. بانک‌ها می‌توانند از داده‌های بیرونی یا داخلی برای برآورد زیان مورد انتظار استفاده کنند. همانند ترتیبات مربوط به ریسک نکول، این برآورد باید به صورت مستقل مورد محاسبه قرار گیرد. به بیان دیگر، این کار باید بدون توجه به هر گونه فرض مربوط به حق رجوع یا حمایت فروشنده یا تضمین اشخاص ثالث انجام پذیرد. به منظور محاسبه وزن‌های مربوط به ریسک ترقیق، تابع تعیین وزن ریسک اسناد دریافتی شرکتی باید با توجه به موارد زیر مورد استفاده قرار گیرد: احتمال نکول باید برابر با زیان مورد انتظار بوده و زیان با فرض نکول هم باید برابر با ۱۰۰ درصد قرار گیرد. در زمان تعیین الزامات سرمایه در خصوص ریسک ترقیق، ترتیبات مناسب مربوط به سررسید باید مورد استفاده قرار گیرد. اگر بانکی بتواند نشان دهد که ریسک ترقیق بدرستی پایش و مدیریت شده به نحوی که طی یک سال حذف شود، ناظران می‌توانند بانک را مجاز کنند که سررسید را یک سال در نظر گیرند.

۳۷۰. این ترتیبات بدون توجه به اینکه اسناد دریافتی مورد نظر جزء اسناد شرکتی یا خرد باشند و بدون توجه به اینکه وزن‌های مربوط به ریسک نکول، با استفاده از رویکرد استاندارد IRB یا با استفاده از رویکرد بالا به پایین برای اسناد دریافتی شرکتی، محاسبه شده باشد یا خیر؛ مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

^{۸۷} به عنوان مثال، تسویه یا پرداخت پول بابت بازگرداندن کالای فروخته شده، اختلاف نظر در مورد کیفیت کالا، بدهی‌های احتمالی قرض‌گیرنده به یکی از بدهکاران و هر نوع پرداخت و تخفیفی که توسط قرض‌گیرنده پیشنهاد شود (به عنوان مثال اعتباری برای پرداخت‌های قبل از ۳۰ روز).



۳. ترتیبات مربوط به تنزیل قیمت خرید برای اسناد دریافتنی

۳۷۱. در بسیاری از موارد، قیمت خرید اسناد دریافتنی یک مفهوم تنزیل را نشان می‌دهد (که نباید با مفهومی که در پاراگراف‌های ۳۰۸ تا ۳۳۴ توضیح داده شد اشتباه گرفته شود) که برای زیان نکول، زیان ترقیق یا برای هر دو، اولین سطح پوشش زیان را فراهم می‌کند (به پاراگراف ۶۲۹ مراجعه شود). جایی که بخشی از این تنزیل قیمت خرید به فروشنده برگردانده شود، این مبلغ را می‌توان به عنوان اولین سطح پوشش زیان در چارچوب اوراق بهادار سازی در رویکرد IRB در نظر گرفت. تنزیل‌های قیمت خرید غیرقابل برگشت اسناد دریافتنی، تأثیری بر محاسبات مربوط به تعیین ذخیره برای زیان مورد انتظار مطروحه در بخش III.G یا محاسبه دارای‌های موزون به ریسک ندارد.

۳۷۲. در مواقعی که وثایق یا تضامین بخشی دریافت شده برای اسناد دریافتنی، اولین سطح پوشش زیان را ایجاد کند (در این پاراگراف به عنوان «کاهنده ریسک» مورد اشاره قرار می‌گیرد) و این کاهنده‌های ریسک، زیان نکول، زیان ترقیق یا هر دو را پوشش دهند، آن‌ها نیز به عنوان اولین سطح پوشش زیان در چارچوب اوراق بهادار سازی در رویکرد IRB باید در نظر گرفته شود (به پاراگراف ۶۲۹ مراجعه شود). زمانی که کاهنده‌های ریسک مشابهی، ریسک‌های نکول و ترقیق را پوشش دهند، بانک‌هایی که از فرمول نظارتی استفاده کرده و قادر به محاسبه زیان با فرض نکول موزون به تسهیلات و تعهدات هستند باید همانند پاراگراف ۶۳۴ عمل کنند.

۴. شناسایی کاهنده‌های ریسک اعتباری

۳۷۳. کاهنده‌های ریسک اعتباری به‌طور کلی با استفاده از همان چارچوب مذکور در پاراگراف‌های ۳۰۰ تا ۳۰۷ شناسایی خواهند شد^{۸۸}. به‌طور خاص، تضمینی که توسط فروشنده یا یک شخص ثالث فراهم می‌شود بر اساس قواعد موجود IRB در خصوص تضامین بدون توجه به اینکه این تضمین، ریسک نکول، ریسک کاهش یا هر دو را پوشش می‌دهد یا خیر، در نظر گرفته خواهد شد.

- اگر تضمین هم ریسک نکول و هم ریسک ترقیق مجموعه را پوشش دهند، بانک وزن ریسک برای یک مورد از منابع در معرض ریسک در رابطه با ضامن را به جای وزن ریسک کل مجموعه برای ریسک نکول و ریسک ترقیق جایگزین خواهد کرد.

^{۸۸} طبق صلاحدید ناظران ملی، بانک‌ها می‌توانند بر اساس رویکرد IRB پایه و به منظور تعیین سرمایه مورد نیاز برای ریسک ترقیق، ضامنینی را بپذیرند که بصورت داخلی رتبه‌بندی شده و دارای احتمال نکول کمتر از A- باشند.



- اگر تضمین فقط ریسک نکول یا ریسک ترفیق و نه هر دو را پوشش دهند، بانک وزن ریسک برای یک مورد از منابع در معرض ریسک در رابطه با تضمین را به جای وزن ریسک کل مجموعه برای جزء ریسک متناظر (ریسک نکول یا ریسک ترفیق) جایگزین خواهد کرد. سپس، سرمایه موردنیاز برای جزء دیگر اضافه خواهد شد.
- اگر تضمین فقط بخشی از ریسک نکول و یا ریسک ترفیق را پوشش دهد، بخش بدون پوشش به عنوان هر یک از قواعد CRM موجود در خصوص پوشش نسبی یا طبقه‌ای، در نظر گرفته می‌شود (به عبارت دیگر، وزن‌های اجزاء ریسک بدون پوشش به وزن‌های اجزاء ریسک دارای پوشش اضافه خواهد شد).

۳۷۳(i). اگر پوشش مربوطه در خصوص ریسک ترفیق خریداری شده باشد و شرایط پاراگراف‌های ۳۰۷(i) و ۳۰۷(ii) رعایت شود، چارچوب نکول مضاعف می‌تواند برای محاسبه دارایی‌های موزون به ریسک در خصوص ریسک ترفیق مورد استفاده قرار گیرد. در این مورد، موارد مطرح در پاراگراف‌های ۲۸۴(i) تا ۲۸۴(iii) با قرار دادن احتمال نکول متعهد برابر با زیان مورد انتظار برآورده شده، زیان با فرض نکول ضامن معادل ۱۰۰ درصد و تعیین سررسید مؤثر بر اساس پاراگراف ۳۶۹، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

G. ترتیبات مربوط به زیان‌های مورد انتظار و شناسایی میزان ذخایر

۳۷۴. بخش III.G روشی را بیان می‌کند که تفاوت بین ذخایر (به عنوان مثال ذخایر خاص، ذخایر عمومی برای یک پرتفوی معین از قبیل ذخایر مربوط به ریسک کشوری یا ذخایر عمومی) و زیان مورد انتظار بر اساس پاراگراف ۴۳ می‌تواند در سرمایه نظارتی لحاظ گردد یا باید از آن کسر شود.

۱. محاسبه زیان مورد انتظار

۳۷۵. بانک باید مقدار زیان مورد انتظار را (که عبارت است از زیان مورد انتظار ضربدر منابع در معرض نکول) با منابع در معرض ریسک مربوطه (به غیر از زیان مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری در سهام در رویکرد PD/LGD و منابع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادار سازی) به منظور بدست آوردن زیان مورد انتظار کل، جمع کند. در صورتی که زیان مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری در سهام در رویکرد PD/LGD جزئی از کل مبلغ مربوط به زیان مورد انتظار در نظر گرفته نمی‌شود، موارد مندرج در



پاراگراف‌های ۳۷۶ و ۳۸۶ برای این نوع منابع در معرض ریسک اعمال می‌شود. ترتیبات مربوط به زیان مورد انتظار برای منابع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادار سازی در پاراگراف ۵۶۳ توضیح داده می‌شود.

(i) زیان مورد انتظار برای منابع در معرض ریسک به غیر از تسهیلات ویژه موضوع معیارهای دسته‌بندی نظارتی

۳۷۶. بانک باید زیان مورد انتظار را از طریق ضرب احتمال نکول در زیان با فرض نکول برای تسهیلات و تعهدات شرکتی، دولتی، بانکی و خردی که نکول نشده و به عنوان منابع دارای پوشش در رویکرد نکول مضاعف در نظر گرفته نشده‌اند، محاسبه کند. برای منابع در معرض ریسک شرکتی، دولتی، بانکی و خرد که در وضعیت نکول قرار دارند، بانک‌ها باید از بهترین برآورد خود از زیان مورد انتظار همان‌طور که در پاراگراف ۴۷۱ بیان شده استفاده کنند و بانک‌هایی که طبق رویکرد پایه عمل می‌کنند باید از زیان با فرض نکول نظارتی استفاده کنند. در مورد منابع در معرض ریسک ناشی از تسهیلات ویژه مشروط به رعایت معیارهای دسته‌بندی نظارتی، زیان مورد انتظار بر اساس پاراگراف‌های ۳۷۷ و ۳۷۸ محاسبه می‌شود. برای سرمایه‌گذاری در سهام طبق رویکرد PD/LGD، زیان مورد انتظار به‌شکل PDxLGD محاسبه شده مگر اینکه موارد مطرح شده در پاراگراف‌های ۳۵۱ تا ۳۵۴ موضوعیت پیدا کنند. منابع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادار سازی، همان‌طور که در پاراگراف ۵۶۳ مطرح شده است، بر مقدار زیان مورد انتظار تأثیری ندارد. در مورد سایر منابع در معرض ریسک، از جمله منابع در معرض ریسک پوشش داده شده طبق چارچوب نکول مضاعف، زیان مورد انتظار صفر است.

(ii) زیان مورد انتظار برای منابع در معرض ریسک ناشی از تسهیلات ویژه موضوع معیارهای دسته‌بندی نظارتی

۳۷۷. برای منابع در معرض ریسک ناشی از تسهیلات ویژه موضوع معیارهای دسته‌بندی نظارتی، مقدار زیان مورد انتظار از طریق ضرب عدد ۸ درصد در دارایی‌های موزون به ریسک حاصل از وزن‌های ریسک مناسب به شرح جدول زیر، و در مبلغ زیان با فرض نکول ضرب می‌گردد، بدست می‌آید.

- طبقات نظارتی و اوزان ریسک زیان مورد انتظار برای سایر منابع در معرض ریسک ناشی از تسهیلات ویژه

۳۷۸. وزن ریسک برای تسهیلات ویژه به غیر از املاک تجاری پرنوسان به شرح زیر می‌باشد:



نکول	ضعیف	قابل قبول	خوب	قوی
%۶۲۵	%۱۰۰	%۳۵	%۱۰	%۵

طبق صلاحدید ملی، در مواردی که ناظران به بانکها اجازه تخصیص وزنهای ریسک ترجیحی را به سایر منابع در معرض ریسک ناشی از تسهیلات ویژه "قوی" و "خوب" مطرح شده در پاراگراف ۲۷۷ می‌دهد، وزن ریسک زیان مورد انتظار مربوطه برای تسهیلات و تعهدات قوی برابر با صفر درصد و برای تسهیلات و تعهدات خوب معادل پنج درصد می‌باشد.

– طبقات نظارتی و اوزان ریسک زیان مورد انتظار برای املاک تجاری پرنوسان

۳۷۹. وزن ریسک برای تسهیلات املاک تجاری پرنوسان به شرح زیر می‌باشد:

نکول	ضعیف	قابل قبول	خوب	قوی
%۶۲۵	%۱۰۰	%۳۵	%۵	%۵



طبق صلاحدید ملی، در مواردی که ناظران به بانکها اجازه تخصیص وزن‌های ریسک ترجیحی را به تسهیلات املاک تجاری پرنوسان "قوی" و "خوب" مطرح شده در پاراگراف ۲۸۲ می‌دهد، وزن ریسک زیان مورد انتظار مربوطه برای هر دو طبقه تسهیلات و تعهدات قوی و خوب بدون تغییر همان پنج درصد می‌باشد.

۲. محاسبه ذخایر

(i) محاسبه ذخایر برای منابع در معرض ریسک طبق رویکرد IRB

۳۸۰. ذخایر واجد شرایط به عنوان مجموع کل ذخایری (به عنوان مثال ذخایر خاص، کسورات بخشی، ذخایر عمومی و پرتفوی خاص مانند ذخایر مربوط به ریسک کشوری یا ذخایر عمومی) که جزء منابع در معرض ریسکی که در رویکرد IRB مورد بررسی قرار می‌گیرند، تعریف می‌گردد. علاوه بر این، کل منابع در معرض نکول واجد شرایط می‌تواند شامل تخفیف‌هایی نسبت به دارایی‌های نکول شده باشد. ذخایر خاص که برای سرمایه‌گذاری در سهام و اوراق بهادارسازی دارایی‌ها در نظر گرفته می‌شود، نباید به ذخایر کل واجد شرایط اضافه شود.

(ii) محاسبه ذخایر برای بخشی از منابع در معرض ریسک در خصوص ریسک اعتباری طبق رویکرد استاندارد

۳۸۱. بانک‌هایی که از رویکرد استاندارد برای بخشی از منابع در معرض ریسک اعتباری خود، بر اساس دوره گذار (مندرج در پاراگراف‌های ۲۵۷ و ۲۵۸) یا به صورت دائمی مشروط بر اینکه منابع در معرض ریسک مربوط به رویکرد استاندارد، ناچیز باشد (طبق پاراگراف ۲۵۹) استفاده می‌کنند، باید آن قسمتی از ذخایر عمومی موضوع رویکرد استاندارد یا IRB را (طبق پاراگراف ۴۲) بر اساس روشی که در پاراگراف‌های ۳۸۲ و ۳۸۳ بیان شده تعیین کنند.

۳۸۲. بانک‌ها باید بطور کلی ذخایر عمومی کل را بر اساس نسبت دارایی‌های موزون به ریسک در رویکردهای استاندارد و IRB، تعیین کنند. با این وجود، زمانی که یک رویکرد تعیین دارایی‌های موزون به ریسک در خصوص ریسک اعتباری (به عنوان مثال در رویکرد استاندارد یا IRB) به صورت اختصاصی در یک نهاد مورد استفاده قرار می‌گیرد، ذخایر عمومی ثبت شده در آن نهاد با استفاده از رویکرد استاندارد را می‌توان به ترتیبات مربوط به این رویکرد نسبت داد. به‌طور مشابه، ذخایر عمومی ثبت شده در یک نهاد با



استفاده از رویکرد IRB را می‌توان به کل ذخایر واجد شرایط همان‌طور که در پاراگراف ۳۸۰ تعریف شده، نسبت داد.

۳۸۳. طبق صلاحدید نظارتی ملی، بانک‌هایی که هر دو رویکرد استاندارد و IRB را مورد استفاده قرار می‌دهند می‌توانند از روش‌های داخلی خود برای تخصیص ذخایر عمومی به منظور شناسایی آن‌ها در سرمایه در هر دو رویکرد، مشروط به شرایط زیر، استفاده کنند. زمانی که استفاده از روش تخصیص داخلی امکان‌پذیر باشد، ناظر ملی استانداردهایی را در خصوص این روش تعیین می‌کند. بانک‌ها ملزم خواهند بود که تأیید قبلی ناظران خود برای استفاده از روش تخصیص داخلی را داشته باشند.

۳. ترتیبات مربوط به زیان مورد انتظار و ذخایر

۳۸۴. همان‌طور که در پاراگراف ۴۳ مطرح گردید، بانک‌هایی که از رویکرد IRB استفاده می‌کنند باید میزان کل ذخایر واجد شرایط (طبق پاراگراف ۳۸۰) را با میزان کل زیان مورد انتظار محاسبه شده طبق رویکرد IRB (به شرح پاراگراف ۳۷۵) مقایسه کنند. به علاوه، زمانی که بانک از هر دو رویکرد استاندارد و IRB استفاده می‌کند، ترتیبات مربوط به آن بخش مشمول رویکرد استاندارد در خصوص ریسک اعتباری، توسط پاراگراف ۴۲ ارائه می‌گردد.

۳۸۵. زمانی که میزان زیان مورد انتظار محاسبه شده کمتر از ذخایر بانک باشد، ناظران باید قبل از اینکه اجازه دهند این مازاد به سرمایه لایه ۲ اضافه شود، بررسی کنند که آیا این زیان به‌طور کامل شرایط بازار فعالیت بانک را نشان می‌دهد یا خیر. اگر ذخایر خاص بیشتر از زیان مورد انتظار ناشی از دارایی‌های نکول شده باشد، این ارزیابی باید قبل از استفاده از این تفاوت برای پوشش زیان مورد انتظار ناشی از دارایی‌های نکول نشده انجام پذیرد.

۳۸۶. زیان مورد انتظار ناشی از سرمایه‌گذاری در سهام در رویکرد PD/LGD، به میزان ۵۰ درصد از سرمایه لایه ۱ و ۵۰ درصد از سرمایه لایه ۲ کسر می‌شود. ذخایر یا کسورات این سرمایه‌گذاری‌ها در این رویکرد در محاسبه ذخیره زیان مورد انتظار مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. ترتیبات مربوط به زیان مورد انتظار و ذخایر در خصوص منابع در معرض ریسک ناشی از اوراق بهادار سازی در پاراگراف ۵۶۳ بیان شده است.